فهرست

1- صیغه وقف

عدم کفایت نیت در وقف

1. مستدعی است نظر فقهی خود را درباره زمینی که با پول شخصی خود خریداری نموده ام و کلیه اسناد آن به نام اینجانب ثبت می‌باشد که اندرونی آن جهت اسکان شخصی خود و بیرونی آن جهت تدریس و بحث که شبیه مدرسه و حسینیه باشد . آیا با چنین نیتی زمین مزبور وقف می‌شود یا به ملکیت شخصی خود باقی می‌ماند؟ ضمناً موقتاً دو اتاق از پول خود در آن ساخته‌ام.

جواب: مجرد قصد احداث بنا در قسمتی از زمین جهت تدریس و بحث علمی در آن کافی برای حصول وقفیت آن نیست و تا وقف به وجه شرعی متحقق نشود زمین و بناء احداثی در آن باقی بر ملک مالک است.

کفایت صیغه وقف به هر زبان

2. پدر بزرگ حقیر حدوداً هفتاد سال پیش باغ انگوری را وقف کرده‌اند و چند سال پیش از دنیا رفته‌اند و فعلاً این موقوفه در اختیار پدر من می‌باشد ، که به خاطر ضعف توان احیاء آن را ندارد و اگر همینطوری بماند خراب می‌شود و از بین می‌رود و دیگر کسی به اجاره آبادش نمی‌کند ، و مسئولیت نمی‌پذیرد آیا می‌توان این باغ را فروخت و پولش را به تشکیلات امام حسین (ع) بدهند یا نمی‌توانند بفروشند ، خواهشمندم حکم مسأله را بیان فرمائید.
ضمناً متذکر می‌شوم که ایشان با زبان آذری وقف کرده اند و با صیغه مخصوص اداء نکرده اند بلکه گفته اند من این باغ را وقف کردم تا هر چقدر درآمد داشته باشد صرف مخارج امام حسین (ع) بشود.

جواب: وقف قابل خرید و فروش نیست ، و هرگونه تصرف در وقف باید زیر نظر متولی شرعی موقوفه باشد، و اگر هنگام وقف شرط مباشرت نشده باشد و متولی مایل باشد می‌تواند وکیل بگیرد ، و در صورتی که متولی خاص نداشته باشد تولیت با حاکم شرع است ، و به هر زبانی وقف کرده باشد و تحویل متولی وقف داده باشد صحیح است و باید طبق آن عمل شود.

کتابت وقف‌نامه توسط غیر

3. به لحاظ اینکه اینجانب قصد حبس نمودن ملکی را داشته‌ام وقف نامه برایم نوشته‌اند، ولی نویسنده آن به طور وقف آن را تنظیم کرده و بنده را هم تولیت قرار داده و نوشته توسط من خانه قبض گردید خانه اکنون تحویل من است و من تصمیم داشتم آن را در وقت ثبت به طور حبس ثبت نمایم. آیا با توجه به اینکه نویسنده وقف نامه مرا از چگونگی این وقفنامه آگاه نکرده، و با توجه به اینکه من این وقفنامه را اصلی ندانسته و ثبت آن را اصلی می‌دانستم که در وقت ثبت آن را حبس ثبت نمودم آیا تکلیف چیست لطفاً مرقوم فرمائید.

جواب: اگر قصد وقف نداشته اید وقف نشده است.

انشاء وقف بصورت موقت و معلق

4. آیا جایز است مکانی برای مدّت موقتی مثلا ده سال به عنوان مسجد وقف شود و بعد از انقضای این مدّت دوباره به ملکیّت واقف یا ورثه او برگردد؟

جواب: این کار به عنوان وقف موقت صحیح نیست و عنوان مسجدیت هم با آن محقق نمی شود ، ولی حبس آن مکان برای نمازگزاران به مدّت معین اشکال ندارد .

5. شخصی کتابخانه خود را بر اولاد ذکورش وقف کرده است ، ولی هیچ یک از اولاد و نوه های او موفق به تحصیل علوم دینیه نشده اند و در نتیجه استفاده ای از کتابخانه نمی کنند و موریانه مقداری از کتابهای آن را از بین برده و بقیه هم در معرض تلف شدن هستند ، آیا جایز است آن را بفروشد؟

جواب: اگر وقف کتابخانه بر اولاد او مشروط و معلق به این امر باشد که آنها اشتغال به تحصیل علوم دینیه داشته باشند و داخل در سلک علمای دین شوند، این وقف به علت وجود تعلیق در آن از اصل باطل است و اگر وقف آنان کرده تا از آن استفاده کنند، ولی در حال حاضر کسی که بتواند از آن کتابخانه استفاده کند در بین آنها وجود ندارد و امیدی به تحقق این صلاحیت در آینده نیست ، در این صورت وقف مزبور صحیح است و جایز است که آنان کتابخانه را در معرض استفاده کسانی قرار دهند که قابلیت استفاده از آن را دارند و همچنین اگر کتابخانه برای استفاده کسانی وقف شده باشد که صلاحیت آن را دارند، و تولیت وقف با اولاد او باشد ، واجب است آن را در معرض استفاده افراد مذکور قرار دهند ، و به هر حال حق فروش آن را ندارند و بر متولی شرعی واجب است به نحو مناسبی ، مانع آسیب دیدن و از بین رفتن موقوفه گردد .

وقف ایقاع است نه عقد

6. وقف عقد است یا ایقاع مثلاً اگر در وقف محصور، چیزی را به کسی وقف کنند او می‌تواند رد کند؟

جواب: وقف ایقاع است ولی در صحّت وقف، قبض موقوف علیه شرط است، فلذا در فرض سؤال اگر شخص «ب» عین موقوفه را تحویل نگیرد، وقف محقق نمی‌شود.

2- وقف معاطاتی

صحت وقف معاطاتی فقط در مصالح عامه

7. در وقف آیا وقف معاطات صحیح است؟

جواب: وقف معاطاتی در مصالح عامه صحیح است.

8. آیا در موارد وقف باید حتماً صیغه وقف به عربی خوانده شود و یا نیت وقف از سوی بانی کافی است؟

جواب: دروقف برمصالح عامه معاطات کافی است ، و در صیغه وقف عربیت شرط نیست.

مواردی از وقف معاطاتی

9. آیا احکام مسجد صرفاً با خواندن صیغه مسجد لازم الاجراء است؟

جواب: احداث مکانی به نام مسجد و واگذار کردن آن به نمازگزاران و خواندن ولو دو رکعت نماز ، در تحقق وقفیّت آن کفایت می‌کند.

10. احتراماً ، مستدعی هستم به این چند مسئله شرعی پاسخ فرمایید تا راه گشای مؤمنین شود.
اجناسی را به مسجد می دهند تا در آن مکان مورد استفاده قرار گیرد و نیت وقف هم دارند.
الف: آیا برای وقف آنها خواندن صیغه وقف نیاز است یا نه؟
ب: آیا می توان این اجناس را کرایه داد و پول کرایه را صرف مسجد نمود؟

جواب: الف: نیاز نیست.
ب: اگر وقف شده که در مسجد از آن استفاده شود جایز نیست.

11. شخصی یک قسمت از خانه مسکونی خودش که دو طبقه بود وقف برای مدرسه حفاظت الایمان نمود ، مومنین و فامیل‌های خود را به خانه خود دعوت نموده و همه آنها را به این وقف مطلع کرده . همه حضار مجلس به گفتن این حرف به صلوات بر محمد و آل محمد (ص) استقبال کردند بعد به حضار گفت: «مدرسه‌ای که از قبل در مسجد ادامه دارد به خانه وقفی خود که امروز وقف کردم انتقال دهم». یک هیئت مدیره را هم تشکیل داد ، بعد از یک ماه داماد و هیئت مدیره مدرسه در دفتر دولتی آن شهر این وقف را رسماً ثبت کردند و واقف روی هر صفحه امضاء نمود. در حال حاضر واقف مرحوم شده ، داماد او می‌گوید طبق سند پزشکی واقف صحیح الدماغ نبوده لذا وقف صحیح نیست. از وقفنامه اثبات نمی‌شود که صیغه وقف خوانده شده است. داماد مذکور از بعضی از علماء فتوای عدم وقف را گرفته است این علماء بر قول داماد مذکور اعتماد نمودند و بدون استفسار از هیئت مدیره مدرسه و دختر و زوجه واقف فتوای عدم اثبات وقف را دادند.
الف) تکلیف شرعی هیئت مدیره چیست آیا از وقف دست برداشته شود وقتی که دادگاه هند در حق داماد قضاوت کند و لازم به ذکر است که دولت ، دولت کفر است؟
ب) آنهایی که از حقیقت وقف با خبرند و بر وقف بودن ساختمان یقین دارند آیا برای آنها جایز است که از داماد مذکور قطع معاشرت بکنند یا خیر؟
ج) نماز خواندن در آن ساختمان وقف برای غاصب چه حکم دارد ؟
د) آیا صیغه خواندن در عربی شرط واجب ا ست یا در هر زبانی این مفهوم را اداء کردن کفایت می‌کند؟
هـ) وقتی مؤمنین و فامیلهای واقف شهادت می‌دهند که واقف صحیح الدماغ بوده و در مقابل داماد مذکور و دخترش به خاطر این ملک اختلال ذهنی واقف را اثبات می‌کنند تقدم بر قول چه کسی است ؟

جواب: در فرض مذکوراگر به نحو معاطات به اینکه تحویل متولی یا موقوف علیهم داده شود بعنوان وقف، صحیح است و بعد از تحقق وقف و شیاع آن هر ادعائی بر عدم صحت وقف مسموع نیست.

12. زمینی را مالک برای دفن اموات مسلمین در معرض دفن قرار داده و به مرور زمان اموات دفن گردیده است و از اینکه هیچ گونه ردع و منعی از هیچ کس نسبت به دفن در تاریخ ثبت نگردیده و از شواهد و قرائن تاریخی هم اطمینان حاصل می گردد که مالک قصد تحبیس و وقف زمین را برای این عمل داشته است ، الحال ارشاد فرمائید که آیا با دفن اموات در زمین مذکور وقفیت آن تحقق پیدا می کند یا خیر؟
و به عبارت دیگر با دفن اموات در زمین موصوف الذکر وقفیت گورستان ثابت می گردد یا خیر؟

جواب: اگر مالک زمین را به نیت وقف برای دفن اموات مسلمین در اختیار دیگران قرارداده باشد و با اذن او اموات در آن دفن شده باشند زمین مذکور حکم وقف را دارد.

13. چند سال پیش یک خانه قدیمی خریدم و پس از انهدامش در آن ساختمان حسینیه ای دارای محراب و منبر و جایگاه مخصوص آقایان و خانمها با پول شخصی خودم ساختم و همه ساله در مناسبتهای مذهبی مراسم جشن و عزاداری در آن برگزار می‌شده است و نماز جماعت ظهرین و مغربین در آن دائر بوده است ، و حدود سه سال به عنوان حسینیه عمومی مورد استفاده طلاب و مؤمنین بوده است . البته در اثر عدم واقفیت از مسائل شرعی صیغه وقف را نخواندیم ولی عملاً وقف بوده است و لذالک در اثر جهل به مسأله شرعی و از آنجا که با پول شخصی ساخته بودیم کل ساختمان حسینیه را فروختیم و از آن تاریخ دچار مشکلات زیاد شده ام که آنهار را نتیجه فروش حسینیه می‌دانم، و حتی خانم بنده در خواب به قصد نظافت موکت حسینیه را برداشته اند و زیر آن این عبارت را دیدند « هذا مقام العائذ بک من النار ». و از آن به بعد مریضه شده اند و کسالت ایشان تاکنون ادامه دارد ، لطفاً بیان فرمائید که بیع ساختمان حسینیه

صحیح بوده است یا باطل واقع شده است.
فروش ساختمان حسینیه با این شرط بوده که این ساختمان کماکان به عنوان حسینیه و مدرسه علمیه و دیگر امور مذهبی باشد و خریدار هم شرائط را قبول کرده بود، ولی متأسفانه بعد از فروش معلوم شد که همه این شرائط رعایت نمی‌شود ، بلکه ساختمان را در امور اداری به کار گرفته‌اند.

جواب: ساختمان مذکور اگر به نحومعاطات وقف حسینیه شده باشد ساختمان حکم وقف را دارد به خصوص که 3 سال است در آن به عنوان حسینیه عزاداری نموده اند و به هیچ وجه قابل خرید و فروش نیست و تبدیل آن به محل کار جائز نیست چه صیغه خوانده شده باشد یا نه. و در هر صورت اگر مورد نزاع است و توافق حاصل نشود باید به دادگاه مراجعه نمائید.

14. اینجانب به نمایندگی از طرف هیئت عزاداری خانه‌ای در مشهد مقدس به عنوان زائرسرا خریداری نمودم تتمه ثمن معامله وجوهی بود که اعضاء هیئت و اهالی کمک نمودند در موقع تنظیم سند چون اینجانب بیمار بودم با مشورتی که انجام شد مقرر گردید خانه مذکور به نام سه نفر از معتمدین محل تنظیم سند رسمی گردد. چنانچه ملک خریداری شده وقف شده باشد تولیت آن با کیست؟ آیا می‌فرمائید که ملک مذکور را به نام هیئت جان نثاران حسینی که اساسنامه آن تهیه و تنظیم شده است نمایند یا خیر؟

جواب: درصورتیکه وقف تمام نشده و پرداخت کنندگان پول ، شما را وکیل تام الاختیار خود در همه شئون مربوط به خانه قرار داده باشند شما می‌توانید برای خانه متولی تعیین کنید یا خود تولیت آن را بر عهده بگیرید و می‌توانید خانه را به نام هیأت ثبت کنید ، بلکه اگر خوف تضییع وقف باشد، لازم است.

3- شروط ضمن وقف

تخلف از شرایط وقف

15. کسی که در مکانی زندگی می‌کند که وقف نامه‌ای دارد مثلاً طبق وقف باید فرد هر روز یک جزء قرآن بخواند ولی به آن عمل نکرده وظیفه او چیست؟

جواب: تخلف ازمورد و جهت وقف حرام است و نمی‌تواند در مکان مذکور تصرف نماید.

16. آیا عدول از شروط وقف جایز است؟ و در صورت جواز ، حدود آن کدام است؟ و آیا طولانی شدن زمان ، بر عمل به شروط وقف تأثیر می گذارد؟

جواب: تخلف از شروط صحیحی که واقف در عقد وقف شرط کرده جایز نیست مگر آنکه عمل به آن غیر مقدور یا حرجی باشد و گذشت زمان تأثیری در آن ندارد .

17. شخصی ملک خود را برای برپایی مجالس عزاداری سیدالشهداء (ع) در روستا وقف کرده است ، ولی در حال حاضر متولی وقف ، توانایی اقامه عزا در روستای مذکور در وقفنامه را ندارد ، آیا جایز است در شهری که در آن اقامت دارد مجالس عزاداری برگزار کند؟

جواب: اگر وقف ، مخصوص اقامه مجالس عزاداری در همان روستا باشد ، تا زمانی که عمل به وقف هر چند با گرفتن وکیل برای آن، درهمان روستا ممکن باشد ، حق ندارد آن مجالس را به جای دیگر انتقال دهد بلکه واجب است فردی را نایب بگیرد تا در آن روستا مجالس عزاداری برپا کند .

18. در شهرستان ... رقبه ای وجود دارد که عواید آن قسمتی صرف مخارج تعزیه داری و باقیمانده بین ارحام موصی تقسیم می‌گردد، در وصیت نامه مذکور فروش ثلث و اجاره بیش از 3 سال آن منع شده است و همچنین قید گردیده که اوصیا حق ندارند اراضی موقوفه را به کسی اجاره دهند که در آن احداث بنا نمایند.
با توجه به اینکه مورد بحث در حال حاضر کلاً در داخل شهر و در منطقه خدمات شهری و مسکونی قرار گرفته است و استفاده از آن جز با احداث بناهای مسکونی و تجاری و اداری و غیره ممکن نیست و از طرف دیگر در بخشی از آن اراضی سازمان‌ها و مؤسسات با بودجه دولتی اقدام به احداث بناهای اداری نموده اند و بانک‌ها نیز به علت شرائط مندرج در وصیتنامه از اعطای وام و خدمات لازم به مستأجرین خودداری می‌نمایند و این وضع باعث رکود آبادانی و پیشرفت شهر و موقوفه شده است و چنانچه نظر موصی در مورد عدم اعطای حق تملک اعیان در اراضی که داخل شهر قرار گرفته مراعات شود موقوفه غیر قابل استفاده و بدون درآمد باقی خواهد ماند که در این صورت امکان انجام نیات موصی نیز میسر نخواهد شد و از طرفی مشکلات بسیار زیادی برای ساکنین و مقامات دولتی و مؤسسات به وجود خواهد آمد، لذا مستدعی است با عنایت به مشکلات ایجاد شده موافقت فرمایند به منظور رفع محذورات یاد شده این قسمت از نظر موصی در ایجاد اراضی موقوفه رعایت نشود و حق تملک اعیان به افراد و مؤسسات متقاضی داده شود تا ضمن احیای موقوفه افراد نیز تشویق به اجاره راضی بشوند.

جواب: موقوفه را نمی‌توانند به افراد یا مؤسسات تملیک کنند و آنها نمی‌توانند تملک کنند و مالک نمی‌شوند ، بلی اگر استفاده از وقف در جهت وقف ممکن نباشد مگر به احداث بناء یا اجاره بیش از سه سال می‌توانند آن را برای احداث بناء یا بیش از سه سال اجاره دهند و به وقف عمل کنند، ولی باید با نظر متولی شرعی باشد.

19. مزرعه‌ای است که شش‌دانگ طبق چند فقره وقفنامه آب آن به ترتیب وقف بر شرب چندین خانه و در انتها به سمت آستانه مقدسه و سکنه اماکن حول آستانه مجاورین و زائرین آن حضرت جاری ، که به وسیله متولی باید از درآمد زراعی مزرعه هزینه آبرسانی تا امامزاده تأمین شود . آیا متولی یا اداره اوقاف یا هر مقام دیگر شرعاً می‌تواند بدون رعایت تقدم و تأخر قبل از مشروب شدن چندین خانه مورد نظر واقف که موقوف علیهم اصلی هستند اجاره دهد؟
الف: آب موقوفه برخلاف ترتیبی که در وقفنامه تصریح گردیده در داخل محدوده موقوف علیهم به جریان درآید یا خیر؟
ب: ازآب موقوفه در خارج محدوده موقوف علیهم برای شرب دیگر منازل که واجد شرایط نیستند مورد استفاده قرار گیرد یا خیر؟ اگر چنین کردند تکلیف شرعی ساکنین آن منازل چه خواهد بود؟

جواب: به طور کلی در چگونگی اداره امور موقوفه و در نحوه استفاده از درآمد موقوفه و توزیع آن بین موقوف علیهم و صرف آن در جهت وقف باید دقیقاً بر طبق آنچه که واقف تعیین کرده و مقرر داشته است و با مراعات غبطه وقف و در جهت وقف و زیر نظر خصوص متولی شرعی موقوفه عمل شود تخلف از مراتب فوق الاشاره جایز نیست ، کما اینکه با وجود متولی شرعی هیچ سازمان یا اداره ای حق دخالت در امور موقوفه ندارد مگر حق نظارت و حسن اجرای اداره امور موقوفه از سوی متولی شرعی در محدوده ای که قانون حق نظارت برای آن سازمان را تجویز کرده است و اگر در این باره اختلاف دارند باید جهت رسیدگی به محاکم قضائی مراجعه کنند.

تغییر شروط وقف توسط واقف

20. زمینی بیست سال پیش وقف اهالی منطقه ای شده تا اموات خود را در آن دفن کنند و واقف تولیت آن را برای خودش و سپس برای یکی از علمای شهر که در وقفنامه ذکر کرده قرار داده و کیفیت انتخاب متولی بعد از عالم مزبور را هم معیّن نموده است ، آیا متولی کنونی حق تغییر وقف یا تغییر بعضی از شرایط آن و یا اضافه کردن شرایط دیگر به آن را دارد؟ و اگر این تغییر بر جهتی که زمین برای آن وقف شده تأثیر بگذارد ، مثل اینکه آن را ایستگاه ماشین نماید ، آیا موضوع وقف به حال خود باقی می ماند؟

جواب: با این فرض که وقف از نظر شرعی با تحقق قبض، محقق و نافذ شده است ، دیگر تغییر و تبدیل آن و همچنین تغییر بعضی از شرایط و یا اضافه کردن شرایط جدید به آن توسط واقف یا متولی جایز نیست و با تغییر وقف از حالت قبلی اش، وقفیّت آن زایل نمی شود .

21. آیا جایز است فردی غیر از متولی شرعی وقف با دخالت در امور وقف و تصرف در آن و تغییر شرطهایی که در صیغه وقف ذکر شده برای متولی شرعی آن ایجاد مزاحمت کند ، و آیا جایز است از متولی بخواهد تا زمین موقوفه را به شخصی که متولی، او را صالح نمی داند ، تحویل دهد؟

جواب: اداره امور وقف طبق آنچه که واقف در انشاء وقف مقرر کرده فقط بر عهده متولی شرعی خاص است و اگر متولی خاصی از طرف واقف نصب نشده باشد، اداره امور وقف بر عهده حاکم مسلمین است و کسی حق دخالت در آن را ندارد ، همچنانکه کسی حتّی متولی شرعی ، حق تغییر وقف از جهت آن و همچنین تغییر و تبدیل شرایط مذکور در انشاء وقف را ندارد .

22. احتراماً اینجانب بیمارستانی ساخته و قربت الی الله آن را وقف نموده ام و در وقفنامه تولیت را به خودم اختصاص داده ام و در اجرای وقفنامه بیمارستان و درمانگاه را تحویل وزارت بهداشت و درمان داده ام چون اختلافی در تولیت ایجاد نمودند وزارت بهداشت صورت مجلسی بر خلاف وقفنامه و فتوای مرقوم تنظیم و به امضاء بنده رسانیده لذا با تقدیم وقفنامه و صورت مجلس 72/10/28 مستدعی است مرقوم فرمائید تغییر وقفنامه و شرایط مذکور در آن و اقداماتی که مسئولین وزارت بهداشت برخلاف وقفنامه و نظر متولی انجام داده اند جایز است یا خیر؟

جواب: تغییر و تبدیل موقوفه یا تصرفات غیرمجاز در موقوفه در غیر جهت وقف جایز نیست و موجب ضمان است ، و تغییر و تبدیل شرایط وقف و چگونگی استفاده از آن باطل و بی اعتبار و بی اثر است.

شرط باطل در ضمن وقف

23. آیا می شود فردی زمینی را وقف مسجدی نماید و یک اطاق برای خودش نگه‌دارد و شرط نماید که از آب دستشوئی مسجد استفاده نماید؟

جواب: این شرط نافذ نیست.

4- قبض وقف

تحویل موقوفه به متولی و شرائط آن

24. زمینی به اداره بهداشت هدیه شده تا بیمارستان یا مرکز بهداشتی در آن ساخته شود ولی مسئولین اداره بهداشت تاکنون اقدام به ساخت بیمارستان یا مرکز بهداشتی در آن نکرده اند ، آیا جایز است واقف زمین را پس بگیرد؟ و آیا مجرّد تسلیم زمین به مسئولین اداره بهداشت برای تحقق وقفیت ، کافی است یا آنکه ساخت ساختمان در آن هم شرط است؟

جواب: اگر تحویل زمین توسط مالک به مسئولین اداره بهداشت بعد از انشاء وقف به وجه شرعی ، به عنوان تسلیم به متولیّان شرعی وقف باشد، حق رجوع و پس گرفتن آن را ندارد ، ولی اگر یکی از دو امر مذکور تحقق پیدا نکند حق دارد زمین خود را از آنان پس بگیرد .

25. فرد خیراندیشی قطعه زمینی را در سنوات گذشته برای احداث یک باب حسینیه وقف کرده است اکنون واقف که در قید حیات است علم و اطمینان پیدا کرده است که اگر عین موقوفه فروخته نشود مخروبه و از حیز انتفاع ساقط می‌شود ، تقاضامند است اجازه فرمائید تا زمین مزبور را با نظر اهل خبره و عدول مؤمنین فروخته و از ثمن آن قطعه زمین با مساحت بیشتر برای احداث حسینیه خریداری نمایند ، البته اقامه عزاداری از طرف هیئت محترم محل در زمین مزبور حتی یکبار هم نشده است آیا راست است که موقوفه نسلاً بعد نسل عاطل و باطل و بلااستفاده بماند؟

جواب: اگر قبض معتبر در وقف حاصل نشده است اختیار با خود واقف است.

26. اینجانب حدود 30 سال قبل قطعه زمین کشاورزی را به شرح ذیل وقف نمودم (مادامی که خودم در قید حیات هستم احتیاج به زمین دارم و عایدات آن مال خودم خواهد بود بعد از فوت خودم درآمد زمین بین سه حسینیه و سه مسجد روستای محل تولدم تقسیم شود) .
در حال حاضر از وقف کردن زمین منصرف نشده ام ولی می‌بینم جاهای مهمتر هست که می‌توانم زمین را بفروشم و مثلاً پولش را به جهاد مدرسه سازی بدهم.
آیا می‌توانم زمین را بفروشم و پول آن را به جهاد مدرسه سازی بدهم یا خرج ساخت درمانگاه و امثالهم بکنم که در واقع استفاده بهتر و بیشتر از موقوفه من بشود؟

جواب: یکی از شرائط تمامیت وقف قبض است که باید متولی شرعی آن را تحویل بگیرد. اگر در وقف مذکور قبض متولی شرعی حاصل نشده است تمام نیست ، و در اینصورت اختیار زمین با خود شما است ، هر تصرفی می‌توانید در آن بکنید.

27. مردی زمینی را برای ساخت حسینیه سید الشهدا (ع) وقف کرده ولی زمین مزبور تبدیل به راه عمومی روستا شده است و درحال حاضر از کل زمین حسینیه تقریبا چهل و دو متر مربع باقی مانده است ، این زمین چه حکمی دارد؟ آیا جایز است واقف آن را به ملکیت خود برگرداند؟

جواب: اگر این کار بعد از انشاء وقف بر وجه شرعی و تحویل موقوفه به متولیّ آن یا جهت وقف صورت گرفته باشد ، آن مساحت باقیمانده از وقف بر وقفیّت باقی می ماند و جایز نیست واقف نسبت به آن رجوع کند و در غیر این صورت بر ملکیّت او باقی است و اختیار آن با اوست .

28. مادربزرگمان دارای دو فرزند دختر بوده و در زمان حیات خود بر سر اختلاف دخترهایش مقدار نیم هکتار زمین را وقف جهت مراسم عزاداری حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) می‌نماید و نامه وقفی را به بزرگ محل تحویل داد و بعد از چند ماه پشیمان شد و رفت نامه را پس بگیرد ، بزرگ محل گفت نامه گم شده شما هر تصمیمی می‌خواهی بگیرید بگیر و بعد از این موضوع هیچگونه نامه ای ننوشت و بعد از چند سال از فوت ایشان نامه قبلی که نوشته بود پیدا شد و الحال نمی‌دانم چگونه عمل نمائیم فلذا از آن مقام محترم استدعا داریم ما را راهنمایی فرمائید.

جواب: اگر زمین را به عنوان وقف تحویل متولی شرعی نداده وقف تمام نبوده و فعلاً زمین به ورثه تعلق دارد و نوشته اثر ندارد.

29. شخصی مساحت پانصد متر زمین تصرفی خود را در حال صحت جسم و ثبات عقل و شعور وقف بنای اصغریه نمودند اما پس از گذشت سه سال از این موضوع واقف پشیمان شده و اظهار نمودند که چون اداره آموزش و پرورش هم برای احداث مدرسه از من زمین گرفته اند از دادن این زمین منصرف شدم حالیه چندین سال هست که واقف فوت نموده و زمین هم بین وارثین تقسیم و توزیع گردیده ، بدینوسیله استعلام می‌شود که این زمین با اجراء صیغه وقف و قولنامه امضاء شد ، و با اظهارات سه سال بعد و پشیمانی واقف وضعیت این زمین به چه صورت می‌باشد اعلام فرمائید.

جواب: اگر صیغه وقف خوانده شده و زمین مزبور به متولی شرعی تحویل داده شده است ، دیگر واقف نمی‌تواند آن را به هم بزند ولی باید همان استفاده‌ای که در وقف معین شده از زمین بشود و تغییر ندهند، ولی چنانچه زمین تحویل متولی شرعی و جهت وقف داده نشده وقف تمام نیست و واقف می‌توانسته از وقف منصرف شود.

30. شخصی یک قطعه زمین در اختیار مردم یک روستا می گذارد که مسجد و حسینیه بسازند . تاکنون مدت زمان زیادی از واگذاری آن زمین می گذرد و اکنون مورد پسند مردم نیست که در آن زمین حسینیه بسازند و صاحب زمین هم در قید حیات نیست و ضمناً صیغه وقف هم نخوانده است . آیا می شود آن زمین را بفروشند و پول آن را خرج مسجدی دیگر و یا حسینیه دیگری بکنند و یا مؤسسه دیگری بسازند ؟

جواب: جایز نیست ، و اگر وقف با قبض معتبر در آن تمام نشده مربوط به ورثه مالک است.

31. زمینی وجود دارد که مالکش آن را در حضور عالم منطقه و دو نفر شاهد عادل برای ساختن مسجد وقف کرده است و بعد از مدتی اشخاصی بر آن تسلط پیدا کرده و خانه های مسکونی در آن بنا نموده اند ، وظیفه آن اشخاص و متولیّ چیست؟

جواب: اگر بعد از انشاء وقف زمین ، قبض عین موقوفه با اذن واقف تحقق پیدا کرده باشد ، همه احکام وقف بر آن مترتب می شود و ساخت خانه های مسکونی توسط دیگران در آن برای خودشان غصب است و بر آنان واجب است ساختمان خود را از بین ببرند و زمین را تخلیه کنند و به متولی شرعی آن تحویل دهند و درغیر این صورت زمین بر ملک مالک شرعی آن باقی و تصرفات دیگران در آن متوقف بر اجازه مالک است .

32. طبق وقفنامه الحاق شده یک باب کارخانه رزازی جهت احداث مسجد وقف شده همچنین یک قطعه زمین مزروعی را برای مخارج آن وقف کرده است ، علی رغم مطلبی که ذیل وقفنامه آمده (مبنی بر قبض و اقباض) عملاً هیچگونه قبض و اقباضی صورت نگرفته . و از زمان قبل از وقف تاکنون این ملک در تصرف مالک و ورثه بوده است . لذا مستدعی است بفرمائید:
الف) صحت این وقف چگونه است؟
ب) اگر وقف صحیح نیست ، زمین مزروعی تابعه ، چه حکمی دارد؟
ج) اگر بخواهند این ملک و زمین مزروعی را بفروشند و خرج مسجد محل بکنند چه صورتی دارد؟

جواب: الف) وقف بدون قبض تمام نیست.
ب) با فرض عدم تحقق قبض باقی بر حال اول است.
ج) اختیار آنها در فرض عدم صحت وقف و عدم تمامیت آن به تحقق قبض با مالک فعلی آن است.

33. در روستائی افراد خیر در فکر تأسیس و ساخت مسجد افتاده اند و یکی از آنان زمین وسیعی را به این منظور وقف کرده و بعد از تسطیح زمین به عنوان تصرف نماز جماعتی در آن برگزار گردید ، اکنون چند سال است که این زمین بعلت عدم توانائی ساخت بلا استفاده مانده و اهالی تصمیم دارند مسجد قدیمی را توسعه و تعمیر نمایند ، از قرائن معلوم است که زمین مذکور به هیچ وجه ساخته نخواهد شد و به کلی در توان اهالی نیست ، با توجه به این مطلب آیا شرعاً می‌توان تصرفی بعنوان فروش یا غیره در زمین نمود و آیا واقف خودش می‌تواند آن را بخرد یا به جای این زمین ، زمین دیگری را در کنار مسجد قدیمی بدهد تا آنجا توسعه یابد آنچه حکم الله است بیان فرمائید.

جواب: اگر وقف با قبض معتبر در آن واقع و تمام شده نمی‌توانند بفروشند و واقف هم در آن اختیاری ندارد.

34. قطعه زمینی در روستا حدود هفتاد سال پیش توسط شخصی جهت احداث مسجد وقف گردیده ، که به علت بعد مسافت و نامناسب بودن زمین مورد نظر بدون هیچگونه بنا و اقدامی باقی مانده است.
با توجه به متروکه بودن زمین که قابل هیچگونه استفاده نیست ، آیا با توجه به شرایط مذکور می توان زمین فوق الذکر را از طریق فروش یا معاوضه به غیر واگذار نمود ، تا در مقابل آن وجوه دریافتی، زمین یا مکان مناسب دیگر جهت احداث همان مسجد تهیه نمود؟
استدعا دارد با عنایت به احکام حکومتی وضعیت اینگونه مکانها را مشخص فرمائید.

جواب: اگر وقف مسجد با قبض معتبر در آن محقق شده فروخته نمی شود و قابل معاوضه نیست .

35. شخصی زمینی را برای مسجد وقف کرده است و فرزند واقف در زمان حیات واقف زمین وقف را با شخص دیگری معاوضه کرده است و اکنون آن شخص ثالث (مشتری) زمین را به عنوان خانه مسکونی ساخته و سکونت دارد.
الف) آیا این معاوضه صحیح است یا خیر؟
ب) وظیفه شخص مشتری اکنون چیست؟

جواب: اگر زمینی را که وقف کرده تحویل نداده و قبض و اقباض حاصل نشده است و با اذن و اجازه او معامله واقع شده صحیح است ، وگرنه در صورت اول باطل و در صورت دوم فضولی و موقوف است به اجازه او.

36. مالکین زمینی به مساحت حدود 3 هزار متر مربع ، قسمتی از آن را که حدود 1200 متر مربع بوده است را برای مسجدی اختصاص داده‌اند حدود پنج متر مربع از آن زمین که بین مسجد مذکور و بقیه ملک مالکین قرار دارد ، برای ساختن گلدسته اختصاص داده شده بود ، اما به علت مسائل مختلفی مانند وجود عقب نشینی ، عدم موافقت شهرداری و هزینه سنگین و غیر لازم بودن ، موضوع ساختن گلدسته منتفی شده است مالکین آن تکه زمین که واقفین زمین مسجد مذکور نیز می‌باشند به زمینی که برای ساختن گلدسته در نظر گرفته شده بود احتیاج دارند ، تکه زمین مذکور به وسیله دیواری از مسجد مورد بحث جدا شده و تصرف آن توسط مالکین مذکور ضرر یا نقصانی برای مسجد ندارد ، آیا تصرف مالکین یا همان واقفان مسجد نسبت به تکه زمینی که برای گلدسته اختصاص داده شده بود به خاطر احتیاجی که به آن برای تکمیل سهم اختصاصیشان دارند از نظر شرعی جایز است؟

جواب: پس از تمام شدن وقفیت زمین و تحقق قبض ، قابل تغییر نیست ولو از سوی واقف بلی اگر وقفیت تمام نشده باشد اختیار با مالک است.

37. پدر اینجانب در زمان حیات خود فرموده بودند «فلان زمین را داده‌ام یا می‌خواهم بدهم برای مسجد» یا اینکه گفته می‌خواهم وقف کنم برای مسجد آیا بنا بر اظهارات فوق وقف منعقد شده یا خیر؟

جواب: در فرض مسأله زمین حکم وقف ندارد .

38. ساختمانی در جنب گلزار شهداء مدت هشت سال پیش به شکل سوله توسط شهردار وقت این شهرستان به عنوان سالن گورستان ساخته شده که اینجانب در سال 1377 سالن فوق را به معرفی امام جمعه و کمک مردم از شهرداری تحویل گرفته آن را به نام حسینیه گلزار شهداء گذاشتیم بعد از آنکه به استفاده رسید به صاحب زمین مراجعه نموده فرمودند زمین فوق اگر برای نماز باشد من خیلی راضی هستم پس حسینیه را به مسجد صاحب الزمان گلزار شهداء نامگذاری نموده و چون راه دیگر جهت خواهران داشت راه دیگر که راهرو بالکن و زیر بالکن هست به مقدار 50 متر زیر بالکن و بالای آن را حسینیه قرار دادیم که در وقت ضروری جهت استفاده خواهران قرار گیرد آیا از نظر مسجد شدن اشکالی دارد یا خیر؟

جواب: زمین اگر از سوی مالک شرعی آن وقف مسجد شده و با اجازه او به قصد مسجدیت در آن نماز خوانده شده است حکم مسجد دارد در غیر این فرض حکم مسجد را ندارد و اختیار زمین با مالک شرعی آن است.

39. شخصی زمینی را وقف کرده جهت مسجد که درآن زمین مسجد ساخته شود اما با وجود مشکلات مالی کسی قادر به ساختن آن نگردیده است و نمی شود ، آیا می شود صاحب خانه همجوار این زمین، پول زمین را بدهد یا یک زمین بهتر در جای دیگر تحویل دهد؟ اگر هم این کار انجام نگیرد این زمین موقوفه تبدیل به محل زباله دانی می شود، از محضر حضرتعالی تقاضای جواب دارم.

جواب: اگر پس از اجراء صیغه وقف برای مسجد، واقف یا با اجازه واقف در آن زمین به قصد مسجدیت نماز خوانده باشند قابل تغییر نیست و حکم مسجد را دارد و اگر صیغه خوانده نشده اختیار آن با واقف است.

40. 1- در یکی از محله های شهر توسط فرد خیر و نیکوکاری قطعه زمینی جهت احداث مسجد امام صادق (ع) وقف گردیده و به قصد مسجد نیز در آن زمین اقامه نماز گردیده است ، حالیه با توجه به اینکه جهت استفاده بهینه و مطلوب از چندین مکان مذهبی ، فرهنگی ، هیأت امناء محترم مسجد مذکور در نظر دارند زمین را به فروش رسانده و در مکانی مناسب تر بدین منظور زمینی تهیه گردد و آنگاه مسجد امام جعفر صادق (ع) احداث گردد . علیهذا از محضر مبارک حضرتعالی استدعا داریم در صورت صلاحدید اجازه فرموده تا نسبت به فروش زمین مزبور و تبدیل به احسن کردن آن اقدام گردد.
2- توسط هیأت عزاداری و با کمک های مردمی یک قطعه زمین جهت برگزاری مراسم خریداری گردیده، مستدعی است جهت استفاده بهینه اجازه بفرمائید زمین مذکور فروخته شود و در راستای احداث مسجد امام صادق (ع) هزینه گردد.

جواب: 1-زمین مذکور که جهت احداث بنای مسجد در آن وقف شده و به حساب مسجد بودن در آن نماز خواندند حکم مسجد بر آن مترتب است و قابل تغییر و تبدیل و فروش نیست.
2-زمینی را که با تبرعات مؤمنین خریده اند باید در همان جهتی که متبرعین برای آن پول داده اند استفاده شود، و اگر تا به حال به وقفیت درنیامده ، فروش و تغییر جهت استفاده از آن موقوف به اجازه و اذن همه ی افراد اهداء کننده پول خرید آن است.

41. زمینی را چندین سال پیش یکی از اهالی محل وقف مسجد کرده که مسجد بسازد چون زمین در دامنه کوه است و جمعیت آنجا هم خیلی کم و مسجد هم دارد از طرفی هم زمین مزبور کنار جاده ای که محل عبور حیوانات می باشد قرار گرفته امیدواریم اجازه فرمائید تا این زمین زیر نظر هیئت امناء مسجد در معرض فروش قرار داده شود و قیمت آن صرف تعمیر مسجد موجود گردد.

جواب: اگر پس از وقف نمودن زمین، با اجازه واقف در زمین مذکور به عنوان مسجدیت نماز خوانده شده قابل تغییر نیست وگرنه اختیار با مالک شرعی زمین است.

42. قطعه ای زمین به مساحت 500 مترمربع جهت ساخت مسجد وقف نموده ایم و با توجه به اینکه این زمین برای ساخت یک مسجد بزرگ و خوب کوچک است و این زمین جوابگوی جمعیت روستا نمی باشد لذا در مجاورت همین زمین زمینی برای همین منظور خریداری شده است و در حال احداث می باشد با مساحت 1000 مترمربع لذا از آن دفتر معظم تقاضا داریم اجازه فروش زمین قبلی را صادر نمائید که پول آن صرف مسجدی که مجاور آن در حال ساخت است خرج گردد.

جواب: وقفیت شرعی زمین اگر تمام نشده است اختیار آن با خود شماست ولی اگر وقفیت آن با انشاء وقف و تحویل به متولی یا واگذاری آن به نمازگزاران و اقامه نماز در آن تمام شده باشد حکم مسجد دارد دیگر قابل تغییر و تبدیل و فروش نیست.

43. زمینی جهت احداث مسجد وقف شده و شخصی با قولنامه عادی رایج در روستا با مشخصاتی که فتوکپی آن پیوست می‌باشد آنرا فروخته است، طبق نظر شرع و قانون نظام مقدس اسلام خرید و فروش این زمین وقف شده چه حکمی دارد؟ در زمین مورد بحث به قصد وقف ابدی خریداری شده و بعداً با قیمت بیشتری بفروش رفته است.

جواب: اگر زمین پس از خریداری وقف شده و تحویل متولی شرعی یا جهت وقف داده شده باشد وقف تمام است و قابل خرید و فروش نیست و اگر وقف تمام نیست و لو از جهت اینکه قبض معتبر در وقف حاصل نشده باشد فروش آن بلامانع است.

44. منزلی در جنب مسجد بوده که صاحب آن دو دانگ منزل خود را وقف مسجد نامبرده کرده که صحنی داشته باشد و صیغه وقف خوانده شده ، حالیه بعد از فوت او عیالش کلیه منزل را فروخته و مبلغ سیصد هزار تومان به امناء مسجد داده. آیا تکلیف چیست می‌توان این پول را به مصرف دیگر مسجد رساند یا اینکه زمین به حال وقف باقی است ، خواهشمند است تکلیف شرعی را مرقوم فرمائید که مورد لزوم است.

جواب: واقف اگر پس از انشاء وقف ، زمین موقوفه را به قبض متولی شرعی موقوفه یا جهت وقف داده وقفیت آن تمام و فروش آن باطل است زمین باید به وقف برگردد و پول پرداختی فروشنده به او مسترد شود و خسارت مشتری را فروشنده ضامن است، ولی اگر قبض موقوفه در حیات واقف حاصل نشده باشد با فوت او وقف باطل گردید و زمین جزو ماترک او محسوب و به تمام ورثه می‌رسد ، و در اینصورت پول پرداختی فروشنده اگر تبرع برای مصارف مسجد باشد صرف آن در امور مسجد مانع ندارد.

45. یک باب منزل و دو هکتار زمین زراعی جهت ساخت یک باب مدرسه علمیه وقف گردیده که مدرسه علمیه‌ای را بنا نمایند. بعد از چند صباحی در محل دیگر مدرسه علمیه بنا گردیده و لذا نیازی به مدرسه علمیه احساس نمی‌شود.
خواهشمند است با توجه به اینکه محل مذکور احتیاج به مسجد و مدرسه و ... نیز دارد ، اجازه فرمائید که منزل و زمین زراعی فوق الذکر را برای کارهای عام المنفعه و یا برای مدارس علمیه دیگر شهرستان‌های کشور هزینه نمائیم.

جواب: در تحقق وقف ، قبض و اقباض شرط است بنابر این اگر املاک مذکور به قبض متولی یا حاکم شرع نرسیده وقف محقق نشده و اختیار آن به دست مالک

است.

46. سال 1364 اینجانب زمینی را طی سند رسمی به وقف حوزه علمیه درآوردم که آقای امام جمعه محترم ، ساختمان آن را بسازند و مورد استفاده طلاب قرار گیرد متأسفانه از آن تاریخ تاکنون هیچگونه عملی بر روی زمین انجام نگرفته و عمل به وقف نشده و کار دیگری هم روی زمین به خاطر وقف مورد نظر نمی‌شود انجام داد و زمین بدون استفاده مانده حال با گذشت سیزده سال و عمل نشدن به وقف و با توجه به اینکه هیچ گونه امیدی هم به ساختن آن نمی‌رود و مسئله منتفی شده آیا زمین به وقفیت خود باقی است یا قابل عودت است؟

جواب: اگر زمین قبض نشده وقف تحقق نیافته و اختیار آن با خود شماست و اگر تحویل داده شده وقف تمام و قابل تغییر و تبدیل و عودت نیست.

47. زمینی را به آموزش و پرورش برای ساختن مدرسه هدیه کردم ، ولی بعد از مشورت و اطلاع از اینکه با پول آن زمین می توان چندین مدرسه در محله های دیگر شهر ساخت ، برای فروش زمین تحت نظارت وزارت آموزش و پرورش و مصرف پول آن برای ساختن چند مدرسه در جنوب شهر یا در مناطق محروم ، به آن وزارتخانه مراجعه کردم ، آیا انجام این کار برای من جایز است؟

جواب: اگر وقف زمین مدرسه با انشاء وقف و تحویل آن به آموزش و پرورش به اعتبار اینکه مسئول و متولی این امر است ، تمام شده باشد ، بعد از آن حق رجوع و دخالت و تصرّف در آن زمین را ندارید ، ولی اگر وقف هر چند به زبان فارسی انشاء نشده باشد و یا زمین به عنوان قبض وقف تحویل وزارت آموزش و پرورش نشده باشد ، در این صورت زمین بر ملکیّت شما باقی است و اختیار آن در دست شماست .

48. مردم از قدیم الایام برای ساختن سه مدرسه، زمینی در اختیار آموزش و پرورش گذاشته‌اند و نیت آنها این بوده که این زمین‌ها را ما وقف مدرسه نمودیم که مادام العمر به عنوان مدرسه استفاده شود و مردم هم در ساختن ساختمان آن مشارکت نیروی انسانی و مصالح داشته اند و از هر کس سؤال می شود می گویند ما این نیرو و مصالح را وقف مدرسه نموده ایم مسئولین ذیربط (آموزش و پرورش) هم اکنون تصمیم به فروش آن گرفته اند. لذا خواهشمند است هر چه سریعتر حکم شرعی را در این زمینه بیان نمائید.

جواب: اگر زمین‌ها را برای ساختن مدرسه در آن واگذار کرده اند فروش آنها جایز نیست.

49. مقدار پنج هکتار زمین در شهر محمد آباد از طرف بنیاد مستضعفان جهت گورستان به شهرداری شهر واگذار گردید ، گرچه صیغه وقف خوانده نشد اما چند جنازه در آن زمین دفن گردید آیا می‌توانیم از این زمین مقدار یک هکتار جهت احداث بیمارستان شهر ، مورد استفاده قرار دهیم؟ یا مقدار یک هکتار از زمین یاد شده را از شهرداری جهت بیمارستان اجاره کنیم؟ با توجه به اینکه در شهر بیمارستان وجود ندارد اما قبرستان‌های متعددی موجود است.

جواب: اگر مسئول ذیربط قانونی که اجازه واگذاری زمین را داشته با قصد وقف کردن برای دفن اموات مؤمنین در اختیار عموم قرار داده است و به همین عنوان و قصد ، اموات را در آن دفن نموده اند تمام زمین را که به این قصد واگذار شده حکم وقف را دارد و تبدیل آن به چیز دیگر جایز نیست و اگر وقف نشده باشد اشکال ندارد.

50. زمین کنار حسینیه مربوط به بانوئی که در حال حاضر مرحوم گردیده است وقف نموده برای ساختن غسالخانه که این زمین نزدیک خیابان می‌باشد و با جهاد سازندگی منطقه صحبت کرده ایم و ایشان جواب داده اند که ما غسالخانه نزدیک خیابان درست نمی‌کنیم و در جای دیگری در حال حاضر غسالخانه برای روستا ساخته شده است و ما الان نمی‌دانیم با این تکه زمین چه کنیم؟ سؤال ما این است: 1) آیا وارثان این مرحوم می‌توانند زمین را بفروش برسانند و خرج مثلاً حسینیه و یا دیوار قبرستان و یا امر خیری دیگر در روستا نمایند و یا خیر؟ آیا معتمدین محل می‌توانند به فروش برسانند وباز خرج کارهای خیر در روستا کنند؟

جواب: اگر زمین را تحویل متولی وقف نداده است وقف تمام نیست و باقی بر ملک میت است که بعد از فوت او حکم سایر ترکه او را دارد.

واقف و متولی وقف شخص واحد

51. احتراماً به استحضار می‌رساند که شخصی مطابق وقفنامه مورخه 1339/04/12 شمسی در مرض متصل به موت در حالیکه به شدت بیمار و در بستر بوده است منزل مسکونی خود را وقف برگزاری تعزیه داری و روضه خوانی حضرت خامس آل عبا و سایر ائمه هدی (ع) در عمارت اندرونی که جزء رقبات موقوفه است نموده و در تاریخ 1339/04/26 یعنی 14 روز بعد بدرود حیات گفته ضمناً از زمانی که وقفنامه تنظیم شده تا زمان فوت واقف که تولیت را نیز عهده دار بوده عملاً تصرف به وقف صورت نپذیرفته است و به لحاظ این دو مطلب علماء محترم محل از همان زمان در صحت وقف مزبور دچار شک و شبهه و تردید بوده اند، لذا خواهشمند است نظر مبارک خود را در خصوص صحت یا اشکال و چگونگی وقف مزبور مرقوم فرمایید.

جواب: اگر واقف منزل مسکونی خود را با صیغه وقف نموده است و خود را متولی موقوفه قرار داده است با فرض این که در تصرف متولی بوده نیاز به قبض جدید نیست و وقف تمام است و قابل تغییر نیست.

وقف بر اولاد ذکور

52. اگر کسی برای آنکه دختر و نوه دختریش از املاکش استفاده نکنند، آن املاک را وقف بر اولاد ذکور خود سازد، آیا این وقف صحیح است ؟

جواب: اگر در زمان حیات وقف را تحویل داده باشد صحیح است.

1- شرایط عین موقوفه

عدم شرطیت فعلیت منفعت در عین موقوفه

53. آیا چیزی که وقف می شود باید هنگام وقف کردن منفعت داشته باشد، چه بالقوه چه بالفعل؟

جواب: هنگام وقف کردن لازم نیست دارای منفعت باشد.

وقف انفال

54. آیا جنگل ها و مراتع طبیعی که انسان دخالتی در ایجاد آنها ندارد و همانگونه که اصل چهل و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح کرده از انفال محسوب می شوند، قابل وقف هستند؟

جواب: در صحّت وقف، سابقه مالکیت شرعی خاص واقف شرط است و چون جنگل ها و مراتع طبیعی که از انفال و اموال عمومی هستند، ملک خاص کسی نیستند، در نتیجه وقف آنها توسط هیچ فردی صحیح نیست .

55. روستائی شش دانگ با جمیع توابع و لواحق وقف گردیده و در سند مالکیت صادره حد شمالی آن را آبشور کوه قرار داده، اخیراً متولی در جهت وقف پائین آبشور (حد شمالی وقف) را جهت بهره برداری از سنگ آن مشغول است که اداره معادن و فلزات آن را جزء انفال اعلام و مانع بهره برداری گردیده، با توجه به اینکه ریشه کوه در حد وقف واقع گردیده، مستدعی است بیان فرمائید آیا جزء انفال است یا موقوفه؟

جواب: آن قسمت از اراضی و کوه های واقعه در اطراف موقوفه که در زمان انشاء وقف آباد و ملک شرعی واقف نبوده حکم وقف ندارد.

56. آیا در اراضی پوشیده از جنگل ها و مراتع طبیعی که سیر مراحل قانونی را طی نموده و به حسب قوانین در تملک دولت جمهوری اسلامی ایران می باشد. و در ایجاد آن انسان دخالت نداشته و از جهتی اداره اوقاف ادعای وقف اراضی جنگلی و مرتعی را دارد وضعیت اجرائیه مسئولین در اتخاذ تصمیم به منظور رفع مشکلات به چه نحوی خواهد بود؟
سند اصلاحات ارضی مورد قبول می باشد یا خیر؟
ادعای اداره اوقاف مورد قبول می باشد یا خیر؟
اسناد و مدارک قانونی متعلق به اراضی ملی و دولتی مورد قبول می باشد یا خیر؟
با عنایت به اینکه مستنداً به اصل 45 قانون اساسی جنگل ها و مراتع جزء انفال محسوب می گردد آیا وقف پذیر می باشد یا خیر؟

جواب: اراضی جنگلی و مرتع طبیعی که فاقد هر گونه سابقه عمران و آبادی از سوی شخص یا اشخاص باشد شرعاً جزء اراضی بلا مالک و جزء انفال عمومی و متعلق به بیت المال محسوب است، و اسناد وقفیت یا مالکیت خصوصی نسبت به اینگونه اراضی فاقد اعتبار شرعی است، و رسیدگی موضوعی در این باره با مقامات قانونی ذیربط و مراجع قضائی است.

57. زمینی که در اصل جنگل بوده توسط شخصی تصرف و بعداً وقف گردیده، و برای کارهای عام المنفعه در اختیار اشخاص قرار گرفته است، آیا این وقف صحیح است و می توان عرصه و اعیان را وقف نماید؟

جواب: اگر با اجازه مقام مسئول ذیربط احیاء کرده و مالک شرعی آن شده است می تواند آن را وقف کند.

58. خواهان نظر مبارک جنابعالی در مورد پنجاه و یک هکتار زمین موات به تشخیص عرف که در وسط زمین های موقوفه که بیش از چند صد هکتار است قرار گرفته می باشیم. لطفاً روشن فرمائید که چگونه عنوان وقف با موات بودن زمین قابل تحقق می باشد با توجه به اینکه هیچگونه فایده و ثمری برای زمین ها مترتب نیست.

جواب: اگر به طریق شرعی احراز شود که زمین موات واقع در وسط زمین موقوفه، در هنگام وقف زمین موقوفه از اراضی موات اصلی بوده و حریم شرعی و عرفی زمین موقوفه هم نبوده است حکم وقف درباره آن مترتب نیست، و چنانچه در این باره اختلافی باشد جهت رسیدگی باید به محاکم قضائی مراجعه نمایند.

59. زمینی وجود دارد که فقط قابلیت استفاده به عنوان مرتع را دارد و صاحبش آن را برای اماکن مقدس وقف کرده است و متولی آن هم قسمتی از آن را به چند نفر اجاره داده و مستأجرها هم به تدریج اقدام به ساخت مسکن و مکان هایی برای معیشت خود در قسمتهایی از آن که قابل مرتع بودن نیست، نموده اند و همچنین قسمتهای مناسب زراعت را تبدیل به زمین زراعی و باغ کرده اند، اولا: با توجّه به اینکه مرتع طبیعی از انفال و اموال عمومی است، آیا وقف آن صحیح است و در حال حاضر حکم به وقف بودن آن می شود؟ و ثانیا: با توجّه به اینکه بر اثر کار مستأجرین در مرتع تغییرات و اصلاحاتی صورت گرفته و در نتیجه مرغوب تر از قبل شده چه مقدار اجرت باید پرداخت شود؟ و ثالثا: با توجّه به اینکه زمین های زراعی و باغ ها بر اثر فعالیت مستأجرین احیاء و ایجاد شده اند، این قبیل زمین ها چگونه اجاره داده می شوند؟ آیا مبلغ اجاره آنها به مقدار اجاره مرتع باید پرداخت شود یا به مقدار اجاره مزرعه و باغ؟

جواب: بعد از ثبوت اصل وقف، تا زمانی که ثابت نشده که زمین های مرتع در هنگام وقف از انفال بوده و ملک شرعی واقف نبوده اند، وقف آنها از نظر شرعی محکوم به صحت است و با اقدام مستأجرین به تبدیل آنها به مزرعه و باغ و منازل مسکونی، از وقفیت خارج نمی شوند، بلکه در صورتی که تصرّفات آنها در زمین وقفی بعد از اجاره کردن آن از متولی شرعی باشد، بر آنان واجب است اجاره آن زمین ها را طبق آنچه در عقد اجاره معیّن شده به متولی شرعی بپردازند تا آن را در جهت وقف مصرف نماید، ولی اگر تصرّف آنها در آن زمین ها بدون اجاره قبلی از متولی شرعی باشد، بر آنان واجب است اجرت المثل قیمت عادله

مدّت تصرّف را بپردازند و اما اگر ثابت شود که آن زمین ها در هنگام وقف، بالاصاله از زمین های موات و انفال بوده اند و ملک شرعی واقف نبوده اند، وقف آنها شرعا باطل است و آن مقداری را که متصرّفان طبق قانون و مقرّرات احیا کرده و تبدیل به مزرعه و باغ و منزل مسکونی و غیره برای خودشان نموده اند، برای خود آنان است و قسمتهای دیگر زمین که به حالت قبلی خود باقی مانده و همیشه موات بوده اند، جزء ثروتهای طبیعی و انفال هستند و اختیار آنها با دولت اسلامی است.

60. اگر مسئولین شرکت نفت و سازمان زمین شهری مقداری از زمین های تحت اختیار خود را برای ساخت مساجد و مدارس علمیه اختصاص بدهند و علاوه بر انشاء صیغه وقف، قبض و اقباض هم صورت بگیرد، آیا این زمین ها موقوفه محسوب می شوند و احکام وقف بر آنها مترتب می گردد؟

جواب: اگر این زمین ها از اموال عمومی دولت باشند و مصرف خاصی برای آنها تعیین شده باشد قابل وقف نیستند ولی اگر از اراضی مواتی باشند که ملک کسی نیستند و در اختیار دولت یا شرکت نفت و یا سازمان زمین شهری باشند، احیاء آنها با اجازه مسئولین مربوطه به عنوان مسجد یا مدرسه و مانند آن اشکال ندارد .

وقف پول

61. آیا جمع آوری مبالغی با هماهنگی سازمان ها و افراد خیّر برای اهدای جوایز به محققان دانشگاهی و نگهداری آن وجوه بصورت وقف در حسابی ویژه برای استفاده از منافع سالانه آن جایز است؟

جواب: تطبیق عنوان وقف با این مورد محل شبهه است لکن دانشگاه می تواند با اجازه صاحبان پول یا با اخذ وکالت از آنان، مبالغ مزبور را به شکل مورد نظر خود سپرده گذاری کند.

وقف محصولات مصرفی

62. شخصی یک درخت و یا محصول یک درخت را هر سال وقف کرده برای امام حسین (ع) مدت دو یا سه سال گذشته ولی هنوز به تصرف موقوف علیهم نداده و متولی هم معین نکرده حال تکلیف چیست یعنی وقف صحیح است یا نه و نسبت به محصولات گذشته چه باید کرد و باید به قبض موقوف علیهم بدهد یا نه؟

جواب: در وقف قبض شرط است و در فرض مرقوم وقف صحیح نیست، و وقف محصول هم با فرض اینکه محصول صرف می شود صحیح نیست.

وقف مال محبوسه

63. اینجانب قطعه زمینی را وقف کردم به مدت 5 سال هنوز مدت 5 سال تمام نشده بود روی همین زمین وقف دائمی نوشتم. آیا حالا که هنوز مدت حبس آن به اتمام نرسیده و وقف دائم نوشته شده باید به وقف دائم عمل کرد در صورتی که از دائم بودنش منصرفم آیا مجازم بعد از اتمام مدت حبس شخصاً تصرف کنم؟

جواب: در وقف مزبور اشکالی نیست و بر فرض صحت حبس بعد از اتمام مدت حبس تأثیر می کند، البته شرط است در صحت وقف قبض و اگر قبض محقق نشود وقف تمام نیست و اختیار در این صورت با مالک است.

2- تقسیم عین موقوفه

عدم قابلیت تقسیم وقف

64. قطعه زمینی است که در گذشته مزروعی بوده و سالیانه از درآمد آن چند روزی روضه سید الشهداء خوانده می شده و روز آخر هم اطعام می کرده اند، اکنون چند سال است که چون قنات خشکیده است زمین کشت نمی شود و درآمدی ندارد و به خاطر نزدیکی به شهر جزء اراضی شهری به حساب آمده است.
در سند این زمین اسمی از وقف نیست ولی در افواه چنین است که برخی می گویند وقف است و برخی هم می گویند وقف صد ساله بوده که اگر چنین باشد مدت آن تمام شده است در حال حاضر تعدادی از وارثین موجود این زمین را تفکیک کرده اند قسمتی از آن جزء خیابان شده است و قسمتی را هم شهرداری به عنوان پارکینگ تصرف کرده است مابقی آن را هم ورثه تصرف کرده و فروخته اند، می خواهم بدانم تکلیف من چیست؟ این پولی را که بعنوان سهم ارث همسرم به من داده اند چه کنم؟
لطفاً مرا راهنمائی بفرمائید و تکلیف شرعیم را مشخص نمائید.

جواب: زمین اگر شهرت به وقفیت دارد وقف است و قابل خرید و فروش و تقسیم نیست و در صورت تغییر دادن باید به صورت وقف برگردد ولو در سند ذکر نشده باشد و هرگونه تصرف در وقف باید زیر نظر متولی شرعی و صلاح وقف باشد و در صورتی که متولی خاص نداشته باشد تولیت آن با حاکم شرع است.

65. شخصی شش دانگ یک قطعه باغ مشجر را به انضمام یک قطعه زمین زراعت با حدود اربعه معین به انضمام حق السقایه وقف نموده و در وقف نامه چنین توضیح داده که هر سال 1/5 محصول آنها را در راه حضرت خامس آل عبا سید الشهداء ارواحنا له الفداء به هر نحویکه متولی آن صلاح و مصلحت داند خرج نماید و فی المجلس شفاهاً 4/5 الباقی را نیز وقف اولاد ذکور نسلاً بعد نسل نموده و اما بعد از فوت واقف مزبور از آنجا که واقف دارای 5 اولاد ذکور بوده باغ مشجر و زمین زراعت ما بین آنها بالمناصفه تقسیم گردیده و از آنجا که یکی از آنها فاقد اولاد ذکور بوده بعد از فوتش سهم وی را برادرانش مابین خویش تقسیم نموده اند یعنی هر 4 برادر بالمناصفه مالک 1/5 دانگ (24 شعیر) از 96 شعیر شش دانگ می گردند و باغ را به چهار قسمت مساوی تقسیم نموده و از آنجا که یکی از پسران واقف دارای 3 پسر بوده سهم پدر خویش را که 24 شعیر بوده باشد بین خویش به 3 سهم 8 شعیر تقسیم نموده اند و 3 برادر دیگر چون هر کدام دارای یک اولاد ذکور بوده آنها هر کدام به تنهایی مالک 24 شعیر می شوند و با پیروی از این شیوه تقسیم و تفکیک ادامه یافته است. خواهشمند است بیان فرمائید آیا شیوه تقسیم درست بوده است یا نه و آیا وقف در مورد 1/5 و 4/5 قابل خرید و فروش، مصالحه، هبه، رهن، اجاره می باشد؟

جواب: با فرض اینکه 1/5 از اموال مذکور وقف شده است محصول آن مقدار باید صرف در عزاداری خامس آل عبا ارواحنا له الفداء شود و تقسیم آن صحیح نبوده است و وقف قابل خرید و فروش و سایر انتقالات نیست. بلی اجاره آن در صورتی که وقف منفعت باشد اشکال ندارد.

تقسیم عین موقوفه برای رفع نزاع

66. واقفی املاک خود را وقف (خاص) اولاد ذکور خود نموده که در اراضی یاد شده کشاورزی نموده و از منافع آن امرار معاش نمایند، اکنون سال هاست موقوف علیهم با هم اختلاف داشته و متولی با فرزندان واقف دائماً در قهر و غضب به سر می برند و با یکدیگر مخالفت و ناسازگاری دارند و کار کشاورزی و منافع آن به رکود درآمده و درآمد آن به حداقل رسیده و اغلب متضرر می شوند و بر عین موقوفه نیز صدمه وارد آمده، در آینده عین موقوفه با چنین اختلافاتی متروکه و کاملاً از منافع و بهره محروم می گردد. در فرض مرقوم آیا تفکیک و تقسیم اراضی موقوفه بین اینجانب و موقوف علیهم دیگر جائز است؟
آیا اینجانب می تواند سهم املاک و اراضی خویش را با املاکی در موقعیت بهتر و کارآمد معاوضه و یا با فروش سهم موقوفه خویش به خرید ملک و مستغلات دیگر اقدام نمایم؟

جواب: 1) در فرض سؤال، اگر با تفکیک نزاع برطرف می شود مجازید موقوفه را تقسیم کنید البته این تقسیم فقط برای بطن فعلی نافذ است و بطن بعدی می توانند آن را به هم بزنند.

2) نمی توانید سهم خود را بفروشید مگر اینکه استفاده معتنابه نداشته باشد و کالعدم باشد که در این فرض می توان فروخت و با بهای آن ملک دیگری خرید و وقف کرد.

وقف مال مشاع و افراز آن پس از وقف

67. حقیر صاحب پنجاه درصد کارخانه ای به طور مشاع هستم و قصد دارم قدر سهم خودم را برای امور خیریه وقف نمایم آیا مشاع بودن قدر سهم اینجانب مانع وقف شدن است یا خیر؟

جواب: وقف مال مشاع صحیح است.

68. زنی که فقط مالک سدس ملک مشاعی است که بین او و سایر زارعین مشترک است، همه آن ملک را وقف کرده و همین باعث بروز مشکلات زیادی برای اهالی به سبب دخالت اداره اوقاف شده است، بطور مثال اداره اوقاف از صدور سند مالکیت برای خانه‌های اهالی جلوگیری می کند، آیا این وقف در تمام ملک مشاع نافذ است یا فقط در سهم او؟ و بر فرض اینکه وقف فقط در سهم او صحیح باشد، آیا وقف زمین مشاع قبل از تقسیم صحیح است؟ و اگر وقف سهم مشاع قبل از تفکیک آن صحیح باشد، سایر شرکا چه تکلیفی دارند؟

جواب: وقف سهم ملک مشاع هر چند قبل از تفکیک باشد، شرعا اشکال ندارد به شرطی که در جهت وقف هر چند بعد از تفکیک و تقسیم قابل انتفاع باشد، ولی وقف تمام ملک توسط کسی که فقط مالک قسمتی از آن است، نسبت به سهم سایر شرکا فضولی و باطل است و شرکا حق دارند خواهان تقسیم ملک برای تفکیک املاک خود از وقف شوند .

69. آیا جایز است بعضی از ورثه که در ترکه سهم دارند، همه آن را وقف کنند؟ و آیا اجرای صیغه وقف به نام آن عدّه صحیح است؟

جواب: وقف ایشان فقط در سهم خودشان از ترکه صحیح است، ولی نسبت به سهام سایر ورثه فضولی و متوقف بر اجازه آنان است .

70. در حدود سی سال قبل با نظر کارشناس یکدانگ موقوفه که مشاع بود افراز شد به صورت شش دانگ به پلاک 88 فرعی از 151 اصلی در سهم موقوفه قرار گرفت و سند مالکیت آن به نام موقوفه صادر و تحویل متولی آن گردید. این قطعه زمین در طول بیست سال گذشته به قطعات متعدد تفکیک و در آن احداث خانه و مغازه و مدرسه و غیره شد و از محل اجاره عرصه که با نظارت اداره اوقاف واگذار شده نظر واقفه نیکوکار به بهترین طرز اجرا می گردد. در حال حاضر برای عده معدودی از ساکنین اراضی اوقافی درباره افراز یک دانگ مشاعی از شش دانگ توهم و تصوری حاصل شده و مدعی هستند که تعلق این اراضی به موقوفه منطبق با مفاد تعریف وقفنامه نیست، لذا از حضورتان استدعای پاسخ شرعی دارد.
1) در مواقعی که موقوفه در رقبه ای دارای سهم مشاعی است آیا افراز آن که مورد تأیید متولی و اداره اوقاف باشد از نظر شرعی صحیح است یا خیر؟
۲) تغییر سهم مشاعی موقوفه مثلاً از یکدانگ که در وقفنامه نوشته شده به مساحت مشخصی که ششدانگ در سهم موقوفه قرار گیرد می تواند موجب تزلزل در وقفیت اراضی محسوب گردد یا خیر؟

جواب: 1) صحیح است. افراز موقوفه از ملک محکوم به صحت است و آنچه که به عنوان سهم موقوفه تعیین شده تماماً موقوفه شناخته می شود.

2) افراز وقف موجب تزلزل در وقف نمی شود.

71. ملکی یک چهارم آن (به طور مشاع) وقف حضرت سیدالشهداء و امور خیریه گردیده است.
در زمان حکومت سابق با حضور نماینده اوقاف سهم وقف را مجزا کرده و کشاورزان زمین های وقف را مشخص نموده اند آیا این عمل شرعاً جایز است؟ که در اینصورت سهم وقف مشخص است. و یا این عمل شرعی نبوده و مقبول شرع مقدس نیست؟ که در این صورت سهم وقف به طور مشاع خواهد بود.

جواب: در افراز وقف اگر مصلحت وقف مراعات شده و تمام مقدار مشاع وقف افراز گردیده است محکوم به صحت است.

72. می خواستم مسئله ای در رابطه با وقف از محضر مبارکتان استفتاء نمایم. ابوی بنده به مقدار 15 هکتار مرتع از پدرش به ایشان به ارث رسیده در بین 15 هکتار دو نفر دیگر شریک می باشند، که سهم شرکاء مجموعاً یک هکتار و نیم می باشد و سهم قطعی ابوی بنده سیزده و نیم هکتار است حالا سؤال این جاست که ابوی بنده قبل از تفکیک و تعیین سهم شرکاء فقط از سهم خودشان مقدار 1000 متر را وقف کرده اند آیا این وقف با این وضعیت اشکال دارد و آیا افراز یا مشاعی بودن شرکاء وقف را با مشکل مواجه می کند یا خیر؟

جواب: با توجه به اینکه مالک بوده، وقف او صحیح است و باید مقدار وقف شده با توافق شرکاء افراز شود.

73. زمینی است حدود 80 هکتار و متعلق به هشت مالک است، و یکی از مالک ها در حدود 50 سال قبل، سهم خودش که 1/16 یعنی نیم سهم باشد، وقف یکی از مساجد نموده است، و نظر واقف این بوده است که از درآمد آن زمین مزروعی که معمولاً کشت گندم، جو، پیاز و تنباکو و درخت طرفاء می باشد،سهمیه مسجد مزبور به متولی آن تحویل گردد تا صرف امورات مسجد باشد. اینجانب و فرزندانم پنج منزل مسکونی در این زمین داریم که زمین سهم مسجد به صورت مشاع در این خانه ها می باشد و سؤال این است که آیا اجازه می فرمائید مساحت کل زمین این پنج خانه محاسبه شود و سهمیه مسجد که 1/16 کل مساحت زمین می باشد با نظر متولی وقف به قیمت روز و متعارف محل خریداری نمایم و قیمت آن تحویل متولی شود تا صرف تعمیرات و تکمیل مسجد فوق نماید؟

جواب: خرید و فروش و تبدیل موقوفه صحیح نیست، بلی شما می توانید قسمت وقف را از متولی شرعی آن با ملاحظه مصلحت وقف اجاره کنید، و مال الاجاره در جهت وقف صرف شود و یا قسمت مشاع وقف را با موافقت متولی موقوفه از ملک خود افراز نمائید.

3- اجزاء و امکانات عین موقوفه

عدم تلازم بین وقف زمین با وقف درختان آ ن

74. با عرض سلام به استحضار می رساند زمین موقوفه ایست که در آن درخت گردو هم کاشته شده است واقف زمین را وقف کرد به عنوان اینکه منافع زمین مذکور صرف خرج طوق بندی و روضه خوانی بشود آیا غیر از منافع زراعت درخت گردو هم شامل عین وقف می شود یا خیر؟

جواب: اگر زمین را در حالی که درخت داشته وقف کرده وقف زمین دلیل بر وقف درخت نیست مگر اینکه قرینه ای در بین باشد که درخت را هم وقف کرده یا منظورش از منافع زمین گردوی درختان هم هست.

قطع درخت وقفی

75. یک اصله درخت گردو که وقف روضه خوانی امام حسین (ع) می باشد در ملکی واقع شده که اینجانب خریداری کرده ام و مبلغ ملک را پرداخت نموده ام درخت مذکور واقع شده است در داخل سالن دامداری که می سازیم و نصف درخت را ماشین باری به آن زده و قطع شده است لذا خواهشمند است راهنمایی کنید که آیا می توانیم درخت دیگری را وقف بنمائیم یا خیر؟

جواب: قطع کردن درخت گردوی وقفی جائز نیست.

اعیان مستحدثه در زمین وقفی

76. در مجموع قوانین و مقررات اوقافی ذیل ماده 11 تبصره ای است بدین شرح:

تبصره: «اراضی موقوفه ای که برای ساختمان واحدهای تجاری، اعم از پاساژ و غیره، مناسب باشد می باید توسط متصدیان امر وقف نسبت به احداث آنها رأساً اقدام و سپس از طریق نشر اگهی مزایده به اجاره واگذار شود».
مسئولین محترم اداره اوقاف به استناد این تبصره چنین بیان می دارند که اراضی موقوفه ای که برای واحدهای تجاری مناسب باشد متولی در صورتی می تواند احداث بنا نماید که ساختمان را وقف نماید، به نظر این حقیر گفته این عزیزان مغایر با حکم خدا و فتوای مراجع عظام می باشد.
مستدعی است نظر مبارک حضرتعالی را بیان فرمائید.

جواب: چنانچه قانون و مقرراتی در جمهوری اسلامی در این باره هست متولی باید از آن تبعیت کند و الا امر وقف با متولی شرعی آن است که باید با مراعات مصلحت وقف در جهت وقف اقدام نماید و ملزم به وقف کردن چیزی نیست.

77. زمینی است موقوفه روشنائی مسجد که در اثر احداث خیابان قسمت اعظم آن در مسیر خیابان قرار گرفته است حال اگر توسط متولی یا مستأجر روی باقیمانده موقوفه احداث ساختمان به صورت تجاری یا مسکونی شود آیا ساختمان احداث شده وقف محسوب می شود یا فقط زمین وقف می باشد؟

جواب: هرگونه تصرف در موقوفه باید زیر نظر متولی شرعی وقف و صلاح وقف باشد و ساختمان احداثی ملک احداث کننده است، ولی اجاره زمین را باید به متولی شرعی موقوفه بپردازد.

آبهای تحت الارضی در املاک وقفی

78. از قدیم الایام آبهای تحت الارضی املاک موقوفه به منظور مشروب نمودن اراضی موقوفه مورد بهره برداری قرار می گرفته است، اخیراً برخی محاکم قضائی و مسئولین محترم اجرائی معتقدند که آبهای تحت الارضی واقع در املاک موقوفه خارج از حدود موقوفه و متعلق به دولت است.
لهذا مسئولین محترم دولتی بی اذن متولی شرعی به منظور جلوگیری از بهره وری خود را مجاز به ورود و تصرف در املاک موقوفه می دانند، مستدعی است ارشاد فرمایند در فرض مذکور آیا شرعاً آبهای تحت الارضی نیز کما فی السابق مربوط به موقوفه می باشد یا خیر؟

جواب: اگر آب در عمقی است که عرفاً تابع زمین است حکم خود زمین را دارد و باید در موقوفه صرف شود، و اگر نیاز ندارد با نظر متولی شرعی ثمن آن تحصیل و در وقف مصرف گردد و در هر صورت در موارد خاصه نیاز به رسیدگی است که موکول است به مسئولین محترم ذیربط در جمهوری اسلامی.

79. مستدعی است نظر مبارک نسبت به سؤال ذیل بیان فرمائید:
آیا سفره آبی موجود در زیر اراضی موقوفه تابع وضع زمین (وقف) است یا نه؟

جواب: آب زیر زمین وقفی حکم وقف را ندارد، بلی اگر چاه در زمین وقفی حفر شده باشد حکم وقف دارد.

چاه حفر شده در زمین وقفی

80. در سال 1341 لغایت 1347 در اجرای قانون اصلاحات ارضی سه پارچه ده مشمول این قانون واقع و اراضی این دهات کلاً به نسبت معینی به زارعین مربوطه واگذار گردید، این دهات هر کدام بین 1/3 تا 2/3 وقف بوده اند که قانون مذکور بدون توجه به وقفی بودن به عنوان اراضی ملکی به این زارعین فروخته اند بلا فاصله پس از این عمل شرکتی در این محل تشکیل و میزان مالکیت هر فرد را محاسبه و نسبت سهام عین و افراد را سهامدار خود ساخته است و با این ترتیب سه پارچه ده که هر کدام به تنهائی مشاع بوده اند با تشکیل این شرکت به صورت یک اراضی واحد و مشاع درآمده است مدیران شرکت وقت کمبود آبی که داشته اند جهت شرب اراضی شرکت تقاضای حفر چاه از اداره آبیاری محل نموده اند و بنا به مصلحت در هر محلی را که لازم دیده اند تعدادی چاه حفر نموده

اند تا اینکه در سال 1363 بنا به فرمان حضرت امام خمینی قدس سره و تصویب قانون برگشت موقوفات به وقفیت خود اسناد تعدادی از زارعین که سهم وقف در سال 1341 به آنان فروخته شده بود باطل و مجدداً با آنان سند اجاره تنظیم می گردید بر اساس این قانون کلیه مستحدثات و حلقه چاه هائی که زارعین در اینگونه اراضی از سال 1341 لغایت 1363 که قانون تصویب شده انجام داده بودند متعلق به خودشان به صورت ملکی اراضی وقفی محسوب می شدند اینک با انحلال این شرکت بلافاصله تقسیم دارائیهای افرادیکه در ابتدا به صورت سهام درآمده بود باید صورت پذیرد که مهمترین آن افراز اراضی می باشد که این عمل با عنایت به اسناد ثبتی موجود و اطلاعات فردی زارعین انجام شده لیکن مشکلی که حادث گردید این است که کل ده حلقه چاه که زمان فعالیت شرکت در اراضی شرکت حفر گردیده اند و با توجه به میزان دارائی زارعین دهات همجوار تعدادی از این چاهها متعلق و مایملک زارعین همجوار است لازم به ذکر است چون نوع وقف و نیت واقف و شخص واقف و میزان آن در هر پارچه ده نیز متغیر است نمی توان زمین زیر آن حلقه چاه را به زارع قریه دیگر واگذار نمود بلکه مجبوریم به وسیله لوله کشی یا نهر کشی آب آنرا به قریه همجوار منتقل نمود.
اینک از آن مجتهد والامقام استعلام می نماید آیا مالک اراضی قریه محل حفر چاه که حدوداً 2/3 اراضی را مشاعاً مالک است و همچنین متولی این اراضی که حدوداً 1/3 دیگر را مشاعاً تولیت دارد حق درخواست وجه یا امتیازی از زارع قریه همجوار که استفاده کننده آب و مالک آن است و امتیاز چاه تلمبه به لحاظ کمبود آب اراضی او صادر شده را دارد یا خیر؟

جواب: چاه اگر در زمینی که قسمتی از آن به صورت مشاع وقف است حفر شده اصل چاه نیز به نسبت وقفیت زمین محل حفر آن وقف است و منافات با مالکیت حفر کننده چاه نسبت به تأسیسات روی چاه از قبیل لوله و تلمبه و ساختمان و غیره ندارد، و متولی شرعی موقوفه حق مطالبه اجرت نسبت به سهم الوقوف چاه و همچنین مالک زمین حق مطالبه اجرت نسبت به سهم الملک چاه را از کسیکه از آن چاه استفاده می کند دارند.

81. قریه ای است که چندین سال قبل دچار بی آبی شده عده ای از اهالی برای ادامه کشاورزی طبق مقررات مبادرت به حفر چاه در اراضی ملکی و غیر وقفی نموده اند که بعد از پیروزی انقلاب مشخص گردید که قریه مورد نظر موقوفه است حال با عنایت به مراتب فوق و اینکه چاه محفوره با هزینه شخصی افراد و در زمین ملکی می باشد جزء موقوفه می باشد یا ربطی به وقف ندارد و ملک طلق مشترکین می باشد؟

جواب: چاه تابع محل آن است اگر محل آن وقف نیست چاه هم وقف نیست ولی اگر در زمین موات باشد باید به مسئولین محترم ذیربط در جمهوری اسلامی مراجعه شود.

82. در یکی از روستاها حدود 20 الی 30 سال پیش مردم از طریق آب قنات زمین های کشاورزی خود را آبیاری می کردند در همان زمان آب قنات به چند شبانه روز تقسیم می گردید که در این میان یک شبانه روز وقف می گردد و تا زمانیکه آب قنات موجود هست هیچگونه مشکلی پیش نمی آید منتهی پس از گذشت چند سال آب قنات کم کم زائل شده و به کلی خشک می گردد، مالکین پس از خشک شدن آب قنات به فکر چاه عمیق می افتند و به اطلاع اداره اوقاف شهرستان می رسانند که آب قنات خشک شده اگر شما هم قصد شرکت در چاه عمیق را دارید باید بابت موتور و مخارج دیگر شریک شوید که هیچگونه جوابی از اداره اوقاف نمی آید پس از زدن چاه عمیق و نصب موتور زمانی می گذرد که یکباره اداره اوقاف اعلام وجود می کند اما با اعتراض شدید مالکین روبرو می شود و مالکین اعلام می دارند آب قنات خشک شده و عنوان وقف هم عوض شده و چاه عمیق زده شده است، الان این مسئله مورد اختلاف مالکین و اوقاف است که آیا موقوفه از چاه سهم دارد یا خیر؟

جواب: اگر چاه در زمین موقوفه حفر شده باشد تمام چاه وقف است و اگر در زمین مشترک بین وقف و ملک حفر شده نسبت به سهم موقوفه وقف است و هرگونه تصرف در آن باید زیر نظر متولی شرعی موقوفه و صلاح وقف باشد و اگر در زمین ملک شخصی یا زمین مباح حفر شده اختصاص به مالکین آن دارد.

83. در داخل زمین موقوفه چاه آب آشامیدنی جهت مصرف اهالی احداث گردیده است شرائط شرعی و سهم موقوفه چگونه تأیید می گردد؟

جواب: آب حکم خود زمین را دارد که باید در موقوفه مصرف شود و اگر موقوفه به آن نیاز ندارد با نظر متولی شرعی عوائد آن تحصیل و در جهت وقف صرف می شود.

84. یکی از مزارع و کشتخوان های اطراف به مدار 13 شبانه روز که حدود ده شبانه روز آن در 4 یا 5 گروه مختلف وقف و بقیه آن ملک است و این مزرعه هم همچون دیگر مزارع اطراف ارباب، مستأجری بوده و هست درگذشته توسط آب قنات کشت و زرع می شده که از زمان های قدیم مستأجرین آب و زمین را طبق نظر کارشناسی اجاره کرده اند و هر ساله مال الاجاره به متولی یا مالک می پرداختند، در حین کشت و زرع در زمان های گذشته مستأجرین جهت ازدیاد دسترنج و تثبیت آن به کاشتن درخت پسته نیز همت نهادند که مالک یا متولی از این کار بی خبر نبوده است و مستأجرین جهت جبران آب مورد نیاز گهگاهی از آب چاه های اطراف مزرعه نیز استفاده می کرده اند که شخصاً هر ساعت به مبلغی پول می خریدند چندین سال گذشته جهت تأمین آب مورد نیاز با همت مستأجرین چاه نیمه عمیقی جهت جبران کمبود آب مورد نیاز حفر کردند و اجاره نیز همچون گذشته می پرداختند جای چاه نیمه عمیق جنب سفه دشتبانی بوده است و ظاهراً مال همه کشاورزان بوده است، بالاخره قنات فوت گردید.
الف ـ این چاه وقف است یا ملک؟
ب ـ آیا مستأجر شریک است یا خیر؟
ج ـ تکلیف مستأجرین چیست؟

جواب: الف) مستأجرین اگر با پول خودشان در زمین ملک یا مباح چاه را حفر کرده اند ملک مستأجرین است و اگر در زمین موقوفه یا با پول حاصل از منافع وقف چاه را حفر نموده اند به وقف اختصاص دارد.
ب) اگر چاه در زمین وقف حفر نشده و به صورت شرکت مستأجرین زمین و متولی شرعی موقوفه و مالکین زمین چاه را حفر نموده اند به نسبت شریک می باشد.
ج) تکلیف مستأجرین و متولی نسبت به چاه حفر شده از جواب مسئله قبل روشن شد.

سنگریزه ها و سنگ های موجود در عین موقوفه

85. در بعضی از زمین های وقفی نهرها یا مسیل هایی وجود دارد که سنگریزه ها و سنگ های معدنی در آنها یافت می شود، آیا این سنگریزه ها و سنگ های موجود در آنها که در ملک موقوفه واقع شده اند، تابع وقف هستند؟

جواب: نهرهای بزرگ عمومی و همچنین مسیل های عمومی که در مجاورت زمین های وقفی هستند و یا از داخل آنها عبور می کنند، جزء وقف نیستند مگر آن مقداری از آنها که از نظر عرف، حریم موقوفه محسوب می شوند، در نتیجه با آن مقدار همانند وقف رفتار می شود، ولی در نهرهای کوچکی که موقوفه هستند واجب است نسبت به سنگریزه ها و سنگ های معدنی و غیره مانند وقف رفتار شود.

86. در محدوده موقوفه حتی در بین اراضی زراعی موقوفه معادن سنگ وجود دارد که برای ساختمان به عنوان سنگ گرانیت از آن استفاده می شود شخصی از طرف اداره صنایع و معادن در محدوده موقوفه تصرف نموده و اقدام به کشف سنگی معدنی (گرانیت) می نماید، آیا این معادن سنگ که در اراضی موقوفه است جزء موقوفه است یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال اگر عرفاً معادن تابع زمین محسوب می شوند جزء موقوفه است که در این صورت لازم است علاوه بر پرداخت اجرت المثل زمین موقوفه از عهده ضمانی که از ناحیه تخریب به وجود آمده برآید و اگر مقرراتی از طرف نظام اسلامی در این زمینه باشد باید مراعات گردد ولی در هر حال حل و فصل اینگونه امور نزاعی موکول به محاکم قضائی است.

خارج کردن وسایل حسینیه یا اجاره دادن آنها

87. وسائلی که برای حسینیه و یا مسجد وقف شده آیا افرادی که در مسجد و حسینیه خدمت می کنند می توانند آن وسائل را به مجالس عروسی و یا به مجالس ولیمه در خانه ها و یا مجالس ختم اموات امانتاً بدهند و در قبال آن پولی برای مخارج مسجد و یا حسینیه دریافت کنند یا نه؟ ضمناً آیا ظروفی که وقف است در مسجد و حسینیه بلکه در خانه ها آیا همین حکم را دارند یا نه؟

جواب: امر وقف با متولی شرعی آن و با نبود متولی خاص با حاکم شرع است و با اجازه او باید در جهت وقف از آن استفاده شود و نباید تغییر بدهند پس اگر وقف برای استفاده از آن در حسینیه و مسجد شده نمی تواند به جای دیگری ببرند حتی اگر پول هم بگیرند.

88. هیئت امناء حسینیه ای در نظر دارد جهت کسب درآمد حسینیه، آشپزخانه حسینیه را با تمام وسائل پخت و توزیع به اشخاص واجد شرائط به صورت قراردادی مشارکت واگذار نماید. از آنجائیکه تمام وسائل و لوازم و اصل ساخت آشپزخانه از کمک مالی افراد خیر و همشهریان تأمین شده است و مربوط به خود حسینیه و هیئت می باشد، خواهشمند است صورت شرعی این عمل را اعلام بفرمائید.
البته قابل ذکر است درآمد حاصله از این کار صرف امور مذهبی و تبلیغی و نگهداری خود حسینیه خواهد شد.

جواب: چنانچه کسانی که پول وسائل و لوازم مذکور را داده اند برای استفاده در خصوص حسینیه و هیأت بوده، استفاده کردن به صورت دیگر جائز نیست.

89. در روستائی از زمان قدیم تکیه ای وجود داشته که اهالی به علت منحصر به فرد بودن آن موقوفات حسینی را به آن اختصاص می داده اند حالیه با عنایت به افزایش جمعیت، تکیه فوق الاشاره گنجایش کافی نداشته و مردم بالاجبار در سرما و گرما در خارج از آن جهت مراسم عزاداری و غیره به سر می برند لذا اهالی با همیاری و همدلی اقدام به احداث حسینیه جدیدی به نام مبارک قائم آل محمد (عج) نموده اند. خواهشمند است نظر مبارک مقام معظم رهبریت و مرجعیت را در خصوص سؤالات ذیل اعلام تا ملاک عمل واقع گردد.
آیا می توان از وسائل تکیه مذکور اعم از فرش و ظروف و غیره در حسینیه جدید استفاده نمود یا خیر؟ لازم به توضیح است مقدار زیادی از وسایل ذکر شده مازاد و بلااستفاده می باشد و تأمین وسایل برای حسینیه جدید با توجه به اینکه اکثر اهالی از قشر مستضعف و محروم جامعه می باشند معذوراتی را به دنبال دارد.
با عنایت به اینکه تکیه مذکور ظرفیت و گنجایش کل جمعیت روستا را ندارد و از طرفی جمعیت روستا آنقدر زیاد نیست که بتوان به طور همزمان از هر دو مکان استفاده نمود در خصوص نحوه استفاده از آن چگونه باید عمل نمود؟

جواب: وسائل حسینیه قدیمی تا قابل استفاده در آن حسینیه می باشد باید در همان محل از آن استفاده شود مگر احراز شود که وقف آن به نحو عام بوده یا اهدائی و در اختیار متصدیان باشد که در اینصورت مانع ندارد.

90. در کتاب وقف تحریرالوسیله مسئله 74 امام راحل آمده است که اگر وقف، وقف منفعت است می شود موقوفه را اجاره داد ولی اگر وقف، وقف انتفاع باشد به هیچ وجه قابل اجاره نیست.
در بعضی از شهرها دستگاه صوتی را که وقف حسینیه است، به اشخاص اجاره می دهند و آنها برای انجام مراسم در منازل شخصی خود استفاده می کنند. با توجه به مطالب فوق، آیا وقف دستگاه صوتی حسینیه ها وقف انتفاع است که اجاره آن جایز نیست یا وقف منفعت است که اجاره جایز می باشد؟ مستدعی است نظر شریفتان را مرقوم فرمائید.

جواب: هر دو صورت ممکن است، و جایز نیست آن را از حسینیه خارج کنند مگر آنکه جواز آن معلوم باشد.

استفاده از ظروف حسینیه برای مراسم

91. از محل نذورات و هدایا و وجوهی که توسط مردم پرداخت شده مقداری لوازم از قبیل دیگ، ظروف و وسائل پذیرائی جهت استفاده در حسینیه خریداری شده است. لازم به ذکر است که اکثر قریب به اتفاق افراد صیغه شرعی به عنوان وقف نخوانده اند. حال از محضر حضرتعالی استدعا دارد حکم شرعی نسبت به استفاده از وسائل مذکور در جلسات عمومی از قبیل ختنه سوری، عروسی و... در قبال پرداخت وجهی در ازاء آن که در جهت موارد مورد نیاز حسینیه مصرف گردد بیان فرمائید. این کار اشکال دارد یا خیر؟ لطفاً حکم شرعی مسئله را بیان فرمائید.

جواب: اگر منافات با جهت وقف نداشته باشد اشکال ندارد.

92. به همت اهالی محل حسینیه ای بنا شده است و هر ساله ایام محرم مردم به صورت نذر و غیر نذر به جهت ارادتی که به خاندان آل عبا (ع) دارند کمک های نقدی و غیر نقدی خود را از قبیل ظروف، بلندگو، رادیو و غیره جهت مصارف عزاداری اباعبدالله (ع) تحویل هیأت امنای حسینیه می دهند.
آیا از این وسائل جهت استفاده غیر از مراسم عزاداری از قبیل استفاده در مراسم فوت اشخاص در قبرستان و یا مراسم عروسی و غیره می شود استفاده نمود؟

جواب: بستگی به کیفیت وقف وسائل مذکور دارد.

4- احکام مرتبط

سوء استفاده از امتیاز مال موقوفه

93. قنات وقفی که در اثر سیل تخریب و خشک می شود و غیر قابل استفاده می گردد عده ای از مالکین به اداره آبیاری استان مراجعه می کنند و تقاضای چاه عمیق به جای قنات سیل خورده می نمایند که آن اداره مجوز یک حلقه چاه عمیق در محل زمین های بیابان که در تصرف دولت بوده می دهد و چاه در همان محل حفر می شود، با توجه به مراتب فوق سؤال این است که حقیر مقدار چهار سهم از سهام وقفی از این چاه عمیق شریک شده ام آب و زمین فعلی آیا وقف می باشد یا خیر؟

جواب: در فرض مرقوم چاه وقف نیست و تصرف در آن تابع مقررات دولتی مربوطه است.

عدم تلازم بین وقف زمین با وقف درختان آن

94. چاه آب که در حقیقت سقاخانه ای شده است در منطقه محروم وقف گردیده آیا چاه آب و سقاخانه ای که قباله آن جهت این کار تهیه شده است و علماء قباله را امضاء کرده اند آیا نامگذاری آن چاه به نام علی ابن ابیطالب اشکال دارد و سقاخانه به این نام؟ نظر خود را خواهشمندم از نظر شرعی بیان فرمائید چون این کار در نظر است به اداره اوقاف سپرده شود و نظر جنابعالی لازم و ضروری است این کار را علمای نامبرده تأیید نموده اند.

جواب: وقف چاه آب به نام مبارک امیرالمؤمنین علی (ع) برای استفاده مردم مورد رضایت خدا و صدقه جاریه است و هیچ اشکالی در آن نیست.

95. یک قنات، یک چهارک از آن وقف بوده است، قنات خشک شده و ورثه واقف در پنج فرسخی این قنات موتوری داشتند و از این موتور یک چهارک وقف نموده اند و پس از چندی و با فاصله سه فرسخی از موتور اول موتور دیگری را گذاشتند و با یک چهارک از موتور دوم را هم وقف کرده اند و اخیراً موتور سومی را گذاشتند. سؤال کرده اند آیا واجب است از این موتور سوم هم چیزی وقف کنند یا خیر؟

جواب: وقف واجب نیست، ولی اگر آب وقف را جذب می کند باید مراعات شود.

هدیه دادن عین موقوفه

96. واقفی نصف ملک موقوفه خود را به کسی بخشیده (این مسئله 70 سال پیش رخ داده) تولیت این ملک موقوفه با اولاد ذکور می باشد، حال آیا آن شخص می تواند ملک را به نوه اش ببخشد یا خیر؟

جواب: ملک موقوفه و همچنین تولیت موقوفه قابل بخشش به دیگران و انتقال به غیر نیست، بلکه باید در موقوفه بر طبق آنچه که واقف تعیین کرده است عمل نمایند.

97. زمین موقوفه ای را که شخصی متصرف بود مقداری از آن را برای تأسیس ساختمان به شخصی واگذار کرد و آن شخص با آگاه بودن به اینکه این زمین وقف است و موقوفه دارد باید موقوفه را خرج کند مقدار زمین مزروعی خود را به شخص متصرف زمین وقفی واگذار کرده و یا بهتر بگوئیم بخشیده، با فرض بر اینکه طرفین نمی دانستند زمین موقوفه را نباید به کسی واگذار کنند و در مقابل چیزی بگیرند.
سؤال این است تصرف این زمین مزروعی که طرف به او بخشیده چه صورت دارد و آیا مالکیت برای شخص می آورد یا نه آنچه حکم الله هست مرقوم بفرمائید، محل حاجت است.

جواب: زمین موقوفه قابل بخشش نیست و هر گونه تصرف در وقف باید طبق وقفنامه و زیر نظر متولی شرعی موقوفه و صلاح وقف باشد.

انتقال آهن حسینیه مخروبه

98. به دلیل خالی شدن این محل از سکنه حسینیه دیگر هیچ فایده ای ندارد یعنی دیگر آنجا حسینیه ای بناء نمی شود مقداری آهن بجا مانده است هیئت عزاداران علی اصغر (ع) تصمیم گرفتند که یک انباری جهت وسایل هیئت درست کنند آیا اجازه می فرمائید از این آهن حسینیه مخروبه استفاده کنند یا حکم چیزی دیگر است؟

جواب: اگر آهن ملک اشخاص است باید رضایت آنان تحصیل شود و چنانچه متعلق به حسینیه است، در صورتی که استفاده از آنها در این حسینیه ممکن نیست باید در حسینیه دیگر از آنها استفاده شود.

حریم زمین موقوفه

99. زمین های موقوفه ای وجود دارد که وقف حرم مقدس رضوی (ع) هستند و در حریم بعضی از این املاک مراتع و جنگل نیز وجود دارد، ولی بعضی از نهادهای مسئول با استناد به مقررات قانونی مربوط مراتع و جنگل ها حکم انفال را بر این جنگل ها و مراتع جاری کرده اند، آیا مراتع و جنگل های واقع در حریم املاک موقوفه مانند سایر زمین های واقع در حریم آنها دارای احکام وقف هستند و واجب است در مورد آنها عمل به وقفیّت شود؟

جواب: مراتع و جنگل های واقع در جوار اراضی موقوفه در صورتی که جزء حریم آنها شمرده شوند، در حکم موقوفه و تابع آن هستند و حکم انفال و املاک عمومی در مورد آنها جاری نمی شود و مرجع تشخیص حریم و مقدار آن هم عرف محل و نظر افرادی است که در این امر متخصّص هستند .

100. در وقفنامه های معتبر و معموله علاوه بر املاک آباد و دائر از اراضی بائر و صحرا، مرتع واقع در مرافق موقوفه نیز به عنوان ملحقات وقف نام برده و از

سنوات گذشته بدان عمل شده است اخیراً در پاسخ به استفتائیه شماره 8361 اداره منابع طبیعی فرموده اید: «جنگل ها و مراتع طبیعی از انفال عمومی است و قابل وقف نیست» برداشت آقایان از این فتوا آن است که مراتع و منابع مرافق ملک موقوفه نیز مشمول حکم وقف نیست مستدعی است نظر مبارک و مطاع را در فرض مرقوم بیان فرمائید که آیا مراتع و منابع طبیعی و اراضی بایر و کوههای واقع در مرافق و حریم املاک موقوفه که شهرت به وقفیت داشته و درآمدهای احتمالی از آن نیز در جهت وقفنامه بهره بردای می شده ا ست از نظر شرعی محکوم به حکم وقف است و یا جزء انفال است که طبق اصل 49 قانون اساسی باید مورد عمل قرار گیرد؟

جواب: عدم صحت وقف جنگل ها و مراتع طبیعی و هر آنچه که از انفال و اموال عمومی است به ملاحظه اینکه ملک اختصاصی شخص خاصی نیست منافات با تبعیت حریم رقبات موقوفه از وقفیت ذی الحریم ندارد بلکه از جنگل و مراتع و سایر اراضی موات اصلی واقع در کنار رقبات موقوفه هر مقدار از آن که در نظر عرف حریم مورد نیاز رقبه موقوفه اعم از قریه یا مزرعه یا باغ و غیره محسوب باشد تابع ذی الحریم در احکام و آثار شرعی وقف است و کسی حق جدا کردن حریم در این باره از ذی الحریم و یا احیاء و تملک و نقل و انتقال ملکی آن را ندارد.

101. کوهی هست موقوفه که علفشان را برای مخارج و مصرف حسینیه و مسجدی می فروخته و هیزمش را اهالی آن قریه برای خودشان می آوردند، حالا آن کوه موقوفه را مردم قریه بین خود تقسیم کرده حتی بعضی شان منزل شخصی برای خود ساخته اند آیا چنین عملی جایز است؟ بر فرض عدم جواز منازل شخصی و تصرفات دیگر چه حکمی دارد.

جواب: وقف کوه و تقسیم آن صحیح نیست. بلی اگر حریم موقوفه باشد حکم وقف دارد و چنانچه با شرائط احیاء شود ملک احیاء کننده می شود که بعد از اینکه مالک شد می تواند آن را وقف کند و با فرض عدم صحت وقف اگر اهالی قریه به این طور تقسیم کرده اند که از هر قسمت بعضی استفاده کنند مانع ندارد ولی مجرد تقسیم مزبور موجب ملک یا حقی نمی شود.

102. مقدار قابل توجهی زمین به صورت وقف به جد ما واگذار گردیده مقداری از این اراضی کشاورزی می باشد که عده ای از کشاورزان بر روی آن کار می کنند و سالیانه مبلغ ناچیزی به عنوان حق وقف جهت تعزیه داری حضرت ابا عبدا... می پردازند و قسمت عمده ای از زمین ها اراضی ملی اعلام شده واز طرف سازمان جنگل ها و مراتع به عده ای از عشایر واگذار گردیده و پروانه چرا صادر نموده اند و چیزی بابت موقوفه ووقف نمی پردازند و منکر وقفیت قسمت اخیر ملک مذکور می باشند.
آیا این وقف نسبت به کل ملک مذکور صحیح است و واقفین حق وقف داشته اند؟

جواب: اگر ملک شرعی خود را وقف کرده اند و به قبض معتبر در وقف هم داده اند صحیح بوده و حریم آن هم تابع وقف است.

103. حدود یکصد و ده سال قبل مالک مقداری از املاک خود را به نحو مشاع (در بعضی روستا دو دانگ در بعضی دو دانگ و نیم) وقف نموده است: سؤال ما از حضرتعالی این است در زمان وقف واقف، زمین مزروعی قابل کشت بسیار محدود بود چون وسائل کشت آن زمان محدود بوده است از طرفی افراد ساکن در هر روستا چند خانواری بودند. بر اثر مرور ایام افراد و جمعیت روستا زیاد شدند و وسائل کشت و زرع صنعتی شده و زمین هائی که به صورت آجام و نیزار و مراتع و جنگل و آبگیر خلاصه جزء انفال بوده، به تدریج احیاء و قابل کشت و زرع گردیده، رأی و فتوای مبارک را درباره زمین های احیاء شده بعد از وقف واقف مرقوم فرمائید آیا مال کسانی که آنها را احیاء و قابل کشت و زرع نموده اند می باشد و یا اینکه جزء موقوفات بحساب می آید؟

جواب: هر مقدار از اراضی که سابقه معامله وقف در بین اهالی دارد و یا با بینه شرعیه و یا به اقرار متصرفین وقفیت آن ولو به نحو مشاع محرز باشد وقف شناخته می شود، و هر مقدار از آن محرز باشد در زمان انشاء وقف به صورت آجام و جنگل و مراتع طبیعی موات اصلی و از انفال بوده است و حریم عرفی اراضی آباد در آن زمان هم نبوده است، و بعداً کشاورزان آن را به قصد تملک احیاء و قابل کشت و زرع نمودند بخود کشاورزان اختصاص دارد و سهم مشاع وقف نسبت به آن تسری و شمول ندارد، و چنانچه در این باره نزاع و اختلاف باشد جهت رسیدگی باید به اهل خبره محلی یا به دادگاه مراجعه نمایند.

104. از قدیم الایام قراء موقوفه اکثراً دارای اراضی زیر کشت بایر و چراگاه و مرتع و تپه و کوه بوده اند که شش‌دانگ به ثبت می رسید و از اراضی چراگاه و مرتع به طور طبیعی بهره برداری می شد. اینک سوال از محضرتان این است:
آیا اراضی مورد تعلیف و مراتع مجاور زیر کشت جزء موقوفه محسوب می شود یا خیر؟
آیا این قبیل اراضی که دارای بوته های گیاه بیابانی است که جهت تعلیف همگان استفاده و بهره دهی دارد جزء اراضی موات است یا نه؟

جواب: تپه و کوه ها و مراتع طبیعی که سابقه عمران و احیاء از سوی کسی ندارد، جزء انفال و از اموال عمومی است، ولی هر مقدار از آن که حریم عرفی ملک یا موقوفه و از مرافق مورد نیاز ملک یا موقوفه محسوب باشد، اختصاص به همان ملک یا موقوفه دارد، بدون اینکه ملک مالک یا جزء موقوفه محسوب باشد.

105. مقدار 51 هکتار زمین که در گذشته ناهموار و رشته قنوات زیادی از آن عبور می کرده و قابل کشت نبود فعلاً هم با وجود مشکلات فوق الذکر به همان شکل باقی مانده است و در سال 56 توسط جنگلداری کروکی کشیده شد و ماده 56 روی آن اجرا گردید و ثبت ملی اعلام گردیده است و ساختمان مرغداری اینجانب روی قسمتی از همین زمین قرار گرفته و با توجه به اینکه میان زمین های وقف قرار گرفته و ما آن زمین ها را که موات بوده احیاء نموده ایم خواهشمند است بفرمائید با توجه به موات بودن آیا موقوفه بودن آن چون میان آن بوده محسوب می شود، نظر مبارک را بفرمائید.

جواب: رسیدگی موکول است به مسئولین محترم ذیربط در جمهوری اسلامی، و زمینی که در وسط زمین موقوفه قرار گرفته موقوفه محسوب است.

1- شرایط واقف

شرطیت مالکیت واقف

106. شخصی قریب 50 هکتار از مراتع جنگلی را حیازت کرده و مدتی از آن بهره می جست به طوریکه عرف و قانون مملکت وقت او را مالک مرتع می دانستند پس از سال 1283 قمری آن را برای حضرت سید الشهداء (ع) وقف نمود و از آن سال تا الان عمل به وقف شده است و مال الاجاره را برای عزاداری امام حسین (ع) مصرف می نماید، از مقام معظم استدعا دارم حکم شرعی آن در صحت و عدم صحت وقف را بیان فرمایند.

جواب: حکم کلی مسأله روشن است که اگر کسی مالک ملکی بود می تواند آن را وقف کند ولی موضوع خاص نیاز به رسیدگی دارد می توانید به مسئولین ذیربط قانونی مراجعه نمائید.

107. فردی سهم مشاعی از یک زمین زراعی را خریده و آن را بطور رسمی به نام پسرش نموده، آیا جایز است این زمین را که برای پسرش خریده است، وقف کند؟

جواب: مجرّد ثبت ملک به نام کسی، ملاک مالکیّت شرعی فردی که ملک به نام او به ثبت رسیده، نیست، در نتیجه اگر پدر بعد از خرید زمین و ثبت آن به نام پسرش، آن را به او هبه کرده و قبض آن نیز بطور صحیح محقق شده باشد، در این صورت حق ندارد آن را وقف کند زیرا مالک آن نیست، ولی اگر فقط سند زمین را به نام او کرده و زمین در مالکیّت خودش باقی مانده باشد، او از نظر شرعی مالک آن است و حق دارد آن را وقف کند.

108. منطقه ما یک منطقه کشاورزی می باشد که در گذشته این مناطق به صورت موقوفه اعلام شد و الان متولیان امر اصرار بر دریافت موقوفات را دارند و از آنجا که هریک از اهالی در تحیر زاید الوصفی قرار دارند، از طرفی نه رضایت به تصرف در مال سید الشهداء (ع) دارند و از آن طرف هم می دانیم که سید الشهداء (ع) رضایت به دریافت مال دیگران را ندارند زیرا موضوعی که در این مورد مطرح است این است که اولاً در مالکیت مالکین آن زمان حرف است و مورد اشکال، و بر فرض صحت مالکیت آنها، این مسئله مطرح می شود که در زمان واقفین مقدار زمین زیر کشت بسیار محدود بوده به عنوان مثال در یک سطح زیر کشت اغلب از 20 هکتار تجاوز نمی کرده لکن بعدها بر اثر زحمات و تلاشهای خود کشاورزان سطح زیر کشت به مقدار 150، 200 و حتی بیشتر هم رسیده است لذا تقاضا داریم اولاً مشخص بفرمائید که مقدار مازادی که به دست خود کشاورزان آباد شده، جزء موقوفات محسوب می گردد یا خیر تا اهالی منطقه را از این مشکل شرعی نجات دهید.

جواب: اصل وقف واقف نسبت به آنچه که در ظاهر مالک آن بوده است محکوم به صحت و نفوذ است مگر آنکه خلاف آن به طریق شرعی ثابت شود، ولی اراضی که در گذشته و در زمان انشاء وقف به صورت جنگل یا بیشه و نیزار یا مرداب یا مرتع طبیعی و از اراضی موات اصلی و جزو انفال و اموال عمومی بوده است و حریم خاص ملک شخصی یا موقوفه نبوده است وقفیت نسبت به آن تسری و شمول ندارد، بلکه این گونه اراضی ملک اختصاصی کسانی است که آن را به قصد تملک برای خودشان احیاء کردند و یا از احیاء کننده آن به آنان به ارث یا بیع منتقل گردید.

109. اگر زمینی چند وارث داشته باشد و یکی از ورّاث که در قید حیات نمی باشد بدون اجازه بقیه ورّاث آن ملک را وقف نموده باشد حکم این وقف چه می باشد؟

جواب: نسبت به سهم خود،وقف صحیح ونسبت به سهم دیگران فضولی استکه درصورت اجازه هرکدام نسبت به سهم وی صحیح است.

110. روستائی است که در حدود یکصد سال قبل می گویند که مالک آن به شرح زیر آن را وقف کرده. شش دانگ روستا اعم از زمین های مزروعی و بایر و رود و ملک مسکونی و جنگل های مربوطه روستای مذکور و... ، منتهی در اینجا چند سؤال شرعی برای روشن شدن وظیفه شرعی و دینی ما مطرح است.
آیا مالکین آن زمان با توجه به اینکه منطقه ارباب و رعیتی بوده با این کیفیت مالک شرعی بودند که بتوانند وقف کند یا خیر؟

جواب: با احراز مالکیت وقف صحیح است.

111. اگر چنین وقفی صحت شرعی داشته باشد آیا خانه هائی که قبل از وقف در تصرف مردم بوده آیا مالک چنین حقی دارد که خانه های مسکونی مردم روستای مذکور را وقف کند؟

جواب: با عدم احراز مالکیت واقف نسبت به خانه های مذکور، وقف صحیح نیست.

وقف اموال توسط حاکمان جور

112. آیا وقف حاکمان جور و ظلم، مانند وقف کردن زمین های موات و محیاه و خانه ها و باغ ها و غیره صحیح می باشد؟ با اینکه این زمین ها بسیار وسیع و چندین روستا را شامل می شود، خواهشمندم دلائل را هم ذکر فرمائید.

جواب: در صحت وقف ملکیت شرط است و رسیدگی به موضوع موکول است به مسئولین محترم ذیربط.

113. حدود 380 پارچه آبادی (که قبلاً با هیچ سابقه تملکی جز مالکیت بومیان آنها و به صورت طبیعی پدر اجدادی نداشته و اکثراً اسناد قدیمی در دست دارند و بعضاً زمین کشاورزی و بعضاً به صورت انفال که قسمت هائی از آن به عنوان مرتع مورد استفاده دامداران بوده است) در سال 1372 قمری توسط درباریان مظفرالدین شاه و تنفیذ خود او طی فرمانی به یکی از تجار وابسته به دربار ساکن تهران و بدون هیچگونه توجهی به حق مسلمانان منطقه تملیک می شود و در سال 1322 قمری نصف مشاع کل منطقه (به صورت قله تا قله همه تلال و جبال و صحاری و براری و جنگل و مرتع آباد و غیره، یذکر و لم یذکر...) توسط تاجر

مذکور وقف خاص می شود ولی از طریق اهالی امتثال نشده و دادرسی هم نبوده که به داد آنان برسد که ملکی که در ید آنان است و قباله و بنچاق دارند و همچنین انفال را چگونه واگذار و وقف کرده اند. در زمان رضاخانی هم مدتی در تملک دولت وقت قرارگرفته و مالیات اجباری از مردم می گرفتند و بعد از زمان پسر رضاخان به کمک وراث تاجر نامبرده که داماد رضاخان بود با سازش با خوانین جابر منطقه به خوانین و قسمتی از آن را در ثبت دولت شاهنشاهی به نام خود و سایر وراث به ثبت می رسانند (بنابراین وقف کذایی به همان نسبت تنزل پیدا کرده و در اصلاحات ارضی شاهی جز مستثنیات جزئی به نام وقف تمام زمین ها بین زارعین صاحب نسق تقسیم می شود. از جهت اینکه این مسئله از اول تا کنون خصوصاً حالا که دولت در مقابل موقوفات صحیحه احساس مسئولیت می کند موجب عسر و حرج فراوان برای اهالی شده و مردم نجیب این منطقه را متأثر نموده متمنی است نظر مبارک را در مورد زیر بیان فرمائید:
آیا تملیک منطقه ای به وصف فوق توسط مظفرالدین شاه به یکی از وابستگان درباری ملکیت شرعی ایجاد می کند یا خیر؟
آیا وقف مبنی بر چنین ملکیتی که موجب عسر و حرج عمومی منطقه و دولت بوده صحت دارد یا خیر؟

جواب: حکم شرعی توقف صحت وقف بر مالکیت شرعی واقف در زمان انشاء وقف امر واضحی است، لکن اثبات اینکه زمین موقوفه ملک واقف نبوده است احتیاج به بررسی و حکم شرعی دارد و لازم است جهت رسیدگی در این باره به دادگاه های قضائی جمهوری اسلامی ایران مراجعه شود.

114. آیا موقوفاتی که در زمان سلطان محمد خدابنده و حکام وقت، وقف نموده اند جایز است و باید به آن عمل نمایند؟ یا عمل به آن جایز نیست، عاجزانه از معظم له استدعا داریم نظر مبارکتان را مرقوم فرمائید.

جواب: اگر وقف است باید به آن عمل شود مگر در صورتی که شرعاً اثبات شود که شرائط صحت وقف را نداشته است و رسیدگی موکول است به مسئولین محترم ذیربط در جمهوری اسلامی .

115. شهرستانی حدود هشتاد روستا دارد و دارای جمعیت حدود چهارصد هزار نفر می باشد کلیه زمین های این مناطق اعم از مزروعی و مسکونی توسط شخصی که از نزدیکان رضا شاه بوده تصاحب شده و بعداً هم وقف گردیده آیا اینگونه وقف که ایشان صاحب اصلی نبوده صحیح است یا خیر؟

جواب: وقف باید از طرف مالک یا کسی که مالک به او اختیار داده باشد واقع شود، و با فرض شک محمول بر صحت است و خصوصیات موضوع باید در محاکم شرعیه رسیدگی شود.

وقف توسط غیر مسلمان

116. بعضی از زرتشتی ها بیمارستانی ساخته اند و آن را به مدّت هزار سال در راه خیر وقف کرده اند، با توجّه به ضوابط و مقررات وقف در فقه امامیه، آیا جایز است متولّی وقف در حال حاضر بر خلاف شرایط وقفنامه که در آن تصریح شده است: «اگر درآمد بیمارستان از هزینه های آن بیشتر شود باید با آن تعدادی تخت خریده و به تخت های موجود در بیمارستان اضافه شود»، عمل نماید؟

جواب: در مواردی که وقف از مسلمان صحیح است از غیر مسلمان اعم از کتابی و غیرکتابی هم صحیح است، در نتیجه وقف بیمارستان برای استفاده در راه خیر تا هزار سال، هر چند وقف منقطع الآخر است، ولی صحت آن از نظر شرعی بدون اشکال است، لذا عمل به شرایط واقف بر متولّی موقوفه واجب است و او حق اهمال آن شرایط و تعدّی از آنها را ندارد .

وقف اجباری

117. آیا وقف از کسی که اکراه بر آن شده صحیح است؟

جواب: اگر واقف اکراه بر وقف شده باشد، تا زمانی که اجازه او به آن ملحق نشود وقف صحیح نیست.

وقف شخصیت حقوقی

118. نحوه واگذاری زمین برای احداث مسجد و حسینیه از طرف مالکان حقوقی چگونه است؟

جواب: وقف اموال از سوی مالک حقوقی مثل وقف املاک دولتی بوسیله دولت با لحاظ شرایط لازم، جایز است.

119. مقدار پنج هکتار زمین در شهر محمد آباد از طرف بنیاد مستضعفان جهت گورستان به شهرداری شهر واگذار گردید، گرچه صیغه وقف خوانده نشد اما چند جنازه در آن زمین دفن گردید آیا می توانیم از این زمین مقدار یک هکتار جهت احداث بیمارستان شهر، مورد استفاده قرار دهیم؟ یا فرمانداری مقدار یک هکتار از زمین یاد شده را از شهرداری جهت بیمارستان اجاره کنیم؟ با توجه به اینکه در شهر بیمارستان وجود ندارد اما قبرستان های متعددی موجود است.

جواب: اگر مسئول ذیربط قانونی که اجازه واگذاری زمین را داشته با قصد وقف کردن برای دفن اموات مؤمنین در اختیار قرار داده است و به همین عنوان و قصد، اموات را در آن دفن نموده اند تمام زمین را که به این قصد واگذار شده حکم وقف را دارد و تبدیل آن به چیز دیگر جایز نیست و اگر وقف نشده باشد اشکال ندارد.

120. آیا شهرداری حق دارد بعضی از املاک خود را در جهت مصالح عمومی وقف نماید؟

جواب: این امر تابع حدود اختیارات قانونی شهرداری و خصوصیت ملک است، بنابراین اگر از املاکی باشد که شهرداری از نظر قانونی حق دارد آنها را به مصالح عمومی شهر از قبیل درمانگاه یا بیمارستان یا مسجد و یا امور دیگر اختصاص بدهد، در این صورت اشکال ندارد، ولی اگر از املاکی باشد که مخصوص استفاده برای امور مربوط به شهرداری است، حق ندارد آنها را وقف کند .

121. آیا شرعاً و قانوناً شهرداری می تواند با کسب مجوز از مقامات ذی صلاح (شورای شهر یا قائم مقام) در جهت مصالح عامه نسبت به وقف بعضی از املاک

خود اقدام نماید یا خیر؟

جواب: این امر تابع حدود اختیارات قانونی شهرداری و خصوصیت ملک است، بنابراین اگر از املاکی باشد که شهرداری از نظر قانونی حق دارد آنها را به مصالح عمومی شهر از قبیل درمانگاه یا بیمارستان یا مسجد و یا امور دیگر اختصاص بدهد، اشکال ندارد.

2- رابطه واقف با موقوفه

ارتباط واقف با مال موقوفه بعد از وقف

122. در صورتی که واقف امروز نیازمند باشد از موقوفات مسجد چیزی به او می رسد یا خیر؟

جواب: بعد از وقف واقف اجنبی از وقف می شود.

123. زمان وقف، واقف حقی برای خود لحاظ نکرده است آیا اکنونی حقی دارد؟

جواب: واقف حقی ندارد.

124. واقف چندین سال است که متولی را مشخص کرده است و برای آینده (تا قیامت) نیز تکلیف را روشن کرده است. آیا در صورت عدم خلاف می توان متولی را عوض کند؟

جواب: اگر متولی در ضمن وقف تعیین شده نمی تواند او را عوض کند، و اگر تعیین نشده اختیار با حاکم شرع است، و واقف حکم اجنبی را دارد مگر اینکه در وقف برای خود حقی قرارداده باشد.

125. افراد خیری طی وقفنامه های عادی اقدام به ایجاد موقوفات و رقباتی نموده تا عواید آنها در امورات خیر هزینه گردد با عنایت به عدم دوراندیشی لازم در مفاد وقفنامه در خصوص کیفیت هزینه این عواید رعایت مصلحت و غبطه وقف ملحوظ نگشته حال واقف متوجه نواقص وقفنامه گردیده و در راستای مصلحت وقف باید وقفنامه اصلاح گردد. با عنایت به اینکه واقف در قید حیات بوده استدعا داریم جواز یا عدم جواز اصلاح وقفنامه را امر به ابلاغ نمائید.

جواب: بعد از وقف و تحقق قبض معتبر در آن واقف نسبت به وقف اجنبی می شود و حق تغییر وقف ولو به عنوان اصلاح را ندارد .

عدم جواز رجوع واقف بعد از وقف

126. شخصی مساحت پانصد متر زمین تصرفی خود را در حال صحت جسم و ثبات عقل و شعور وقف بنای اصغریه نمودند اما پس از گذشت سه سال از این موضوع واقف پشیمان شده و اظهار نمودند که چون اداره آموزش و پرورش هم برای احداث مدرسه از من زمین گرفته اند از دادن این زمین منصرف شدم حالیه چندین سال هست که واقف فوت نموده و زمین هم بین وارثین تقسیم و توزیع گردیده، بدینوسیله استعلام می شود که این زمین با اجراء صیغه وقف و قولنامه امضاء شد، و اظهارات سه سال بعد و پشیمانی واقف وضعیت این زمین به چه صورت می باشد اعلام فرمائید.

جواب: اگر صیغه وقف خوانده شده و زمین مزبور به متولی شرعی تحویل داده شده است، دیگر واقف نمی تواند آن را به هم بزند و باید همان استفاده ای که در وقف معین شده از زمین بشود و تغییر ندهند، ولی چنانچه زمین تحویل متولی شرعی و جهت وقف داده نشده وقف تمام نیست و واقف می توانسته از وقف منصرف شود.

127. اینجانب خانه ای را به نام اداره بهداشت وقف نمودم مشروط به اینکه به نام فرزندم درمانگاهی دایر نمایند که تاکنون بلا استفاده باقی مانده لذا تمنا دارم دستور فرمائید تا وقف باطل و خانه را به اینجانب مادر داغدار و ستمدیده برگردانند تا از محل فروش آن بتوانم فرزندم را درمان نمایم.

جواب: اگر خانه را وقف کرده اید و تحویل داده اید نمی توانید دو مرتبه آن را تملک کنید و باید در آنجا درمانگاه دایر نمایند.

128. شخصی چندین سال پیش با رضایت کامل قطعه زمینی را جهت احداث مسجد و حسینیه بخشیده است و قصدش هم قربت الی الله بوده اما پس از گذشت چندین سال که مسجد و حسینیه بنا شده است، اظهار می کند که من راضی نیستم در این مسجد و مکان نماز بخوانند، آیا حق رجوع دارد یا نه در صورت حق رجوع داشتن حکم نمازهایی که مردم تاکنون خوانده اند چیست؟

جواب: اگر وقف کرده و تحویل داده است برای ساختن مسجد و حسینیه دیگر در فرض سؤال حقی ندارد.

جواز یکی بودن واقف ومتولی

129. اینجانب یک باب منزل را وقف حوزه علمیه کرد ه ام و تولیت آن را در زمان حیاتم به عهده خودم و بعد از حیاتم به عهده شخص دیگری گذاشته ام. آیا اجازه دارم اکنون تولیت بعد از خودم را تغییر بدهم؟

جواب: واقف فقط در وقت واقع ساختن وقف و در ضمن عقد آن اجازه قرار دادن حق تولیت برای خودش یا دیگری را دارد اما بعد از تمام شدن وقف، واقف بیگانه از وقف می باشد.

130. قطعه ای از زمینی را جهت برگزاری مراسم عزاداری اهل بیت (ع) وقف خاص نمودم و خود نیز با قبول مردم منطقه متولی آن شدم. حال خواستم بدانم که می شود برای اجرت متولی با اینکه از اول چیزی تعیین نشده سهم خاصی را از درآمد آن مکان اختصاص دهم؟

جواب: اگر در ضمن وقفیت تولیت را برای خودتان شرط نکرده اید با قبول مردم بعد از وقف تولیت پیدا نمی کنید، و باید به حاکم شرع مراجعه کنید.

3- وکیل واقف

وکالت در وقف

131. اگر افرادی اقدام به جمع آوری پول از نیکوکاران و خرید خانه ای با آن به قصد حسینیه کنند، آیا اقدام آنان برای جمع آوری پول برای این کار کافی است تا حق وقف آن خانه را به عنوان حسینیه داشته باشند یا آنکه باید برای این کار از صاحبان پولها وکالت بگیرند؟ و از آنجا که در واقف شرط است که یا مالک باشد و یا در حکم مالک، و این افراد مالک نیستند، آیا به صرف جمع آوری پول توسط آنان، بر آنان حکم مالک صدق می کند تا حق وقف داشته باشند؟

جواب: اگر از طرف افراد خیّر وکیل باشند تا خانه را بعد از خرید، به عنوان حسینیه وقف کنند، وقف آنان به وکالت از مالکین صحیح است .

تخلف وکیل از نیت واقف

132. قطعه زمینی در چند سال قبل توسط دو فرد خیر وقف گردیده، و از یک فرد روحانی خواسته که برای آنها وقفنامه بنویسد و به همین منظور صیغه وقف را جاری کند واقفین و شاهدین بی سواد بوده و از کیفیت نوشتن آن در آن هنگام آگاه نبوده و پس از مدتی که وقف نامه توسط یک با سواد برایشان خوانده شد متوجه شده اند که صیغه وقف بر اساس نیت واقفین نیست، آیا شرعاً می بایست بر اساس نیت واقفین از آن زمین استفاده شود یا بر اساس وقفنامه و صیغه جاری شده، خواهشمند است راهنمائی فرمائید.

جواب: نوشته میزان نیست، هر طور نیت واقفین بوده و وقف شده باید عمل شود.

133. جمعی از اهالی محل وجوهی را به عنوان ساخت مسجد به هئیت امناء پرداخته اند. هیئت امناء محل را به نام حسینیه نامگذاری و به ثبت داده اند. بعداً مردم اعتراض کردن که ما به نیت کمک به «مسجد» به این محل کمک کرده ایم نه به نیت «حسینیه».
نظر حضرتعالی در این خصوص چیست؟
1- آیا عمل هیئت امناء صحیح است؟
2- آیا مجالس ترحیم و بزرگداشت را می توان در محل برگزار کرد؟
3- در صورتی که تمام واقفین محل فوق الذکر زنده باشند آیا می توان نیت وقف از «حسینیه» را به «مسجد» تغییر داد؟

جواب: 1- باید پول در همان جهتی که صاحبان آن داده اند مصرف شود و الا خرج کننده ضامن است.
2- اگر با وقف مغایرتی نداشته باشد جائز است.
3- وقف پس از تمام شدن قابل تغییر نیست حتی از طرف واقفین ولی اگر پول از مردم به عنوان مسجد جمع آوری شده و بدون اطلاع و رضایت ایشان با آن حسینیه ساخته و ثبت شده، آنجا حکم حسینیه را ندارد، مگر در صورتی که همه کسانی که پول داده اند راضی باشند.

1- شرایط موقوف علیه

وقف بر امور محرمه

134. رئیس فرقه منحرفی املاک خود را به این فرقه وقف کرده است و با توجه به اینکه مشروعیت جهت وقف در صحت آن شرط است و از طرفی اهداف و اعتقادات و اعمال این فرقه منحرفه فاسد و گمراه کننده و باطل هستند، آیا این وقف صحیح است؟ و آیا استفاده از این اموال به نفع فرقه مذکور جایز است؟

جواب: اگر ثابت شود جهتی که ملک برای آن وقف شده، جهتی حرام و از مصادیق اعانه بر گناه و معصیت است، چنین وقفی باطل بوده و استفاده از آن اموال در جهتی که شرعا حرام است، صحیح نمی باشد .

135. شخصی کتاب در مورد رد و ابطال وقف خاص اولاد ذکور نوشته و در قسمت هائی از آن کتاب چنین آورده است: وقف بر اولاد ذکور آیا بر مقاصد غیر مشروع تنظیم نگشته است؟ وقف بر مقاصد غیر مشروع باطل است و این سنتی است که فقط در زمان جاهلیت قبل از اسلام رونق داشت زیرا بر اساس این ادعا فرزند دختر از حقوق حقه خود محروم می شود لذا از آن مقام معظم انتظار دارد نظر شرعی را در مورد جملات فوق مرقوم فرمائید؟

جواب: وقف بر مقاصد غیر مشروعه و امور محرمه محکوم به بطلان است ولی وقف بر اولاد مطلقاً و یا وقف بر اولاد ذکور صحیح است و محرومیت دختر از حقوق حقه خود در صورتیست که او را از ترکه پدر و سهم الارث او محروم نمایند. و آنچه از کتاب مذکور نقل شده اشتباه و غلط است.

وقف بر نفس

136. شخصی قصد دارد منزل مسکونی یا ملک دیگری از خود را وقف بر مسجد یا عزاداری سید الشهداء و یا امر دیگروقف نماید و در وقفنامه شرط نماید مادام الحیات از منافع موقوفه استفاده نماید (در منزل سکونت داشته باشد و یا...) استدعا دارد اعلام فرمائید این نوع وقف صحیح است یا به جهت اینکه احتمالاً وقف بر نفس است صحیح نمی باشد؟

جواب: اگر شرط مزبور برگشت به وقف بر نفس کند باطل است، و چنانچه استثناء از منافع وقف باشد نسبت به امثال مذکوره در سؤال مختلف است.

137. بنده یک پدر شهید هستم که تنها فرزندمان شهید شده است و الان خودمان دو نفر به سن کهولت و پیری رسیده ایم و یک منزل داریم که حدوداً پنج میلیون تومان ارزش دارد می خواهیم بعد از مرگ خودمان وقف حسینیه اعظم شهر نمائیم آن طوریکه سؤال گرفتیم وقف باید منجز باشد و نمی شود گفت بعد از مرگ ما این منزل وقف حسینیه باشد، لذا از آن مقام عظام عاجزانه می خواهم برای ما روشن بفرمائید که ما چه کار کنیم و چگونه وقفمان صحیح است؟

جواب: می توانید منزل را در حال حیات خودتان وقف کنید و تحویل هم بدهید ولی منافع آن را مادام الحیات برای خودتان و همسرتان استثناء کنید.

138. از مال دنیا یک خانه مسکونی و یک باب مغازه دارم که درآمد آن کمک خرجی ام می باشد می خواهم وصیت نمایم با توجه به اینکه بیش از 1/3 اموالم را نمی توانم وصیت کنم آیا می توانم هم اکنون که زنده هستم مغازه ام را وقف نمایم مشروط بر اینکه بعد از مردنم اجاره آن را بین طلبه هایی که در شهر خودمان درس می خوانند تقسیم شود و کتاب خریداری نمایند و اما منزلم را به فرزند خوانده ام ببخشم مشروط بر اینکه تا زنده هستم در آن بنشینم و بعد از مردن، مال او باشد.

جواب: می توانید مغازه را در حال حاضر وقف و منافع آن را مادام الحیات استثناء کنید و نیز می توانید منزل را به استثنای منافع به هر فردی ببخشید البته مشروط به اینکه قبض و اقباض به نحو معتبر شرعی انجام گردد و در زمان زندگی اختیار اموالتان با خودتان است.

139. شخصی در موقع حیات خود املاکی داشته وقف نموده است با سه شرط:
شرط اول: تا زمانیکه واقف در قید حیات است منافع ملک را خودش استفاده نماید.
شرط دوم: کسی بعد از او حق فروش ندارد.
شرط سوم: بیش از سه سال اجاره داده نشود.
چندی قبل دولت طاغوت ملک فوق را به اجاره نود ساله به افرادی داده، در حال حاضر افرادی که ملک در اجاره نود ساله آنها بوده اظهار می دارند ما اقدام به گرفتن ملک خواهیم نمود مسئله این است که چون از نظر شرع اسلام واقف زمانی که در قید حیات بوده این ملک را وقف شرعی نموده خواهشمند است ضمن استفتاء اینجانب نظر شرعی خود را ذیل این مرقومه اعلام بدارید که بسیار مورد لزوم است.

جواب: در فرض مرقوم وقف صحیح است و باید طبق وقف و شروط آن عمل شود و با نظر متولی شرعی و اگر شخص خاصی متولی نیست به حاکم شرع مراجعه شده و بر طبق جهت وقف عمل شود، و اجاره نود ساله که بر خلاف شرط در ضمن وقف است صحیح نیست.

140. شخصی می خواهد مقداری از املاک خود را وقف حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) کند به این صورت که تا حیات دارد درآمد آن ملک مال خودش باشد و بعد از حیاتش مال امام (ع) باشد. آیا چنین وقفی شرعاً صحیح است یا خیر؟ و چنانچه صحیح نیست راه صحیحش روشن فرمائید؟

جواب: اگر به نحو بَت و جزم زمین را از حالا وقف کند فقط منافع آن تا پایان حیات خود را برای خودش استثناء کند مانع ندارد و چنین وقفی صحیح است.

141. اینجانب 71 سال از عمرم می گذرد قبلاً ساختمانی به نام حسینیه امام حسن مجتبی (ع) وقف نمودم و مجتمع فرهنگی و علمی امام حسن مجتبی (ع) تشکیل شد که در آن مکان عزاداری و اطعام طعام و امورات مذهبی و تعلیم قرآن در ایام سال بر قرار است. قصد دارم خانه مسکونی خود را هم به نام دارالشفاء حضرت امام حسن مجتبی (ع) و مغازه را جهت تعمیرات احتمالی آن دو باب ساختمان و هزینه های تدریس و تعلیم قرآن و تعمیر حسینیه امام حسن

مجتبی (ع) وقف نمایم، اما می خواهم تا اینجانب و همسرم در حیات هستیم از آنها استفاده نمائیم و پس از درگذشت ما تحویل وقف گردد اجازه می فرمائید در دفتر خانه رسمی حاضر و به صورت فوق که سؤال شد به اداره اوقاف واگذار شود که انشاءالله بعد از مرگ ما به وقف عمل گردد.

جواب: اگر تا زنده هستید وقف کنید و تحویل متولی شرعی دهید مانع ندارد و می توانید تصرف مادام العمر خودتان را در ضمن وقف شرط کنید ولی باید وقف منجز فعلی باشد و وقف بعد از فوت صحیح نیست.

142. واقف در وقفنامه تولیت را مخصوص خودش قرارداده با حق التولیه که نصف عایدات باشد.
الف) آیا در مقدار زائد از اجرت المثل، وقف صحیح است و وقف به نفس محسوب نیست؟
ب) بعد از فوت خود مدیریت عمل در موقوفات را برای سه نفر از اهالی قرار داده آیا عنوان مدیر همان معنی متولی را دارد؟
ج) محل مصرف عایدات را عمران و فقراء و حمامات که در وقفنامه نامبرده شده قرار داده آیا طبق همین تعیین باید عمل شود یا صرف در جاهای دیگر هم مجاز می باشد؟

جواب: الف) فرض مزبور وقف بر نفس نیست.
ب) احتیاط آن است که به حاکم شرع مراجعه کنند مگر در صورتی که احراز شود که منظور واقف از مدیر جعل تولیت است.
ج) عوائد وقف باید در همان جهت وقف که تعیین شده صرف شود.

143. وکیلی منزل موکل خود را وکالتاً به وقف می رساند و خود را متولی موقوفه و فردی از افراد موقوف علیهم قرار می دهد در صورتی که منزل مذکور مسبوق به تصرف وکیل باشد.
اولاً از آنجا که واقف نمی تواند بهره ای از موقوفه را به نفع خود وقف نماید حکم مذکور را مرقوم فرمائید.
ثانیاً به فرض صحت عقد قبض چگونه تحقق می یابد؟
ثالثاً چون در صحت وقف اذن واقف در قبض شرط است در مورد مذکور آیا اذن موکل لازم است؟

جواب: واقف در اینجا خود موکل است و آنچه ذکر شده از قبیل وقف بر نفس نیست و قبض هم باید با اذن موکل باشد و چنانچه اذن عام به وکیل داده باشد اذن وکیل کافی است، و قبض متولی شرعی که خود وکیل است کافی است به این شرط که از طرف واقف مأذون در جعل تولیت برای خودش ولو به نحو عام باشد.

2- موقوف علیه عام و خاص

تعریف عام و خاص در موقوف علیه

144. معنای وقف عام و وقف خاص چیست؟ عدّه ای می گویند: تغییر وقف خاص برخلاف قصد واقف و تبدیل آن به ملک خاص جایز است، آیا این سخن صحیح است؟

جواب: عموم و خصوص در وقف با ملاحظه موقوف علیه است، بنابراین وقف خاص، وقف بر شخص یا اشخاص معیّن است مانند وقف بر اولاد و یا وقف بر زید و فرزندان او و وقف عام وقف بر جهات و مصالح عمومی مانند مساجد و مکان های استراحت و مدارس و امور مشابه دیگر و یا وقف بر عناوین کلی مثل فقرا و ایتام و بیماران و کسانی که در راه مانده اند و مانند آن است و این اقسام سه گانه تفاوتی از جهت اصل وقف ندارند.

مواردی از وقف ترکیبی (مرکب)

145. شخصی املاک خود را از زمین و باغ وقف بر اولاد ذکور خود نسلاً بعد از نسل نموده است به اینگونه که تا هنگامی که نسل اولاد ذکورش منقرض نشده است وقف بر آنان باشد و در صورت انقراض، موقوفه وقف بر سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) باشد، آیا چنین وقفی صحیح است، موقوفه و منافع آن اعم از محصولات کشاورزی، و مال الاجاره و پولی که بابت تخریب موقوفه و تعطیل موقت منافع آن دریافت می شود، مخصوص اولاد ذکور می باشد و دختر و نوه دختری واقف حق استفاده از آن را ندارد؟ آیا صحیح است و دختر و نوه دختری واقف هم ذی حق می باشند؟ یا اصلاً این وقف صحیح نیست؟

جواب: وقف همان طوری که واقف انجام داده به شرط حصول قبض معتبر در وقف صحیح است.

146. شخص خیری تقریباً در یکصد سال پیش ملکی و باغی را وقف اولاد کرده و تولیت آن را با اولاد ارشد ذکور قرار داده و منافع و نتیجه آن را برای کمک به فرزندان نیازمند خود و فامیلهای دور به ترتیب اولویت قرار داده و بخشی را هم برای عزاداری ابا عبدالله (ع) اختصاص داده مع الأسف اکنون آن موقوفه با وجود فرزند ذکور ارشد علی خلاف نیت الواقف بین ورثه تقسیم شده و ساختمان و مغازه ساخته اند و استفاده می کنند، اخیراً یکی از وراث آن مرحوم متن وقفنامه را به دست آورده و از وضع موجود خیلی نگران است استدعا دارد نظر مبارک را مرقوم فرمائید تا موجب احیاء و احقاق حق گردد.

جواب: از وقف باید در جهت وقف و زیر نظر متولی شرعی استفاده شود، و موضوع نیاز به رسیدگی دارد.

1- تعریف وشرایط متولی و ناظر

تعریف متولی

147. تولیت یعنی چه و متولی چه وظائفی و چه اختیاراتی نسبت به موقوفه دارد؟

جواب: کسی که شرعاً متصدی اداره وقف و امور مربوطه به آن است متولی وقف است و باید بامراعات مصلحت وقف و جهت وقف امور موقوفه را اداره کند.

تعریف متولی منصوب (منصوص)

148. متولی منصوب از طرف واقف و غیر منصوب از طرف او چه کسی است؟ و اگر واقف شخص معینی را به عنوان متولی وقف معین کند و تعیین متولی بعدی را هم بر عهده او قرار دهد، آیا کسی را هم که متولی اوّل به عنوان متولی بعدی تعیین می کند، متولی منصوب محسوب می شود؟

جواب: متولی منصوب کسی است که واقف او را هنگام انشاء صیغه وقف به عنوان متولی آن معین می کند واگر هنگام انشاء وقف حق تعیین متولی بعدی را به متولی که نصب کرده واگذار کند، مبادرت او به تعیین متولی بعدی اشکال ندارد و شخصی که او برای تولیت وقف معین می کند در حکم متولی منصوب از طرف واقف است .

149. سه قطعه زمین موات به عنوان احداث مسجد، حسینیه، کتابخانه و مجتمع فرهنگی زیر نظر مسجد پس از اقدام و پیگیری های لازم در سال 73 توسط صاحب اصلی آن بدین منظور وقف گردید و در پی آن اینجانب به عنوان متولی شرعی موقوفه مذکور معرفی شدم. آیا با تولیت مذکور اختیارات متولی شرعی بعهده حقیر خواهد آمد؟

جواب: اگر مالک واقف ملک، در ضمن انشاء وقف، شما را به عنوان متولی موقوفه نصب کرده باشد تولیت شرعی موقوفه با شما هست.

150. واقف چند قطعه زمین و چند باب مغازه را جهت ایجاد درآمد مسجد وقف نموده است، می گویند واقف در نظر داشته است که تولیت موقوفه به فرزندانش نسلاً بعد نسل منتقل شود. آیا تولیت بر اساس نیات واقفین و صیغه جاریه نسلاً بعد نسل در این خاندان باقی است یا خیر؟

جواب: مجرد نیت تولیت برای افراد خاصی کافی نیست بلی اگر در وقت اجراء صیغه وقف از سوی واقف متولی معین شده، تولیت برای آنان ثابت است اگر چه نوشته نشده باشد.

تولیت موقوفه مسلمانان توسط غیر مسلمان

151. آیا جایز است کسانی که از وقف استفاده می کنند و همگی هم مسلمان هستند، فرد غیرمسلمانی را به اداره اوقاف برای صدور حکم تعیین او به عنوان متولی وقف معرفی کنند؟

جواب: تولیت وقف مسلمانان توسط غیر مسلمان جایز نیست .

سن متولی

152. آیا صرف کبر سن در نسل قبلی با وجود داشتن صفت امانت و کفایت لازم، مانع امر تولیت محسوب می شود یا خیر؟

جواب: کبر سن مانع صلاحیت نیست.

بیماری متولی

153. آیا سابقه بیماری جسمی که بهبود یافته برای کسی که از سلامت فکری و روانی بهره مند است و متقاضی تولیت می باشد مانعی محسوب می شود یا خیر؟

جواب: این هم مانع محسوب نمی شود.

تولیت شخصیت حقوقی

154. واقفین به صراحت تولیت رقبه خود را در وقفنامه به مؤسسه ای واگذار نموده و مؤسسه یا بنگاه نیز خود شخصیتی حقوقی است که در جهت تداوم و استمرار وقف این صدقه جاریه تشکیل و به ثبت رسیده است نتیجتاً مجمع عمومی و هیئت مدیریه بر اساس مفاد اساسنامه، اداره مؤسسه را تاکنون به مدت 70 سال به عهده داشته و دارند، از محضر مبارک مقام معظم ولایت استدعا دارد که امر فرمایند اعلام گردد که شرعاً تولیت املاک مؤسسه با هیئت مدیریه است یا خیر؟آیا می شود مدیریت این مؤسسه را بر خلاف مفاد اساسنامه ثبت شده از هیئت مدیریه سلب کرد و آن را در عداد املاک وقف مجهول التولیه قلمداد نمود؟ مضافاً اینکه از مؤسسین این بنگاه فرد یا افرادی در قید حیات هستند که خود هم اکنون جزء هیئت مدیره می باشند.

جواب: منعی از قرار دادن تولیت برای هیأت به نحو مزبور نیست، و مجهول التولیه بودن آن وجهی ندارد.

عدالت متولی

155. در مواردیکه واقف در وقفنامه امر تولیت را به اولاد خود نسلاً بعد از نسل تفویض فرموده است آیا متصف بودن متولی از اولاد به صفات عمومی کفایت و امانت و احیاناً عدالت نیز در اداره امور موقوفه به نظر مبارک حضرتعالی لازم است یا خیر؟

جواب: عدالت شرط نیست، و چنانچه به تنهائی نمی تواند وقف را اداره کند می تواند کمک و وکیل بگیرد ولی اگر در وقف خیانت کند، حاکم شرع او را عزل و شخص امینی را به جای او نصب می کند.

متولی فاقد شرائط

156. اگر افرادی از موقوف علیهم که در صورت داشتن شرایط، حق تولیت دارند، به حاکم شرع مراجعه کنند و از او بخواهند که آنان را به عنوان متولّی نصب نماید و حاکم شرع هم تقاضای آنان را به دلیل عدم وجود شرایط در آنان رد کند، آیا جایز است آنان با تعیین فرد واجد شرایط، به این دلیل که سن کمتری دارد مخالفت کنند؟

جواب: کسی که فاقد شرایط است حق تصدّی تولیت وقف و مخالفت با فرد واجد شرایط را ندارد .

2- قبول تولیت و نظارت

امتناع متولی از قبول تولیت

157. وقفی وجود دارد که قسمتی از آن خاص و قسمتی از آن عام است و واقف راجع به تولیت آن اینگونه گفته است:«بعد از فوت هر یک، تولیت وقف بر عهده فرد اکبر واصلح از اولاد ذکور نسلا بعد نسلٍ و عقبا بعد عقبٍ با تقدم نسل اول بر نسل دوم است. » در این صورت اگر در بین افراد یک طبقه، شخص جامع الشرایطی باشد، ولی از پذیرش تولیت وقف امتناع بورزد ولی با تولیت فرزند کوچکتری که او را اصلح و شایسته برای این کار می داند، موافقت نماید، آیا جایز است فرزند کوچک تر در صورتی که سایر شرایط در او باشد، تولیت آن وقف را قبول کند؟

جواب: فردی که واجد شرایط تولیت است می تواند از قبول تولیت امتناع ورزد لکن اگر تولیت را پذیرفت، بنابر احتیاط جایز نیست خود را عزل کند.

3- واگذاری تولیت و نظارت به غیر

واگذاری تولیت وقف، یا وکیل گرفتن

158. آیا اگر افراد ذکور میت نخواهند تولیت را ادامه دهند می توانند آن را به افراد غیر انتقال دهند (با توجه به سند) ؟ مثلاً هیئت امناء محل.

جواب: تولیت قابل انتقال نیست ولی در صورت عدم اشتراط مباشرت می توانند وکیل بگیرند.

159. آیا راهی وجود دارد (شرعاً) که انسان بتواند مادام العمر الی الابد از زیر بار این مسئولیت خارج شود؟

جواب: اگر تولیت را قبول کرده راهی ندارد و می تواند کمک بگیرد.

160. شخصی ملکی را وقف خامس آل عبا نموده و تولیت آن را مفوض نموده به برادر بزرگ و ارشد و بعد از او به ولد ارشد او بطناً بعد بطن و نسلاً بعد نسل و در هر طبقه ای تقدم با ذکور بر اناث باشد.
الف) آیا امر تولیت قابل تفویض به غیر فرزند ارشد می باشد یا خیر؟
ب) در فرض فوق آیا سایر وراث حق تملک آن به عنوان ارث دارند یا نه؟

جواب: الف) تولیت وقف قابل واگذاری به غیر نیست بلی متولی شرعی موقوفه می تواند فرد امینی را وکیل کند تا به امور موقوفه به وکالت از طرف او رسیدگی نماید.
ب) موقوفه قابل تملک نیست و به ورثه نمی رسد.

161. پدر بزرگ اینجانب مقداری املاک جهت روضه خوانی حضرت سید الشهداء (ع) وقف نموده و مقرر نموده که بعد از خود نسلا بعد نسل تولیت آن به اولاد ذکور ارشد واگذار گردد اینک اینجانب به علت پیری و کهولت توانائی تولیت آن را ندارم و فرزندان اینجانب نیز یا در محل نیستند یا توانایی انجام تولیت آن را ندارند از دفتر محترم استفتاء دارم که چگونه تولیت آن را به عهده دیگری واگذار نمایم، از خداوند متعال بقای عمر رهبر عظیم الشأن را خواهانم.

جواب: اگر تولیت به شما رسیده نمی توانید آن را به دیگری واگذار کنید، بلی می توانید برا ی خودتان کمک بگیرید یا کسی را وکیل کنید که از طرف شما رسیدگی به وقف کند، و در این دو صورت اگر کسی که شما بخواهید خلاف مصلحت وقف نباشد می توانید انتخاب کنید.

162. آیا جایز است متولی وقف تولیت خود را به اداره اوقاف و امور خیریه واگذار نماید؟

جواب: متولی وقف حق این کار را ندارد، ولی اشکال ندارد که اداره اوقاف یا شخص دیگری را برای انجام امور وقف وکیل کند .

جعل تولیت توسط متولی

163. طبق وصیتنامه ای قطعه زمینی وقف گردید تا برای تأمین مخارج مراسم احیاء و افطار و سحر و عزاداری مولای متقیان (ع) در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان در منزل واقف صرف گردد، تولیت زمین مذکور در حال حیات واقف در اختیار وی، و سپس طبق سفارش واقف در وقفنامه به یکی از فرزندان ذکورش واگذار شد تا پس از وی به اولاد او بطناً بعد از بطن واگذار گردد.
تولیت بعد، زمین مذکور را به یکی از فرزندانش واگذار نمود، و هر ساله هدف واقف و مراسم در شب مذکور انجام می گرفت. ایشان طبق وصیتنامه ای تولیت زمین وقفی مذکور را به فرزند ارشد ذکورش سپرده است. اینک بعد از درگذشت این متولی سایر فرزندان او (اعم از اناث و ذکور) مدعی تولیت زمین مذکور وخواستار تقسیم آن در میان سایر فرزندان هستند، با توجه به سابقه مذکور و عدم ادعای سایر نوه های واقف از ناحیه فرزندان دیگرش، آیا تولیت زمین مذکور به همه نوه های واقف بطناً بعد بطن واگذار می گردد؟ البته این امر مستلزم قطعه بندی و تقسیم زمین مذکور بوده، موجب عدم تأمین اهداف وقف خواهد شد. از طرفی دیگر به نظر می رسد به خاطر قرینه های موجود مبنی بر واگذاری تولیت ها به فرزندان ذکور ارشد، دیگر فرزندان واقف و نوه های وی تا به حال ادعایی نداشته اند.
آیا وصی مرحوم و متولی فعلی زمین مذکور، می تواند طبق وصیت پدرش تولیت آن را به فرزندان ارشد ذکورش واگذار کند تا به همین صورت بطناً بعد بطن وصیت شود یا نه؟

جواب: در فرض مرقوم متولی حق جعل تولیت ندارد مگر آن که در ضمن وقف چنین اختیاری به او داده شده باشد و تولیت با کسانی است که در وقف بیان شده است.

164. اینجانب بانی و واقف مسجد حضرت امام رضا (ع) می باشم در آن زمان با مراجعه به مراجع وقت پس از قرائت صیغه مسجد تولیت آن را خودم به عهده گرفتم و نیت دارم پس از خودم شخص دیگری را به عنوان متولی معرفی کنم. چندی است که اداره اوقاف محل درصدد انتخاب هیأت امنایی برای اداره امور این مسجد می باشد که برخلاف نیت واقف (خودم) می باشد. آیا با توجه به اینکه اینجانب در قید حیات می باشم و با تشکیل هیأت امناء مخالفم اداره مربوطه می تواند هیأت امنائی تشکیل دهد یا خیر؟

جواب: اگر در وقف قرارداد تولیت نشده، و فقط شما بعد از وقف تولیت را به عهده گرفته اید اختیار با حاکم شرع است.

165. در وقفنامه قید شده تولیت وقف به عهده علماء منطقه باشد. آیا بعضی از این علماء می توانند بدون رضایت بعضی دیگر شخص عالم دیگری از منطقه دیگر متولی قرار دهند یا خیر؟

جواب: نمی تواند متولی قرار دهد حتی با رضایت دیگران، بلی می تواند برای خودش وکیل یا کمک بگیرد.

4- اختیارات متولی و ناظر

متولی و لزوم عمل طبق وقف

166. آیا متولی ولایت کامل بر امورات و نحوه خرج کردن درآمد دارد؟

جواب: متولی باید طبق وقف و مصالح آن عمل کند و هدایای مردم باید در جهتی که برای آن داده شده مصرف شود مگر با علم به رضایت آنها.

حدود و اختیارات متولی

167. اگر متولیان حسینیه بعد از اتمام وقف، یک نظام داخلی برای آن تنظیم کنند، ولی بعضی از بندهای آن با مقتضای وقفیّت آن معارض باشد، آیا شرعا عمل به آن بندها جایز است؟

جواب: متولی موقوفه حق ندارد چیزی را وضع کند که با مقتضای وقف در تعارض باشد و شرعا هم عمل به آن جایز نیست ..

168. چنانچه مستأجرین موقوفات از پرداخت حقوق وقف امتناع ورزند، آیا اداره اوقاف شرعاً مکلف به اقدام وصول حق موقوفه است، هر چند از طریق محاکم قضائی منجر به دخالت قوای انتظامی گردد؟ و یا در حد ابلاغ و استدعا، رفع تکلیف می شود؟

جواب: مسئول شرعی اداره امور موقوفه موظف است در صورت نیاز، از طرق قانونی اقدام به حفظ و احیاء و احقاق تمام حقوق موقوفه نماید.

169. قراء و روستاهای موقوفه فراوانی وجود دارد که دارای وقفنامه هائی صحیح و معتبر می باشند بسیاری از این املاک در رژیم گذشته به کشاورزان فروخته اند، مبلغی از کشاورزان دریافت و سند رسمی نیز به آنان واگذار نموده اند.
گرچه بعد از انقلاب قانون ابطال این املاک به تصویب رسیده است اما هنوز بسیاری از کشاورزان حاضر به پرداخت حق موقوفه و تنظیم سند اجاره با متولی شرعی موقوفات نیستند. مستدعی است ارشاد فرمایند:
آیا داشتن سند خرید قبل از انقلاب، شرعی و صاحب آن مجاز به تصرف در املاک موقوفه می باشد؟ کشاورزانی که تاکنون حاضر به پرداخت حق موقوفه نشده اند تکلیف تصرفات گذشته آنان چیست؟ تکلیف شرعی اداره اوقاف یا متولی شرعی چیست راه رفتن و یا دخل و تصرف کردن در املاک و اراضی موقوفه ای که مغصوب واقع شده و متصرف حق شرعی وقف را نپرداخته است چه صورتی دارد؟

جواب: اراضی و املاکی که سابقه وقفیت داشته است، اگر محرز شود که فروش و استملاک آن بدون مجوز شرعی بوده است، فروش و خرید و استملاک آن شرعاً باطل است و بر وقفیت کما فی السابق باقی است، و هر گونه تصرفات در آن موقوفات بر اذن و اجازه متولی شرعی متوقف است، و استفاده و بهره برداری از آن و هرگونه دخل و تصرف در آن بدون اجاره کردن از متولی شرعی و بدون اجازه وی غصب و حرام و موجب ضمان است، و بر متولی شرعی احقاق حقوق موقوفه لازم است.

5- عزل یا تغییر متولی

کنار رفتن ناظر و متولی بعد از قبول

170. اگر واقف شخصی را به عنوان ناظر و مراقب وقف تعیین کند و شرط نماید که فقط ولیّ امر مسلمین بتواند او را از نظارت و اشراف بر وقف عزل کند، آیا جایز است او خودش را از این کار عزل کند؟

جواب: به احتیاط واجب، جایز نیست ناظر وقف بعد از قبول نظارت، خودش را از نظارت بر وقف عزل کند، همانگونه که برای متولی وقف هم این کار جایز نیست .

171. محضر مبارک حضرت آیه الله العظمی خامنه ای (دامت برکاته) رهبر معظم انقلاب اسلامی
سلام علیکم با صلوات برمحمد وآل محمد،وتقدیم تحیات وافره به استحضار می رساند:
بعضی از واقفین در وقف نامه های تنظیمی ضمن تعیین متولی،ناظر یا نظاری را اسما یا وصفا معین می نمایند تابه به صورت استطلاعی یا استصوابی وظائف خود را انجام دهند.
در این رابطه سوالات شرعی به شرح ذیل برای متولیان و ادارات اوقاف مطرح گردیده است:
الف) آیا ناظر تعیین شده مانند متولی حق دارد نظارت را قبول یا رد کند؟و در صورت قبول حق استعفا دارد یاخیر؟
ب) آیا ناظر می تواند وکیل انتخاب کندکه به جای او وظائف نظارت را انجام دهد؟ و در چنین موردی اقدام وکیل که دارای اوصاف و شرایط مقرر در وقف نامه نیست بجای ناظر از لحاظ شرعی مواجه با اشکال نیست؟
ج) در صورتی که تعیین وکیل بوسیله ناظر شرعا مجاز باشد،آیا وکالت تفویضی برای مدت معین وموارد معذوریت ناظر (مانند بیماری،مسافرت وامثال آن) جایز است یا به صورت مستمر امکان پذیر خواهدبود؟
مستدعی است نظر مبارک را نسبت به موارد مذکور ابلاغ فرمائید.
امید است مارا از دعاهای خیر و نصایح حکیمانه خود همواره بهره مند فرمائید.

جواب: الف) ناظر تعیین شده،اگر با موافقت ناظر، تعیین شده باشد،به احتیاط واجب حق استعفا ندارد.
ب) اگر نظارت منوط به نظر شخصی ناظر نباشد می تواند در اجراء عمل به نظارت وکیل انتخاب کند،به شرط آن که وکیل صالح وامین در اجراء عمل به نظارت باشد.
ج) تعیین مدت وکالت، واگذار به توافق ناظر، و وکیل است.

عزل بعضی از متولیان وقف توسط متولیان دیگر

172. آیا عزل بعضی از متولیان وقف توسط متولیان دیگر از نظر شرعی صحیح است؟

جواب: صحیح نیست مگر جائی که واقف برای او چنین حقی را قرار داده باشد .

173. اگر بعضی از متولّیان ادعا کنند که متولیان دیگر خائن هستند و اصرار بر عزل آنان داشته باشند، حکم شرعی چیست؟

جواب: واجب است بررسی اتهام کسانی را که متهم به خیانت هستند، به حاکم شرع ارجاع دهند .

عزل متولی توسط حاکم شرع

174. اگر متولی و یا وراث متولی در موقوفه خیانت کرده باشند آیا اداره اوقاف می تواند مجدداً موقوفه را در اختیار آنها قرار دهد؟

جواب: عزل یا ابقاء متولی با حاکم شرع است.

175. اولا:آیا تولیت حقیر که واقف آن را به من داده و بنده قبول کرده ام- وفتوکپی آن سند ضمیمه است- کسی می تواند آن را باطل اعلان کند؟
ثانیا:آیا حقیر شرعاً می توانم اعراض از تولیت موجود نمایم یا خیر، با توجه به اینکه واقف از دنیا رفته و چنین شرطی هم ابتداء عقد این سند ذکر نشده است.

جواب: اولا: بعد از اینکه شخص شرعاً متولی شد کسی نمی تواند تولیت او را باطل کند بلی در صورت خیانت حاکم شرع می تواند او را عزل نماید.
ثانیا: بنابراحتیاط واجب متولی شرعی نمی تواند خود را از تولیت برکنار کند.

176. موقوفه ای که وقف شده برای مصرف کردن منافع آن در روضه خوانی و امام جماعت حسینیه و طلاب و غیره و از طرف واقف متولی خاصی برای نظارت و مصرف آن تعیین شده است آیا با وجود متولی خاص شخص دیگری می تواند در امور وقف دخالت نماید یا خیر لذا خواهشمندم نظر مبارک را صریحاً مرقوم فرمائید.

جواب: از وقف باید زیر نظر متولی شرعی با مراعات جهت وقف استفاده شود و دیگران نمی توانند دخالت کنند بلی اگر خیانت متولی نزد حاکم شرع ثابت شود حاکم شرع دخالت می کند و او را عزل و دیگری را نصب می کند.

177. ملکی وقف سوگواری حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) شده و متولی قانونی و شرعی آن را در تصرف دارد آیا جائز است ملک موقوفه را (به ادعای عدم انجام تکلیف) از ید متولی خارج و به غیر واگذار نمایند؟

جواب: حکم کلی مسئله روشن است که اگر متولی شرعی موقوفه طبق وظیفه عمل نکند حاکم شرع او را عزل می کند و به جای او متولی تعیین می نماید و اگر طبق وظیفه عمل کند نمی توان او را خلع ید نمود ولی موضوع خاص نیاز به رسیدگی دارد و موکول است به مسئولین مربوطه.

178. طبق وقفنامه شرعی درآمد موقوفه صرف روشنائی، تعمیر مسجد و حمام و روضه خوانی بوده است. اکنون اداره اوقاف به عنوان اینکه دست واسطه را کوتاه کند متولی را که حکم از واقف دارد خلع ید نموده. آیا شرعاً یا عرفاً اوقاف حق سلب تولیت وقف خصوصی را دارد یا خیر؟ متولی می گوید اوقاف می تواند عشر بگیرد که زمان دولت سابق هم از این بالاتر نرفت مصرانه تقاضامندیم مطابق دستور اسلام جواب مرقوم فرمائید.

جواب: وقف باید زیر نظر متولی شرعی اداره شود و کسی نمی تواند دخالت کند، مگر در صورتی که خیانت متولی ثابت شود که در این صورت حاکم شرع دخالت می کند و در هر صورت رسیدگی به قضیه شخصیه موکول است به مسئولین محترم ذیربط در جمهوری اسلامی.

179. به موجب مندرجات وقفنامه تولیت موقوفه به اصلح از ذکور اولاد وی، تعاقبو تناسلو نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن واگذار نموده اند و در وقف نامه قید نموده اند در صورت تعدد صالح فی کل طبقه اکبر صالح مقدم بر اصغر صالح است حال اگر اولاد اکبر متولی بر طبق مندرجات وقفنامه و قوانین جاریه حکم تولیت موقوفه مزبور برایش صادر شده ولی در اداره امور موقوفه بی تفاوت و موقوفه را به حال خود واگذار و رها نموده و با وجود اینکه در حال حاضر این متولی برادر صالح کوچکتری نیز دارد آیا تولیت موقوفه به برادر کوچکتر که برای اداره موقوفه صلاحیت دارد منتقل می گردد یا خیر؟

جواب: با وجود متولی شرعی نوبت به غیر او نمی رسد، و آنچه در سؤال ذکر شده موجب انتقال تولیت نیست، بلی اگر متولی به وظیفه عمل نمی کند مورد رجوع به حاکم شرع است.

عزل متولی توسط واقف

180. ملکی را برای امر خیری وقف نموده ام و برای تولیت آن متولی را نصب کرده ام، متولی اول از دنیا رفته و طبق وقفنامه به نسل دوم که فرزند همان آقا بوده رسیده است حال بنده که واقف هستم می خواهم تولیت را عزل کرده و شخص دیگری را به عنوان متولی نصب نمایم آیا این حق را دارم، نظر مبارکتان را اعلام فرمائید.

جواب: حق ندارید، و واقف بعد از وقف از موقوفه اجنبی می شود.

تغییر متولی

181. واقف چندین سال است که متولی را مشخص کرده است و برای آینده (تا قیامت) نیز تکلیف را روشن کرده است. آیا در صورت عدم خلاف می تواند متولی را عوض کند؟

جواب: اگر متولی در ضمن وقف تعیین شده نمی تواند او را عوض کند، و واقف حکم اجنبی را دارد مگر اینکه در وقف برای خود حقی قرارداده باشد.

182. حسینیه ای که سال های سال اعیان آن به صورت مخروبه و غیر قابل استفاده و دارای متولی معین، و نیت واقف بر این اساس بوده است که درآمد موقوفه باید صرف تعمیر و مرمت حسینیه گردد سپس روضه خوانی و اطعام و کمک به مستمندان، خیرات و مبرات گردد نظر به اینکه درآمد آن قابل بازسازی حسینیه نبوده شخصی خیر مدت دو سال است که وارد امر خیر شده و شخصاً با هزینه شخصی خودش حسینیه را بازسازی می نماید اکنون که حسینیه در شرف اتمام می باشد و دارای چند باب مغازه تجاری گردیده شخص خیر تقاضای تولیت حسینیه را نموده است، استدعا دارد تکلیف شرعی بیان فرمائید که آیا حسینیه که دارای متولی معین بوده و می باشد شخص خیر می تواند تولیت حسینیه را عهده دار شود یا خیر؟

جواب: هر گونه تصرف در موقوفه متوقف بر اذن و اجازه متولی شرعی موقوفه و صلاح وقف است و با بودن متولی تعیین متولی دیگر مشروع نیست.

6- ضم امین به متولی

کوتاهی و سهل انگاری متولی

183. اگر متولی منصوب برای اداره امور وقف به علتی در انجام وظیفه خود کوتاهی و سهل انگاری کند، آیا برکناری او از منصب خود و تعیین فرد دیگری برای تصدّی تولیت وقف جایز است؟

جواب: مجرّد کوتاهی و سهل انگاری در اداره امور وقف مجوّز شرعی برای برکناری و عزل متولی منصوب و تعیین فرد دیگری بجای او نیست، بلکه باید در این رابطه به حاکم مراجعه کرد تا او را وادار نماید که کارهای وقف را انجام دهد و اگر الزام او ممکن نباشد از وی بخواهد که وکیل صالحی را برای اداره امور وقف از طرف خود انتخاب کند و یا اینکه خود حاکم فرد امینی را به او ضمیمه نماید .

فوت متولی

184. حقیر به عنوان ناظر استصوابی موقوفه به موجب احکام صادره منصوب شده ام. نزدیک به یک سال است که متولی آن به رحمت ایزدی پیوسته و هم اکنون فاقد متولی می باشد. حال از آن مقام معظم ولایت استفتاء می شود بنا به مراتب فوق شرعاً اینجانب می بایستی کماکان به وظیفه قانونی و شرعی که همان نظارت استصوابی می باشد عمل نمایم یا خیر؟ خواهشمند است حکم شرعی نبوی (ص) را مرقوم فرمائید تا خدای نکرده قصوری برای این حقیر نباشد.

جواب: با فوت متولی شرعی موقوفه، امینی که به حکم حاکم ضم به متولی موقوفه جهت اداره امور موقوفه شده دیگر حق دخالت در امور موقوفه ندارد، بلکه اداره امور موقوفه با متولی جدید است، و چنانچه متولی جدید هم نیاز به ضم امین داشته باشد، محتاج به صدور حکم مجدد از حاکم در این باره است، و چنانچه با فوت متولی سابق، موقوفه بلا متولی باشد تولیت آن با حاکم شرع است.

نظارت شخص امین بر اعمال متولی

185. دادگاه، شخصی را به عنوان امین ناظر برای نظارت بر اعمال متولی وقف که متهم به کوتاهی در اداره امور آن می باشد، تعیین نموده است و سپس متولی بعد از ثبوت برائت ذمّه اش از آن اتهامات فوت نموده است، آیا امین ناظر مزبور حق دارد با امضاء و تنفیذ یا فسخ و ابطال قرارها و تصمیم هایی که متولی چند سال قبل از انتخاب او به عنوان ناظر اتخاذ کرده، در آنها دخالت و اظهارنظر کند یا آنکه مسئولیت و حق نظارت او فقط مربوط به فاصله زمانی بین صدور قرار تعیین او به عنوان ناظر تا تاریخ وفات متولی است؟ و با توجّه به اینکه هنوز از تاریخ صدور حکم برائت متولی هیچ اقدامی برای عزل امین صورت نگرفته، آیا اختیارات و مسئولیت او با صدور حکم برائت متولی از آن اتهامات پایان می پذیرد یا آنکه متوقف بر عزل از طرف دادگاه است؟

جواب: اگر ضمّ امین به متولی شرعی بخاطر توجّه اتهام به او در مورد اداره امور وقف باشد، او فقط حق دخالت و اظهار نظر در اموری را دارد که برای نظارت بر آنها معیّن شده است و صلاحیت او در نظارت بر کارهای متولی متّهمبا صدور حکم به برائت او و رفع اتهام از وی به پایان می رسد، همانگونه که بعداز وفات متولی قبلی و انتقال تولیت وقف بعد از او به شخص دیگر، امین مزبور حق دخالت در امور وقف و اعمال متولی جدید را ندارد .

نظارت استصوابی امین بر اعمال متولی

186. دادگاه مدنی خاص شخصی را به عنوان امین در کنار متولی وقف برای نظارت بر اعمال او در اداره امور وقف نصب کرده است، در این قبیل موارد، اگر متولی حق تعیین متولی بعد از خود را داشته باشد، آیا می تواند بدون مشورت و تصویب آن شخص که توسط دادگاه نصب شده مبادرت به تعیین متولی کند؟

جواب: اگر حکم به ضمّ امین به متولی شرعی برای نظارت بر اعمال او عام باشد و شامل همه اعمال مربوط به اداره وقف حتّی تعیین متولی وقف برای بعد از خودش هم بشود، حق ندارد در تعیین متولی بعدی بدون مشورت با امین ناظر، خود سرانه به رأی خودش عمل نماید .

7- تولیت حاکم

تولیت بقاع متبرکه و اوقاف عام

187. ولایت تصرّف برای حفظ و تعمیر و اصلاح و جمع آوری نذورات و تبرّعات مرقدهای فرزندان ائمه«علیهم السلام» که در شهرها و روستاهای ایران هستند و سال های زیادی بر آنها گذشته و وقف خاص هم نیستند و متولی خاصی هم ندارند، با چه کسی است؟ آیا کسی حق دارد ادّعای مالکیت زمین مرقد و حرم فرزندان ائمه (علیهم السلام) را که از زمانهای قدیم محل دفن اموات بوده، بنماید؟

جواب: تولیت بقاع مبارکه و اوقاف عام که متولی خاصی ندارند با حاکم و ولیّ امر مسلمین است و این تولیت در حال حاضر به نماینده ولی فقیه در اداره اوقاف و امور خیریه واگذار شده است و زمین صحن و مرقد فرزندان ائمه (علیهم السلام) و حرم ایشان که از زمان های گذشته برای دفن اموات مسلمانان در نظر گرفته شده، حکم وقف عام را دارد مگر آنکه خلاف آن از طریق شرعی نزد حاکم ثابت شود .

188. سازمان اوقاف و ادارات اوقاف برابر بند یک از ماده یک قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب 1361/10/2 مجلس شورای اسلامی به عنوان متولی موقوفاتی می باشد که فاقد متولی بود (تا تعیین متولی) . حال در شهرستانی برابر وقفنامه سه نفر از اهالی شهرستان با رای مردم جهت تولیت باید انتخاب شوند ولی تاکنون این انتخاب صورت نگرفته است و موقوفه فاقد متولی بوده است و سازمان اوقاف تولیت موقوفه را به عهده و سالیان زیادی است که امور موقوفه را انجام می دهد و هنوز هم اقدامی در رابطه با تعیین متولی از طرف مردم صورت نگرفته و نمی گیرد. لذا سوال این است:
الف. آیا اداره اوقاف که برابر قانون متولی موقوفه می باشد شرعا نیز متولی می باشد یا خیر؟
ب. در صورت منفی بودن پاسخ، مردمی که از موقوفه استفاده می کنند و حقوق وقف را به دلیل اینکه موقوفه متولی شرعی ندارد پرداخت نمی کنند چیست آیا استفاده حکم غصب را دارد یا خیر؟ (بدون اذن متولی قانونی)

جواب: الف. متولی قانونی که مطابق قانون جمهوری اسلامی تولیت دارد متولی شرعی نیز هست.
ب. تصرف در وقف بدون نظر متولی شرعی حکم غصب را دارد.

189. براساس مفاد برخی از وقفنامه ها و وصیتنامه ها تعیین و نصب متولی و وصی بعدی به عهده حاکم شرع عادل بلد قرار داده شده است و از طرفی بر طبق ماده یک قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف، تصدی و اداره موقوفات بلا متولی به عهده سازمان اوقاف قرار گرفته است و حضرت امام قدس سره الشریف اداره اوقاف را مجاز به تولیت و تصدی این قبیل موارد دانسته اند. مستدعی است نظر مبارک را در فرض مرقوم اعلام فرمائید که اصولاً تشخیص و تعیین مصداق حاکم شرع بلد که بعضاً در وقفنامه ذکر گردیده چگونه است؟

جواب: هرگاه اوقاف فاقد متولی خاص شده است تولیت آن به عهده حاکم و ولی امر مسلمین است و این تولیت در حال حاضر به نماینده ولی فقیه در سازمان اوقاف و امور خیریه واگذار شده است.

190. در میان ملت شیعه هندوستان و پاکستان مرسوم است که در جایی که چند نفر از مؤمنین جمع می شوند یک انجمن تشکیل می دهند. بعداً این انجمن برای امور دینیه از مؤمنین کرام تبرعات جمع می کند و گاهی یک ساختمان به نام حسینیه یا مرکز دینی می سازد یا می خرد سؤال این است:
۱- این تبرعات بر ملک اصحابش باقی است یا از ملکیت خارج می شود اگر بر ملکیت باقی است آیا خمس بر آن واجب است یا خیر و اگر از ملکیت خارج شده آیا بر اعضای انجمن اخراج خمس لازم است یا خیر؟
۲- اگر این ساختمان وقف می شود بدون ا جراء صیغه، آیا اعضای انجمن یا رئیس انجمن متولی محسوب می شود یا خیر؟
۳- ساختمان بنا شده یا خریده شده حکم وقف را دارد یا مجرد اباحه تصرفات است اگر حکم وقف دارد آیا فروش این ساختمان جایز است یا خیر؟
٤- اگر انجمن متولی نیست متولی امور دینیه کیست؟
5- اگر متولی امور حاکم شرع است آیا حضرتعالی برای آن هزارها ساختمان فرداً فرد متولی منصوب فرموده اید یا امر موکول به عدول مؤمنین یا اعضای انجمن یا علماء منطقه است؟

جواب: ۱- تابع قصد و نظر اهداءکنندگان است، اگر وجوه و تبرعات اهدائی را جهت صرف در خیرات از ملک خود خارج و به انجمن یا هیأت واگذار کرده باشند دیگر باقی بر ملک آنان نیست و بر آنان یا بر هیئت و انجمن تخمیس آن واجب نیست بلکه برای مصارفی که منظور نمودند اختصاص دارد.
۲- چنانچه اعضاء یا رئیس انجمن یا هیئت، اختیار صرف وجوه دریافتی در وقف ملکی را به عنوان حسینیه و مانند آن و تعیین متولی برای آن را داشته باشند می توانند در ضمن انشاء وقف، خود یا شخص دیگری را متولی تعیین و نصب نمایند، ولی مجرد تصدی صرف وجوه در تهیه ساختمانی به عنوان حسینیه و مانند آن کافی برای حصول تولیت موقوفه برای اعضاء انجمن یا رئیس انجمن نیست.
۳- تابع نظر تهیه کنندگان و حدود اختیارات آنان است، اگر مجاز در وقف کردن بودند و به قصد وقف تهیه و واگذار جهت استفاده مؤمنین نمودند و مورد استفاده هم قرار گرفته باشد حکم موقوفه دارد.
٤- موقوفاتی که نیاز به متولی جهت اداره امور آن دارد چنانچه متولی منصوب از طرف واقف نداشته باشد تولیت آن با حاکم شرع است.
5- در غیر موارد بخصوصی که اقدام بر نصب متولی خاص شده باشد، امر اداره موقوفات عامه فعلا با سازمان اوقاف و نماینده ما در آن سازمان است.

191. شخصی قسمتی از زمین خود را به طور مشاعی وقف نموده، و پسر بزرگ خود را متولی قرار داده، و هم اکنون کل زمین مشاعی بین سه نفر از برادران تقسیم گردیده، و برادر بزرگ تر که سمت تولیت را دارد، به خاطر پیری و مشکلات جسمی توان انجام وظیفه را ندارد، برادر کوچکتر متقاضی حکم تولیت است در فرض مذکور تکلیف حکم تولیت چیست؟

جواب: اگر قسمت وقف متولی شرعی ندارد به حاکم شرع مراجعه کنند و همچنین در صورتی که متولی قادر به اداره وقف نباشد.

اختیارات سازمان اوقاف در امور مربوط به متولی خاص

192. آیا جایز است اداره اوقاف جمهوری اسلامی متولّی وقف را بر کنار کند؟ و در صورتی که جایز باشد شرایط آن چیست؟

جواب: اداره اوقاف به مقداری که مقررات قانونی به او اجازه می دهد حق دارد در وقف هایی که متولی خاصی دارند، دخالت نماید .

لزوم مراعات قوانین و مقررات اداره اوقاف

193. آیا اداره اوقاف می تواند متولی موقوفه را وادار نماید که حساب اشتراکی به نام موقوفه افتتاح نمایند، و چک مربوطه را به طور مساوی امضاء نمایند؟

جواب: مراعات قوانین و مقررات اداره اوقاف لازم است.

194. به موجب وقفنامه و سابقه خدمت، امر تولیت موقوفه مربوط به اینجانب است، با این وجود آیا می شود از طرف ارگان و سازمانی اشخاصی را به نام هیئت امناء موقوفه تعیین نمایند یا خیر؟

جواب: امر وقف با متولی شرعی آن است، و مراعات ضوابط قانونی جمهوری اسلامی لازم است.

195. اگر فردی زمین خود را وقف عام کند و تولیت آن را تا زنده است برای خودش و بعد از مردن برای اکبر اولاد ذکورش قرار دهد و اختیارات خاصی هم در اداره موقوفه برای او قرار دهد، آیا مدیریت اداره اوقاف و امور خیریه حق دارد همه یا بعضی از آن صلاحیت ها و اختیارات را از متولی سلب کند؟

جواب: تا زمانی که متولی منصوب از طرف واقف، از حدود اختیارات تولیت وقف خارج نشده، اداره امور وقف همانگونه که واقف در انشاء وقف برای او مقرر کرده دراختیار اوست و از نظر شرعی تغییر و تبدیل اختیارات او که در ضمن صیغه وقف توسط واقف مقرر گشته، صحیح نیست .

196. با توجه به لزوم رعایت مسائل شرعی و قانونی در موقوفات، آیا مال موقوفه باید تحت اختیار متولی باشد و یا ارگانهای ذیربط می توانند بدون اجازه متولی حاضر، در آن مداخله نمایند؟

جواب: رسیدگی به موضوع موکول به مسئولین ذیربط در جمهوری اسلامی است .

8- توکیل در تولیت و نظارت

انتخاب وکیل توسط متولی

197. مباشرت شخص متولی در انجام امور اجرائی راجع به موقوفه تحت تولیت خود شرط لازم است و یا متولی می تواند با انتخاب وکیل مورد اعتماد امور مربوطه را به نحو مطلوب انجام دهد؟

جواب: چنانچه در ضمن وقف شرط مباشرت نشده می تواند وکیل بگیرد.

198. اولا واقف در وقفنامه مصرف موقوفه خود را چنین ذکر کرده، یک دوم برای واقف، بقیه خرید جهیزیه برای دختران فقراء، ده روز روضه خوانی در ماه محرم و صفر، اکنون واقف شک دارد که آیا زمانیکه این وقف را روی کاغذ آورده صیغه هم خوانده یا نه با توجه به این مطلب: ایشان توانائی خرید جهیزیه را ندارد آیا اجازه می فرمائید پول آن را جهت خرید جهیزیه به ارحام بدهند؟
ثانیا: آیا جابجائی یعنی اضافه کردن روضه و کم کردن جهیزیه و بالعکس جائز است یا خیر؟

جواب: اولا: متولی میتواند در خرید جهیزیه برای دختران وکیل بگیرد، وفرقی بین ارحام وغیر ارحام نیست.
ثانیا: تغییر وقف جایز نیست.

9- حق التولیه و حق النظاره

عدم تعیین حق التولیه از سوی واقف

199. آیا جایز است متولی وقف که از طرف واقف یا حاکم نصب شده، در برابر کارهایی که برای اداره شئون وقف انجام می دهد برای خودش اجرت بردارد و یا به دیگری بدهد تا آن کارها را به نیابت از او انجام دهد؟

جواب: متولّی وقف اعم از اینکه از طرف واقف نصب شده باشد و یا از طرف حاکم، در صورتی که اجرت خاصی از طرف واقف برای او در برابر اداره امور وقف معین نشده باشد، می تواند اجرت المثل را از درآمدهای وقف برای خودش بردارد .

200. اینجانب با هزینه شخصی محلی را برای ساخت زینبیه وقف نموده ام و با کمک مردم و خیرین نسبت به ساخت آن اقدام نموده ام اکنون دو سؤال شرعی در این رابطه برایم مطرح است:
از درآمدهای مختلف زینبیه چه مقدار یا چند درصد سهم تولیت می باشد؟

جواب: اگر در هنگام وقف برای متولی اجرتی تعیین نشده، اجرت المثل اعمال خود را طلب دارد.

هزینه های اداره موقوفه

201. در صورتی که انجام تکالیف امر تولیت توسط خود متولی یا وکیل او مستلزم هزینه هائی باشد آیا متولی می تواند هزینه های مزبور را از سهم موقوف علیهم کسر نماید یا باید از محل حق التولیه خود متولی پرداخت گردد؟

جواب: اگر مخارج برای تحصیل عوائد موقوفه لازم است که به دست آمدن عواید موقوف بر آنها است از عوائد کسر می شود و در بقیه به وقف عمل می شود، و چنانچه هزینه دیگری است که دخالتی در حصول عوائد ندارد از سهم موقوف علیهم کسر نمی شود.

10- احکام مرتبط با تولیت

معاملات متولی قبلی در مورد موقوفه

202. شخصی با اذن و رضایت و موافقت متولی سرقفلی موقوفه ای را خریده است بعد که متولی مرحوم شده است آیا متولی بعدی می تواند صلاحدید و نظر و رضایت و موافقت متولی قبل را نادیده بگیرد و معامله را به هم بزند لطفاً حکم این مسئله را هم بیان فرمائید.

جواب: عمل متولی سابق در مورد موقوفه محکوم به صحت و نفوذ است، مگر آنکه به طریق شرعی اثبات شود که در اقدامات خود مراعات غبطه و مصلحت وقف را بر حسب نظر خود نکرده است.

وظیفه مسلمین در قبال تخلف از وقف

203. اگر فردی جهت روشن شدن تخلف موقوفه ای تلاش کند ولی اداره اوقاف با او همکاری نکند وظیفه شرعی این فرد چیست؟

جواب: موارد را به صورت مستند به مقامات بالاتر گزارش نماید.

204. متولی موقوفه طبق نظر واقف عمل نمی کند و روضه خوانی و اطعامی که در وقف نامه قید گردیده و در خور شأن موقوفه باشد انجام نمی گردد و اینجانب مراتب را به اداره اوقاف تذکر داده ام آیا اینجانب از نظر شرعی و دینی وظیفه خود را انجام داده و از گردن اینجانب ساقط می باشد؟ منتظر جواب می باشم.

جواب: اگر کار دیگری نمی توانید بکنید وظیفه ای ندارید.

سقوط تولیت با از بین رفتن وصف منصوص

205. فردی قطعه زمینی را برای مسجد وقف کرده و تولیت آن را برای فرزندان خود نسلاً بعد نسلٍ و بعد از انقراض آنان برای امام جماعتی که نمازهای پنجگانه را در آن مسجد می خواند، قرار داده است. بر همین اساس بعد از انقراض نسل متولی، تولیت آن را عالمی که نمازهای پنجگانه را برای مدّتی در آن مسجد می خوانده بر عهده گرفته است ولی او هم سکته نموده و قادر به اقامه نماز جماعت نیست، در نتیجه شورای ائمه جماعات، عالم دیگری را به عنوان امام جماعت کنونی مسجد تعیین کرده است، آیا با این کار عالم قبلی از تولیت عزل می شود یا آنکه حق دارد برای اقامه نماز جماعت فردی را به عنوان وکیل یا نایب خود تعیین کند و خودش به عنوان تولیت باقی بماند؟

جواب: اگر فرض بر این باشد که تولیت آن عالم به این عنوان است که او امام جماعت مسجد در نمازهای پنجگانه است، با عجز او از امامت جماعت درمسجد به علت بیماری یا هر علت دیگر، تولیت از او ساقط می شود .

درخواست صورت حساب از متولی توسط موقوف علیه

206. در خصوص موقوفات خاص اولاد آیا موقوف علیهم به منظور جلوگیری احتمالی سوء استفاده مجاز به دریافت بیلان درآمد و هزینه سالیانه موقوفه مذکور از متولی وقت می باشند یا خیر؟

جواب: برای رفع هر گونه شبهه و سوء تفاهم مانع ندارد.

موقوف علیه و عدم دخالت در امر تولیت

207. آیا عزاداران و اهالی محل و منطقه که حسینیه برای آنها تأسیس شده حق دخالت دارند یا خیر؟

جواب: بعد از تحقق وقف، هیچ کس حق دخالت در وقف ندارد، و در فهم مراد از فقرات وقفنامه، مانند دیگران از عرف محسوبند.

208. با توجه به اینکه اداره اوقاف مسئولیت درآمد زیارتگاهها و مغازه های مساجد را به عهده دارد، آیا هیئت امناء مسجدی می توانند وجود مغازه های مسجد را کتمان نموده و به اطلاع اداره اوقاف نرسانند و بدون هماهنگی با اوقاف درآمد حاصله را خرج نمایند؟

جواب: امر وقف با متولی شرعی آن است و غیر متولی حق دخالت ندارد.

حق تعیین ناظر و متولی برای واقف

209. در چندین سال قبل شخصی مدرسه علمیه ای با وقف نامه و شرایط خاص وقف نموده، بعد از خراب شدن ساختمان مدرسه ورثه واقف کل زمین مدرسه مزبور را به بانک فروخته ا ند ولی به سعی و تلاش یکی از تجار محترم شهرستان مقدار باقی مانده از زمین مزبور را از بانک خریداری و به وقف برگرداند و مجدداً زمین مزبور را به نام خودش با شرایط جدید وقف نموده و خود را متولی آن قرار داده اینک پس از بیان این شرح موارد ذیل مورد سؤال می باشد.
آیا وقف دوم روی وقف اول و تبدیل نام مدرسه اشکال شرعی ندارد؟
1- آیا واقف دوم با علم به وقف بودن زمین ذکر شده حق تعیین متولی و ناظر بر خلاف متولی و ناظر وقف اول را دارد؟
2- آیا واقف دوم حق جعل ناظر بعد از گذشت سیزده ماه از تنظیم وقف نامه اولیه خودش را دارد؟
3- آیا بر فرض صحت مراتب قبلی ناظر جعل شده از طرف متولی بعد از قبول حق استعفاء دادن را دارد؟

جواب: وقف دوم صحیح نیست و اگر نام مدرسه در وقف اول شرط نشده باشد تغییر نام مانع ندارد، ولی اگر بنائی در آن احداث کرده می تواند آن را وقف کند، و این وقف دوم نیست.
1- نسبت به آنچه قبلاً وقف شده نمی تواند تغییر دهد، ولی اگر خودش بنائی کرده می تواند در آن متولی و ناظر تعیین کند.
2- بعد از وقف واقف نمی تواند ناظر تعیین کند.
3- اگر نظارت او صحیح واقع شده و او قبول کرده بنابراحتیاط واجب نمی تواند استعفاء دهد.

عدم استقلال متولیان متعدد در وقفنامه مطلق

210. شخصی املاک خود را برای مجالس عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در ایّام محرّم و غیر آن وقف کرده است و بعد از خودش فرزندان خود را تا ابد، متولی آن قرار داده و ثلث منافع املاک را هم برای متولی قرار داده است، اگر در زمانی واقف، اولاد مذکر و مؤنث از طبقه اوّل و دوّم و سوّم داشته باشد، آیا تولیت وقف برای همه آنان بطور مشترک است و حق تولیت بین آنان تقسیم می شود؟ و بر فرض تقسیم بین همه آنان، آیا بین فرزندان مذکر و مؤنّث بطور مساوی تقسیم می شود یا با تفاوت؟

جواب: اگر قرینه ای که دلالت بر ترتیب بر حسب طبقات ارث و تقدیم نسل سابق بر لاحق بکند، وجود نداشته باشد، همه طبقات موجود در هر زمانی بطور مشترک و مساوی متولی وقف هستند و حق تولیت بدون آنکه تفاوتی بین مذکر و موئث باشد، بطور مساوی بین آنان تقسیم می شود .

211. اگر چند نفر به عنوان متولی وقف نصب شده باشند، آیا شرعا صحیح است که بعضی از آنان بدون جلب نظر دیگران بطور انفرادی به تصدّی امور وقف بپردازند؟ و اگر بین آنان راجع به اداره امور موقوفه اختلاف رأی بروز کند، آیا جایز است هر یک از آنان خودسرانه به رأی خود عمل نمایند یا آنکه واجب است توقف نموده و به حاکم مراجعه کنند؟

جواب: اگر واقف، تولیت آنان را بطور مطلق بیان کرده و قرائنی که دلالت بر استقلال بعضی از آنان حتّی اکثریت بنماید وجود نداشته باشد، هیچکدام از آنان حتی اکثریت حق ندارند در اداره امور وقف هر چند مقداری از آن، بنحو مستقل عمل نمایند، بلکه باید برای اداره امور وقف، از طریق مشورت با یکدیگر و اتخاذ رأی واحد، مجتمعا عمل نمایند و اگر بین آنان اختلاف ونزاعی رخ دهد، واجب است در آن مورد به حاکم شرع مراجعه کنند تا آنان را ملزم به اجتماع نماید

تعیین هیئت امناء

212. عبارت زیر در وقفنامه ای آمده است: «در صیغه وقف شرط شده که هیأتی از عموم اهالی به عنوان هیأت امناء انتخاب شود. » آیا این عبارت دلالت بر تعیین انتخاب کنندگان می کند؟ و بر فرض عدم دلالت بر تعیین انتخاب کنندگان، حق انتخاب هیأت امناء با چه کسانی است؟

جواب: ظاهر عبارت مذکور، لزوم مشارکت عموم اهالی در انتخاب هیأت امناء می باشد .

جعل تولیت برای اولاد ذکور

213. زمین شالیزاری در حدود یکصد و پنجاه سال پیش وقف شده برای خامس آل عبا (ع) که واقف تولیت این زمین را مفوض به اولاد خود نموده است بطناً بعد بطن و نسلاً بعد نسل، که تولیت زمین تا قبل از مرحوم پدرم بر ما معلوم نیست مرحوم پدرم تولیت این زمین را تماماً بر عهده داشته به خاطر تک فرزند بودن و اینجانب هم مثل آن بزرگوار به خاطر تک فرزند بودن تمام تولیت را بر عهده دارم، حال سؤال در این است که من که دارای چهار اولاد ذکور می باشم کیفیت تولیت این زمین به چه نحو می باشد و همینطور کیفیت تولیت بعد از آنها به چه صورت خواهد بود، در ضمن همانطور که مستحضرید این زمین ارثی نیست که تقسیم شود پس عنایت فرمایید راه تولیتش را بر ما مشخص فرمایید.

جواب: با فرض اینکه واقف تولیت وقف را برای اولاد ذکور قرار داده است و در صورتی که اولاد ذکور منحصر در فرد باشد تنها او متولی و در صورت تعدد اولاد ذکور همه آنان متولی هستند.

اختیار تعیین متولی و جهت وقف با واقف جدید

214. صاحبان خانه ها و زمین های مجاور یکی از مساجد، املاک خود را به قصد توسعه آن بطور مجانی به مسجد داده اند تا به آن ضمیمه شود و امام جمعه هم بعد از مشورت با علما تصمیم به تنظیم سند مستقلی برای وقف آنها گرفته است و همه کسانی که زمین های خود را به مسجد بخشیده اند با این کار موافقت کرده اند، ولی بانی مسجد قدیمی با آن کار مخالفت می کند و خواهان آن است که وقف اراضی جدید در سند وقف قبلی ثبت شود و خود او متولی همه وقف باشد، آیا او حق این کار را دارد؟ و آیا پاسخ مثبت به خواسته او بر ما واجب است؟

جواب: اختیار وقف و تنظیم وقفنامه و تعیین متولی خاص زمین هایی که به تازگی به مسجد ضمیمه شده اند با وقف کنندگان جدید است و بانی مسجد قدیمی حق مخالفت با آن را ندارد .

احراز همه شروط واقف

215. اگر وصف«ارشد و اصلح» در تولیت فرزند ذکوری که از جهت سنی در بین موقوف علیهم از همه بزرگتر است، شرط باشد، آیا اثبات رشد و صالح بودن هم واجب است یا اینکه مجرّد بزرگتر بودن او از جهت سنی باعث می شود که اصل بر اصلح و ارشد بودن او گذاشته شود؟

جواب: باید همه شروط تصدّی تولیت احراز شود .

1- موارد مصرف عوائد و درآمد موقوفه

صرف عواید جهت تعمیر و بازسازی موقوفه

216. اگر بخشی از زمین ها مخروب شده باشد تکلیف انجام مورد وقف چیست؟

جواب: اگر ممکن است ولو با عایدی خود آن خرابی را ترمیم کنند و در جهت وقف از آن استفاده کنند.

217. زمین موقوفه ای است که قسمتی از آن طبق موازین شرعی و قانونی اجاره داده شده و دارای عایدات می باشد ولی مقداری از آن مدت 20 سال است که بدون استفاده باقیمانده، هم اکنون مصلحت موقوفه بر این است که از عایدات آن صرف ساخت و ساز مقدار باقی مانده شود تا در آینده از این قسمت معطل مانده هم بهره برداری گردد، آیا متولی می تواند از عایدات آن جهت ساخت و ساز مقدار باقیمانده سرمایه گذاری نماید؟

جواب: اگر به نظر متولی شرعی موقوفه لازم است منافع موقوفه در حفظ وقف صرف شود مانعی ندارد بلکه لازم است به مقداری که حفظ وقف متوقف بر آن است صرف نماید.

218. ساختمان مدرسه علمیه در طرح توسعه حرم مطهر مورد تخریب واقع شده است مقررات آستانه مقدسه این است که به ازای زمین مدرسه، زمینی را در جای دیگر واگذار نماید و مبلغ پنجاه میلیون تومان بابت قیمت کارشناسی بنای مدرسه پرداخت نماید. از محضر حضرتعالی سؤال است با عنایت به اینکه پیش بینی می شود با مبلغ دریافتی ساخت مدرسه جدید به اتمام نرسد آیا استفاده از درآمد موقوفه علاوه بر ساخت مدرسه جدید برای ادامه برنامه آموزشی و سایر امورات طلاب و مدرسه در محل موقت مجاز می باشد؟

جواب: اشکال ندارد.

مخارج موقوفه

219. محصول شلتوکی که با صرف هزینه هائی از زمین موقوفه به دست می آید چه مقدار باید سهم موقوفه داده شود؟

جواب: مخارج موقوفه از عوائد آن کسر می شود و بقیه صرف جهت وقف خواهد شد.

2- نحوه مصرف عوائد متعذر الشرط

اجرای نیت واقف در محل دیگر

220. پنج دانگ و نیم از قنات و مزرعه روستا را وقف عزاداری ابا عبدالله الحسین (ع) نموده اند هم اکنون روستا با مهاجرت اهالی به شهر از سکنه خالی می باشد. با توجه به اینکه طبق نظر واقف نتوانستیم وقف را انجام بدهیم. آیا می توانیم با اجازه حضرتعالی در شهر که بهتر می شود استفاده کرد از برادران روحانی و مردم جهت روضه خوانی، مراسم عزاداری را برگزار کرد؟

جواب: باید هر طور وقف شده همانطور عمل شود بلی اگر امکان نداشته باشد می توانید در جای دیگر برگزار کنید.

221. شخصی در زمان گذشته مقدار زمینی را وقف کرده که حاصل این زمین را در ماه محرم و صفر ده روز در منزل خودش برای امام حسین (ع) روضه خوانی کند پسر متولی می گوید من پیر شدم و قوت من نمی گیرد که کار کنم و از درآمد این زمین ده روز در منزل روضه خوانی کنم و امروز خرج چقدر زیاد است و زمین نامبرده اینقدر درآمد ندارد، سؤال اینجاست آیا می شود تمام درآمد آن زمین را مثلاً در دهه عاشورا به حسینیه بدهم و خرج کنند، و یا در دهه عاشورا یک شب یا یک روز غذا درست کنم و به عزاداران حسینی بدهم یا خیر؟ اگر نمی توانم آیا می شود زمین را تبدیل به چیز دیگر کرد یا خیر؟

جواب: اگر ممکن است باید به همان طور که وقف شده عمل شود، و اگر ممکن نیست هر طور ممکن است در روضه خوانی صرف کنند.

222. مرحوم حاج ابوالقاسم کاشانی تعدادی واحد تجاری را وقف کرده و مصرف آن راچنین مقرر داشته:
«منافع و اجاره عایدات را به حضور آیت الله آقای حاج شیخ عبدالکریم یزدی مقیم در قم برساند که وجه مرقوم را به مصرف آقایان سادات ذوالعز و الاحترام و اهل علم برسانند و بعد از حضرت آیت الله در نجف اشرف به هر یک از آیت الله صاحب رساله و صاحب رأی برسانند که ایضاً وجه مزبور به مصرف آقایان سادات اهل علم برسانند».
بعد از فوت مرحوم آیت الله العظمی حائری به گواهی سوابق مدتی وجوه مذکور توسط آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا سید عبدالهادی شیرازی و آقا سید محسن حکیم پرداخت می شده، مستدعی است اذن فرمایند با توجه به شرائط موجود کشور عراق عواید موقوفه مذکور به سادات اهل علم در ایران پرداخت شود.

جواب: اگر ارسال به نجف اشرف یا ذخیره و نگهداری منافع جهت ارسال به نجف در آینده نزدیک جهت تسلیم به سادات زیر نظر یکی از فقهای عظام ساکن آن بلد طیب میسور نباشد تسلیم آن فعلاً به سادات عفیف متدین ساکن ایران مانع ندارد.

223. بخشی از درآمد موقوفه اختصاص به طلاب مدرسه علمیه نجف اشرف داشته است مدرسه مذکور بالغ بر چهل سال قبل تخریب و آثاری از آن نمی باشد لذا استدعا دارد با عنایت به مراتب معروضه و عدم امکان صرف درآمد فوق در جهت وقف و با عنایت به نظر مبارک حضرت امام راحل، در صورت صلاحدید مقرر فرمایید پرداخت عواید فوق الذکر به طلاب منطقه در ایران پرداخت شود.

جواب: در تحریرالوسیله حضرت امام خمینی (ره) جلد دوم کتاب الوقف مسئله 62 فرموده اند که در فرض خراب شدن مورد وقف، باید وقف در وجوه برّ صرف شود، بنابراین در فرض مسئله صرف عوائد فوق الذکر بر روال سابق مانع ندارد.

3- نحوه مصرف عوائد متعذر المصرف

سپرده گذاری عوائد متعذر المصرف در حساب پس انداز و دریافت سود آن

224. مدرسه علوم دینیه ای بر اثر قدمت ساختمان و نفوذ رطوبت در آن از قابلیت انتفاع خارج شده و درآمدهای املاک آن جمع آوری و به عنوان امانت در بانک گذاشته شده است و اکنون قصد داریم که مدرسه را با آن درآمدها تجدید بنا کنیم، ولی مدّت زیادی طول می کشد تا پروانه ساختمان را بگیریم و اموال مزبور را برای تجدید بنای مدرسه مصرف کنیم، آیا جایز است در خلال این مدّت اموال مربوط به وقف را در یکی از بانک ها به صورت سرمایه گذاری بگذاریم و طبق معاملات متعارف بانکی درصدی سود به نفع وقف دریافت کنیم؟

جواب: آنچه شرعاً بر متولی شرعی وقف در رابطه با درآمدهای آن واجب است،فقط مصرف آنها در جهت وقف است، ولی اگر مصرف درآمدها در جهت وقف برای او ممکن نباشد مگر آنکه مدّت زمانی بگذرد و حفظ آن اموال تا زمان امکان مصرف آنها برای وقف با سپردن به بانک ممکن باشد و گذاشتن آنها در حساب پس انداز موجب تأخیر در مصرف بموقع آن اموال در وقف نشود، سپردن آنها به بانک و استفاده از سود آنها در جهت مصلحت وقف در ضمن یکی از عقود شرعی اشکال ندارد .

عدم امکان مصرف درآمد موقوفه در اجرای نیت واقف

225. فرموده اید: متولی یا اداره اوقاف شرعاً مکلف به وصول موقوفات است آیا ایصال آن نیز تکلیف شرعی است؟خاطر شریف مستحضر است که سال های متمادی است که امکان ارسال وجوه موقوفه به عتبات عالیات مشکل شده است آیا اذن می فرمائید وجوه موقوفه مربوط به حوزه های علمیه عتبات عالیات به مصرف حوزه های ایران رسانده شود؟ و یا باید همچنان وجوه مربوط تودیعاً در اختیار اوقاف باقی بماند؟

جواب: تکلیف متولی شرعی یا اداره اوقاف بر وصول عواید موقوفات، جهت صرف عواید در جهت وقف است، چنانچه ایصال سهم حوزه های علمیه عتبات عالیات از عواید موقوفات در حال حاضر میسور نباشد، باید به انتظار زمان امکان ایصال آن به حوزه های علمیه عتبات عالیات در حساب امانی حفظ و نگهداری شود، و اگر از حصول امکان ایصال در آینده نزدیک مأیوس باشند صرف آن در حوزه های علمیه داخل کشور مانع ندارد.

226. چندین سال است که مصرف در آمدهای وقف متعلق به حوزه علمیه شهر خاصی به علت عدم امکان ارسال آنها به آن شهر ممکن نیست و تاکنون مقدار زیادی از آن در آمدها پس انداز شده است، آیا مصرف آنها در حوزه های علمیه واقع در شهرهای دیگر جایز است؟ یا آنکه باید آنها را حفظ نمود تا ارسال آنها به آن شهر امکان پذیر شود؟

جواب: وظیفه متولی شرعی یا اداره اوقاف جمع آوری درآمدهای وقف و مصرف آنها در جهت وقف است و در صورتی که بطور موقت رساندن آنها به شهری که باید در آن مصرف شوند، ممکن نباشد، واجب است درآمدها را حفظ کرده و منتظر بمانند تا رساندن آنها به آن شهر ممکن شود البته تا جایی که منجر به تعطیلی وقف نگردد، و در صورت ناامیدی از توانایی رساندن درآمدها به آن حوزه علمیه خاص هر چند در آینده نزدیک، مصرف کردن آنها در حوزه های علمیه مناطق دیگر اشکال ندارد.

موقوفات مدرسه خراب شده

227. مدرسه علمیه ای در این شهرستان بوده که در زمان سابق خراب شده و ورثه واقف زمین آن را به بانک ملی آن زمان فروخته اند و بعداً در اثر کوشش بعضی از علماء شهر یکی از تجار محترم زمین آن را از بانک ملی خریداری کرده و مجدداً وقف و ساختمان کرده مورد سؤال این است که موقوفات مربوط به طلاب و مدرسین و خدام مدرسه خراب شده سابق می باشد که نظارت بعضی از آنها با اینجانب است؟ آیا درآمد موقوفات مزبور فقط باید به طلاب مدرسه جدید التأسیس که در زمین مدرسه سابق احداث شده داده شود و یا به طلاب و مدرسین مدرسه علمیه جدید.

جواب: موقوفات مدرسه خراب شده مربوط به مدرسه ای است که جای آن ساخته شده است.

عدم امکان مصرف عواید موقوفه

228. بر اساس یک باب وقفنامه قدیمی مصرف موقوفه جهت کمک به امامزاده و مسجد جنب آن وقف گردیده. آنچه بین مردم مشهور است مسجد و امامزاده موصوف سال ها قبل در اثر سیل به طور کلی محو و آثار آن نیز مجهول است، و در حال حاضر نیزچنین مسجد و امامزاده ای وجود خارجی ندارد، مستدعی است راهنمائی فرمائید که عواید موقوفه مذکور در چه راهی باید به مصرف برسد؟

جواب: از مشایخ و معمرین جای مشهد امام زاده و مسجد را بپرسند تا عوائد در راه تجدید بنا و احتیاجات همانجا مصرف شود و اگر محل به هیچ نحو قابل شناسایی نیست عوائد موقوفه را صرف کارهای خیر و از جمله می توان صرف امامزاده های مجاور و مساجد محل نمود.

عدم امکان عمل به وقف

229. به استحضار می رسانم که کاروانسرایی در 40 الی 50 سال پیش در روستائی مورد استفاده قرار می گرفت و مقداری موقوفه برنج (شالی) داشت که در تعمیر این کاروانسرا خرج می شد، بعدها به خاطر وجود امکانات، این کاروانسرا مخروبه شد و زمین آن را تبدیل به خانه بهداشت کردند، از آنجایی که خانه بهداشت از طرف مرکز بهداشت تأمین شده و لازم ندارد که موقوفه خرج تعمیرش شود و از طرفی برق و نظافت مسجد محل از جایی تأمین نمی شود و اگر شرعاً ممکن باشد دستور بفرمایید که این موقوفه را صرف مخارج مسجد کنیم.

جواب: در فرض مرقوم اگر عمل به وقف ممکن نیست می توانند زیر نظر متولی شرعی عوائد را صرف در مطلق خیرات از جمله مخارج مسجد بنمایند.

عدم امکان بهره برداری در جهت وقف

230. اولا:واقف مدرسه در وقفنامه قید کرده است طلابی می توانند از موقوفه مدرسه استفاده کنند و سکونت داشته باشند که در طریق استنباط حکم شرعی و یا رسائل و مکاسب و کفایتین و مدرس هم مجتهد و یا قریب الاجتهاد باشد و اکنون نه اساتید مجتهدند و نه ساکنین در طریق استنباط می باشند.
آیا سکونت در آن مدرسه و استفاده از موقوفات مدرسه برای اساتید و طلاب غیر واجد شرائط جائز است و یا اینکه ما لا یدرک کله لا یترک کله حاکم است.
ثانیا: آیا گرفتن موقوفات مدرسه برای عده ای از معممین روضه خوان و بعضی از ائمه جماعات که بعضی در همان مدرسه و بعضی هم در آنجا نبوده اند وگاهی تشریفاتی در درس شرکت می کنند جائز است یا خیر؟

جواب: اولا: با نظر متولی شرعی اگر بهره برداری در جهت وقف ممکن نیست می توانند طلاب و اساتید دیگر استفاده کنند.
ثانیا: اگر استفاده در جهت وقف ممکن است باید در همان جهت استفاده شود و در غیر اینصورت حکم سوال قبل رادارد.

4- مصرف عوائد در غیر جهت وقف

تغییر محل مصرف عواید موقوفه

231. در وقفنامه مکان مصرف منافع مورد وقف در همان روستا ذکر شده، بنا به حوادثی که پیش آمده آیا مصرف منافع مورد وقف در غیر محل جایز است یا خیر؟

جواب: الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها به هر طور وقف شده باید به همان طور عمل شود و تغییر جایز نیست.

تعمیر و بازسازی حسینیه و مسجد از عواید مربوط به روضه خوانی

232. درآمد باغی که وقف مجالس عزاداری و سوگواری حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) و اصحاب الکسا (ع) و غیره گردیده است، آیا شرعاً جایز است که درآمد موقوفه را صرف بازسازی بنای مسجدی که حسینیه به آن ضمیمه می باشد و قبلاً ویران شده اند نمود؟ لازم به ذکر است که حدود دو سال از ویرانی مسجد و حسینیه می گذرد و با حال نیمه کاره می باشد و در حال حاضر محل فاقد مسجد و حسینیه ای می باشد که مراسمات مذهبی از قبیل مراسم سوگواری در آن برپا شود.

جواب: عواید وقف باید زیر نظر متولی شرعی در جهت وقف صرف شود و تغییر آن جایز نیست.

233. واقف فردی را به عنوان متولی بعد از خود در وقف نامه انتخاب می کند، قبل از واقف متولی تعیین شده فوت می کند، واقف با تغییر تولیت مجدد در کلیه اموال خود تغییر به عمل می آورد و اولاد منحصر به فرد متولی فوت شده اقرار و اعتراف به صحت تولیت شخص دوم از ناحیه واقف را می نماید
1- آیا تغییر تولیت در موقوفه توسط واقف خلاف شرعی می باشد یا خیر؟
2- در صورتی که بودجه موقوفه ای از درآمد دکاکین به عنوان دهه عزاداری موجود باشد ولی تکیه یا حسینیه مورد نظر فاقد آب و برق و گاز کشی و تعمیرات درب و پنجره باشد آیا جهت نگهداری موقوفه و تأمین مایحتاجات آن می توان از بودجه روضه خوانی استفاده نمود یا خیر؟
3- اعیانی ملک مسکونی وقفی جهت عزاداری دهه عاشورا از طرف واقف مشخص می شود. در صورت از بین رفتن اعیانی می توان بر خلاف نظر واقف در آن مکان مسجد بنا نمود یا خیر؟
4- آیا متولی بر حسب قانون می تواند برای خود نائب التولیه انتخاب کند یا برابر وکالت بلاعزل به دیگری اختیار امورات را بدهد یا خیر؟

جواب: ١- واقف در فرض سؤال پس از موت متولی، نمی تواند متولی دیگری تعیین نماید و باید به حاکم شرع رجوع نماید و او متولی نصب نماید.
٢- در فرض سؤال صرف درآمد در غیر جهت عزاداری جائز نیست.
٣- اگر زمین وقف نبوده پس از خراب شدن اعیانی اختیار آن با واقف یا ورثه او می باشد.
٤- متولی حق واگذاری تولیت به غیر را ندارد مگر اینکه در وقف این حق برای او تعیین شده باشد بلی در صورتی که شرط مباشرت نشده می تواند در انجام بعضی از امور که وظیفه اوست، وکیل بگیرد.

کمک به زوار امام رضا (ع) از محل عواید مربوط به زوار امام حسین (ع)

234. موقوفه ای است که مصرف آن کمک به زواری است که عازم کربلای معلی باشند. به لحاظ اینکه سال ها است مصرف این موقوفه معطل مانده، مستدعی است اجازه فرمایند از باب اقرب به نظر واقف عواید مذکور موقتاً به زوار امام رضا (ع) کمک شود.

جواب: با امکان عمل به وقف ولو به مصرف در زواری که فعلاً به کربلا مشرف می شوند (در صورت موافقت با جهت وقف) نباید تغییر دهند.

شرط مصرف عواید موقوفه

235. در ایام سابق یک عده مؤمنین این ده یک امام بارگاه (حسینیه) کوچک بنا نموده اند بعد از چند سال چون ده وسعت پیدا نموده و مردم هم زیاد شدند، مؤمنین همین ده در محله دیگری یک حسینیه دوم که وسیع تر است بنا نمودند سال های سال می گذرد که در هر دو حسینیه در ایام محرم و غیره عزای امام حسین (ع) بر پا می کردند و می کنند.
اما مردمان این ده می خواهند تمام مجالس و محافل دینی به صورت اجتماعی به اتفاق انجام دهند و صورت اتحاد و اتفاق که به نظر ما می رسد ازاین قبیل است که تمام متبرکات محرم در حسینیه دیگر که وسیع تر است ببریم و همین جا عزای حسینی را به انجام برسانیم و متبرکات دوباره تا سال آینده در همان حسینیه کوچک بگذاریم، ولکن مسئله این است هر حسینیه یک موقوفه خصوصی دارد از قسم زمین و دکانات آیا مردمان ده می توانند از منافع موقوفات هر دو حسینیه مشترکاً صرف در مجالس سیدالشهداء (ع) ارواحنا له الفداء اجتماعی به صورت انفاق و اتحاد صرف در انتظام و مصارف مجالس صرف نمود یا نه؟ حال اینکه هیچ یک از دو حسینیه از مقصد وقف مثل مرثیه حسینی و مجالس و محافل خالی نمی ماند.

جواب: موقوفه هر حسینیه باید صرف در همان حسینیه بشود، و اگر برای عزاداری است باید صرف در عزاداری شود، و صرف در خلاف آن جایز نیست و در هر صورت اولی و احوط آن است که در هر دو حسینیه عزاداری کنند.

مصرف عواید وقف در غیر جهت وقف

236. آیا می توان از محل درآمدهای حاصله از موقوفاتی که طبق نظر واقف می بایستی جهت برگزاری مجالس سوگواری حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) در ماه محرم و صفر هزینه شود مبلغی را بابت دیه و خون بهای متولی و اولاد واقف هزینه نمود؟

جواب: عواید وقف باید در جهت وقف صرف شود و صرف در غیر آن جایز نیست.

استفاده عموم مردم از عواید وقف خاص

237. اگر مکانی برای تعلیم و تحصیل علوم دینیه وقف شده باشد، آیا با وجود طلاب مشغول به تحصیل در آن مکان، جایز است افراد عادی و مسافران از امکانات آنجا استفاده نمایند؟

جواب: اگر آن مکان وقف خصوص طلاب علوم دینی و یا به منظور تدریس و تحصیل علوم دینی در آن باشد، جایز نیست دیگران از آنجا استفاده کنند .

تغییر مصرف عواید موقوفه

238. تعداد 19 اصله درخت نخل به عنوان وقف سید الشهداء امام حسین (ع) جهت روضه خوانی وقف گردیده که درآمد آن طبق روال برای روضه خوانی مصرف می گردیده، اکنون به جهاتی در نظر است که مبلغ درآمد را در غیر از روضه خوانی از قبیل طعام، و یا سایر مصارف در راه امام حسین (ع) خرج نمائیم، آیا شرعاً جایز است یا خیر؟

جواب: اگر وقف با قبض متولی شرعی تمام شده باشد نمی توانید تغییر دهید.

239. توقیراً برخی از متصرفین موقوفات افراد فقیر و بی بضاعت و عیالوار و بعضاً از خانواده محترم شهداء و ایثارگران هستند. آیا اداره اوقاف می تواند بنا به دلائل فوق طلب موقوفه را در غیر جهت نظر واقف در حق چنین افرادی ببخشد؟ و یا در مال الاجاره موقوفه در این رابطه تخفیفی قائل شود؟

جواب: از وقف باید در همان جهت وقف استفاده شود و تغییر ندهند.

240. طبق چند فقره وقفنامه قسمتی از آب موقوفه به ترتیب وقف بر شرب منازل گردیده.
آیا فرد یا سازمان غیر از متولی شرعاً می تواند در موقوفه دخل و تصرف کند و امتیاز آب به افراد غیر از نظر واقف بفروشد یا خیر؟
آیا متولی یا اداره اوقاف یا هر مقام دیگر شرعا می تواند بدون رعایت تقدم و تأخر قبل از مشروب شدن چندین خانه مورد نظر واقف که موقوف علیهم اصلی هستند اجازه دهد؟

جواب: از وقف باید زیر نظر متولی شرعی و در جهت وقف استفاده شود و تغییر ندهند و فروش آب که وقف بر مصارف خاصه شده جایز نیست و باید به همان کیفیت وقف عمل شود و با فرض اعتبار ترتیب در وقف باید به ترتیب استفاده نماید و صرف آب موقوفه در غیر جهت وقف و خارج محدوده آن جایز نیست، و چنانچه در موضوع اختلافی باشد باید به دادگاه های ذیربط مراجعه شود.

241. در قریه ای یک دانگ آب صاحبش وقف کرده بود که برای درختانی که در کوچه و در حیاط ها و برای گل کاری و غیره جاری گردد از زمانیکه روستا لوله کشی آب شده است این آب بلا تکلیف شده و معلوم نیست به کجا می رود و اکنون اینجانب رفته ام و از اوقاف اجاره کرده ام و در ازاء بهای آن پول را به اوقاف پرداخت می کنم و این آب برای زراعت و برای درخت کاری به کار می برم آیا این آب برای بنده مباح است یا خیر؟

جواب: حکم کلی مسئله این است که اگر امکان استفاده از آب در همان جهت وقف باشد تغییر جایز نیست ولی مسئله خاص نیاز به رسیدگی دارد.

242. چشمه آب موقوفه ای وجود دارد که در طول سال های متمادی مورد استفاده مردم بوده است، آیا لوله کشی از آن به مکان های متعدّد و یا به منازل شخصی جایز است؟

جواب: اگر کشیدن لوله از آن، تغییر وقف و یا انتفاع درغیر جهت وقف نباشد و مانع استفاده بقیّه موقوف علیهم از آب آن نشود، اشکال ندارد والا جایز نیست .

243. آبی است که 1/7 آن وقف مسجد و امامزاده می باشد که درآمد و وجه الاجاره آن صرف تعمیرات مسجد و امامزاده بشود آیا جایز است (بدون در نظر گرفتن وجه الاجاره) آن آب را به خانه های روستائی و یا شهری لوله کشی کرد یا خیر؟

جواب: بدون مراعات مصلحت و جهت وقف و نظر متولی شرعی جایز نیست.

244. اگر مردم و یا متولیان وجه الاجاره را عادلانه در نظر بگیرند و آن را در همان مسجد و یا امامزاده خرج نمایند وضو گرفتن و غسل کردن و تصرف نمودن در آن آب جایز است یا خیر؟

جواب: باید به نظر متولی شرعی و مراعات مصلحت و جهت وقف عمل شود.

245. اگر مردم و یا متصدیان لوله کشی به طور عمومی و دسته جمعی به این کار اقدام نکردند ولی عده ای به طور انفرادی بینهم و بین الله وجه الاجاره عادلانه ای نسبت به مصرف خود در نظر بگیرند و آن را به هیئت رسیدگی امور مسجد و یا امامزاده بدهند که در تعمیرات آنها مصرف شود آیا در اینصورت تصرف آن عده در آن آب جایز است یا خیر؟

جواب: حکم همان است که در مسئله قبل گفته شد و غیر از آن اشکال دارد.

246. قناتی بر مدار 17 شبانه روز جاری می باشد که مجاری دو شبانه روز آب و اراضی آن وقف می باشد بقیه متعلق به خورده مالکین از کشاورزان محلی می باشد آیا شرعاً جایز است که افرادی بدون رضایت مالکین و متولیان موقوفه و اولیاء صغیران در مظهر قنات مزبور اقدام به احداث استخر شنا بنمایند با عنایت به آنکه در فصل تابستان و هوای گرم قهراً آب در داخل استخر تبخیر شده و باعث ضایعات می شود.

جواب: بدون رضایت تمامی صاحبان آب و اولیاء صغار و متولیان وقف جایز نیست.

247. یک شبانه روز آب وقفی از قنات یک روستا در مسیر مشخص عبور کرده وقف بر شرب چندین خانه در انتها به سمت آستان مقدس جاری هر قدر و هر کجا که برسد مشروب شود.
تعدادی از افراد موقوف علیهم در طول سال در خانه هایشان ساکن هستند و عده ای بیشتر اوقات سال سکونت ندارند. آیا آنهائی که ساکن نیستند می توانند با معرفی خودشان به عنوان مالکین آب، این آب را از مجرا انداخته آن را به شبکه لوله کشی روستا که در خارج محدوده موقوف علیهم می باشد واگذار نمایند، تا شرب دیگر منازل هم مورد استفاده قرار گیرد؟
آیا فرد یا سازمانی شرعاً می تواند در این آب وقفی دخل و تصرف کرده؟ باعث قطع جریان آب شده شق النهر کند و این آب را از طریق شبکه لوله کشی روستا به افراد ذیحق و خارج از نظر واقفین، با اخذ آب بهاء بفروشند؟
آیا متولی یا اداره اوقاف یا هر مقام دیگری شرعاً می تواند بر خلاف وقفنامه این آب را در خارج از محدوده موقوف علیهم برای شرب دیگر منازل که واجد شرایط نیستند مورد استفاده قرار دهد، اگر چنین کردند تکلیف شرعی ساکنین آن منازل چه خواهد بود؟

جواب: حکم کلی مسئله روشن است که تغییر و تبدیل وقف و ممانعت از عمل طبق وقف نامه جائز نیست لکن موضوع خاص نیاز به رسیدگی دارد که موکول است به محاکم قضائی.

248. در اراضی موقوفه مبادرت به حفر چاه و یا زهکشی جهت استحصال آب گردیده، بین متولی موقوفه و اهالی محل اختلاف است که آیا آب استحصالی متعلق به مردم است یا موقوفه؟

جواب: حکم کلی مسئله روشن است که هر گونه تصرف در موقوفه باید در جهت وقف و زیر نظر متولی باشد ولی مسائل اختلافی باید در محاکم حل و فصل شود.

249. آب موقوفه در این شهر وقف بر پر نمودن حوض انبارها و آبیاری درختان و حوض های خانگی در منطقه بوده است این آب اکنون در اجاره عده ای از کشاورزان بوده و با قیمتی ارزان تر از قیمت کارشناسی موجود شرب می شود اکنون که حوض انبارها کم و درختان توسط شهرداری آبیاری می شود، 1- آیا تغییر کاربری آب از موارد پرکردن حوض انبارها و آبیاری درختان و غیره به کاربری کشاورزی اشکال شرعی ندارد؟ 2- آیا می توان این آب را به قیمت ارزان واگذار کرد یا لازم است با نظر کارشناسی تعیین اجاره بهاء شود؟ 3- از آنجائی که این آب وقف بر محله ای به نام قصبه شهر شده است آیا می توان این آب را در خارج از محدوده قصبه شهر به افرادی غیر ساکن در قصبه شهر جهت مصارف کشاورزی اجاره داد؟ 4- درآمد حاصل از این آب با توجه به آبیاری درختان توسط شهرداری و نبودن آب انبارهای زیاد در چه مواردی لازم است هزینه شود؟ 5- برخی از کسانی این آب را مدت چندین سال اجاره دارند از پرداخت اجاره خودداری کرده و خود را ذی حق می دانند و به نرخ کارشناسی روز راضی نمی شوند آیا تملک آب این موقوفه به مدت چندین سال حقی را متوجه آنان می سازد یا در پایان هر سال اداره محترم اوقاف و امور خیریه لازم است تمدید قرار داد نموده و اجاره بهاء جدیدی تنظیم نماید؟

جواب: از وقف باید زیر نظر متولی شرعی در جهت وقف استفاده شود و تغییر ندهند بلی اگر استفاده در جهت وقف به هیچ وجه ممکن نباشد می توانند در مطلق خیرات از آن استفاده کنند.

250. لطفاً نظر مبارک را در رابطه با مسئله ذیل بیان فرمایید: آبی است موقوفه جهت شرب محلی که توسط آب انبارهایی مشروب می شده ولی در زمان فعلی آب انبارهای مذکور کمتر قابل استفاده است و چه بسا بخش عمده آن آبها توسط بعضی جهت کشاورزی استفاده می شود، با توجه به کثرت نفوس آن اهالی و ساخت منابع جدید الاحداث و کمبود آب جهت شرب آیا اجازه می فرمایید که آب مذکور به منابع برده شود برای شرب تمام اهالی و آیا می توان از آب مذکور جهت استحمام استفاده نمود یا خیر؟

جواب: اگر برای آشامیدن وقف شده است باید در همان جهت صرف شود و ذخیره آن در منابع جدید مانعی ندارد.

251. ۱- شخصی در وصیت خود چنین نوشته است که چهل من زمین به انضمام دو ساعت آب وقف است که همه ساله مال الاجاره آن در ایام عاشورا و در تکیه مصرف عزاداری حسینی شود. پسر او بعد از فوت موصی و واقف چون نمی دانستند به مصرف غیر موقوف علیهم خرج کردند آیا این مدت را ضامنند یا خیر؟
۲- زمینی وقف بر ایام عاشورا و دهه صفر شد و متولی آن هم معین شده اما مستأجر بدون اجازه متولی عواید را در جای دیگر خرج کردند آیا در این مدت که به جای دیگر خرج کردند ضامنند یا خیر؟

جواب: اگر عوائد وقف در غیر جهت وقف صرف شده ضمان دارد و حکم در هر دو مسئله همین است.

252. دهات و مزارع موقوفه خاص براساس قوانین و مقررات اصلاحات ارضی به زارعین صاحب نسق واگذار گردیده و در نتیجه نحوه پیاده کردن و شیوه کاربرد نظر واقف کاملا تغییر داده شده و اصولا عمل به وقف نیز منتفی گردیده عواید وقف باقی نمانده و متولی نیز ممنوع المداخله شده بدین ترتیب تقاضا می شود نظریه شرعی حضرتعالی را در رابطه ماده واحده قانون ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه مصوب 63/1/28 که مقرر می دارد از تصویب این قانون کلیه موقوفاتی که بدون مجوز شرعی به فروش رسیده یا به صورتی به مالکیت درآمده باشد به وقفیت خود بر می گردد و اسناد مالکیت صادر شده باطل و از درجه اعتبار ساقط است و اینکه برخی ادارات ثبت سال هاست از تاریخ تصویب قانون مزبور اقدام به ابطال اسناد صادر نمی نمایند و ضرر و زیان بسیاری به منافع موقوفه وارد می شود اعلام فرمایند.

جواب: وقف قابل تبدیل و تغییر و واگذاری و خرید و فروش نیست و امور ذکر شده موجب خروج وقف از وقفیت نمی شود و صادر کردن سند مالکیت برای زمین موقوفه جایز نیست و اعتبار ندارد و هر مقدار از اجرت و منافع وقف مطابق نظر واقف صرف نشده ضامن هستند و باید بپردازند و هرگونه تصرف در وقف باید زیر نظر متولی شرعی و صلاح وقف باشد و در غیر اینصورت حکم غصب را دارد.

253. درآمد حاصله از زمینی زراعی وقف بزرگداشت و برپائی مراسم عزاداری سرور شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) گردیده و هزینه کرد فوق نیز طی دهها سال در محلی خاص انجام پذیرفته است. قابل ذکر است که در متن وقف نامه محل خاصی ذکر نگردیده است، آیا می توان نسبت به تغییر محل هزینه اقدام نمود و یا اینکه عمل ده‌ها سال گذشته موجب الزام بر ادامه روال ماضی خواهد شد.

جواب: اگر معلوم نیست که برای خصوص آن محل وقف شده و وقفنامه مطلق است می توانند در جای دیگر صرف در عزاداری کنند، هر چند احوط ادامه همان روال گذشته است.

5- نحوه مصرف عوائد مجهول المصرف

هزینه کردن عواید موقوفات مجهول المصرف

254. اگر وقفی بودن زمین محرز باشد ولی جهت وقف معلوم نباشد، ساکنین و زراعت کنندگان در آن زمین چه تکلیفی دارند؟

جواب: اگر زمین موقوفه، متولّی خاص داشته باشد، واجب است تصرّف کنندگان به او مراجعه کنند و زمین را از او اجاره نمایند و اگر متولّی خاصی نداشته باشد، ولایت بر آن با حاکم شرع است و تصرّف کنندگان باید به وی مراجعه نمایند و اما نسبت به مصرف درآمد وقف که متردّد بین محتملات است، اگر محتملات متصادق و غیرمتباین باشند مثل سادات و فقرا و علما و اهل فلان شهر، واجب است درآمد وقف در قدر متیقّن آنها مصرف شود، ولی اگر احتمالات، متباین و غیر متصادق باشند، در این صورت اگر محصور در امور معیّنی باشند، واجب است مصرف وقف با قرعه معیّن شود و اگر احتمال بین امور غیرمحصوره باشد، در صورتی که بین عناوین یا اشخاص غیر محصوره باشد مثل اینکه بدانیم زمین موقوفه وقف بر ذرّیه است ولی ندانیم که ذرّیه کدام شخص از اشخاص غیر محصوره مراد است، در این صورت منافع وقف در حکم مجهول المالک است و واجب است به فقرا صدقه داده شود، ولی اگر احتمال بین جهات غیر محصوره باشد مثل اینکه مردد بین وقف برای مسجد یا زیارتگاه یا پل یا کمک به زائران و مانند آن باشد، در این صورت واجب است درآمدهای وقف به شرط عدم خروج از آن محتملات در امور خیریه مصرف شود .

نحوه تقسیم عواید موقوفه

255. اگر در وقف بر ذرّیه، علم به چگونگی تقسیم منافع وقف بین موقوف علیهم نباشد، آیا در این قبیل موارد واجب است تقسیم بر اساس قانون ارث باشد یا بطور مساوی؟

جواب: اگر در وقف بر ذرّیه معلوم نباشد که وقف بر افراد بطور مساوی بوده یا با رعایت تفاوت بین ذکور و اناث بر اساس قانون ارث است، حمل، بر وقف بر افراد بطور مساوی شده و درآمدهای وقف هم بین ذکور و اناث در هر طبقه ای بطور مساوی تقسیم می شود .

6- احکام مرتبط با عواید

اعیان احداث شده از محل عواید وقف

256. واقف در وقفنامه قید نموده از درآمد رقبه موقوفه هزینه عزاداری و ساختمان حسینیه شود و مبالغی از درآمد موقوفه هزینه ساختمان شده است حال حسینیه قسمتی از موقوفه می باشد یا خیر؟

جواب: ساختمان احداثی از درآمد رقبه موقوفه نیز حکم وقف را دارد.

257. شخصی از محل درآمد و عواید موقوفه و از محل واگذاری حقوق استیجاری املاک آن، مبادرت به احداث اعیان بر روی عرصه ی متعلق به ثلث که وقف نبوده، نموده است و ملک و اعیان مورد بحث را ابتداءً به تصرف موقوف علیهم نیز داده است، نظر حضرتعالی را در خصوص اعیان مورد بحث و اینکه متعلق به چه شخصی می باشد بیان فرمایید.

جواب: اگر شرعاً مجاز به صرف درآمد موقوفه در احداث بنای اعیانی دیگر بوده، آن اعیانی احداثی حکم وقف را دارد که باید درآمد آن در همان جهت وقف موقوفه ی اولی صرف شود.

معیار در محاسبه میزان منافع موقوفه

258. اگر زمینی مثلاً به صورت خشکی بوده و با تلاش متصرفین اکنون به صورت آبی درآمد که منافع بیشتری دارد و یا اینکه زمین آبی و خشکی منافع فعلی بیشتری نسبت به سال های قبل دارد آیا عواید 1/6 آن که حق موقوفه است بر اساس منافع فعلی آن لحاظ می گردد و یا بر اساس منافع قبلی و قدیم آن؟

جواب: در فرض سؤال منافع فعلی میزان است.

مصرف اجاره بهاء در جهت وقف توسط مستأجر

259. سه دانگ از شش دانگ اراضی روستا وقف امور خیریه و اولاد واقف می باشد بدین صورت که واقف خواسته است از محل درآمد کشت و زرع مقداری صرف امور خیریه گردیده و مازاد آن بین اولادش تقسیم شود. مدتی است آب قنات خشکیده و فقط اراضی آن باقیست و از چاه عمیق استفاده می شود و اولاد واقف ملک را بین خودشان تقسیم نموده اند و بعضی سهم خود را به دیگران فروخته اند و اراضی وقف در حال مشاع است و تفکیک شده نیست.
حال اگر کسی بخواهد مسئولیت شرعی نداشته باشد.
آیا می تواند اجاره آن مقدار از اراضی موقوفه را که یقین دارد متصرف می باشد شخصاً صرف امور خیریه مندرج در وقفنامه بنماید؟

جواب: با نظر متولی شرعی و با نبود شخص خاص حاکم شرع و مراعات مصلحت و جهت وقف مانع ندارد.

260. آیا می تواند اجاره آن را در اختیار اداره اوقاف شهرستان بگذارد تا در راه اهداف وقف مصرف شود؟

جواب: میزان نظر متولی شرعی و مراعات مصلحت و جهت وقف است.

261. آیا می تواند عین آن مقدار اراضی را در اختیار اداره اوقاف بگذارد؟

جواب: اگر متولی خاص ندارد مانع ندارد.

262. آیا می تواند وقفنامه ای به نام خود از طرف واقف اصلی با همان شرایط تنظیم نماید؟

جواب: تنظیم وقفنامه باید مطابق وقف باشد و در همه موارد باید مراعات نظر متولی شرعی و مصلحت و جهت وقف بشود.

استفاده از وقف در غیر جهت وقف

263. حدود ده سال پیش مبلغ روحانی در منزل میزبان خود مسئله وضعیت معیشتی آقایان اهل علم در قم را مطرح و سپس میزبان محترم تصمیم به وقف مؤبد ملکی را می نماید تا از عایدات آن به روحانیون بی بضاعت و یا کم بضاعت کمک شود سپس با تشکیل جلسه ای در حضور امام جمعه وقت بنا براین گذارده می شود که این ملک وقف روحانیون مستقر در یک مدرسه خاص باشد. و با صلاحدید هیئت امناء آن مدرسه مصرف گردد حال با توجه به اینکه عایدات این موقوفه در قم طبق نظر واقف مصرف نمی شود بلکه در کارهای دیگر مصرف می شود از جمله ساختمان سازی و صرف مکتب خواهران و از طرفی نیز مدرسه موصوف پس از چندین سال متروکه بودن مجدداً فعال شده و بیش از پنجاه طلبه شبانه روزی در آن به تحصیل علوم دینی اشتغال دارند و با توجه به اینکه این مدرسه در حال حاضر شعبه ای از حوزه علمیه قم می باشد و واقف نیز در قید حیات بوده و به این نحوه مصرف رضایت بیشتری دارد آیا جایز است این ملک با نظر واقف آن، وقف بر این مدرسه شود یا خیر؟

جواب: از وقف باید در جهت وقف استفاده شود و تغییر وقف جایز نیست.

264. شخصی در حدود 70 سال قبل مقداری از آب و ملک محل زندگی خود را وقف زائرین عتبات و عالیات و زوار حضرت رضا (ع) به صوابدید متولی نموده است و متولی آن فرزندان وی و پس از آن اولاد ذکور نسل به نسل و در صورت انقراض حاکم شرع باید عمل نمایند پس از فوت واقف و یک نسل بعد کسی

عهده دار تولیت نشده و به صورت اجاره به اشخاص داده شده و اداره اوقاف سرپرستی می نماید سؤال اینجاست آیا درآمد مربوطه باید به زوار خود محل داده شود و یا عمومیت برای سایر نقاط کشور دارد و آیا مسئول اوقاف شهرستان متولی هم محسوب می شود یا نه و ممکن است به صلاحدید مسئول اوقاف شهرستان درآمد صرف جایزه برای قراء مسابقه قرآن و غیره گردد؟

جواب: با فرض اینکه واقف مصرف منافع موقوفه را به زوار محل اختصاص نداده باشد و وقفنامه هم به زوار اهل محل منصرف نباشد، عمومیت دارد و اگر وقف متولی شرعی خاص دارد هر گونه تصرف در وقف باید زیر نظر او باشد.

1- راه‌های اثبات وقف

مجموعه راه‌های اثبات وقف

265. یک دانگ مشاع از شش‌دانگ مزرعه ای وقف بربقعه مبارکه گردیده و سال ها به آن عمل می شده است. عده ای از کشاورزان و متصرفین مزرعه مزبور در وقفیت آن تشکیک نموده و حل معضل موجود را موکول به نظر مبارک آن رهبر عظیم الشأن نموده اند و علی هذا استدعا دارد با عنایت به شهرت و شیاع که در محل در مورد وقفیت آن وجود دارد نظر مبارک را اعلام فرمائید تا از تضییع حقوق وقف جلوگیری شود؟

جواب: اگر در میان افرادی که اعتراف به وقفیت مورد نزاع نمودند دو نفر مرد عادل وجود داشته باشد که اقرارشان به وقفیت شهادت بر وقفیت تلقی شود و یا در میان اهالی محل شیاع مفید علم و اطمینان بر وقفیت مورد نزاع حاصل باشد، و یا در مورد نزاع سوابق عمل به وقفیت مورد تسالم و قبول تمام افراد ذینفع در این باره داشته باشد بدین وسیله وقفیت آن شرعاً ثابت است و باید احکام و آثار وقف بر آن بار نمایند.

266. یک سری از اراضی مشهور به اراضی موقوفه هستند لکن دارای مدرک و سند نیستند و یا اگر هم اسنادی هست ناقص است، اولاً آیا شهرت اینگونه اراضی به موقوفات کفایت می کند یا خیر؟ ثانیاً آن اراضی که در اختیار متولیان موقوفه و زارعین می باشد و آن را کشت می کنند با توجه به اینکه هر دو گروه اقرار به وقف می کنند آیا اقرار آنها به وقف در اثبات وقفیت کفایت می کند یا خیر؟

جواب: شایع بودن و شهرت به وقف که مفید اطمینان است کفایت می کند و اقرار به وقف بر علیه خود مقر نافذ است.

267. وقفنامه ملکی که مربوط به پانصد سال پیش است پیدا شده، آیا اکنون حکم به وقفیت آن ملک می شود؟

جواب: مجرّد سند وقف تا زمانی که موجب اطمینان به درستی مضمون آن نشود، حجت شرعی بر وقفیّت نیست، ولی اگر وقف بودن آن ملک بین مردم بخصوص افراد کهنسال شایع باشد، بطوری که مفید علم یا اطمینان به وقفیت آن شود و یا ذوالید به آن اقرار کند و یا احراز شود که در سابق با آن به عنوان وقف رفتار می شده، ملک مزبور محکوم به وقفیّت است و به هر حال مرور زمان موجب خروج ملک موقوفه از وقفیّت نمی شود .

268. زمین هایی در منطقه ما وجود دارد که مردم، اقدام به زراعت و کاشت درخت در آنها می کنند و بین اهالی مشهور است که وقف حرم یکی از امامزادگان (ع) مدفون در منطقه می باشند و متولی وقف هم سادات ساکن در آنجا هستند ولی دلیلی بر وقف بودن آن زمین ها وجود ندارد و گفته می شود که در گذشته وقفنامه ای وجود داشته ولی در آتش سوزی از بین رفته است و مردم در حکومت سابق برای جلوگیری از تقسیم زمین ها شهادت به وقفیّت آنها داده اند و عدّه ای هم می گویند که یکی از حاکمان منطقه که علاقه به سادات داشت، آن زمین ها را برای معاف شدن از مالیات وقف آنان کرد، در حال حاضر این زمین ها چه حکمی دارند؟

جواب: برای ثبوت وقفیّت، وجود وقفنامه شرط نیست بلکه اعتراف ذوالید که وقف در تصرّف آنان است یا اعتراف ورثه ذوالید بعد از فوت او، به وقف بودن آن ملک، کافی است و همچنین احراز سابقه رفتار با آن ملک به عنوان وقف یا شهادت دو مرد عادل بر وقف بودن آن و یا شهرت وقفیّت آن به گونه ای که مفید علم اطمینان باشد هم وقف بودن را ثابت می کند. در نتیجه با وجود یکی از این دلائل وقفیّت، حکم به وقف بودن می شود و درغیر این صورت حکم به مالکیت متصرّف نسبت به آنچه در اختیار دارد می شود .

شهرت

269. در روستایی یک قطعه زمین موجود است که از قدیم به نام حسینیه معروف می باشد ولی احدی از واقف آن اطلاعی ندارند و از کم و کیف آن همه بی خبر هستند در ضمن در آن زمین تعدادی از قبل دفن شده اند فعلاً آن زمین مخروبه شده و از آن استفاده نامناسب هم می شود لذا با توجه به اینکه اولاً روستا حسینیه دارد و نیاز به حسینیه ندارد ثانیاً کسی ادعای وقف برای حسینیه بودن آن را نمی کند ثالثاً استفاده های مالکانه گاهی اوقات از آن می شود که بر فرض حسینیه بودن آن مکان استفاده ها هتک آن محل است، خواهشمندم جنابعالی در رابطه با آباد کردن آن محل حالا به صورت فضای سبز یا پارک نظر خود را مرقوم فرمائید.

جواب: اگر معروف به حسینیه است حکم حسینیه بر آن جاری است و باید استفاده حسینیه از آن بشود.

270. احتراماً معروض می دارم در روستائی قنات آبی همراه با مقداری زمین کشاورزی موجود می باشد که توسط پدران صاحبان فعلی آنها آباد شده است، حدود پنجاه سال پیش اداره اوقاف به اسم اینکه اینجا وقف می باشد هر ساله مقرری را به هر طریق که می شد از مردم دریافت می کرد. لکن حدود 12 سال پیش وقتی به اداره اوقاف مراجعه کردیم برای اینکه سند وقف نامه این املاک و قنات را نشان بدهند متوجه شدیم که هیچ سند و مدرکی مبنی بر اینکه این املاک و قنات وقف باشد موجود نیست و تنها حرف اداره اوقاف این است که چون قبلاً حکم وقف را داشته حالا هم موقوفه می باشد. لذا برای بنده بلاتکلیف مانده که آیا این املاک و قنات موقوفه می باشد یا مجهول المالک یا مال کشاورزی می باشد دوم اینکه تا زمان تعیین تکلیف آن به چه صورت می توانیم از اینها استفاده نمائیم آیا اجازه حاکم شرع یا اداره اوقاف لازم است یا خیر؟

جواب: اگر مشهور به وقف است حکم وقف دارد و الا امر آن با حاکم شرع است.

271. چند قطعه زمین معروف به وقف بودن است که در دست مستأجرین است و مال الاجاره حاصله از آن در روز عید غدیر خم صرف فقراء و مستمندان آن محل می شده ولی وقفنامه ای در دست نیست ولی مستأجرین این زمین ها و معتمدین محل به وقف بودن آن واقف اند و نیز در بین عموم مردم شهرت دارد و تولیت آن نیز برای افراد خاصی بین تمام اهل محل مشهور است. مستدعی است طبق حکم خدا بفرمائید وقفیت برای مصرف مذکور و تولیت برای آن افراد به شهرت ثابت می شود یا خیر؟

جواب: با فرض ثبوت شهرت در بین اهل محل وقفیت برای جهت ذکر شده و تولیت موقوفه برای افراد ثابت می شود.

272. زمین کشاورزی از قدیم الایام موقوفه بوده و اهالی منطقه به موقوفه بودن آن شهادت می دهند حتی از پدرانشان نقل می کنند اشخاصی هم بعنوان متولی سهم مقرری از کشاورز گرفته بقول خودشان خیریه کرده اند و بعد از فوت پدرانشان ورثه آنها با همین منوال سهم را گرفته اند به مدت یک قرن. حالا ورثه منکر موقوفه بودن می باشند و سند وقف هم در دست نیست آیا می توانند همین زمین را تصرف نموده و بعنوان ملک شخصی خود همه را به مصرف شخصی خود برسانند خواهشمند است حکم شرعی را مرقوم فرمایید.

جواب: با فرض شهرت به وقفیت، زمین مذکور حکم وقف را دارد، و تصرف در آن بدون اذن متولی شرعی موقوفه حکم غصب را دارد

273. کراراً مشاهده گردیده اشخاص در مجامع عمومی به استناد مرقومه شماره 1/19131 – 30/11/72 آن دفتر به عنوان ریاست محترم قوه قضائیه موقوفاتی را که بیش از یک قرن سابقه عمل به وقف دارد زیر سؤال برده که آقا در نامه فوق الاشعار فرمودند «... ابتدا باید اصل مالکیت مدعیان بر طرق شرعیه احراز شود و اسناد رسمی و غیر رسمی اینگونه زمین ها که در دوران حکومت ظلم و طغیان تنظیم شده است مطلقاً اعتبار ندارد... »
در این اساس آقایان مخالفین موقوفات نتیجه می گیرند که تمام وقفنامه ها و اسناد مالکیت موقوفات باطل و بی اعتبار است و اول باید ثابت شود که واقفین این املاک را از کجا آورده اند و چگونه مالک شده اند تا وقف کنند و حال آنکه این وقفنامه ها علاوه بر آنکه مسجل به تسجیل بسیاری از علماء و مراجع بزرگ شیعه در گذشته و حال گردیده، بیش از یکصد سال سابقه عمل به وقف مستمر به طرق شرعی داشته و دارد و اساساً اینگونه موقوفات موضوعاً خارج از شمول دستور مطاع معظم له در نامه فوق الاشعار می باشد. معهذا به منظور تعیین تکلیف و استرشاد چگونگی موضوع به محضرتان استبصار مستدعی است امر به ارشاد مقتضی فرمایند.

جواب: موقوفاتی که از قدیم الایام تا زمان حاضر به آن عمل می شود و شهرت به وقفیت دارد نیازی به سند کتبی ندارد و محکوم به وقفیت است و تصرف در آن بدون اذن متولی شرعی و صلاح و جهت وقف حکم تصرف در غصب دارد.

274. اراضی و باغاتی که شهرت در وقف دارد هم اکنون به خاطر آنکه مدرک کتبی و وقفنامه ای در دست نیست عده ای اصل وقف بودن آن را زیر سؤال برده و می گویند وقف نیست و لذا از پرداخت مال الاجاره به اداره اوقاف خودداری می کنند، مستدعی است نظر مبارک را در مورد این اراضی و باغات بیان فرمائید خداوند سایه حضرتعالی را بر سر مسلمین مستدام بدارد.

جواب: مدرک وقفنامه میزان نیست، اگر سابقه عمل بر وفق وقفیت دارد و یا در بین معمرین و مؤمنین اهل محل اشتهار به وقفیت دارد حکم و آثار وقف بر آن مترتب است و تصرفات در آن موقوف بر اذن و اجازه متولی شرعی موقوفه است.

275. فردی بعنوان صاحب ملک که دارای سند مالکیت است و مرحوم شده این زمین را قصد داشته که جهت مسجد وقف نماید، بازماندگان مرحوم نیز زمین را که آن مرحوم قصد داشته مسجد کند جهت مسجد واگذار نموده اند، ولی عده ای می گویند که شنیده ایم زمین فوق وقف است و سندی که دال بر وقفیت باشد در دست نیست، عده ای اظهار می دارند کاروانسرا بوده است، عده ای اظهار می دارند که زمین و گل انداز بوده است.
خواهشمند است نظر خود را در مورد اینکه آیا می توان این زمین را جهت مسجد اختصاص داد یا نه بیان فرمائید.

جواب: اگر وقف بودن آن معلوم نیست و بین مردم هم شایع به وقف بودن نیست محکوم به ملکیت برای ذی الید بوده و واگذاری برای مسجد صحیح است.

قاعده ید و اعتراف ذوالید

276. منزلی است به عنوان خانه عالم که وسعت آن (حدود 450 متر مربع) و دوری راه از مسجد مشکلاتی برای امام جماعت آن محل ایجاد کرده است.
واگذار کننده آن موجود است و مدعی است که به نیت وقف واگذار کرده است اما در سند واگذاری آن که پیوست می باشد اسمی از وقف برده نشده است.
روحانی مستقر در آن و جمعی از متدینین میل به فروش آن و تهیه منزلی کوچک تر و نزدیک مسجد برای احیای بیشتر نماز جماعت هستند، مقتضی است در صورت امکان بیان فرمائید ممکن است این منزل را تبدیل نموده و رفع مشکلات نمایند؟

جواب: با فرض اینکه شخصی که مالک زمین است اعتراف می کند زمین یا ساختمان را باصیغه وقف برای سکونت امام جماعت به متولی شرعی موقوفه یا موقوف علیه داده است وقف تمام است و قابل خرید و فروش و تبدیل نیست.

عمل به وقف

277. در این محل حمام قدیمی وجود دارد که از سابق به نام وقف نامیده شده است، اما فاقد هرگونه وقفنامه می باشد و از طرفی حمام مذکور متروکه و مخروبه گردیده، و اساساً مردم محل دیگر احتیاجی به این حمام عمومی ندارند. و با توجه به این که امروز نیازهای محل امور دیگری، از جمله احداث درمانگاه، آزمایشگاه و داروخانه می باشد، لذا بعضی از خیرین محلی در نظر دارند این مکان را تبدیل به درمانگاه و اماکن خیریه نموده و در راه خدمت به عموم به بهره بردای رسانند، مستدعی است با عنایت به این که حمام متروکه وقف نامه ای ندارد اجازه فرمایید زیر نظر معتمدین و مراکز قانونی محل به مؤسسات خیریه عام المنفعه تبدیل گردد.

جواب: برای ثبوت وقفیت وجود وقف نامه شرط نیست همین قدر که احراز شود سابقه رفتار با آن محل به عنوان وقف محقق بوده برای اثبات وقفیت کفایت می کند و صرف نیاز محل به امور دیگر مجوز تغییر وقف نیست به هر حال در فرض تعذر استفاده در مورد وقف با نظر متولی شرعی در مطلق وجوه بر و خیرات مصرف شود.

278. حد فاصل یک باب منزل موقوفه و منازل شخصی همسایگان دالانی وجود دارد که از قدیم تا بحال به صورت انبار منزل موقوفه مورد استفاده بوده است، بر اساس محدوده ثبتی محل مذکور مشکوک است، اکنون برخی از همسایگان مدعی عدم وقفیت محل مذکور می باشند و برخی تقاضای خرید آن محل را جهت احداث راهرو برای منزل خود دارند، مستدعی است حکم شرعی مسئله را بیان فرمائید.

جواب: وقف قابل خرید و فروش و واگذاری به غیر نیست و با فرض اینکه درگذشته محلی در تصرف وقف بوده و در جهت موقوفه استفاده می شد، محکوم به وقفیت است مگر آنکه خلاف آن اثبات شود.

شهادت دو عادل

279. از سال های قبل مؤسسه آبرسانی حضرت امام حسین (ع) توسط بانیان خیر وقف مسجد جامع گردیده و بر همین اساس از زمان تأسیس تا کنون درآمد آن پس از کسر هزینه های مربوط صرف مخارج مسجد می گردد، البته سندی که گویای وقفیت باشد در دست نیست و تنها شهادت و گواهی شهود مؤید موضوع است.
لذا با عنایت به مراتب فوق اخیراً از جانب مسئولین محلی (بخشداری) در نظر است این مؤسسه به سازمان آب و فاضلاب واگذار گردد، مستدعی است جهت تبیین مسائل شرعی و قانونی به مسائل زیر پاسخ فرمائید.
مؤسسه آبرسانی مورد اشاره در حال حاضر قریب به هفت میلیون تومان پول در اختیار دارد، آیا وجوه مذکور باید به حساب مسجد واریز گردد؟
آیا سازمان آب و فاضلاب اجازه تصرف مؤسسه فوق را دارد یا خیر؟ در صورتی که در اختیار آنها قرار گیرد حکم شرعی آن چیست؟

جواب: در فرض مذکور که سال ها طبق وقف بودن مؤسسه مذکور عمل شده و شهادت و گواهی شهود بر وقفیت مؤسسه ثابت است مبلغ موجود مربوطه به مسجد و باید به حساب آن واریز شود.
وقف قابل تغییر نیست و واجب است طبق وقف زیر نظر متولی خاص یا عام عمل شود.

280. اینجانب زمینی را خریداری نمودم و شنیدم که این زمین وقف بر مسجد است به فروشنده مراجعه کردم اظهار بی اطلاعی کرد و گفت او هم زمین را از شخص دیگری خریده است. ضمناً اشخاصی که ادعای وقف بودن زمین را دارند فردی حدود 75 ساله و پسرش حدود 50 ساله و همسر او می باشد که هر سه نفر ادعا می کنند چندین سال پیش وقفنامه را دیده اند و به رؤیت فروشنده اول نیز رسانده اند. فروشنده اول این حرفها را دروغ محض می داند و از هر کدام از معتمدین محل هم سؤال کردم در مورد وقف بودن زمین اظهار بی اطلاعی کردند، و فعلاً هیچگونه نوشته یا وقفنامه ای در دسترس نیست. حال با توجه به شهادت این سه نفر (پدر و پسر و همسر او) مبنی بر وقف بودن زمین و اینکه وقفنامه را خود دیده اند و به رؤیت فروشنده اول هم رسانده اند، ولی فروشنده اول این ادعا را دروغ می داند و با توجه به اینکه هنوز وجه زمین پرداخت نشده (به صورت چک است) ، خواهشمند است حضرتعالی نظر خود را درباره موارد ذیل مرقوم فرمائید:
1ـ وقف بودن یا نبودن این زمین با توجه به نبودن وقفنامه و شایع نبودن وقف بودن این زمین در بین معمرین؟
2ـ صحیح یا باطل بودن این معامله با توجه به ظن وقف بودن آن؟

جواب: اگر دو نفر عادل به وقفیت زمین شهادت دهند زمین حکم وقف را دارد و الا با فرض اینکه شهرت به وقفیت ندارد و دلیل دیگری هم بر وقفیت نیست حکم وقف را ندارد و در هر صورت موضوع نیاز به رسیدگی دارد و موکول است به محاکم قضائی.

281. پدرم زمینی را در حدود سی سال پیش با توجه به اعتماد و اطمینان و صداقتی که از دایی خود داشته از وی خریداری نموده است پس از گذشت مدتی از گوشه و کنار و از صحبتهای اهالی محل متوجه می شود که می گویند زمینی که شما خریدی از موقوفه زرتشتیان می باشد که آن را ثبت به مالکیت داده و به شما فروخته اند، حقیر از سال 64 بر زمین فوق اقدام به ساختن خانه برای خود نمودم. و در حال حاضر در آن ساکن می باشم و اما چون خودم نیز از بابت این مسأله دل نگران و ناراحت بودم تحقیقاتی از یکی از پیر مردهای زرتشی که اطلاعات در این باره داشته نمودم برابر اظهار وی زمین مورد اشاره از سهمیه ارثی از یکی از اهالی زرتشتیان به پسرش به ارث می رسد پسر وی نیز زمین را که از موقوفه (گمبر) زرتشتیان بوده ثبت به ملک داده و اقدام به فروش آن به یکی از مسلمانان می نماید بعد از سه دست فروش پدر من زمین را می خرد و الان در حال حاضر من در آن ساکن هستم تکلیف من چیست مرا راهنمایی فرموده تا در این رابطه فردای قیامت مسئول نباشم. توضیح اینکه وقف گمبر از این قرار است که آرد خمیر و سپس نان پخته و به سگ بدهند که محافظ و نگهبان زرتشتیان باشد.

جواب: اگر وقفیت زمین مرقوم به واسطه شهرت بین مردم یا گواهی دو عادل و یا اعتراف فردی که زمین را فروخته به وقف بودن آن ثابت نشود محکوم به وقفیت نیست و گرنه حکم وقف دارد.

اثبات در دادگاه

282. ملکی نسلاً بعد نسل به اینجانبان رسیده و در ید مالکانه ما بوده است و در عمران و آبادی آن هم کسی به جز ما دخالت نداشته و مدارک مالکیت هم موجود است چه قدیمی و چه ثبتی جدید. ولی شخصی این قریه را به تمام وقف کرده آن هم اولاً در دادگاههای متعدد از شصت سال پیش تا به امروز ادعای او چون اسناد مالکیت نداشته است و خدا وکیلی هم نخریده است مردود شده و احکام صادره برله مردم روستا می باشد حال تقاضا داریم حکم مسأله را از نظر شرع مقدس اسلام بدانیم.

جواب: حکم به مالکیت متصرفین ذوی الایدی فعلی می شود مگر آنکه خودشان اقرار و اعتراف بر وقفیت داشته باشند و یا بینه شرعیه یا حجت شرعی بر وقفیت قائم باشد و یا مدعی وقفیت دعوی خود را به طریق شرعی در دادگاه اثبات کند و حاکم حکم به وقفیت نماید .

2- وقف نامه و اسناد مکتوب

مجرّد سند وقف و عدم حجیّت آن

283. چند زمین از چهل سال پیش برای ساخت خانه جهت سرپرستی و نگهداری ایتام وقف شده اند و عمل به این وقف از آن زمان تاکنون استمرار داشته است و متولی معیّنی هم دارد که مورد تأیید اداره اوقاف است، ولی اخیرا سند عادی ارائه شده که ادّعا می شود که از سند قدیمی استنساخ شده است و در آن تصریح شده که این زمین ها از سیصد سال پیش تاکنون وقف شده اند، با توجّه به عدم وجود سند اصلی وقف که ادعا می شود قدیمی تر است و با توجّه به اینکه نسخه موجود ناقص است و در آن متولّی تعیین نشده و سابقه عمل به وقف هم نسبت به آنها وجود ندارد، بخصوص که ذوالید و تصرّف کنندگان هم منکر این ادّعا هستند و اشتهار به وقفیّت قبلی مورد ادّعا هم وجود ندارد، آیا این سند می تواند مانع از عمل به وقف جدید در جهتی که اکنون به آن برای سرپرستی و نگهداری و اسکان ایتام عمل می شود باشد؟

جواب: مجرّد سند وقف اعم از اینکه اصلی باشد یا از روی آن استنساخ شده باشد، حجت شرعی بر وقف نیست، در نتیجه تا وقف قبلی با حجت معتبر ثابت نشود، وقف جدیدی که در حال حاضر به آن عمل می شود، محکوم به صحت و نفوذ و جواز عمل است .

284. جوانی 26 ساله هستم و از چهار دست و پا فلج و از نعمت حرکت و بینائی یک چشم محروم شدم پدر پیرم تمام هستی خود را برای مداوای بنده خرج ولی هیچگونه بهبودی حاصل نگردید به جهت شرایط فیزیکی و همچنین وضعیت اقتصادی بسیار نامساعد نتوانستم ادامه تحصیل دهم جد بزرگوارم املاک خود را وقف اولادی نموده اند و علمای محترم طراز اول آن زمان پس از تأیید وقفنامه را امضاء و ممهور فرموده اند لذا در مورد املاک مذکور عمل به وقف انجام گرفته و سند صادر شده و به اجاره واگذار گردیده است و حال سؤال بنده به شرح ذیل است:
آیا فوت کاتب یا شهودین وقفنامه، قدمت و گذشت زمان وقفنامه، پاره شدن کناره کاغذ وقفنامه، وقفنامه مذکور را از نظر اصالت و سندیت علی رغم عمل به وقف و تصرفات 121 ساله در حال و آینده مورد تخدیش و تفکیک و تردید قرار می دهد یا خیر؟

جواب: اگر وقف محرز است ولو باینطور که آن محل مشهور به وقف است، باید بر طبق وقف عمل شود و الا باید وقف شرعاً اثبات شود و سند برای اثبات وقف کافی نیست مگر اینکه موجب اطمینان شود.

حجیّت سند مورد اطمینان

285. املاکی است (باغ) که بیش از صد سال است بین مردم خرید و فروش می شود و اکنون مالکیت آن که به نام تعداد زیادی از اهالی آن منطقه می باشد موجود است. آیا کسی با ارائه کپی وقفنامه بدون سند اصلی می تواند مدعی وقفیت این املاک شود؟در فرض ثبوت وقفیت این املاک در سابق، جایز است این املاک را از متصرفین خارج کرد یا نه؟

جواب: اگر از کپی وقف نامه اطمینان به وقفیت زمین حاصل می شود یا شهرت به وقفیت داشته باشد زمین و املاک محکوم به وقفیت است. بر فرض ثبوت وقفیت واجب است به حال خود برگردد و از وقفیت خارج نشده است و تصرف در آن حکم غصب دارد.

286. حضرت امامزاده عبدالله فرزند برومند حضرت امام محمد باقر (ع) که کلیه اراضی اطراف بقعه متبرکه طبق حکم حاکمان سلف در قرون ماضی با اسناد به جا مانده که ممهور به مهر حکام وقت و در هامش آن بعضی از رجال دینی و متنفذین منطقه که یکی پس از دیگری در زمان خود تأیید و مهر زده موقوفه اعلام گردیده و به همین لحاظ به عنوان موقوفه عمل می شده و از پرداخت کلیه عوارضات و مالیات دولتی مرفوع القلم گردیده بودند. سؤال این است که :
1) آیا اکنون جزء موقوفات آن حضرت محسوب می گردد؟
2) اداره محترم کشاورزی در عصر طاغوت در این اراضی موقوفه موصوف سند صادر نموده است چه حکمی دارد؟

جواب: اسناد اگر موجب اطمینان بر وقفیت زمین های مذکور بوده یا در بین عرف محل شهرت به وقفیت داشته باشند اراضی مذکور حکم وقف را دارند.
حکم کلی مسأله روشن است که اگر وقفیت اراضی مذکوره محرز باشد صدور اسناد مالکیت برای آنها صحیح نیست لکن مسأله نیاز به رسیدگی دارد که موکول است به مسئولین ذیربط قانونی.

زمین مشهور به وقفیت

287. زمینی است که دارای سند مالکیت به نام شخص می باشد و قبلاً دراین زمین گندم و جو کشت می شده است به گفته بعضی افراد محصول آن (به صورت) وقف برای حمامی داده می شده است، ولی کشاورزی که آن را برای صاحبش می کاشته است می گوید چنین نبوده است اکنون آن حمام نیز ویران شده و از این زمین نیز محصولی برداشت نمی شود و هیچ گونه مدرکی مبنی بر این ادعا وجود ندارد که باید محصول آن برای حمام داده شود، آیا گفته کشاورزی که زمین را می کاشته است و سند مالکیت که به نام صاحبش می باشد را می توان مدرک قرار داد و گفته بعضی افراد که حاصل آن که اکنون هیچ چیزی نمی باشد را به حمام می داده را رد نمود و آیا می شود این زمین را معامله کرد؟

جواب: زمین اگر مشهور به وقفیت باشد حکم وقف را دارد اگر چه سند مالکیت به نام شخصی صادر شده باشد و برفرض ثبوت وقفیت، خرید و فروش و معامله آن جائز نیست و هرگونه دخل و تصرف در آن متوقف بر اجازه متولی شرعی و صلاح وقف است.

ثبت زمین وقفی مغایر با نیت واقف

288. شخصی زمینی را بر اولاد ذکورش وقف کرده و بعد از وفات او اداره ثبت اوقاف بدون اطلاع از کیفیت آن اقدام به ثبت زمین مذکور به نام فرزندان ذکور و اناث نموده، آیا این کار موجب مشارکت اولاد اناث با اولاد ذکور در انتفاع از این زمین می شود؟

جواب: مجرّد ثبت زمین مذکور به نام اولاد اناث، توسط اداره اوقاف موجب مشارکت آنان با اولاد ذکور در وقف نمی شود، در نتیجه اگر ثابت شود که زمین وقف بر خصوص اولاد ذکور است، فقط مختص آنان خواهد بود .

3- عدم خروج موقوفه از وقفیت، بعد از تحقق وقف

عدم برگشت پذیری وقف بعد از تحقق آن

289. چند باب مغازه، چند سال پیش وقف مسجدی شده است، آیا اکنون می توان وقف را برگرداند؟

جواب: وقف قابل برگرداندن نیست.

290. اولا: حدود 20 سال قبل شخصی اقدام به وقف زمین جهت حسینیه نموده است، و اهالی هم اقدام به ساخت حسینیه و برپائی مجالس عزاداری می نمایند. حال بعد از وقف و خواندن صیغه و تصرف وقف واقف می گوید من راضی نیستم و ابراز پشیمانی می کند. آیا شخصی که با آگاهی، صحت وسلامت و بدون اکراه ملکی را وقف می کند، مجددا می تواند پس بگیرد و ابراز نارضایتی کند؟
ثانیا: آیا می شود در این حسینیه مجلس عزاداری، نماز جماعت و سایر مراسم های مذهبی برگزار کرد؟

جواب: اولا: نمی تواند پس بگیرد و نارضایتی بعدی اثری ندارد.
ثانیا: در فرض سؤال اشکال ندارد.

291. یک قطعه زمین مسکونی و مزروعی توسط شخص مالک وقف بر حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) گردیده و در ایام عاشورا صرف سوگواری حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) می شده است. اینک پس از گذشت مدت ها اشخاصی ادعای مالکیت وارث در آن زمین می نمایند، در صورتی که پدران و گذشتگان افراد مدعی تاکنون هیچگونه ادعایی در این خصوص ننموده اند.
استدعا می شود بفرمایید تکلیف این موقوفه چیست ودعوی افراد مدعی چه صورتی دارد؟

جواب: در فرض سؤال اگر وقفیت زمین محرز باشد تملک آن جایز نیست و به هر حال اگر نزاعی در بین است رسیدگی به آن مربوط به محاکم ذیصلاح قضایی می باشد.

292. یک دانگ از شش‌دانگ هر یک از قطعات اراضی روستائی وقف حضرت سید الشهداء (ع) می باشد و مدتی بدون توجه به مسئله وقف در اختیار زارعین قرار داشته است حال آیا زارعین با توجه به گذشت زمان می توانند ادعای مالکیت داشته و اراضی فوق الذکر را با اراضی دیگری تعویض نموده و اراضی معوضه مأخوذه را به تملک شخصی خویش درآورند.

جواب: وقف ملک نمی شود و نمی توانند آن را تبدیل نمایند.

مدت بقاء وقف بر وقفیت

293. قریه با حدود معین وقف شده صیغه وقف جاری گردیده به تصرف وقف داده شده و سال ها به وقف عمل شده است. آیا می شود تحت عنوان اراضی موات یا مرتع، بخشی از آن را از وقف جدا کرد و ملی اعلام نمود یا اگر قریه وقف شده باشد هر آنچه از اراضی در محدوده قریه قرار گرفته محکوم به وقفیت است و باید کماکان به وقف عمل شود؟

جواب: هر آنچه از اراضی واقعه در محدوده قریه ی موقوفه که عنوان خاص قریه موقوفه شامل آن می شود شرعاً محکوم به وقفیت است حتی اگر بعد از عمل به وقف نسبت به آن پس از سالیانی به صورت بایر یا موات در آمده باشد باز هم از وقفیت خارج نمی شود و باید کماکان نسبت به آن وقف عمل شود و قابل جدا کردن از وقف و استملاک یا الحاق به اراضی منابع طبیعی نیست و احکام و آثار انفال و اموال عمومی بر آن مترتب نمی‌شود.

294. زمین موقوفه ای وجود دارد که دارای سه قنات است و شهرداری به علت خشکسالی مستمر چند ساله، دو عدد از قنات ها را برای تأمین آب آشامیدنی مردم منطقه اجاره کرده است و آب قنات سوم که وقف طلاب منطقه و فرزندان واقف بوده به زمین فرو رفته و خشک شده و در نتیجه زمین هایی که با آب آن آبیاری می شدند تبدیل به زمین های بایر شده اند و درحال حاضر سازمان زمین شهری ادعا می کند که این زمین ها موات هستند، آیا این زمین ها به علت اینکه چندین سال کشت و زرع نشده اند ملحق به موات هستند؟

جواب: زمین موقوفه با ترک کشت و زرع آن به مدّت چندین سال، از وقفیّت خارج نمی شود .

295. قنواتی است که از سه رشته آب تشکیل شده است و بیش از صد مالک دارد و تقریباً 1/6 آن وقف است این قنوات و اراضی تابعه آن سال های سال کشت و زرع می شده.
رشته مبدأ و مظهر این قنوات که در اثر حوادث طبیعی مدتی است که ضایع شده و مالکین نتوانسته اند بازسازی نمایند (وچون قنوات در مسیر رودخانه قرار دارد و آب آن از دو رشته دیگر استفاده می شود) و حال متولیان وقف و مالکین تصمیم به بازسازی گرفته اند، خواهشمند است ذیلاً پاسخ فرمائید: وقفیت و مالکیت و حق آنها به قوت خود باقی است یا خیر؟

جواب: با عروض خرابی موقت بر قنوات و ترک موقت کشت و بهره برداری از اراضی ملکی و وقفی وقفیت و ملکیت و سایر حقوق مشروعه زایل نمی گردد ولی اگر در اصل مالکیت یا ذیحقی اختلاف باشد باید در دادگاه رسیدگی شود.

296. زمینی بوده متروکه که از وسط آن رشته قنات خشک شده ای عبور می نموده و دو حلقه چاه قنات نیز در آن وجود داشته قبل از انقلاب به عنوان حسینیه حصاری دور آن کشیده و بعد از انقلاب با تعمیراتی که بسیج در آنجا انجام داده به عنوان پایگاه بسیج و کلاس های قرآن و احکام و صندوق قرض الحسنه شروع

به فعالیت نمود و حال با توجه به کمبود فضای آموزشی موقتاً برای تحصیل دانش آموزان آن را به آموزش و پرورش اجاره داده اند حال نظر مبارک را مرقوم فرمائید که:
1- حکم استفاده موقت به عنوان مدرسه و در اختیار پایگاه بسیج چیست؟
2- اجاره آن در کجا بایستی صرف گردد؟

جواب: زمین اگر وقف بوده اختیار آن با متولی شرعی است و اگر ملک شرعی کسی بوده اختیار آن با مالک شرعی فعلی است، و مجرد متروکه بودن در مدتی از زمان موجب خروج از وقفیت یا از ملکیت مالک نیست و اگر با اجازه مالک به قصد بنای حسینیه دور آن دیوار کشیده بودند، مجرد دیوار کشی بدین منظور کافی برای حصول وقفیت به عنوان حسینیه نیست.

297. اگر ملکی وقف بر اولاد ذکور نسلا بعد از نسلٍ شده باشد، آیا اگر موقوف علیهم به هر دلیلی از حقوق خود صرفنظر کنند، وقف زائل می شود؟ و در صورتی که موقوف علیهم موجود در طبقه قبل از حقوق خود صرفنظر کنند، طبقات بعدی چه تکلیفی دارند؟ و همچنین متولی شرعی املاک موقوفه در چنین حالتی نسبت به حقوق بطن های بعدی چه تکلیفی دارد؟

جواب: وقفیت با صرف نظر کردن موقوف علیهم از حقوق خود زائل نمی شود و صرف نظر کردن نسل قبلی از حق خود نسبت به موقوفه، تأثیری در حق نسل بعدی ندارد و وقف با آن منحل نمی شود، بلکه نسل بعدی حق دارد هنگامی که نوبت استفاده آنها از وقف رسید، همه حق خود را مطالبه کند، بلکه اگر در زمان نسل قبل مجوّز شرعی فروش وقف وجود داشته باشد، واجب است بعد از فروش وقف ملک دیگری با پول آن به جای عین موقوفه، جهت استفاده نسل های بعدی از آن خریداری شود و بر متولی وقف هم اداره و حفظ آن برای همه طبقات موقوف علیهم واجب است.

298. املاکی توسط واقف وقف خاص بر اولاد گردیده که در رژیم ستم شاهی این موقوفه مشمول اصلاحات ارضی شده و بین زارعین تقسیم شده است و هیچ یک از زارعین تاکنون قیمت اراضی متصرفی خود را نیز پرداخت نکرده است. به هر حال اراضی مذکور در اختیار زارعین می باشد و تاکنون از پرداخت حق مالکانه خودداری کرده اند.
با توجه به اینکه قانون اصلاحات ارضی بدون توجه به قوانین شرع و وقف تصویب و اجرا شده است در صورت امکان اعلام فرمائید، که آیا اسناد موقوفات خاص که مشمول اصلاحات ارضی شده اند و رعایت مقررات شرعی در تبدیل آنها نشده است باید ابطال شوند یا خیر؟

جواب: اراضی موقوفه مشمول قانون اصلاحات ارضی نیست و در جمهوری اسلامی اسناد مالکیت اراضی موقوفه و تعمیم قانون اصلاحات ارضی نسبت به اراضی موقوفه لغو شده است جهت تعیین تکلیف موارد اختلاف به دادگاه صالح یا ادارات مربوطه مراجعه نمائید.

299. از دیرباز افراد خیر و نیک اندیش قسمتی از اموال خود را وقف (عام و خاص) می نمودند و این روند همچنان ادامه داشت تا زمان اصلاحات ارضی که موقوفات را اعم از عام و خاص از ید متولیان و ادارات اوقاف و امور خیریه خارج و بدون در نظر گرفتن شرایط موقوفات به زارعین صاحب نسق واگذار گردید.
با توجه به موارد فوق الذکر مورد استفتاء از محضر مبارک این است که:
آیا زارعین می توانند به اسناد اصلاحات ارضی استناد کرده و مال موقوفه را اعم از عام و خاص در تصرف مالکانه خود داشته باشند؟
آیا در این خصوص فرقی بین وقف عام و خاص وجود دارد یا خیر؟
آیا کسی می تواند با توجه به سند اصلاحات ارضی خود را مالک دانسته و مجدداً موقوفه را وقف (عام و خاص) نموده و متولی تعیین نماید؟

جواب: زمین وقف، به تملک در نمی آید و فرقی میان وقف عام و وقف خاص نیست و امر زمین های اصلاحات ارضی تابع قانون مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی است.

300. در این محل مساجد و حسینیه ها و تکایایی به وسیله شیعیان و جماعت اهل سنت احداث و سال های سال است، مسلمین در آن محل ها به ادای فرائض دینی و اقامه عزاداری و سایر مراسم مذهبی مشغولند. دولت با تصویب یک مصوبه اراضی بلامعارض شهر را به شعاع 10 کیلومتر جهت تأمین هزینه و اداره امور شهری شهرداری تملک نمود تا شهرداری با فروش اراضی بلا معارض امکانات اداره شهر را تأمین نماید نظر به اینکه اکثر مساجد و حسینیه ها به علل گوناگون نتوانسته اند عرصه و اعیان آنها را به ثبت برسانند در وضع فعلی در جهت به ثبت رساندن عرصه و اعیان مساجد شهرداری ادعای مالکیت عرصه مساجد و حسینیه ها را می نماید از محضر مبارک استدعا می نماید اعلام نظر فرمایند مساجدی که سال ها در آن ادای فرائض می شود و عمل به وقف چندین ساله دارد ادعای شهرداری به استناد تصویب نامه فوق که ناظر به اراضی بلامانع است وجه شرعی دارد یا خیر؟ و آیا عرصه و اعیان مساجد و حسینیه ها موقوفه و مشمول مقررات وقف می باشد یا خیر؟

جواب: عرصه و اعیان مساجد و حسینیه ها ملک نیست و موقوفه مشمول مقررات وقف می باشد.

301. در رژیم طاغوت در جریان اصلاحات ارضی موقوفات را اعم از عام و خاص از ید متولیان و ادارات اوقاف و امور خیریه خارج و بدون در نظر گرفتن شرایط موقوفات به زارعین صاحب نسق واگذار گردید؟
با توجه به موارد فوق الذکر مورد استفتاء از محضر مبارک این است که:
آیا کسی می تواند با توجه به سند اصلاحات ارضی خود را مالک دانسته و مجدداً موقوفات را وقف نموده و متولی تعیین نماید؟

جواب: حکم کلی مسئله روشن است که موقوفات باید در جهت وقف و زیر نظر متولی شرعی مصرف شود و تغییر و تبدیل آن و وقف مجددش جائز و صحیح نیست ولی مسائل نزاعی باید در دادگاه حل شود.

302. دهات و مزارع موقوفه خاص براساس قوانین و مقررات اصلاحات ارضی به زارعین صاحب نسق واگذار گردیده و در نتیجه نحوه پیاده کردن و شیوه کاربرد نظر واقف کاملاً تغییر داده شده و اصولاً عمل به وقف نیز منتفی گردیده عواید وقف باقی نمانده و متولی نیز ممنوع المداخله شده بدین ترتیب تقاضا می شود نظریه شرعی حضرتعالی را در رابطه ماده واحده قانون ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه مصوب 28/1/63 که مقرر می دارد از تصویب این قانون کلیه موقوفاتی که بدون مجوز شرعی به فروش رسیده یا به صورتی به مالکیت درآمده باشد به وقفیت خود بر می گردد و اسناد مالکیت صادر شده باطل و از

درجه اعتبار ساقط است و اینکه برخی ادارات ثبت سال هاست از تاریخ تصویب قانون مزبور اقدام به ابطال اسناد صادره نمی نمایند و ضرر و زیان بسیاری به منافع موقوفه وارد می شود اعلام فرمایند.

جواب: وقف قابل تبدیل و تغییر و واگذاری و خرید و فروش نیست و امور ذکر شده موجب خروج وقف از وقفیت نمی شود و صادر کردن سند مالکیت برای زمین موقوفه جایز نیست و اعتبار ندارد و هر مقدار از اجرت و منافع وقف مطابق نظر واقف صرف نشده ضامن هستند و باید بپردازند و هرگونه تصرف در وقف باید زیر نظر متولی شرعی و صلاح وقف باشد و در غیر اینصورت حکم غصب را دارد.

1- اجاره وقف منفعت

اجاره وقف منفعت

303. قسمتی از اراضی محل که به جهت مصارف خاصی قبلاً وقف گردیده، اخیراً یک نفر بانی خیر پیدا شده است که به لحاظ نیاز و ضرورت و اهمیت موضوع، حاضر گردیده با پرداخت قیمت مناسب اراضی مذکور را تصرف، و جهت ساخت کتابخانه و تأسیسات فرهنگی، به شدت مورد نیاز این محل می باشد وقف نماید. مستدعی است اجازه امر را صادر فرمایند.

جواب: اراضی مذکوره در همان جهتی که از اول وقف شده باید مورد استفاده قرار گیرد و انتفاع از آنها در غیر جهت وقف جایز نیست ولی طبق مصلحت وقف و نظر متولی، اجاره دادن زمین هایی که وقف منفعت باشد و نه وقف انتفاع و صرف عواید آن در جهت وقف، مانعی ندارد، ولی لازم است به گونه ای باشد که وقف بودن زمین ها برای کتابخانه فراموش نشود و در هر صورت وقف مجدد صحیح نبوده و باطل است.

304. مدت سیصد سال است که موقوفه ای وقف خاص نامیده شده و به وسیله متولی اداره و زراعت می شده است و مرتزقین حق الارتزاق خود را از محصولات کشاورزی دریافت می داشتند. با توجه به مفاد وقفنامه آیا جایز است که موقوفه مذکور از صورت وقف خاص بیرون آورده شود و از طریق مزایده به اجاره داده شود؟

جواب: الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها عوائد وقف باید زیر نظر متولی شرعی در جهت وقف صرف شود و موضوع نیاز به رسیدگی دارد و موکول است به مسئولین محترم ذیربط.

305. مسجدی از قدیم در محل احداث و مورد بهره بردای قرار گرفته است اخیرا با گسترش ساختمان احتیاج به راه ورودی بزرگ تری جهت رفت و آمد نمازگزاران می باشد که در مجاورت مسجد مذکور زمین موقوفه ای قرار دارد که شهرداری محل اعلام نموده است در صورت بلامانع بودن مسئله شرعی حاضر است زمین مذکور را از متولی آن و هماهنگی اداره اوقاف اجاره و مقداری از آن را جهت راه عبور و مرور به مسجد واگذار نماید لذا با عنایت به مراتب فوق خواهشمند است نظر مبارک جنابعالی در مورد اجاره زمین توسط شهرداری و اختصاص آن به مسجد اعلام فرمائید.

جواب: اگر وقف زمین از قبیل وقف منفعت باشد نه وقف انتفاع متولی شرعی آن می تواند در صورتی که به مصلحت و نفع وقف بداند آن را اجاره دهد و اجاره آن را در جهت وقف مصرف نماید.

اجاره موقوفه یا عوائد آن

306. زمینی است که بعنوان ملک مسجد وقف شده به این صورت که افرادی آن را واگذار به مسجد کرده اند و یا با پولی که تهیه شده زمین تهیه شده جهت مصرف خود آن مسجد و تا به حال حتی دو رکعت نماز در آن خوانده نشده. و آیا جایز است که در این زمین سالن ساخته شود که در آینده به صورت کتابخانه مسجد از آن استفاده شود که این سالن وصل به مسجد شود ولی قبل از آنکه به صورت کتابخانه درآید به اجاره داده شود و اجاره بهای آن در مصرف مسجد به کار رود؟

جواب: اگر زمین را خریده یا وقف کرده اند که منافع آن برای مسجد باشد اجاره آن زیر نظر متولی و صرف درآمدش برای مسجد مانع ندارد.

307. خانه ای در کنار مسجدی قرار دارد که جهت امام جماعت مسجد وقف شده است، اکنون امام محترم جماعت مسجد به منزل شخصی خویش منتقل شده اند.
سؤال اول: آیا امام جماعت مسجد می توانند این منزل را اجاره داده و مال الاجاره را شخصاً تملک نمایند؟ و یا باید مال الاجاره صرف مخارج مسجد شود؟
سؤال دوم: اگر این خانه به دلیل ضرورت توسعه فعالیتهای فرهنگی مسجد، تشکیل کلاسهای فرهنگی مانند کلاس قرآن، و احکام و جلسات فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد آیا باید باز به امام جماعت مسجد اجاره پرداخت نمایند؟

جواب: اگر خانه وقف امام جماعت مسجد شده و برای خصوص سکونت او وقف نیست امام جماعت می تواند آن را اجاره دهد و از مال الاجاره آن استفاده کند.

308. طبق وقفنامه یک باب منزل جنب مسجد جهت استفاده مؤذن و امام جماعت وقف گردیده، آیا پایگاه مقاومت بسیج می تواند نسبت به هزینه درآمد منزل جهت مسجد اقدام نماید؟ و یا می توان درآمد حاصله را صرف موارد عمرانی، فرهنگی، نظامی در مسجد یا کانون و پایگاه مقاومت مستقر در مسجد نمود؟ هم اکنون هیأت امناء (بدون رضایت متولی شرعی) اقدام به برداشت درآمد منزل و صرف آن در ساخت و ساز یک واحد آپارتمانی چند طبقه مسکونی جدید و مجزا که آن هم قرار است وقف مسجد باشد می نمایند. این مورد با توجه به وقف نامه از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟ آیا می توانند از درآمد آن منزل صرف ساخت و ساز منزل جدید کنند؟

جواب: اگروقف انتفاع باشد،یعنی برای سکونت امام جماعت وموذن باشد،اجاره آن جایز نیست، و اگر وقف منقعت باشدعواید آن باید زیر نظر متولی در موارد تعیین شده ازسوی واقف هزینه شود.

309. زمین موقوفه ای است که منافع آن برای عزاداری امام حسین (ع) الی الابد وقف شده، با توجه به اینکه محلی برای اقامه نماز و دیگر شعائر اسلامی در نزدیکی محل وجود ندارد واگذاری قطعه ای از این زمین از سوی اوقاف به عنوان حسینیه جهت اقامه نماز و شعائر چه صورتی دارد؟ و اگر اجاره سالیانه این زمین پرداخت نشود نماز خواندن و اقامه شعائر چه حکمی دارد؟

جواب: تغییر وقف و حسینیه قراردادن قسمتی از زمین موقوفه مذکور جائز نیست ولی اگر به شکلی اجاره شود که وقفکاملاً محفوظ باشد و مال الاجاره هر سال

طبق وقف زیر نظر متولی شرعی به مصرف برسد جائز و بلا اشکال است .

310. محل یخچال قدیمی که منافع اجاری آن وقف روضه خوانی و اطعام و خرج ازدواج اشخاص بی بضاعت می باشد مدتی است از حیز انتفاع افتاده آیا می توان محل مذکور را جهت ساختمان حسینیه به اجاره طویل المدت در اختیار کسی قرار داد و در اجاره نامه موضوع وقف را قید کرد.

جواب: در فرض مذکور با رعایت مصلحت وقف و زیر نظر متولی شرعی مانع ندارد و باید مال الاجاره کماکان طبق وقف مصرف شود.

311. قطعه زمینی در روستا وقف روضه خوانی حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) گردیده اما چند سالی است به صورت راه درآمده و بلا استفاده مانده (چون تمام زمین های اطراف آن مسکونی شده و راه آب آن تغییر یافته) و امکان زراعت در آن وجود ندارد.
از محضر حضرتعالی درخواست می شود اجازه فرمائید این قطع زمین جهت ساختن ساختمان مخابرات مورد استفاده قرار گیرد، ضمناً متولی این زمین در قید حیات است.

جواب: می‌توانند زمین رابرای ساختمان از متولی شرعی اجاره کنند با مراعات مصلحت و مال الاجاره زیر نظر متولی صرف در عزاداری آن حضرت شود.

312. قطعه زمینی از طرف جد ما وقف سیدالشهداء (ع) شده است که نیت بر این بوده است که مقدار 30 کیلو گندم حاصله از این زمین در ایام محرم صرف عزاداری ابا عبدالله الحسین (ع) شود. اما این زمین فعلاً در وسط روستا قرار گرفته است و هیچگونه استفاده ای از آن نمی شود با توجه به اینکه زمین موقوفه در وسط محل واقع شده است،مردم روستا به خاطر عبور و مرور می خواهند مسیر جاده را اجاره کنند و سالانه مقدار موقوفه را پرداخت نمایند.

جواب: بستگی به چگونگی وقف دارد اگر به طور کلی وقف سید الشهداء علیه السلام نموده باشد، اجاره دادن آن و صرف وجوه در مسیر وقف مانع ندارد.

313. 1ـ شخصی ملکی را وقف کرده که از عایدات آن صرف حرم مطهر گردد متولی وقت این ملک را در اختیار یکی از مراکز فرهنگی قرار داده است که در ملک مسجدی نیز از کمکهای مختلف ساخته شده است. آیا مسئولین امر می توانند این قسمت را به عنوان مسجد وقف نمایند یا خیر و چنانچه راهی برای وقف مسجد نیست آیا لازم است ما معامله مسجد با این مکان در احکام شرعی داشته باشیم یا خیر؟
2ـ زمینی را سازمان های دولتی واگذار کرده اند جهت ساخت مستغلات برای دانشگاه در این زمین ساختمانی به عنوان مسجد نیز از محل کمکهای دولت و مردم ساخته شده است اکنون سؤال این است که آیا این بنا حکم مسجد دارد یا خیر؟

جواب: 1. زمین موقوفه قابل وقف مجدد نیست ولی اجاره دادن بلند مدت آن توسط متولی شرعی برای ساختن مسجد اشکال ندارد و مبلغ اجاره باید در جهتی که برای وقف معین شده مصرف شود.
2. در صورتی که مسئولین صاحب اختیار اجازه ساختن آن را به عنوان مسجد بدهند و یک نفر هم نماز بخواند حکم مسجد را دارد.

314. زمینی به مساحت 500 مترمربع توسط دو نفر خیرجهت ساختن مسجد تقدیم و وقف نموده اند در صورتی که زمین وقف آستان قدس رضوی (ع) می باشد، آیا اولا : زمین وقف را دو مرتبه وقف مسجد می توان کرد یا خیر؟
ثانیاً: در پشت بام این مسجد می توان منازلی برای زائرین محترم ساخت و یا برای امام جماعت احداث کرد یا خیر؟
ثالثاً : این مسجد نماز خانه است یا حکم مسجد را دارا می باشد؟

جواب: وقف قابل وقف مجدد نیست لیکن اجاره زمین موقوفه به مدت معتنابه برای ساخت مسجد اشکال ندارد و در این صورت بنای احداثی مسجد در زمین موقوفه احکام و آثار مسجد را دارد و پس از احداث مسجد مجاز نیستند در پشت بام آن ساختمان جدیدی برای هر منظور دیگر احداث نمایند لیکن مانعی ندارد زمین موقوفه را برای احداث مسجد و ساختمان مسکونی فوقانی و یا برای منافع دیگر اجاره دهند و در ابتدای امر، احداث بناها بدین منظور یعنی یک طبقه مسجد و یک طبقه مسکونی و یا تجاری احداث شود در این صورت اشکال ندارد.

315. ملکی مزروعی را شخصی وقف نموده که درآمد آن را به مصرف مجالس تعزیه داری حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) برسانند چون متولی درستی نداشته از میان همین زمین ذکر شده جوی برای راه آب بیرون کرده اند، حالیه یک نفر از ورثه مرحوم واقف که خود را مسئول می داند می خواهد زمین را به حال اول برگرداند مخالفت می کنند حکم آن را مرقوم فرمائید که مورد نیاز است.

جواب: احداث جوی آب و راه عبور آب در زمین موقوفه موقوف به اجازه متولی شرعی موقوفه و تنظیم قرارداد اجاره با متولی شرعی در این باره است، و بدون اذن و اجازه متولی موقوفه در حکم غصب و موجب ضمان است .

2- اجاره وقف انتفاع

اجاره خانه وقفی امام جماعت مسجد

316. در نزدیکی یک مسجد خانه ای وجود دارد که صاحبش آن را برای سکونت امام جماعت مسجد وقف کرده است، ولی در حال حاضر به علت کثرت عائله و مراجعه کنندگان و دلائل دیگر مناسب سکونت او نیست و خود امام جماعت هم منزلی دارد که در آن زندگی می کند و احتیاج به تعمیرات دارد و برای ساخت آن مقداری وام گرفته است، آیا جایز است خانه موقوفه را اجاره دهد و پول اجاره آن را برای پرداخت بدهی های خانه ای که در آن ساکن است و انجام تعمیرات آن، مصرف نماید؟

جواب: اگر خانه به صورت وقف انتفاع، برای سکونت امام جماعت مسجد وقف شده باشد، شرعا او حق اجاره دادن آن را ندارد هر چند به قصد استفاده از اجاره آن برای پرداخت دیون و تعمیر منزل مسکونی اش باشد و اگر آن خانه بخاطر کوچکی، نیاز او را برای سکونت خانواده اش و آمدن مهمان و پاسخگویی به مراجعه کنندگان برطرف نمی کند، می تواند از آن در بعضی از ساعات روز یا شب مثلا برای پاسخگویی به مراجعه کنندگان استفاده کند و یا آنکه خانه مزبور را به امام جماعت دیگری بدهد تا در آن سکونت کند .

317. منزلی است وقفی که وقف آن متعلق به مسجد می باشد و شرط وقف منزل اینکه هر آقای روحانی که امام جماعت مسجد می باشد در آنجا سکونت نماید، چند سال پیش مسجد مورد استفاده بود و امام جماعت آن در منزل مذکور سکونت داشت اما مدتی است مسجد مذکور خراب شده و در دست ساختمان جدید است که نیاز شدیدی به مخارج دارد از طرفی امام جماعت مسجد الان در آنجا نیست اما منزل مذکور را در تصرف دارد و یک شخص غیر روحانی از منسوبین خود را در آنجا ساکن کرده است.
حال که مسجد در حال نوسازی است اگر منزل مذکور از طرف هیئت امناء مسجد اجاره داده شود و برای مسجد خرج گردد مسجد از چند جهت از غربت پول خارج می شود.
استدعا می شود نظر حضرتعالی را پیرامون مسئله بیان فرمائید.
آیا جائز است تصرف شخص مذکور و ساکن بودن یک شخص غیر روحانی در منزل مذکور؟
وظیفه هیئت امناء چیست، آیا لازم است منزل را برای مسجد اجاره دهند یا خیر؟

جواب: سؤال اول صور مختلفی دارد، اگر در وقف اختیار منزل به امام جماعت سپرده شده باشد تصرفات وی صحیح است.
در صورتی که منزل وقف برای سکونت امام مسجد شده و یا در صیغه وقف، اختیار تصرفات آن به او سپرده شده باشد اجاره آن به وسیله دیگران بر خلاف وقف است و جائز نیست.

اجاره غسال‌خانه و وضوخانه

318. وضو خانه ای که خراب شده و مربوط به مسجد است که شخصی در رژیم گذشته وضوخانه را از اداره اوقاف اجاره کرده است در این مورد چند سؤال مطرح است.
آیا این نوع اجاره که ملک وقف بر عموم است چه در آن زمان و چه در این زمان صحیح است یا خیر؟

جواب: در موارد وقف انتفاع مثل مورد سؤال اجاره صحیح نیست.

319. غسال‌خانه ای است که مربوط و متصل به گورستان که وقف برخود اهالی آنجاست مدتی است که از طرف بهشت زهرا بسته شده آیا می شود این مکان را تبدیل به کتاب‌فروشی و نوارخانه و یا پایگاه بسیج قرار داد و اجاره آن را صرف در خود همان گورستان نمایند رأی مبارک چیست و آیا اجازه می فرمائید یا خیر؟

جواب: غسال‌خانه وقفی قابل اجاره دادن و تغییر و تبدیل نیست.

اجاره مسجد، حسینیه، مدرسه علمیه

320. آیا اداره اوقاف می تواند مسجد یا حسینیه یا مدرسه علمیه را به کسی اجاره دهد یا خیر؟

جواب: گذشت که در مواردی که وقف انتفاع است مثل مذکورات در سؤال اجاره صحیح نیست.

321. آیا آنهائی که اطلاع دارند ملک وقف بر عموم است مثل مسجد می توانند تقاضای اجاره کنند از اداره اوقاف یا خیر؟

جواب: اجاره دادن مسجد صحیح نیست.

322. آیا اداره اوقاف وقتی متوجه شد که مسئولین قبلی کار خلافی انجام داده اند مثل اینکه مسجد یا حسینیه را به کسی اجاره داده اند واجب است از آنها پس گرفته شود یا خیر؟

جواب: باید به حال اول برگردانند.

اجاره قبرستان

323. زمین قبرستانی سال های سال چراگاه گاو و گوسفند بوده و فعلا دور قبرستان دیوار یا نرده کشیده شده و علف های زیادی در زمین روئیده می شود، اگر

به همان حال بماند آرامگاه مخروبه می شود، آیا مصلحت است زمین را به دامداران به مدت کوتاه اجاره داد و مبلغ اجاره را صرف آبادی همان آرامگاه و مخارج ساختمان معصوم زاده که در همان جا واقع می باشد و نیاز مبرم به تعمیر دارد، بشود اشکال دارد یا خیر؟

جواب: اجاره قبرستان صحیح نیست، بلی متولی شرعی می تواند علف ها را بفروشد و پول آن را صرف در آبادی قبرستان نماید.

324. شخصی زمینی را صد سال قبل برای دفن اموات مسلمین وقف نموده و دفن اموات صورت گرفته ولی در زمان رژیم منحوس پهلوی قسمتی از آن زمین را شهرداری و قسمتی دیگر را شهربانی وقت تصاحب نموده است در قسمت دوم نیروی انتظامی با توجه به تصرف شهربانی سابق به تازگی اقدام به ساخت و ساز می نماید و خود معترف به وقفیت زمین می باشد لذا بیان فرمائید آیا می شود با شهرداری و نیروی انتظامی قرارداد اجاره منعقد و وجه الاجاره را صرف مایحتاج قبرستان نمود یا خیر؟

جواب: در فرض مرقوم، انعقاد اجاره صحیح نیست.

اجاره کاروان‌سرا

325. ساختمانی موسوم به رباط که در حدود 120 سال قبل جهت استراحت قوافل در حال عبور و مرور ساخته شده است، و در حال حاضر با خصوصیات ذیل می باشد.
1ـ در حال خراب شدن است و احتمال خطر جانی نیز بسیار قوی است.
2ـ بعد از تحقیق و تفحص وقفنامه خاصی و متولی برای ساختمان پیدا نشده است.
3ـ عبور و مرور قوافل به طور کلی از این مسیر انجام نمی گیرد.
4ـ این روستا از مناطق محروم درجه سوم مملکت اسلامی می باشد.
سؤال) اولاً: آیا فروختن و اجاره دادن این ساختمان و صرف پول آن در کارهای عام المنفعه جائز است یا نه؟
ثانیاً: علی فرض عدم صحت فروختن و یا اجاره دادن، آیا استفاده از آن در امور عام المنفعه مثل مدرسه ابتدائی، راهنمائی، دبیرستان، خانه بهداشت، ساختمان مخابرات و غیره جائز است یا نه؟
ثالثاً: علی فرض جواز استفاده روستائی که ساختمان در آن واقع شده است کافی است و یا اینکه باید حد الامکان روستاهای همجوار نیز از آن بهره مند شوند؟

جواب: فروش و اجاره آن جائز نیست ولی چنانچه استفاده از آن در جهت وقف به طور کلی ممکن نباشد استفاده از آن در مصالح عامه مانع ندارد ولی این کار باید به وسیله مسئولین دولتی یا شورای اسلامی انجام گیرد.

3- حق تملک اعیان (پذیره)

فروش حق تملک اعیان توسط مستأجر

326. به عرض حضرتعالی می رساند اینجانب در سال 1370 یک قطعه زمین جهت احداث منزل مسکونی از اداره اوقاف اجاره نموده ام به علت بی بضاعتی نتوانستم سرپناهی بسازم و نتیجتاً قصد فروش زمین فوق را نموده ام و به همین علت بارها با چندین روحانی مشورت نموده ام که بنده قصد دارم قطعه زمین استیجاری را به هر شکلی که ازنظر شرعی مشکلی نداشته باشم به شخص دیگری بفروشم در این خصوص پاسخ های متفاوت و مختلفی را اظهار داشته اند و بنده حقیر نیز از پاسخ های داده شده نتیجه گرفته ام که مشکل خاصی شاید نداشته باشد بالاخره زمین فوق را با یک جزئی عملیات ساختمانی به شخص ثالثی فروختم. در حال حاضر نیز این عملی که انجام داده ام و به دلیل پاسخ های مختلفی که شنیده ام مشکوک هستم لذا عاجزانه از شما مقام معظم رهبری و مرجع جهان تشیع تقاضا دارم در صورت صلاحدید حقیر را مشخصاً با خط مبارک که خود در ذیل همین نامه عنایت و راهنمائی فرمائید که آیا این عمل از نظر شرعی اشکال دارد یا خیر، چنانچه اگر عذر شرعی دارد محبت فرماییدکه چکار کنم تا عذر بنده برطرف شود.

جواب: زمین موقوفه قابل استملاک و خرید و فروش نیست، اگر آن را با پرداخت پذیره اجاره نمودید واگذاری آن به دیگری تابع چگونگی قرارداد و موافقت متولی شرعی موقوفه با مراعات جهت و مصلحت وقف است.

استفاده از مال موقوفه درغیر جهت وقف

327. در شهرستان... رقبه ای وجود دارد که عواید آن قسمتی صرف مخارج تعزیه داری و باقیمانده بین ارحام موصی تقسیم می گردد، در وصیت نامه مذکور فروش ثلث و اجاره بیش از 3 سال آن منع شده است و همچنین قید گردیده که اوصیا حق ندارند اراضی موقوفه را به کسی اجاره دهند که در آن احداث بنا نمایند.
با توجه به اینکه مورد بحث در حال حاضر کلاً در داخل شهر و در منطقه خدمات شهری و مسکونی قرار گرفته است و استفاده از آن جز با احداث بناهای مسکونی و تجاری و اداری و غیره ممکن نیست و از طرف دیگر در بخشی از آن اراضی سازمان ها و مؤسسات با بودجه دولتی اقدام به احداث بناهای اداری نموده اند و بانک ها نیز به علت شرائط مندرج در وصیتنامه از اعطای وام و خدمات لازم به مستأجرین خودداری می نمایند و این وضع باعث رکود آبادانی و پیشرفت شهر و موقوفه شده است و چنانچه نظر موصی در مورد عدم اعطای حق تملک اعیان در اراضی که داخل شهر قرار گرفته مراعات شود موقوفه غیر قابل استفاده و بدون درآمد باقی خواهد ماند که در این صورت امکان انجام نیات موصی نیز میسر نخواهد شد و از طرفی مشکلات بسیار زیادی برای ساکنین و مقامات دولتی و مؤسسات به وجود خواهد آمد، لذا مستدعی است با عنایت به مشکلات ایجاد شده موافقت فرمایند به منظور رفع محذورات یاد شده این قسمت از نظر موصی در ایجاد اراضی موقوفه رعایت نشود و حق تملک اعیان به افراد و مؤسسات متقاضی داده شود تا ضمن احیای موقوفه افراد نیز تشویق به اجاره راضی بشوند.

جواب: موقوفه را نمی توانند به افراد یا مؤسسات تملیک کنند و آنها نمی توانند تملک کنند و مالک نمی شوند، بلی اگر استفاده از وقف در جهت وقف ممکن نباشد مگر به احداث بناء یا اجاره بیش از سه سال می توانند آن را برای احداث بناء یا بیش از سه سال اجاره دهند و به وقف عمل کنند، ولی باید با نظر متولی شرعی باشد.

تجدید بنا در مال موقوفه

328. اینجانب قصد دارم موقوفه ای را از متصدیان شرعی و قانونی آن با حق تملک اعیان اجاره نموده و بر روی عرصه مذکور بنا احداث نمایم و اعیان مذکور را به همراه کلیه حقوق خود از زمین را وقف ابدی نمایم گفته می شود با توجه به اینکه مدت اجاره قاعدتاً محدود است (نمی تواند نامحدود باشد) گرچه در سند قید می شود متولی بعدی به کرات باید با متولی زمین موقوفه سند اجاره تنظیم نماید و وقف اعیان ابدی است، شرعاً وقف ابدی اعیان بر روی عرصه اجاره ای امکان ندارد. استدعا دارد بیان فرمائید.
این وقف صحیح است یا خیر؟
اگر صحیح نیست چه راه حل شرعی در این زمینه پیشنهاد می فرمائید؟

جواب: اگر متولی شرعی زمین موقوفه با مراعات مصلحت وقف نسبت به احداث ساختمان و وقف آن، اجازه دهد مستأجر زمین موقوفه می تواند اعیانی را وقف نماید ولی پس از انهدام ساختمان تجدید بنا متوقف بر اذن متولی شرعی است.

329. تعدادی از موقوفات این منطقه درگذشته توسط واقفین و متولیان وقف اجاره داده شده مستأجرین در عرصه موقوفاتی که کلاً وقف است به صورت نصف (نصف درختان ومحصول آنها متعلق به وقف و نصف دیگر متعلق به مستأجر) درختکاری شود و در بعضی دیگر از موقوفات نیز اجازه احداث ساختمان به نفع مستأجر تجویز و احداث بنا شده است، در حال حاضر به علت گذشت زمان اکثر درختان مثمر قبلی خشک و از بین رفته و یا تعداد قلیلی درخت غیر مثمر باقی مانده و ساختمان مستحدثه نیز فرسوده و از حیز انتفاع ساقط شده است. نظر بر اینکه با وجود ادعای صاحبان اعیانی تصمیم مستقل جهت اخذ اجاره واقعی عادله عرصه وقف به متولیان و اداره اوقاف مقدور نمی شود استدعا می شود ذیلاً مرقوم فرمایند.
آیا مدعیان اعیانی و یا وراث آنها می توانند بدون اجازه مجدد متولیان و اداره اوقاف مجدداً ساختمان مخروبه را بازسازی و به جای درختان خشکیده ریشه های جدید ریشه گذاری کنند یا خیر؟ و اصولاً در این قبیل موارد عمر قانونی و شرعی اعیانی مستحدثه به چه مدتی می تواند محدود باشد؟
تکلیف متولیان و اداره اوقاف جهت افزایش درآمد عرصه این قبیل موقوفات که وجود چند اصله درخت غیر مثمر باعث تقلیل درآمد واقعی عرصه وقف و تعطیل نیت واقفین خیر می شود چیست؟

جواب: قرارداد فی‌مابین متولی و مستأجرین موقوفه در فرض مرقوم در حکم مغارسه باطل است و درختان ملک صاحب نهال است، بلی با فرض اینکه مستأجرین با اجازه متولی شرعی موقوفه احداث ساختمان نمودند و صلاح وقف بوده ملک مستأجرین است و هرگونه تصرف مجدد در موقوفه باید زیر نظر

متولی شرعی موقوفه و صلاح وقف باشد و متولیان موقوفه موظف هستند مطابق وقف‌نامه و نظر واقف عمل کنند.

4- سرقفلی

خرید و فروش سرقفلی ملک موقوفه

330. آیا فروش سرقفلی مغازه ای که در زمین صحن مسجد ساخته شده جایز است؟

جواب: در صورتی که ایجاد مغازه در صحن مسجد، شرعا، مجاز بوده، فروش سرقفلی آن با رعایت مصلحت و نفع وقف، بااذن متولی شرعی مانعی ندارد و در غیر این صورت واجب است ساختمان مغازه خراب شود و زمین آن به همان صورت اوّل به حیاط مسجد اضافه شود .

331. اینجانب در سال گذشته اقدام به خرید سرقفلی یک باب مغازه به صورت قولنامه نموده ام و پس از خرید متوجه شدم که ملک این مغازه وقف حضرت صاحب الأمر (عج) می باشد. با توجه به اینکه اینجانب از مقلدین حضرتعالی هستم لذا خواهشمندم به دو سؤال بنده جواب فرمائید. اولاً پولی که بنده به عنوان سرقفلی به شخصی که سرقفلی این مغازه را داشته پرداخت نموده ام آیا بنده را محق این سرقفلی می نماید؟
دوماً درآمدی که از این مغازه عاید بنده می شود چه صورت فقهی دارد؟

جواب: اگر با نظر متولی شرعی با مراعات جهت وقف عمل شود هم سرقفلی و هم عوائد آن اشکال ندارد.

332. مغازه ای که وقف و متعلق به مسجد است آیا فروختن آن به عنوان سرقفلی بدون اجازه حاکم شرع و یا متولی جایز است یا خیر؟ و در صورت عدم جواز اگر شخصی آن را اجاره کند حق تصرف و یا اجاره دادن مغازه به دیگران دارد یا خیر؟ و دیگر اینکه خریدار برای واگذاری مغازه به مسجد شرعاً می تواند مبلغی زیادتر از آنچه که بابت خرید مغازه داده است درخواست نماید خواهشمند است نظر خودتان را که همان نظر شرع است بفرمائید.

جواب: اجاره مغازه وقفی بدون نظر متولی شرعی و با نبود متولی خاص نظر حاکم شرع صحیح نیست. و هرگونه تصرف در آن موقوف است به اذن او با مراعات جهت و مصلحت وقف، بلی اگر از طرف متولی سرقفلی و حق واگذاری مغازه به کسی داده شده باشد می تواند آن را به دیگری واگذار نماید.

333. شخصی چندین سال قبل مغازه ای را قبل از تکمیل ساختمان آن اجاره نمود و پول سرقفلی آن را در همان زمان پرداخت کرد و سپس با اجازه مالک، آن را با پول اجاره همان مغازه تکمیل نمود و در طول مدّت اجاره، نصف ساختمان را با سند رسمی از مالک خرید و در حال حاضر شخص دیگری مدّعی است که ساختمان مزبور وقف است و نائب تولیت هم ادّعا می کند که باید سرقفلی آن دوباره پرداخت شود، حکم این مسئله چیست؟

جواب: اگر وقف بودن زمین آن ساختمان، ثابت شود و یا مستأجر به آن اعتراف نماید، در این صورت هیچیک از امتیازاتی که از مدّعی مالکیت زمین ساختمان موقوفه گرفته است اعتباری ندارد، بلکه باید برای ادامه تصرّف در ساختمان مذکور قرارداد جدیدی با متولی شرعی وقف منعقد نماید، و پول خود را می تواند از کسی که ادّعای مالکیّت داشته، پس بگیرد .

334. اصولاً پرداختن و گرفتن چنین وجهی توسط موجر و مستأجر از موقوفه مشروع می باشد؟ و اضافه می نماید مستأجرین وجهی را به عنوان سرقفلی به موقوفه پرداخت ننموده اند و در آن زمان اساساً گرفتن سرقفلی مرسوم نبوده است.

جواب: در فرض مرقوم مستأجر حق مطالبه سرقفلی ندارد و در وقف باید نظر متولی شرعی و مراعات جهت و مصلحت وقف عمل شود.

335. شخصی رقبه موقوفه را به مدت سه سال از مرحوم متولی وقت به اجاره می گیرد و مبلغی را بابت حقوق موقوفه به متولی پرداخت می کند.
اکنون حدود چهار سال است که سند موصوف منقضی گردیده اینک مستأجر مدعی است که به دلیل انعقاد همان سند اجاره سابق و پرداخت وجه اولیه امروز نیز شرعاً باز مجاز در تصرف زمین می باشد و موقوفه مدعی است که به دلیل انقضاء سند اجاره و تضییع حقوق موقوفه، دیگر مستأجر سابق شرعاً مجاز به تصرف در ملک موقوفه نمی باشد، مگر در صورت پرداخت حقوق واقعی موقوفه و جلب رضایت متولی حاضر، مستدعی است در فرض موصوف جهت تعیین تکلیف شرعی طرفین حکم الله را بیان فرمائید.

جواب: در فرض مرقوم مستأجر بدون نظر متولی شرعی حقی ندارد و با مراعات مصلحت وقف متولی می تواند اجاره را تجدید کند.

فروش سر قفلی مال موقوفه

336. تعدادی مکان تجاری وقفی وجود دارد که در زمین وقفی ساخته شده اند و بدون فروش سرقفلی آنها به مستأجرین، اجاره داده شده اند، آیا جایز است مستأجرهای آنها سرقفلی مغازه ها را به دیگری بفروشند و پول آن را بگیرند؟ و بر فرض جواز آن، آیا پول سرقفلی مال مستأجر است یا آنکه از درآمدهای وقف محسوب می شود و باید در جهت وقف مصرف شود؟

جواب: اگر متولی وقف فروش سرقفلی را با رعایت مصلحت وقف اجازه دهد، مالی که در برابر آن گرفته می شود جزو درآمدهای وقف محسوب می شود و واجب است که در جهت وقف مصرف شود، ولی اگر معامله را اجازه ندهد، بیع باطل است و فروشنده باید مبلغی را که از خریدار گرفته به او برگرداند، و به هر حال مستأجری که حق سرقفلی ندارد ولی درعین حال آن را به مستأجربعدی فروخته است، حقی در آن مال ندارد .

وقف سرقفلی

337. شخص بلاوارثی در زمان حیات خود کلیه اموال منقول و غیر منقول خود را وقف بر مصارف عامه می نماید و به آن عمل شده و می شود از موارد وقف یکی سرقفلی مغازه ایشان است که مالکیت آن به دیگران تعلق دارد حالیه جهت رفع کدورت میان مالک و متولی بیان فرمایند آیا سرقفلی مغازه می تواند مورد وقف قرار گیرد یا نه؟

ضمن اینکه بهای سرقفلی توسط واقف مرحوم به مالک پرداخت شده است.

جواب: وقف سرقفلی محل اشکال است لکن نگهداری این حق و استفاده از درآمد آن در راه خیر مانعی ندارد.

حق تخفیف اجاره بها ء مال موقوفه

338. مستأجرین موقوفات به استناد اینکه سال های متمادی سابقه تصرف در رقبه های وقف را دارند اجاره ای ناچیز و کمتر از نرخ عادلانه روز به اوقاف پرداخت می کنند آیا صرف سابقه استیجار برای مستأجرین موقوفات تا چه حد ایجاد حق نموده که جزء حقوق مکتسبه محسوب گردد؟

جواب: مجرد سابقه استیجار موجب استحقاق تخفیف در اجاره بهاء موقوفه نیست، و متولی شرعی موظف است در تجدید قرارداد اجاره با ملاحظه غبطه و مصلحت وقف، اجاره بهاء عادله تعیین و مطالبه نماید.

دریافت سرقفلی بر خلاف نظر واقف

339. سه باب مغازه وقفی که مرحوم پدرم در زمان حیات خودش اجاره داده و دیناری به اسم سرقفلی از مستأجر نگرفته حال که مدت اجاره به پایان رسیده می خواهند به شخص دیگر انتقال دهند و از مستأجر جدید با موافقت اوقاف سرقفلی بگیرند و در ملک موقوفه ایجاد مالکیت برای مستأجر جدید نمایند... آیا سرقفلی از لحاظ شرع مقدس اسلامی برای مستأجر قدیم در مقابل واگذار کردن این ملک موقوفه به شخص دیگر جایز است؟

جواب: مستأجر قدیم که بدون سرقفلی در مغازه تصرف می کرده حق سرقفلی ندارد و نمی تواند از مستأجر جدید سرقفلی بگیرد و وقف باید زیر نظر متولی شرعی آن با مراعات مصلحت و جهت وقف اداره شود.

340. اشخاصی در حدود سی سال قبل سرای موقوفه ای را به صورت شرعی و قانونی از متولی وقت جهت کسب و کار اجاره نموده و اجاره سالانه را پرداخت نموده اند در چند سال قبل یکی از مستأجرین محل مزبور را به نفر دوم واگذار و از این بابت تحت عنوان حق سرقفلی مبلغ قابل توجهی از شریک خود دریافت نموده است و از طرفی مدت اجاره نیز در آستانه انقضاء می باشد و اداره اوقاف هم به عنوان متولی شرعی کنونی تمدید اجاره را به مصلحت موقوفه نمی داند. آیا مستأجر فعلی شرعاً می تواند مطالبه وجهی به عنوان سرقفلی و حق کسب و پیشه و یا جبران دریافت پولی که قبلاً به شریک خود پرداخت کرده از موقوفه بنماید؟

جواب: حق ندارد.

5- حق کسب و پیشه و حق دسترنج

دریافت حق کسب و پیشه و یا سرقفلی مغازه از متولی وقف

341. از سالیان قبل مغازه های وقفی بدون دریافت هیچگونه سرقفلی به صورت اجاره توسط متولیان قبل به افراد واگذار گردیده اینک که مدت اجاره مقتضی گردیده و اوقاف قصد بازسازی مجدد املاک موصوف را دارد مستأجرین مزبور حاضر به تخلیه و تحویل مغازه به موقوفه نشده و مدعی دریافت حق کسب و پیشه و یا سرقفلی مغازه از متولی وقف می باشند.
1. مستدعی است اعلام فرمایند شرعاً پرداخت و دریافت وجه مورد درخواست در فرض مذکور برای طرفین چه حکمی دارد؟
2. فرضاً چنانچه وجهی به مستأجرین قبلی به عنوان سرقفلی پرداخته باشند آیا موقوفه هنگام تخلیه ملک خود مدیون به پرداخت آن به مستأجر فعلی می باشد یا خیر؟

جواب: حق کسب و پیشه حق ثابت در شرع نیست بلی اگر در این باره در جمهوری اسلامی مقرراتی باشد مراعات قانون آن لازم است و نیز اگر مستأجر سرقفلی نداده باشد حق سرقفلی ندارد.
اگر مستأجر سرقفلی داده به کسی که حق گرفتن سرقفلی نداشته حق سرقفلی پیدا نمی کند.

342. مزرعه موقوفه یا قطعه زمین موقوفه کشاورزی که آب قنات آن مزرعه خشک شده باشد و زمین های موقوفه به صورت مسلوب المنفعه درآمده باشند، چنانچه اداره اوقاف یا متولی بخواهند آنها را درآمد زا نمایند آیا مستأجرین قبلی که بعضاً سالیان درازی روی زمین های موقوفه زحمت کشیده اند حقی به نام دسترنج دارند یا خیر؟

جواب: چنین حقی در شرع ثابت نیست، ولی اگر دولت اسلامی در این باره مقرراتی داشته باشد باید مراعات شود.

343. برخی از مستأجرین موقوفات در اراضی زراعی و باغی که زمین و اشجار آن موقوفه می باشد، بعد از انقضاء مدت اجاره حاضر نیستند ملک موقوفه را جهت بهره وری بهینه به متولی شرعی موقوفه تحویل دهند، و مدعی می باشند که چون سال ها متصرف و مستأجر ملک موقوفه بوده اند و مال الاجاره پرداخت کرده اند، پس متولی موقوفه یا اداره اوقاف می بایست قسمتی از عین ملک موقوفه یا پول آن را بابت حق ریشه و کسب و پیشه به مستأجر پرداخت نماید، مستدعی است راهنمائی فرمائید که:
اولا: آیا شرعاً متولی و یا اداره اوقاف مجاز هستند که از عین یا عواید موقوفه به این درخواست مستأجر پاسخ مثبت دهد؟
ثانیاً: فرضاً که متولی موقوفه مبادرت به انجام این درخواست بکند، مستأجر شرعاً مجاز به تصرف می باشد؟
ثالثاً: صرف سابقه استیجار و تصرف هر چند طولانی باشد، شرعاً حقی برای مستاجر و متصرف ایجاد می کند؟

جواب: 2-1- تملیک عین موقوفه و همچنین صرف عواید آن در غیر جهت وقف جائز نیست.
3-در فرض سؤال برای مستأجر فی نفسه حقی ایجاد نمی شود.

فروش و نقل و انتقال حق کسب و پیشه مال موقوفه

344. آیا شخصی که روی زمین موقوفه به کشت و زرع مشغول می باشد می تواند آن را بفروشد و یا بعد از فوت می توانند وراث بین خود تقسیم نمایند؟

جواب: فروش و تقسیم موقوفه جایز نیست ولی نقل و انتقال حق کسب و پیشه بر روی زمین تابع مقررات اداره اوقاف و به مصلحت وقف باید صورت پذیرد.

6- احکام مرتبط با اجاره

تجدید اجاره مال موقوفه و فوت متولی

345. آیا در ملک وقف عام که شخصی از متولی اجاره کرده است و یا از مجتهد جامع الشرائط اجازه گرفته است بعد از فوت آن متولی یا بعد از فوت آن مجتهد احتیاج به اجازه و اجاره نمودن از متولی و یا مجتهد زنده دارد؟

جواب: اگر مدت اجاره تمام شده باشد برای تجدید اجاره رجوع به متولی و یا مجتهد زنده لازم است.

346. زمانی که پدرم حیات داشت زمین موقوفه را به شخصی به اجاره واگذار نموده بود حالکه پدرم فوت شده آیا اجاره مذکور باطل است یا به قوت خود باقی است؟

جواب: اگر پدر شما متولی بوده و با مراعات مصلحت وقف و بطون لاحقه اجاره داده عمل او نافذ بوده و با فوت وی، اجاره باطل نمی شود لکن اگر متولی نبوده و یا با اذن او اجاره نداده، در فرض سؤال اجاره باطل است.

تعیین اجاره بهاء موقوفه با نظر متولی

347. وقف در اسلام دارای اهمیت قابل توجهی است، اما متأسفانه متصرفین موقوفات مال الاجاره واقعی موقوفات را پرداخت نمی کنند، آنچه در بازار به عنوان مال الاجاره می دهند بسیار کمتر از اجاره واقعی ملک است، و تمام بحث بر سر این است که شرعاً تعیین مال الاجاره موقوفات به عهده چه کسی است؟

جواب: تعیین مال الاجاره موقوفات موکول به نظر متولی وقف و رعایت غبطه و مصلحت موقوفه می باشد.

348. در بعضی از شهرها و محلها چنین رسم شده که آبهای ملکی را ساعتی بیست هزار تومان اجاره می کنند و آب موقوفه را ساعتی پنج هزار تومان، آیا این تفاوت چه حکمی دارد؟ حکم را بیان فرمائید.

جواب: باید به نظر متولی شرعی و مراعات مصلحت وقف عمل شود.

349. مدت سی سال است که یکی از مغازه های (موقوفه) را اجاره دارم. اجاره مذکور از ماهی شش تومان بوده که به تدریج اضافه شده تا به قرار 755 تومان رسیده است. هم اکنون متولی موقوفه در نهایت تجدید اجاره به ماهی شانزده هزار تومان را دارد در صورتی که قانون مالک و مستأجر افزایش بیست درصد در سال است و شاخص بانکی نیز همین نسبت است، با این وصف با توجه به وضع تورم و رکود بازار، مستدعی است نظر شریف خویش در مورد وظیفه شرعی ما اظهار فرمائید.

جواب: تصرف در موقوفه باید زیر نظر متولی شرعی و صلاح وقف باشد در صورتی که اعتراض دارید می توانید به دادگاه مراجعه نمائید.

350. اولا: شخصی زمینی را با قید مطلق قیمت اجاره یا وقف، مثلاً در هر سالی ده تومان می فروشد بعد از مدتی فروشنده ادعا می نماید که قیمت وقف باید افزایش یابد آیا این ادعا از جانب فروشنده صحیح است یا خیر؟
ثانیا: نمازهائی که تاکنون در این زمین ها خوانده شده و بعداً خوانده خواهد شد چه حکمی دارد آیا رضایت واقف شرط است یا خیر؟

جواب: اولا: فروش وقف باطل است، ولی اگر موقوفه را اجاره داده تا مدت اجاره باقی است حق مطالبه مال الاجاره زیادتر ندارد، و پس از پایان مدت اجاره تعیین مال الاجاره در تجدید اجاره موقوف بر توافق طرفین است.
ثانیا: اگر مستأجر با عقد اجاره صحیح با اجازه متولی شرعی زمین وقف را اجاره نموده است، نمازهائی را که در آن خوانده شده صحیح است.

351. من مستأجر یک هکتار زمین کشاورزی موقوفه هستم این زمین در وسط یک مزرعه عمومی واقع است و کشت این زمین را آبی و برنج کاری می کردم و اجاره آن را همان آبی می دادم اما از جهت تأمین آب اول زیاد خرجی نداشت چون آب مصرفی این زمین سابقاً از یک چشمه ای که در محل ما واقع است هم برای آشامیدنی محل و هم برای کشاورزی کافی بود تأمین می شد و این رویه سال ها ادامه داشت تا اینکه بعد از گذشت سالیان زیاد و توسعه جمعیت دیگر آبی که قبلاً از چشمه می آمد برای آشامیدنی و کشاورزی کافی بود حالا دیگر برای کشاورزی بسیار ناچیز است به طوریکه در کشت آبی زیاد نقشی ندارد تا آنجا که کشاورزان در مضیقه افتادند و متحیر ماندند که یا باید کشت خشکه و بدون آب می کردند یا برای تأمین آب مورد نیاز خود دنبال آب می رفتند، برای همین هم دنبال آب رفتند و من هم با آنها بودم من شخصاً به خاطر کمبود آب مایل به کشت آب نبودم اما چون زمین موقوفه در وسط مزرعه بود باید تابع دیگر کشاورزان بودم که کشت آبی می کردند و برای همین هم مخالفت کشاورزان نکردم و با آنها همکاری کردم و مردم تصمیم گرفتند که مشترکاً برای تأمین آب کشاورزی چاه آب حفر کنند و همین کار را کردند و چند حلقه چاه حفر کردند تا اینکه موفق شدیم که آب کافی به دست بیاوریم و کشت آبی بکنیم حالا که من با خرج خودم آب و چاه را شریک شدم و مخارج مربوط به آب را می پردازم آیا باید اجاره زمین موقوفه را خشکه زاری بدهم یا آبی اگر خشکه زاری بدهم که حرفی نیست، اما اگر می فرمائید که اجاره آبی بدهم سؤالی که پیش می آید این است که آیا کسی که مستأجر زمین موقوفه است که آن زمین دارای آب است و با من که مستأجر زمین موقوفه هستم ولی آب آنرا من شخصاً تأمین می کنم چه فرقی است اگر اینطور باشد که من هم مثل دیگران اجاره آبی بدهم آیا در حق من بی انصافی نیست، لطفاً وظیفه شرعی مرا بیان فرمائید.

جواب: در مفروض سؤال فعلا زمین موقوفه آب دارد لکن شما که زحمت کشیده و آب برای آن آورده اید اگر به دستور متولی بوده و قصد رجوع به وقف جهت اجرت عمل خود داشته اید نسبت به عملی که کرده اید استحقاق اجرت دارید.

تخفیف اجاره بهاء توسط متولی وقف

352. شخصی املاک خود را وقف نموده تا درآمد آنها در موارد خاصی از کارهای خیر مانند کمک به سادات و اقامه مجالس عزاداری مصرف شود و در حال حاضر با افزایش قیمت اجاره آن املاک که جزء منافع وقف است، بعضی از مؤسسات یا اشخاص به دلیل عدم وجود امکانات در آنها یا دلائل فرهنگی یا سیاسی یا اجتماعی و یا دینی خواهان اجاره ملک موقوفه به قیمت ناچیزی هستند، آیا جایز است مدیریت اوقاف آنها را به قیمتی کمتر از قیمت روز اجاره دهد؟

جواب: بر متولی شرعی و مسئول اداره امور وقف واجب است در اجاره دادن به کسی که خواهان آن است و در تعیین مبلغ اجاره رعایت مصلحت و منفعت وقف را بنماید، در نتیجه اگر در تخفیف مبلغ اجاره به سبب اوضاع و احوال خاص مستأجر یا اهمیت کاری که وقف برای آن اجاره داده می شود، نفع و مصلحت وقف باشد اشکال ندارد والا جایز نیست .

353. در صورتی که واقف به منظور مصرف خاصی از وجوه خیرات مانند کمک به سادات، عزاداری، اطعام و عتبات عالیات املاک خود را وقف کرده باشد و امروز ارزش اجاره ملک وقفی که طبعاً از عواید موقوفه محسوب می شود دارای قیمت بالائی است، گاهی برخی از دستگاه های دولتی و یا افراد معمولی به دلیل نیاز، و استدلال به اینکه این کار ما ارزش بالای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و دینی دارد، متقاضی اجاره ملک موقوفه به قیمتی کمتر از ارزش موقوفه می باشند (در غیر جهت نظر واقف) .
آیا این از اختیارات اداره اوقاف است که به خاطر ملاحظات سیاسی، دینی، فرهنگی و اجتماعی رقبه وقف را کمتر از ارزش واقعی آن در اختیار این نوع متقاضیان قرار دهد؟

جواب: متولی شرعی و مسئول اداره امور موقوفه در اجاره دادن موقوفه و تعیین مبلغ اجاره بهاء باید لزوماً غبطه و مصلحت وقف را رعایت نماید، و چنانچه تخفیف اجاره بهاء به ملاحظه موقعیت خاص مستأجر و کاری که برای آن موقوفه را اجاره می نماید موافق غبطه و مصلحت وقف باشد اشکال ندارد، وگرنه جایز نیست.

354. برخی از متصرفین موقوفات افرادی بی بضاعت و فقیر و عیالوار و بعضاً از خانواده محترم شهداء و ایثارگران هستند، آیا اجازه می فرمائید اداره اوقاف در این رابطه در غیر نظر واقف در مال الاجاره موقوفه تخفیفی قائل شود؟

جواب: تعیین مال الاجاره موقوفه باید با مراعات غبطه و مصلحت وقف و به نرخ عادله باشد و زیر نظر متولی شرعی موقوفه و در جهت وقف صرف شود.

شرط واگذاری رایگان اعیان مستحدثه به متولی

355. قبل از انقلاب در سند اجاره ای که فیمابین تولیت موقوفه و شهرداری تنظیم شده است که در آن بر عهده شهرداری شرطی مقرر شده که به موجب آن کلیه اعیانی های احداثی در زمین مورد اجاره رایگان به تولیت انتقال یابد اکنون متولی شرعی درصدد خلع ید از شهرداری نسبت به اعیانیهای احداثی برآمده در حالی که محل بزرگترین پارک شهر می باشد با اعیانیهای فرهنگی اجتماعی، اینجانب به عنوان شهردار از طرف شهروندان شهر از محضر پر برکت آن رهبر و زعیم عالی مقام استدعا دارم امر فرمایند اعیانی های آن همچنان برای استفاده عموم در ید شهرداری باقی بماند.

جواب: اعیانی مذکور اگر در زمین وقفی استیجاری احداث گردیده، شرط واگذاری مجانی آن به شخص متولی موقوفه چنانچه موافق مصلحت وقف نباشد و یا با اسقاط وجه اجاره زمین موقوفه و یا با سوء استفاده از حق تولیت موقوفه باشد باطل و بی اثر است، و در این صورت اعیانی باقی بر ملک احداث کننده است و او متقابلاً ضامن اجرت المثل زمین موقوفه نسبت به تمام مدت تصرف است.

356. هرگاه ملک موقوفه ازطرف تولیت آن به مدت 30 سال به اجاره واگذار شود و در سند اجاره شرط کرده باشند که بعد از انقضاء مهلت اجاره بناها و مستحدثات و اشجار احداثی و غرس شده در زمین که به هزینه شخصی مستأجر به وجود آمده است مجاناً و رایگان در ملکیت موجر قرار گیرد و این شرط بدون وقوع عقد لازم خارج و بدون قصد و رضای مستأجر شده باشد آیا موجر می تواند به محض پایان مدت اجاره علاوه بر وصول مال الاجاره مقرره مستحدثات مذکور را مجاناً و بلاعوض به تملک خود درآورد یا خیر؟

جواب: مجرد قید مطلبی در سند اجاره میزان نیست، اگر در هنگام عقد اجاره در ضمن انعقاد قرار داد فیما بین مؤجر و مستأجر یا در ضمن عقد خارج لازم بر مستأجر شرط شده باشد که کلیه اعیانی احداثی در زمین موقوفه را به وقف واگذار نماید، مستأجر شرعاً ملزم بر وفاء شرط مذکور است.

357. الف) توسط متولی، رقبه ای از املاک موقوفه به اجاره داده می شود که مستأجر با هزینه شخصی خود طبق نقشه سازمان اوقاف مورد اجاره را بازسازی می کند و تا خاتمه مدت اجاره منافع متعلق به وی باشد و فقط مبلغ مندرج در سند را به عنوان مال الاجاره به موقوفه بپردازد.
ب) در انتهای ملک موقوفه منزلی موجود بوده که مستأجر منزل مذکور را خریداری و بدون اطلاع موقوفه با تجمیع عرصه رقبه موصوف و اراضی استیجاری موقوفه مبادرت به احداث بنا می نماید.
ج) مستأجر از همان ابتدای کار سرقفلی حجرات و مغازه ها را واگذار و همچنین اجاره بهای آنها را دریافت می نماید.
د) مستأجر در هنگام تجمیع بلا مجوز عرصه منزل خریداری و اراضی موقوفه و احداث بنا قسمتی از اراضی موقوفه را بدون جلب موافقت موقوفه برای راه عبور ملک خریداری شده خود اختصاص داده و با این عمل، اولاً ارزش ملک خود را صدها برابر افزایش داده است، ثانیاً با احداث بنا بر روی کل زمین (ملک شخصی و اراضی موقوفه) عملاً ملک ششدانگ موقوفه را به صورت مشاع درآورده است.
هـ) در انقضای مدت اجاره بدون توجه به خاتمه مدت و شرط 4 مندرج در سند اجاره نامه رسمی مبنی بر اینکه در خاتمه مدت یا حین الفسخ کلیه مستحدثات از هر جهت و بدون هیچگونه قید و شرطی متعلق به موقوفه بوده و مستأجر حقی نسبت به آن ندارد، تعداد دیگری از حجرات و مغازه های خالی را به نفع موقوفه مصادره نموده است. با عرض مراتب از محضر مقدس حضرتعالی استدعا دارد که:
اولاً جواهر نظر عالی را در خصوص موضوع سرقفلی مغازه های خالی موجود و آن تعداد که مستأجر بعد از پایان مدت اجاره نامه رسمی واگذار نموده ابلاغ فرمایند. ثانیاً تکلیف شرعی موقوفه را در قبال اشاعه غیر قابل پیش بینی که مستأجر بدون جلب رضایت و موافقت موقوفه به وجود آورده است تعیین و امر به ابلاغ فرمائید.

جواب: بعد از انقضاء مدت اجاره مستأجر هیچگونه حقی نسبت به موقوفه و آنچه متعلق به آن است ندارد و حق ندارد سرقفلی مغازه ها را به دیگران واگذار نماید و یا از مغازه ها استفاده نماید.
طبق شرطی که در ضمن عقد اجاره شده تمام مستحدثات ساخته شده در زمین موقوفه متعلق به موقوفه است و آنچه در زمین شخصی ساخته شده مربوط به مستأجر مذکور است و هیچ اشاعه ای در موقوفه به وجود نیامده بلکه مجرد اتصال موقوفه به ملک شخصی است و در صورتی که از زمین موقوفه مقداری برای راه عبور ملک شخصی استفاده کرده باید آن را به موقوفه برگرداند یا با نظر متولی شرعی راه عبور را با اجرتی که مصلحت وقف باشد اجاره نماید.

358. محترماً به عرض می رسانیم این جانبان مستأجرین ملک موقوفه ضمن اطاعت از فرمان حضرتعالی و حکم دادگاه و دیوانعالی کشور که فقط عرصه را وقف اعلام نموده اکنون از حضرتعالی تقاضا داریم در مورد اعیانی ملک ذکر شده که سرقفلی و تعمیرات کلی و جزئی از قبیل گچکاری، فرش کف، درب و پنجره، آب، برق، گاز و تلفن که تمام آنها به وسیله مستأجرین انجام گرفته، آیا مستأجرین متصرف سرقفلی و سایر مخارج ذکر شده را می توان صاحب این اعیانی منظورکرد؟

جواب: اگر مستأجر اعیانی را از مال خودش احداث نکرده مالک اعیانی محسوب نمی شود، بلی فرش که از مال خودش در آن آورده اگر وقف نکرده و مال الاجاره با شرط در ضمن اجاره نیست باقی بر ملک خود او است.

نماز مستأجر در موقوفه استیجاری

359. کشتارگاه صنعتی در جهت ارائه خدمات بهداشتی و عرضه گوشت به شهروندان محترم فعالیت می نماید و زمین کشتارگاه موقوفه و اعیانی آن مربوط به شهرداری بوده که همه ساله اجاره زمین آن به اداره محترم اوقاف پرداخت می گردد لذا ضمن عرض توضیحات فوق در خصوص انجام فریضه نماز در این محل که بعضاً مورد سؤال قرار می گیرد نظریه آن دفتر محترم مورد تقاضا و استفتاء است.

جواب: با اجاره زمین از متولی شرعی وقف، نماز در آن زمین صحیح است و اشکالی ندارد.

360. آیا مستأجرینی که به موقع اجاره بهای رقبه مورد اجاره خود را پرداخت نمی نمایند و موجبات عدم اجرای به موقع نظر واقف می شوند فرایض دینی آنها در این رقبات اشکال شرعی دارد یا خیر؟

جواب: اگر با عقد اجاره صحیح زیر نظر متولی شرعی موقوفه و صلاح وقف زمین در اختیار مستأجرین قرار گرفته و مدت اجاره باقی باشد فرائض دینی آنها در ملک مورد اجاره بلامانع است هر چند واجب است اجرت موقوفات را به موقع پرداخت نمایند.

361. اینجانب چون وضعیت مالی زیادی نداشتم تا بتوانم زمین مسکونی خریداری نمایم به اداره اوقاف و امور خیریه مراجعه نمودم و یک قطعه زمین را به صورت اجاره تصرف و در آن احداث بنا نموده ام ولی هر کس می رسد ما را دلسرد می کند و می گوید چون زمین موقوفه می باشد شما در آن نماز ندارید، لذا استدعا دارم ما را راهنمایی بفرمائید که وظیفه بنده در این قبال چیست و ما را از این فکر بیرون آورید.

جواب: اگر طبق مقررات اداره اوقاف واگذار شده و شما هم به قرار دادتان عمل می کنید تصرف در آن از جمله نماز مانعی ندارد.

اجاره زمین موقوفه توسط متولی

362. آیا متولی می تواند محصولات موقوفه را که فاقد رعیت می باشد خودش اجاره نماید یا خیر؟

جواب: اجاره زمین موقوفه در صورتی که به صلاح وقف باشد جائز است.

363. آیا متولی موقوفه مجاز است که اراضی موقوفه را به صورت اجاره بین برادران و خواهران و آشنایان خود تقسیم و واگذار نماید؟

جواب: متولی شرعی باید مطابق مصلحت وقف عمل کند با مراعات جهت وقف و چنانچه این کار مصلحت وقف باشد و به وقف عمل می شود مانع ندارد.

واگذاری مال موقوفه توسط مستأجر بشخص دیگر بدون اذن متولی

364. زمین های موقوفه جهت ساختن مسکن و استیفاء منفعت توسط متولی شرعی به اشخاص واگذار گردیده.
آیا شرعاً جایزاست که مستأجر مورد اجاره خود را به دیگری واگذار نماید؟

جواب: نمی تواند به دیگری واگذار کند مگر با اجازه متولی شرعی بلی اگر با او شرط مباشرت در استیفاء منفعت نشده می تواند به دیگری اجاره دهد.

اجاره موقوفه مسلمانان توسط غیرمسلمان

365. آیا جایز است زمین موقوفه ای که مسلمان برای مسلمانان وقف کرده است به غیر مسلمان اجاره داده شود؟

جواب: اگر وقف زمین به صورت وقف منفعت باشد اجاره دادن آن به غیر مسلمان در صورتی که منفعت وقف با آن محفوظ بماند، اشکال ندارد .

شرط افزایش اجاره بهاء در صورت عدم تخلیه موقوفه

366. یک باب مغازه موقوفه به وسیله متولی با قید ضمانت به شخصی به مدت یک سال به اجاره واگذار گردیده، در بند شروط سند اجاره مقرر گردیده که پس از انقضاء مدت اجاره در صورت عدم توافق طرفین به تنظیم سند اجاره جدید... مستأجر موظف به تخلیه و تحویل مغازه موقوفه به متولی می باشد و تا زمانیکه مستأجر تخلیه مغازه را به تعویق اندازد موظف است تا زمان تخلیه تا سه برابر اجاره بهاء تعیین شده را بپردازد و در ذیل سند اجاره آمده در صورت تخلف مستأجر ضامن طبق شروط عمل نموده و اجاره بهاء تعیین شده بعدی (یعنی تا سه برابر) را بپردازد.

سؤال با شرح موصوف :
1) آیا پس از انقضاء مدت اجاره مستأجر می تواند بدون رضایت متولی به تصرف خود ادامه دهد ولو اجاره بهاء تعیین شده را بپردازد؟
2) آیا مستأجر پس از انقضاء مدت اجاره تا زمان تخلیه مغازه وقفی وفق قرارداد بر مستأجر واجب است تا سه برابر اجاره بهاء تعیین شده را بپردازد؟
3) اگر مستأجر مغازه را بر خلاف قرارداد تخلیه نکرده و تا سه برابر اجاره بهاء تعیین شده نپردازد آیا بر ضامن واجب است طبق تعهد تا سه برابر اجاره بهاء تعیین شده بر اساس تعهد بپردازد یا خیر، اعلام نظر فقهی مورد استدعا است.

جواب: در فرض مزبور ضمانت سه برابر ضامن مالم یثبت است و اشکال دارد و پس از انقضاء مدت اجاره مستأجر باید تجدید اجاره کند و یا مورد اجاره را تخلیه و تحویل متولی شرعی دهد و اگر تخلف کند باید به شرط مورد اجاره که مال الاجاره سه برابر است عمل کند.

اجاره دادن موقوفه به بیش از مدت زمان تعیین شده از طرف واقف

367. طبق وقفنامه ای که واقف عرصه ای را وقف به صورت یک عشر صرف روشنائی روضه متبرکه حضرت امیرالمؤمنین (ع) و مابقی آن بر اولاد نسلاً بعد نسل می باشد که اکنون اینجانب احدی از متولیان موقوفه فوق الذکر می باشم و در وقفنامه قید شده است که اجاره بیش از یک سال بر متولیان مجاز نمی باشد و متخلف دچار لعن خداوند قرار گیرد، آیا متولیان قبلی یا فعلی می توانستند یا می توانند مخالف نظر واقف حتی قسمتی از عرصه را بیش از یک سال اجاره داده یا بدهند؟ (ضمناً حضرت امام (ره) در تحریرالوسیله جلد 1 صفحه 574 کتاب اجاره مسئله 11 فتوایی در این خصوص مرقوم نموده اند) .

جواب: متولی حق ندارد بر خلاف شرط واقف عمل کند و نسبت به اجاره بیش از یکسال در فرض سؤال تولیت ندارد، و لذا ارتباطی به مسئله تحریر ندارد.

368. در وقفنامه ای به صراحت آمده که موقوفه را بیش از سه سال به اجاره ندهند ولی متأسفانه و بر خلاف نص صریح وقفنامه هشت ساله به اجاره داده شده و اراضی بسیاری را به ادارات واگذارکرده اند، که آنها نیز تاکنون دیناری مال الاجاره به موقوفه پرداخت ننموده اند و از طرفی با فوت اولاد زاده واقف که متولی بوده موقوفه در تصرف اداره اوقاف قرار گرفته و با مراجعه اولاد زاده بعدی از صدور حکم تولیت امتناع می ورزد، لذا خواهشمند است در این خصوص بیان فرمایید که آیا این اقدامات از نظر شرعی جایز است یا خیر؟

جواب: از وقف باید زیر نظر متولی شرعی و با مراعات جهت وقف استفاده شود و تغییر جایز نیست، ولی چنانچه اختلافی هست باید به مسئولین محترم ذیربط مراجعه شود.

فوت مستأجر، و حقوق مکتسبه مال موقوفه

369. آیا زوجه اشخاصی که همسرشان متولی می شود از نسق مربوط به اراضی وقفی مربوطه حق الارث شاملشان می شود یا خیر؟ و با عنایت به اینکه املاک وقفی در مالکیت مطلق اشخاص قرار نگرفته و صرفاً برای متصرفین این گونه اراضی فقط حقوق مکتسبه ای وجود دارد که بر اساس آن با وراث قانونی متوفی سند اجاره تنظیم می گردد آیا در شرع مقدس اسلام حقوق مکتسبه متصرفین و زارعین قانونی در حکم اعیان از اموال متوفی تلقی می گردد یا خیر؟

جواب: اگر شخص متوفی دارای حق مالی شرعی متعلق به اراضی موقوفه بوده، زوجه وی نیز از آن حق ارث می برد، و اگر صرفاً در قانون اداره املاک موقوفه پیش بینی حق تنظیم سند اجاره به نام وراث متصرف متوفی شده باشد، چنانچه در قانون مربوطه قیدی که موجب استثناء زوجه یا دختران متصرف سابق متوفی وجود نداشته باشد، فرق بین زوجه و دختران و پسران متوفی در این باره نیست.

1- موارد مصرف ثمن فروش

فروش اجباری موقوفه

370. اگر ملکی را وقف بر اشخاص سازند، و موقوف علیهم ناچار به فروش موقوفه گردید مانند آنکه موقوفه مورد نیاز حتمی دولت جمهوری اسلامی ایران برای منافع کشور باشد و موقوف علیهم را ملزم به فروش موقوفه کنند آیا موقوف علیهم باید با پول آن ملک دیگری را خریداری کرده و آن را عوض موقوفه وقف نمایند، یا لازم نیست و می توانند از آن استفاده کنند؟ و اگر موقوف علیهم ملزم به فروش نشود ولی نتوانند از موقوفه به صورت موقت یا دائم استفاده کنند، و از این بابت پولی دریافت نمایند، آیا باید با آن پول ملک دیگری تهیه کرده و عوض موقوفه وقف سازند یا لازم نیست و می توانند از آن استفاده کنند؟ آیا در این حکم زمین و قنوات یکسانند یا خیر؟

جواب: باید با آن پول ملک دیگری را خریداری و در همان جهت وقف اول وقف نمایند.

371. چنانچه برابر مقررات زمین وقفی با زمین غیر وقفی معاوضه شود با توجه به اینکه زمین معاوضه شده وقفنامه ندارد لکن به عنوان رقبه موقوفه مورد معاوضه محسوب می گردد، حکم وقف را دارد یا خیر؟

جواب: در موارد جواز معاوضه باید زمینی که عوض وقف قرار داده شده وقف شود در همان جهتی که زمین اول وقف آن بوده است.

فروش کتب وقفی

372. به فرض وجود جواز فروش کتاب های فوق صرف وجه آن جهت هر کدام یک از موارد ذیل بنابر نیاز ضروری تر کتابخانه به تشخیص مسئول کتابخانه چه حکمی دارد؟ 1- خرید کتاب 2- خرید لوازم کتابداری و کتابخانه 3- هزینه های جاری؟

جواب: در صورت وقف بودن، باید با اشراف متولی شرعی کتاب خریداری شود و در غیر این صورت تابع نظر اهداء کنندگان است.

فروش فرش کهنه مسجد

373. مسجد امیرالمؤمنین (ع) دارای فرشی است که بسیار مستعمل و تقریباً فرسوده است و برای استفاده در مسجد مفید نمی باشد ولکن دارای ارزش ریالی بالا در حدود بیش از دو میلیون تومان می باشد لطفاً بفرمایید:
با توجه به اینکه فرش وقفی می باشد آیا فروش آن جایز است؟

جواب: اگر قابل استفاده است فروش آن جایز نیست.

374. در صورت جواز آیا می شود علاوه بر فرش مورد نیاز مسجد باقیمانده پول را در مایحتاج دیگر مسجد از قبیل خرید و نصب کولر و تعمیر مسجد و سایر نیازمندیها مصرف کرد؟

جواب: حکم فروش آن ذکر شد و در موارد جواز فروش احتیاط آن است که پول را صرف در مماثل وقف بکنند، یعنی برای مسجد فرش تهیه کنند.

375. فرش های مستعمل و مستهلک مسجدی به قصد تبدیل به احسن بفروش رسیده بعد از خرید فرش های تازه، مبلغی زیاد بیاید، آیا می توان آن را صرف تعمیر و تأمین و تهیه مایحتاج همان مسجد نمود؟

جواب: با فرض صحت فروش فرش های مسجد مبلغ زیادی باید صرف تهیه فرش شود و اگر در آن مسجد نیاز نباشد در مساجد دیگر مورد استفاده قرار گیرد.

2- احکام مرتبط با بیع

معاوضه موقوفه

376. اطراف زمین مزروعی اراضی متعلق به موقوفه، که قبلاً مزورعی بوده ساختمان شده جهت منزل مسکونی یا بعداً می شود و از کشت و زرع افتاده است ولی زمین موقوفه کنار آن ساختمان منزل واقع شده که با مساحت کم نمی شود برای موقوفه خانه سازی کرد و نه قابل کشت زیرا که همسایه ساختمان مانع محصور شده است بنابراین زمین موقوفه بلااستفاده است و رها شده است حضرتعالی اجازه می فرمائید که اینگونه زمین موقوفه را با زمین دیگری با در نظرگرفتن صلاح وقف معاوضه کرد و در صورتی که معاوضه آن را اجازه نمی فرمائید آیا اجازه می فرمائید که اینگونه اراضی موقوفات برای مدت مدیدی مثلاً نود و نه ساله اجاره داده شود، به هر حال استدعا می شود جواب آن را مرقوم فرمائید.

جواب: با امکان استفاده از وقف ولو با اجاره دادن آن تبدیل آن جایز نیست و در فرض سؤال باید زیر نظر متولی شرعی و در جهت وقف از وقف استفاده شود.

377. زمین موقوفه ایست که مال الاجاره آن صرف مدرسه علوم دینیه می شده و صاحب همجوار زمین موقوفه می خواهد زمین موقوفه را با زمین خودش شامل نموده خانه مسکونی بسازد، و او در عوض زمین موقوفه، مغازه یا زمین دیگری که نفعش دو برابر زمین موقوفه است بدهد، آیا تبدیل زمین موقوفه به مغازه اش یا با زمین او که نفعش دو برابر است اجازه می فرمائید؟

جواب: با امکان استفاده از وقف درجهت وقف تغییر و تبدیل آن جایز نیست.

378. ما قطعه زمین داریم که برای احداث منزل کافی نیست و یک قطعه زمین متصل به صورت کرت در کنار ما است که متعلق به حسینیه سادات است ما به سادات یک قطعه زمین بزرگ تر و بهتر و حاصل خیز در محل دیگری پیشنهاد و درخواست نموده ایم که آن قطعه را به ما بدهند و آنها با این پیش شرط با درخواست ما موافقت نموده اند که از آن حضرت استفتاء شود و در صورت موافقت ایشان زمین مورد درخواست ما را به ما اعطاء نمایند.

جواب: زمین اگر وقف حسینیه است تغییر و تبدیل آن شرعاً جایز نیست، ولی اگر ملک خاص سادات محل باشد اختیار آن با مالکین شرعی آن است.

فروش مال وقفی

379. اگر شخصی چند سال قبل زمینی را که از طریق ارث به او رسیده به صورت بیع لازم بفروشد و سپس معلوم شود که آن زمین وقف بوده، آیا این بیع باطل است؟ و درصورتی که باطل باشد، آیا باید قیمت کنونی آن را به مشتری بپردازد یا پولی را که هنگام فروش از او گرفته است؟

جواب: بعد از آنکه معلوم شد زمین فروخته شده در واقع وقف بوده و فروشنده حق فروش آن را نداشته، بیع باطل است و واجب است به همان حالت وقف عودت داده شود و فروشنده باید پولی را که از مشتری در برابر فروش زمین دریافت کرده است، به او برگرداند. و راجع به تنزل ارزش پول بنابر احتیاط واجب با هم مصالحه نمایند .

380. شخصی مؤسسه تولیدی را که با سند عادی خریده، با سند عادی و قولنامه به فروش می رساند و ثمن معامله را تحویل گرفته و مثمن و مبیع را تحویل خریدار می دهد و معامله شرعاً انجام می شود و خریدار هم پس از تحویل آن مؤسسه مشغول تولید در آن می گردد پس از گذشت مدتی از معامله اداره اوقاف مدعی موقوفه بودن زمین کل آن منطقه می گردد. یعنی چندین روستاکه زمین آن مؤسسه هم در بین آنها و جزئی از کل است. آیا فروشنده و مالک آن در این خصوص ضمانی دارد؟ و نسبت به خریدار مسئولیتی دارد یا خیر؟

جواب: موقوفه قابل خرید و فروش و استملاک نیست. اگر به طریق شرعی ثابت شود که زمین مؤسسه تولیدی فروخته شده وقف است فروشنده ضامن ثمن آن برای خریدار است.

381. اگر خریدار ملک موقوفه در هنگام خرید متوجه اینکه این ملک موقوفه است یا نه اطلاعی نداشته باشد ولی بعدها متوجه شود که این ملک موقوفه بوده است خریدار چه کاری باید برای آزاد کردن ملک موقوفه انجام دهد؟

جواب: در هر صورت وقف قابل خرید و فروش نیست و باید زمین موقوفه را به حال خود برگرداند و خسارات خود را از فروشنده بگیرد.

الف) موارد عدم جواز فروش عین موقوفه و تجهیزات آن

فروش زمین مشاعی وقفی

382. اینجانب به موجب سند عادی موازی هیجده قصب زمین که 450 متر مربع می باشد خریداری کرده ام که پس از خرید متوجه شده ام اراضی مزبور حدود 5/2 دانگ آن مشاعاً وقف بوده و استفتاء می نمایم آیا معامله فوق باطل است یا خیر و تکلیف اینجانب چیست؟

جواب: در فرض سؤال معامله نسبت به مقداری که وقف بوده باطل و نسبت به بقیه صحیح است و شما حق فسخ اصل معامله و مطالبه پولی که داده اید را دارید.

383. روستای مسکونی ما حدود یکصد و چهل هکتار بوده که از قدیم و ندیم در اختیار زارعین بوده، عامه اهالی محل می دانیم بعضی از زمین های فوق از دو دانگ تا چهار دانگ و یا نصف آن وقف برای تکایا بود و سند وقفی موجود است، متأسفانه اداره اوقاف شهرستان و مسئولین امر کوچک ترین تحرکی از خودشان نشان نداده اند. و مردم هم در سال 42 ثبت ملکی و سند اصلاحات ارضی گرفته اند آیا اعتبار ملکی و تصرف آن و محصولات سالیانه مشروع و مجاز خواهد بود و هر نوع تصرف آن جایز می باشد (بیع، تبدیل، هبه و ارث) .

جواب: هر مقدار از زمین ها که وقفیت آن محرز و مسلم باشد خرید و فروش و تبدیل و نقل و انتقال آن شرعاً باطل است و هر گونه تصرف در آن منوط به رعایت احکام وقف و قرارداد با متولی شرعی است.

384. بانوئی قطعه زمینی که یک دانگ از ششدانگ می باشد را وقف نموده که دارای باغاتبیوتات، قنوات و انهار و مزارع و مراتع و اراضی و غیره بوده است و متولی زمین مذکور زمین فوق الذکر را به شخصی اجاره داده و چون پس از انقضاء مدت اجاره موفق به بازپس گرفتن آن نشده زمین را به اداره اوقاف واگذار نموده و چون در همان زمان عده ای از اهالی قریه مذکور قطعات زمینی را وقف کرده بودند لذا متولی و اداره اوقاف تمامی املاک دایر و آباد را که دارای محسنات قید شده در بالا بوده است به متصرف واگذار نموده و زمین بایری را که هیچگونه آبادی در آن وجود نداشته از او دریافت نموده که طبق اظهارات متولی و اداره محترم اوقاف می گوید تبدیل به احسن کرده ایم حال از آن مرجع عالیقدر مسلمین جهان تقاضا می شود در مورد اینکه آیا متولی و اداره محترم اوقاف حق تعویض زمین دایر و آباد که دارای درآمد بوده را با زمینی بایر داشته، فتوای مبارک را امر و ابلاغ فرمائید.

جواب: بعد از ثبوت وقف شرعاً تبدیل و تغییر آن جایز نیست.

تصرف در رقبه وقفی مسجد

385. عده ای افراد خیر با جمع آوری کمکهائی از مردم، بنائی را جهت انجمنی به نام انجمن توحیدی تأسیس کردند ولی از آنجا که این انجمن منحل شد، این بنا توسط مؤسسین انجمن مذکور وقف مسجد محل گردید و پس از اینکه مسئولین امور مسجد ساختمان مذکور را بلا استفاده و متروکه رها کردند، اداره بهزیستی با توافق مسئولین مسجد و صرف هزینه های فراوان آن را تعمیر و در جهت خدمت به تعداد کثیری از خانواده های محروم و بی سرپرست مورد استفاه قرار داد، اکنون متولیان مسجد ادعای مالکیت و تخلیه این ساختمان را نموده اند لطفاً بفرمائید با توجه به اینکه این بنا از کمک های مردمی جهت انجمن فوق تأسیس شده آیا وقف برای مسجد صحیح است؟

جواب: چنانچه دهندگان پول اختیار به مؤمنین داده باشند وقف مزبور صحیح بوده است و باید محل مزبور را تخلیه و تحویل جهت مسجد بدهند و قابل خرید و فروش نیست.

386. قطعه زمینی در حدود چهارصد مترمربع که سابقاً دارای چند درب اطاق مسکونی وقف مسجد بوده ولی فعلاً خراب شده و این زمین به واسطه خراب شدن ساختمان و از بین رفتن اطاقها معطل مانده که قابل درآمد نمی باشد.
آیا اجازه می فرمائید نصف از این زمین فروخته شود و در نصف دیگر زمین که ساختمان قبلی بناء شده بود ساختمان جدیدی احداث شود یا نه؟

جواب: در فرض مذکور که زمین وقف و متعلق به مسجد است فروش کل یا بعض آن جائز نیست.

فروش حسینیه، فاطمیه و زینبیه

387. عده ای از خیرین حدود 30 سال قبل خانه ای را به عنوان حسینیه خریدند، و اخیراً به دلیل کوچک بودن حسینیه سابق را فروخته و با کمکهای دیگری که جمع آوری کردند. خانه ای بزگتر را به همین عنوان خریداری نمودند. منتهی تعدادی از کسانی که قبلاً در خرید حسینیه سابق سهیم بودند از این عمل اعلام ناخرسندی کرده و رسماً هم اعلام می کنند که نسبت به سهمی که داده اند، رضایت ندارند، آیا هیئت امناء از باب تبدیل به احسن اجازه چنین عملی را داشته اند یا نه؟

جواب: اگر منزل را برای حسینیه وقف کرده بودند قابل خرید و فروش نیست.

388. با کمک افراد خیرخواه و مردم مذهبی یک باب حسینیه ساخته شده است اکنون چون راه دور است و مردم نمی توانند در آن حسینیه ایاب ذهاب داشته باشند اکثر اعضاء هیئت پیشنهاد داده اند که حسینیه فروخته شود و در منطقه سکونت اعضاء با همان پول فروش حسینیه محلی دیگر تهیه شود که مورد استفاده بیشتر باشد، واقعیت این است که این حسینیه ساخته شده هیچ گونه رونقی نداشته و به دلیل زحمت و دوری رفت و آمد موجب غصه و حسرت اعضاء گردیده.
سؤال این هیئت این است که با چنین شرایطی آیا امکان فروش این حسینیه از لحاظ شرعی وجود دارد یا نه؟

اگر نمی توان این حسینیه را فروخت، آیا می توان به عنوان محل درآمد مثل درمانگاه و شغلی دیگر بهره برداری نمود و از درآمد آن حسینیه ای در محل سکونت اعضاء تهیه کرد یا نه؟

جواب: حسینیه را نمی توانند بفروشند، یا آن را به غیر حسینیه تغییر دهند.

389. فاطمیه ای ساخته شده ولی حالا خیلی کوچک است لذا معتمدین محل بنا دارند که فاطمیه ای بزرگ درست کنند از نظر اهالی به مصلحت است که فاطمیه حاضر را بفروشند و با مبلغی بیشتر بتوانند فاطمیه بزرگ تری درست کنند، نظر مبارک شما در این مورد را مرقوم بفرمائید.

جواب: اگر فاطمیه وقف است فروش آن جایز نیست.

390. فرد خیری حیاط مسکونی خود را وقف زینبیه نموده و مدتی در آن عزاداری شده است حال عده ای زینبیه جدید ساختند، آیا می شود زینبیه قبلی را فروخته صرف و خرج زینبیه جدید کرد؟

جواب: وقف قابل خرید و فروش و تغییر و تبدیل نیست و از موقوفه باید در همان جهت وقف استفاده شود.

فروش زمین حسینیه

391. شخصی نذر کرده بود که هر جا باشد همراه خودش یک حسینیه بسازد، این ملک را فروخت و جای دیگر سکونت کرد، آیا برای خریدار آن زمین حسینیه هم واجب است که در آن جا حسینیه بسازد یا فروش زمین قبلی یا خیر؟

جواب: اگر وقف محقق شده است تغییر و تبدیل و فروش آن جائز نیست و در غیر اینصورت اختیار با مالک است.

392. در یکی از روستاها دو قطعه زمین برای حسینیه قرار داده اند، نیمه ساز شده و روی آن اقامه عزا شده است و متولی هم دارد و وجوهی مردم به متولیان برای ساختمان داده اند لکن وجود دو حسینیه منشاء اختلاف و نفاق و درگیری شده است.
اولا: اجازه می فرمائید در محل سومی زمین بزرگتری تهیه شود از محل فروش این دو قطعه زمین،حسینیه ساخته شود یا کتابخانه و ساختمان عام المنفعه دیگری ساخته شود.
ثانیا: چنانچه نظر حضرتعالی بر این کار نباشد آیا ممکن است وجوه جمع آوری شده در محل سوم خرج شود یا به صاحبانش مسترد شود تا خرج حسینیه سوم کنند یا خیر؟

جواب: با فرض اینکه زمین برای حسینیه وقف شده و در آن عزاداری شده است تبدیل و فروش آن جائز نیست و تا عین پولی که افراد برای ساخت حسینیه پرداخته اند صرف نشده اختیار آن با صاحبان پول است.

393. قطعه زمین و ساختمانی بوده که وقف حسینیه شده است که در سال 1353 بنا گردیده است این ساختمان به مدت پنج سال در اختیار بانک بوده است و قرار شده که در سال 1358 تخلیه کنند ولی بعد از انقلاب تخلیه که نکردند هیچ بعد از پیگیریهای فراوان با زور و اجبار در سال 1367 بعد از 14 سال استفاده از ساختمان و پرداخت اجاره بسیار ناچیزی و بدون سرقفلی به قیمت یک میلیون و دویست هزار تومان آن را خریداری کردند شایان ذکر است که وقف بعد از واگذاری بوده به امید اینکه ساختمان مذکور تخلیه خواهد شد. حال از حضرتعالی استدعا داریم با اجبار در فروش و موقوفه بودن آن تکلیف ما را مرقوم فرمائید.

جواب: واقف اگر زمین را وقف کرده که در آن حسینیه بنا کنند و تحویل متولی شرعی یا عزاداران داده، هرگونه تصرفی که برخلاف حسینیه باشد در آن جایز نیست و اگر زمین را وقف نموده که منافع آن خرج حسینیه کنند تصرف جایز است ولی هرگونه تصرف در آن باید زیر نظر متولی شرعی و صلاح وقف باشد و در غیر این صورت تصرف حکم غصب را دارد و فروش موقوفه هم جایز نیست ولی مسائل اختلافی باید در دادگاه حل و فصل شود.

394. شخصی در زمان حیاتش منافع یک قطعه زمین را جهت عزاداری امام حسین (ع) وقف نموده زمین مزبور در طرح قرار گرفته و واقف هم فوت کرده، اجازه می فرمائید زمین موقوفه را بفروشند و وجه آن را خرج مسجد محل کنند؟

جواب: در فرض سؤال، فروش زمین جایز نیست و باید منافع آن در جهت وقف مصرف شود.

فروش مکتب خانه مخروبه، سقاخانه و کاروانسرا

395. مکانی است وقف برای مکتب خانه که ساختمان مخروبه آن هنوز به جاست و قبلاً هم چندین سال متمادی در آن کلاس درس برقرار بود اما الان چون مدارس آمده آن مکان هیچ استفاده ندارد و حتی اسباب اذیت همسایه همجوار نیز می باشد و با وجود این مشکلات و عدم استفاده از آن مکان به هیچ عنوان، آیا اجازه می فرمائید که آن مکان را بفروشند به همان همسایه و از پول آن در جای دیگر برای کتابخانه یا پایگاه و یا امور عامه دیگر استفاده نمایند.

جواب: فروش وقف جائز نیست.

396. در روستائی علاوه بر حسینیه (تکیه) محلی به عنوان سقاخانه وجود دارد که سقاخانه نسبت به مسجد و حسینیه در موقعیت مکانی مناسبی قرار نگرفته است و محتاج تجدید بنا می باشد. جهت تبدیل به احسن هیئت امناء، محل دیگری در نزدیکی مکان فعلی سقاخانه را انتخاب نموده اند که با مخالفت عده ای مبنی بر شرعی نبودن این انتقال به علت وقفی بودن مکان مواجه شده، آیا این تغییر به عنوان تبدیل به احسن نمودن مکان مذکور جائز است یا خیر؟

جواب: تبدیل نمی شود و انتقال ممکن نیست بلی می توانند سقاخانه دیگری در محل دیگر احداث کنند، ولی سقاخانه اول به حال اول باقی است.

397. مکانی است که حدود یکصد سال قبل به منظور استفاده مطلق فقراء و دیگر مسافران رهگذر به عنوان کاروانسرا و خیرات وقف شده است، بعضی از وارثان

صاحب خیرات به علت ندانستن مسئله با داد و ستدهایی که بین یکدیگر داشته اند به دیگران فروخته و اکنون در تصرف ورثه خریداران است اینگونه معاملات و تصرفات ورثه خریدار در این مکان چگونه است؟

جواب: وقف قابل خرید و فروش نیست، و تصرف در وقف بدون اذن متولی شرعی جائز نیست

فروش اراضی، چنارزار و درختان وقفی

398. 1- اگر ملک وقفی را کسی به نفع خود بفروشد و خریدار آن را صاحب شود در صورتی که تعدادی به خریدار گفته باشند این ملک موقوفه است آیا خرید ملک موقوفه برای خریدار جایز است یا خیر چگونه؟
2- اگر فردی اراضی موقوفه را فروخته باشد آیا وراث آن می توانند به جای اراضی آن اراضی دیگری را به موقوفه واگذار کنند یا باید اراضی خود موقوفه به آن برگردد؟

جواب: 2-1- وقف قابل خرید و فروش نیست و با فروش از وقف بودن خارج نمی شود.

399. ابوی اینجانب موقع حیات خویش یک قطعه زمین چنارزار را وقف امام حسین (ع) نموده است از طرفی هم روستای ما از وجود مسجد محروم است.
1-آیا می شود مورد موقوفه را خرج مسجد بنمایم؟
2-در صورت امکان به علت اینکه دست ما نیز خالی است عنایت فرمائید تا ما بتوانیم از یک باب مسجد برخوردار هم جهت عبادت و هم تعزیه داری امام حسین (ع) استفاده نمائیم.
3-اگر نمی شود عین موقوفه را بفروشیم آیا می توانیم درختهای کاشته شده را فروخته خرج مسجد نمایم.

جواب: موقوفه را نمی توان فروخت نه زمین وقفی را و نه اصل درختهای وقفی را بلکه باید عوائد وقف را صرف در جهت وقف کنند.

400. شخصی وصیت کرده است که خانه ام را بفروشید و مصرف مسجد و حسینیه بنمائید و خانه مذکوردارای چند اصله درخت نخل خرما می باشد و این نخلها هم برای خیرات و مبرات است، حال که موکل می خواهد خانه را بفروشد خریدار می گوید همراه با نخل ها می خرم و بدون نخل خانه را نمی خرد و با توجه به اینکه نخلها برای خیرات در نظر گرفته شده است تکلیف چیست لطفاً بیان فرمائید.

جواب: در فرض مرقوم نمی توانند نخلها را بفروشند و بایددر خیرات از آنها استفاده کنند بلی اگر خیرات شامل صرف پول خود نخل در مسجد و حسینیه هم باشد می توانند بفروشند و پول آن را صرف در مسجد و حسینیه کنند، لکن اگر نخل اینطور اختصاص به خیرات داده شده که با وجود عین عوائدش صرف در خیرات شود نمی توانند آن را بفروشند.

فروش زمین غسالخانه یا گورستان

401. قطعه زمینی وجود دارد که تقریبا از صد سال پیش تاکنون قبرستان عمومی بوده و چند سال پیش در عملیات حفاری چند قبر در آن مشاهده شده و بعد از عملیات حفاری و بردن خاک ها بعضی از قبرها آشکار شده اند و استخوان هم در داخل آن دیده شده، آیا جایز است شهرداری این زمین را بفروشد؟

جواب: اگر قبرستان مزبور وقف باشد، خرید و فروش آن جایز نیست و به هر حال اگر عملیات حفاری موجب نبش قبور شود، آن هم حرام است .

402. خواهشمند است نظر مبارک را در مورد مسئله ذیل مرقوم فرمائید: حکم فروش قبرستان های وقفی توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی چه می باشد در حالی که در بعضی از آنها قبر علمای اسلام بوده و نیز هنگام انجام عملیات ساختمانی بقایای اجساد مسلمین از زیر خاک ظاهر می گردد.

جواب: قبرستان عمومی قابل خرید و فروش نیست.

403. قبرستانی است که هم اکنون متروکه شده بعضی افراد فرصت طلب و سودجو بخشی از قسمت های قبرستان را مورد خرید و فروش قرار داده اند و بعضی به بهانه اینکه حاشیه زمین ایشان است تصرف کرده اند و موجبات هتک و حرمت قبرستان مسلمین را به وجود آورده اند، حال ما تقاضا داریم که از آن مقام عظمای ولایت حکم این مسئله را دریابیم باشد که با روشن شدن حکم مسئله هتک حرمت قبرستان مسلمین پایان پذیرد و اگر شرع مقدس اجازه می دهد اقداماتی در جهت رفع نیاز و احتیاجات عموم مردم از قبیل احداث مدرسه، بهداشت، شرکت تعاونی و... صورت گیرد.

جواب: خرید و فروش و تصرف قبرستان جایز نیست و رسیدگی موکول است به مسئولین محترم ذیربط در جمهوری اسلامی.

404. قبرستان قدیمی در محله ای وجود دارد که حدود 29 سال هیچ میتی در آن به خاک سپرده نشد و اکنون بخشی از این قبرستان در معرض جاده عمومی قرار گرفته بقیه به شکل محل عبور درآمده است، آیا اجازه می دهید جهت استفاده مطلوب تر، قبرستان مذکور فروخته شود و پول آن در قبرستان اصلی محل یا ساخت حسینیه محل استفاده گردد؟

جواب: قبرستان قابل فروش نیست.

405. مردم روستا زمینی را در خارج از روستا جهت گورستان تعیین کرده و با همیاری غسالخانه را هم ساخته اند ولی به جهت بعد مسافت و به جهت اینکه در وسط روستا قبرستان وجود دارد که تا چند سال آینده قابل استفاده است و به هیچ وجه از غسالخانه و قبرستان جدید استفاده نشده،
۱- آیا شرعاً فروش زمین مربوط به گورستان و غسالخانه جدید جایز است؟
۲- در جنب مسجد محل، زمینی که مربوط به مسجد است می توان از این وجه برای ساختن کتابخانه و کلاس و امور مربوط به مسجد هزینه و خرج نمود؟
۳- آیا متولی امر صرف و خرج کردن این امر، هیئت امناء مسجد و حسینیه می تواند باشد؟

جواب: 1- اگر زمین و غسالخانه را وقف نکرده اند اختیار آن با صاحبان آن می باشد چنانچه مصلحت می دانند می توانند آن را تبدیل کنند ولی اگر وقف محقق شده امکان تغییر و تبدیل ندارد.
2و3- در صورت صحت فروش صاحبان پول می توانند به هر کسی که بخواهند وکالت در صرف پول مزبور را در هر موردی بدهند ولی اگر وقف بوده چنین حقی را ندارند.

فروش موقوفه از خوف تصرف عدوانی

406. قطعه زمین در روستا وقف اولاد ذکور بوده است و در اواخر دوران طاغوت از خوف تصرف عدوانی (اصلاحات اراضی) تنها اولاد ذکور آن را فروخته و پولش را در شهر تبدیل به منزلی نموده است.
با توجه به اینکه فروشنده در قید حیات نمی باشد و ملک وقف اولاد ترقی زیادی کرده است، تکلیف وقف چه می شود؟
در صورت بطلان معامله و بازگشت وقف آیا قیمت ملک باید لحاظ شود یا قیمت فروش آن زمان؟

جواب: وقف قابل خرید و فروش نیست و زمین موقوفه به قوت خود باقی است و موضوع خاص نیاز به رسیدگی دارد که موکول است به مسئولین مربوطه.

407. پدر بزرگ اینجانب قطعه زمینی را وقف بر اولاد ذکور خود نموده و علت آن ظاهراً این بوده است که چون رژیم گذشته قصد داشتند زمین ها را تصرف کنند، و ایشان روحانی محل بوده اند، لذا زمین را وقف اولاد خود نموده اند آیا امروز ما می توانیم زمین مزبور را بفروشیم یا در آن احداث بنا نمائیم؟

جواب: اگر زمین وقف است باید مطابق وقف عمل شود، واحداث بناء در آن با نظر متولی شرعی و مراعات جهت وقف مانع ندارد، ولی فروش وقف جایز نیست.

فروش موقوفات پراکنده بجهت تجمیع آنها

408. روستائی دارای مقداری اراضی وقفی است که نظر به پراکندگیبازده آن اندک می باشد لذا متولیان و متصدیان قصد تبدیل و تعویض و یکی نمودن این اراضی به منظور بازده بهتر دارند آیا اجازه می فرمائید؟

جواب: مورد ذکر شده مجوز تبدیل و تعویض موقوفه نمی باشد.

409. یکی از مشکلات این شهر وجود قبرستانهای پراکنده موقوفه می باشد که مردم جهت تدفین متوفیان با مشکل مکان مناسب و آبرومندانه مواجه می باشند تا جائی که در اکثر موارد با نبش قبر مبادرت به دفن متوفی می نمایند. لذا استدعا می شود اجازه فرمایند شورای اسلامی شهر به عنوان متولی با فروش بعضی از موقوفات پراکنده با مساحت اندک در جهت حل مشکل به منظور تهیه زمین مناسب تجمیع نمایند.

جواب: خرید و فروش وقف جائز نیست و هرگونه تصرف در وقف باید زیر نظر متولی شرعی و صلاح وقف باشد.

فروش فرش و موکت مسجد

410. در مواردی که حفظ مال موقوفه مسجد مثل فرش و موکت مندرس، با بهداشت و نظافت آن مکان مقدس منافاتی داشته باشد تبدیل به احسن نمودن اینگونه اجناس موقوفه چه حکمی دارد؟

جواب: با امکان استفاده از آنها فروش و تبدیل آنها جایز نیست و سعی کنند نظافت و بهداشت را در مورد آنها حفظ کنند.

411. از قدیم الایام مردم فرش هائی را داخل مسجدی انداخته اند حال بعضی از این فرش ها فرسوده و کهنه شده و با توجه به اینکه معمولاً مردم موقع آوردن فرش فقط به عنوان اینکه کار خیری کرده باشند فرش را به مسجد آورده اند و خیلی از آنها صیغه وقف را ولو به زبان خودشان نخوانده اند ولی قصد وقف نداشته اند.
حال آیا می توان این فرش ها را فروخت و تبدیل به احسن نمود؟
آیا فرش هایی که وقف شده اند نیز می توان فروخت و تبدیل به احسن نمود؟ اگر بدانیم که فرش ها را وقف کرده اند یا اینکه همینطوری قربه الی الله به مسجد داده اند، آیا می توانیم آنها را بفروشیم و یا فرش نو برای مسجد تهیه نمائیم؟

جواب: در هر صورت حکم وقف را دارد که با امکان استفاده از آن فروش آن جایز نیست حتی برای تبدیل به احسن.

412. ده عدد فرش چهار متری وقف مسجد جامع گردیده و تا بحال فرش ها در مسجد بوده حالا مسجد را اهالی خراب کرده می خواهند از نو بسازند، آقایان معتمدین محل و امام جمعه می گویند این فرش ها را با نظر خبره بفروشیم و پولش را به مسجد خرج نمائیم به عنوان امانت بعد از ساخته شدن مسجد فرش بگیریم و به مسجد بیاندازیم، آیا می شود فرش ها را فروخت و برای مسجد خرج کرد یا نه؟

جواب: اگر فرش ها وقف مسجد است، با امکان استفاده از آن فروش آن صحیح نیست.

فروش رادیو، ضبط، ساعت دیواری و پرده مسجد

413. اگر کسی چیزی را از قبیل فرش، رادیو، ضبط، ساعت دیواری، پرده و... را وقف مسجدی نماید آیا می توان بدون اجازه و دخالت آن شخص مورد وقف شده را فروخت و صرف دیگر مخارج مسجد نمود؟

جواب: وقف قابل خرید و فروش نیست.

فروش آهن و مصالح ساختمانی مسجد

414. شخصی مقداری آهن و لوازم جوشکاری را برای ساخت مسجد در مکانی هدیه کرده و بعد از پایان کار مقداری از آنها زیاد آمده است و با توجّه به اینکه ساختمان مسجد به علت هزینه های دیگر بدهی دارد، آیا فروش آن مقدار اضافی و مصرف پول آن برای پرداخت بدهیهای مسجد و رفع سایر نیازهای آن جایز است؟

جواب: اگر شخص متبرّع، آن ابزار و لوازم را برای ساخت مسجد داده باشد و آنها را برای انجام این کار از ملک خود خارج کرده باشد، در این صورت هر کدام که قابل استفاده باشد، هر چند در مساجد دیگر، فروش آن جایز نیست بلکه باید برای تعمیر مساجد دیگر بکار رود، ولی اگر متبرع فقط اجازه استفاده از آنها را در مسجد داده باشد، دراین صورت مقدار اضافی مال خود اوست و اختیار آن هم در دست او می باشد .

فروش ظروف مسجد

415. طبق رسومات گذشته افرادی ظروف مسی برای مسجد وقف و یا به هر نیت می گذاشتند و الان طبق گفته های متصدی و متولی، آنها اصولاً قابل استفاده برای مراسم مسجد نیست و در 12 ماه سال در گوشه انبار مسجد انداخته شده است و در آینده نیز از این گونه ظروف استفاده نخواهد شد حالا می شود ظروف به درد نخور را فروخت و تبدیل به اشیاء قابل استفاده نمود یا خیر؟

جواب: اگر وقف بودن آنها شرعاً ثابت نباشد فروش و تبدیل آن با اجازه حاکم شرع مانع ندارد ولی اگر ظروف مسی سفید شود و تمیز نگهداشته شود اولی و احسن است.

416. در یکی از روستاها در سال های گذشته دور افرادی ظروف مسی از قبیل کاسه و پیاله و مجمعه و غیره خریده و وقف مسجد محل کرده اند و مورد استفاده عموم بوده، اخیراً با پیدایش ظروف ملامین و استیل بعضی از آن ظروف مسی را مثل مجمعه استفاده می کردند ولی کاسه و پیاله ها را چند سال است که استفاده نمی کنند و می گویند سنگین است در حال حاضر کسانی از اهالی تصمیم گرفته اند که کلیه ظروف مسی را بفروش برسانند در بازار و با پول آن ظروف جدید خریداری کنند آیا این کار با توجه به وقفیت ظروف فوق الذکر مجاز است یا خیر؟ مستدعی است حکم الله را بیان فرمائید.

جواب: اگر قابل استفاده در جهت وقف ولو در مسجد یا حسینیه دیگر باشد فروش و تبدیل آن جایز نیست.

417. عباسیه محل ما دارای حدود دو تن ظروف مسی است که روی بعضی از آنها مهر وقف نیز ضرب شده است، با توجه به اینکه امروز ظروف مسی مورد استفاده نمی باشد و ظروف مذکور بلااستفاده مانده است و احتمال تلف شدن آنها نیز می رود، آیا اجازه می فرمائید که این ظروف را به فروش رسانده و از قیمت آن ظروفی را که امروز مورد استفاده است تهیه نمائیم؟

جواب: اگر ظروف قابل استفاده است در جهت وقف ولو در حسینیه دیگر فروش آن جایز نیست.

418. حسینیه قدیمی دارای مقداری وسائل پذیرائی از قبیل (بشقاب های مسی، کاسه آبخوری برنجی، دیگهای مسی و لوازم دیگر) است که هم اکنون چند سال است مورد استفاده قرار نمی گیرد و در معرض اتلاف می باشد و تعمیر و نگهداری آن مقرون به صرفه نیست ملزومات فوق الذکر به وسیله افراد محلی وقف سیدالشهداء و یا به صورت نذر در اختیار حسینیه قرار گرفته است اکنون اگر اجازه بفرمائید یکجا به فروش رفته و وجه آن صرف خرید ملزومات جدیدی که همان مصارف را دارد بشود، ضمناً چون اینجانب به عنوان روحانی محل مسئول امورات شرعیه روستای مذکور نیز هستم درخواست اجازه می نمایم.

جواب: نمی توانند بفروشند و اگر امکان استفاده از آن در همان حسینیه هست باید همانجا از آن استفاده کنند، بلی اگر امکان ندارد به حسینیه دیگر که امکان دارد ببرند و بنابر احتیاط سعی کنند به الاقرب فالاقرب ببرند.

419. دیگ ها و ظروفی قدیمی (مسی) وقفی که از کار افتاده اند و غیر بهداشتی می باشند و در تکایای دیگر هم از آنها استفاده نمی نمایند آیا می شود تبدیل به احسن کرد یا خیر؟

جواب: تبدیل ظروف مسی وقفی اگر قابل استفاده باشد ولو با سفید کردن، جائز نیست.

ب) موارد جواز فروش عین موقوفه و تجهیزات غیر قابل استفاده

فروش وقف خاص

420. شخصی مقداری از باغ و آب را وقف نموده است و درحال حاضر از دنیا رفته است و چون کسی روی این باغ کار نمی کند لذا سودی از آن حاصل نمی شود و در نتیجه از بین خواهد رفت، آیا می توان این باغ و آب را فروخت و به جای آن مثلاً زمین یا مغازه ای برای وقف خریداری نمود؟

جواب: اگر انتفاع از وقف در جهت وقف ممکن نیست. در وقف خاص فروش جایز است.

421. شخصی مقداری آب و زمین زراعی را وقف پسران خود نموده، ولی به علت کثرت اولاد و سنگینی کارهای کشاورزی وکمی محصول،کسی تمایلی به زراعت در زمین ندارد و به همین دلیل وقف در آینده نزدیک، خراب و از قابلیت انتفاع خارج خواهد شد، آیا جایز است به همین دلیل، زمین و آب مذکور فروخته شوند و پول آنها در کارهای خیر مصرف شود؟

جواب: تا زمانی که وقف، قابلیت انتفاع و استفاده در جهت وقف را دارد، هر چند با اجاره دادن آن به بعضی از موقوف علیهم یا به شخص دیگر و مصرف اجاره آن در جهت وقف باشد و یا نوع استفاده از آن تغییر کند، فروش و تبدیل آن جایز نیست، و در صورتی که به هیچ وجه قابل انتفاع نباشد ولو در آینده، فروش آن جایز است، ولی در این صورت واجب است با پول آن ملک دیگری خریده شود تا منافع آن در جهت وقف به مصرف برسد .

422. بانوی سالمندی خانه ای را که طبق وقفنامه ای از اجداد به ایشان رسیده است، ظاهراً منظور واقف این بوده که اولاد ذکور خانواده از این خانه استفاده کنند و در آسایش باشند، ضمناً مقداری از آن را صرف روضه خوانی و مقداری صرف خرید روغن برای چراغ مسجد نمایند.
از آنجا که اکنون خانه مخروبه گشته و بلا استفاده مانده است و قدرت تعمیر آن نیز وجود ندارد حال سؤال این است که آیا می توان خانه مذکور را بفروش رساند و از درآمد آن جایی دیگر را خرید و یا آن را خرج تعمیر منزل موجود در روستا نمود؟

جواب: از وقف باید در جهت وقف استفاده شود و اگر امکان استفاده از آن نیست، متولی شرعی آن را به جای دیگر که قابل استفاده باشد تبدیل می کند.

فروش اراضی وقفی

423. رقبات موقوفه از قبیل نخل و اراضی دیمی تقریباً فاقد درآمد گردیده، و هزینه آن بیش از درآمد آن می باشد، و به همین جهت به دلیل نداشتن درآمد سال ها است که نیت واقف تقریباً تعطیل گردیده است.
بر این اساس از آن مقام معظم تقاضامندیم که اجازه فرمایند با فروش این رقبات و خرید رقبات جدید و تبدیل به احسن موقوفه اقدام نموده، و در جهت نیت واقف به مسجد موقوفه کمک نمائیم.

جواب: در صورتی که املاک موقوفه مذکوره منفعت معتدبه ندارد فروش و صرف ثمن آن در خرید چیزی که دارای منفعت باشد اشکال ندارد و صرف درآمد حاصله از آن در ساخت و ساز مسجد، بلامانع می باشد.

424. قطعات املاک و اراضی موقوفه به دلیل تغییر مجاری آب، و به هم خوردن املاک تخریب و تصرف مزارع، فاقد درآمد گردیده، به حدی که دیگر کسی حاضر به سرمایه گذاری روی آن نیست، و کلاً فاقد توجیه اقتصادی گردیده و به نظر می رسد بقای آن دیگر به مصلحت وقف نباشد. نهایتاً فروش اراضی و تبدیل به رقبات دیگر راه نجات موقوفه می باشد. لذا با فرض مذکور امکان شرعی فروش و خرید رقبه مناسب دیگر وجود دارد یا خیر؟

جواب: اگر استفاده از زمین موقوفه در جهت وقف حتی با اجاره دادن و صرف منافع آن در جهت وقف نیز ممکن نباشد فروش و تبدیل زیر نظر متولی شرعی موقوفه به صورت مرقوم اشکال ندارد.

فروش باغ وقف حضرت سید الشهداء (ع)

425. به استحضار می رساند که اینجانب یک قطعه باغ انگوری را چند سال است که وقف سید الشهداء کرده ام به این عنوان که 1/3 حاصل آن را احیاء کننده بردارد و 2/3 حاصل از آن را در راه سیدالشهداء مصرف نمایند ولی عاملی برای آن تعیین نکرده ام، تا یکی دو سال پیش خودم او را به این نحو عمل می نمودم ولی دو سال است که خودم مریض و پیر شده ام دیگر نمی توانم و کسی هم از اهالی به این قیمت و حتی به دو سهم مال احیاء کننده هم حاضر نیست احیاء کند و دو سال است که رها شده و باغ از بین می رود و درختهایش می افتد و از آنجا که فقط درخت های انگور مورد وقف است نه زمین آن و کسی هم پیدا نمی کنم برای احیاء و آبیاری آن و فرزندان من هم در تهران می باشند و هیچگونه دخالتی ندارند لذا از محضر حضرتعالی تقاضا دارم تا اجازه بفرمائید آن را بفروشم و پول آن را در عزای سید الشهداء و یا در هر راهی که صلاح می دانید مصرف نمایم چون هیچ راه چاره ای جز فروش ندارد.

جواب: اگر به هیچ نحو قابل استفاده در جهت وقف نیست، می توانید آن را بفروشید و با پول آن چیزی تهیه و وقف کنید که عواید آن صرف در جهت وقف شود.

426. اینجانب متولی موقوفه مختصری هستم که جهت آن وقف در امور عزاداری و مجالس سوگواری حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) و همچنین برای بازسازی حسینیه موقوفه (به حسب نیاز آن) و مازاد در تصرف خود متولی می باشد، موقوفه کشت و باغ است، باغ اولی که دارای 18 درخت بود الان به خاطر خشک شدن فقط 8 درخت دارد و بقیه تلف شده است و از باغ دومی نیز از میان 13 درخت 11 درخت مانده است و چون هر دو این باغ ها امروز در آبادی مردم افتاده است ناچاریم که آن را بفروشیم و از قیمت حاصله آن طبق شرائط واقف یا حسینیه موجود را بازسازی کنم و یا ملک دیگری بخرم، لذا از جنابعالی تقضا می کنم که به فروش آن (باغ) اجازه مرحمت بفرمائید.

جواب: اگر امکان استفاده از باغ های مذکور نیست و ما بقی درختها در معرض از بین رفتن هستند می توانید آنها را فروخته و با پول آن باغ یا مکانی را تهیه کنید تا منافع آن در راه وقف مصرف شود.

427. احتراماً به استحضار می رساند یک باب منزل مسکونی و 10 ساعت آب از سوی مرحوم مغفور برای اقامه عزاداری سالار شهیدان حضرت حسین ابن علی (ع) با تولیت اینجانب وقف شده است ولی متأسفانه به دلیل نیاز به تغییر منزل مسکونی و عدم درآمد، عزاداری در مکان دیگر برگزار می شود و به استحضار می رساند با توجه به توسعه مسجد و درخواست از سوی مؤمنین برای در اختیار گرفتن منزل مزبور برای مسجد با شرط اقامه عزاداری حکم شرعی آن چه می باشد، در صورت منفی بودن جواب آیا در اختیار گذاشتن مقداری از ملک که دخل در عزاداری ندارد به عنوان هدیه از سوی متولی برای مسجد امکان دارد یا خیر؟

جواب: تغییر وقف جایز نیست، و باید ازمنزل در جهت وقف استفاده شود، بلی اگر به هیچ وجه استفاده از آن در جهت وقف ممکن نباشد می توانند با نظر متولی شرعی در مطلق خیرات از جمله مذکور در سؤال از آن استفاده نمایند.

فروش خاک اضافی زمین وقفی

428. زمین زراعی وجود دارد که وقفی بوده و سطح آن بالاتر از زمین های اطراف آن است و به همین دلیل رساندن آب به آن ممکن نیست و مدّتی است که کار مساوی کردن آن با زمین های دیگر به پایان رسیده و خاک های اضافی در وسط آن جمع شده و مانع زراعت در آن است، آیا فروش این خاک ها و مصرف پول آن برای حرم یکی از اولاد ائمه «علیهم السلام» که نزدیک زمین مزبور قرار دارد جایز است؟

جواب: اگر خاک اضافی مانع استفاده از زمین های موقوفه است، انتقال آن از زمین و فروش آن و مصرف پول آن در جهت وقف اشکال ندارد.

تبدیل به احسن یا فروش نخلهای وقفی

429. حقیر متولی بخشی از موقوفات امام حسین (ع) در منطقه می باشم. مردم آن منطقه بنا به علاقه ای که به حضرت رسول اکرم (ص) و ذریه زهرای اطهر (س) و ائمه معصومین (ع) خصوصاً امام حسین (ع) دارند تعدادی از نخیلات خود را طلباً لمرضات الله وقف موالید و شهادت آن بزرگواران می نمایند تا در موقع تولد یا شهادت برای آنها اقامه مجلس شود و این رسم دیرینه از قدیم الایام تا حال در آن منطقه بوده و هست. مطلبی که قصد دارم به استحضار حضرتعالی برسانم آن است که نخیلات موقوفه به طور پراکنده و اندک است به طوریکه جمع آوری عایدات آن با مخارج از عایدات نخیلات فوق الذکر بیشتر می شود لذا بنا به مسئله تبدیل به احسن استدعای آن را دارم که معظم له نظر مبارک را در مورد فروش نخیلات مذکور و سپس خرید آن در یکجا مرقوم فرمایند، لازم به تذکر است که بعضی از واقفین زنده و بعضی هم در قید حیات نیستند.

جواب: معلوم است که با امکان استفاده از نخیلات و صرف عواید در جهت وقف، تبدیل جایز نیست و در غیر اینصورت تبدیل به احسن مانع ندارد و تشخیص آن با متولی می باشد.

430. پدرم قطعه زمینی را که تعدادی درخت خرما در آن وجود دارد برای اطعام در ایّام عاشورا و شبهای قدر وقف کرده است و اکنون حدود صد سال از عمر درختهای موجود در آن می گذرد و از قابلیت انتفاع خارج شده اند، با توجّه به اینکه اینجانب پسربزرگ و وکیل و وصی پدرم هستم، آیا جایز است این زمین را فروخته و با پول آن مدرسه و حسینیه ای بسازم تا صدقه جاریه ای برای پدرم باشد؟

جواب: اگر زمین هم وقف باشد، به مجرّد خروج درختان وقفی موجود در آن از قابلیت انتفاع، فروش و تبدیل آن جایز نمی شود، بلکه واجب است در صورت امکان به جای آنها هر چند با صرف پول درختانی که از قابلیّت انتفاع، خارج شده اند درختان جدید خرما، کاشته شود تا منافع آنها در جهت وقف مصرف شود و در غیر این صورت باید از زمین موقوفه بصورت دیگری استفاده شود هر چند با اجاره دادن آن برای زراعت یا ساخت خانه و مانند آن و مصرف درآمد آن در جهت وقف باشد و بطور کلی تا زمانی که به نحوی از انحاء، استفاده از زمین موقوفه امکان دارد، خرید و فروش و تبدیل آن جایز نیست، ولی فروش نخلهای موقوفه در صورتی که ثمره ندهند اشکال ندارد و در صورت امکان باید پول آنها برای کاشت درخت های جدید مورد استفاده قرار گیرد و در صورتی که امکان نداشته باشد، باید در همان جهت وقف مصرف گردد .

تبدیل به احسن موقوفه امیرالمؤمنین (ع)

431. زمین موقوفه امیرالمؤمنین (ع) که با اجازه آیت الله شاهرودی (ره) تعویض شده و تبدیل به احسن شده است، 2/3 آن حسینیه احداث شده 1/3 آن را مستأجر تخلیه نکرده و باقی مانده بعد از فوت مستأجر زمین رها شده و الان مدتی هست که تحویل شهرداری شده. در مقابل زمینی در جای دیگر این تعویض که بدون هماهنگی با متولی و حاکم شرع انجام شده و الان هم در جنب حسینیه برای خود حسینیه قابل استفاده است آیا صحیح است یا نه تکلیف چیست؟

جواب: متولی شرعی موقوفه اگر با دقت نظر و رعایت مصالح وقف یا در صورت نبود متولی خاص شخص یا اشخاصی با اذن و اجازه مرجع تقلید جامع الشرایط در زمین وقف دخل و تصرفی نمودند باید مطابق آن عمل شود و تغییر وقف و تبدیل آن به چیز دیگر جایز نیست و گرنه حکم غصب را دارد که نیاز به رسیدگی دارد و می توانید به متولی شرعی خاص یا اگر متولی ندارد به حاکم شرع مراجعه نمایید و نیز امور اداری و قانونی موقوفه با متولی شرعی است.

فروش یا تبدیل به احسن فرش مسجد یا امامزاده

432. به منظور برگزاری مراسم توسط اشخاص فرش هایی برای امامزاده محل خریداری گردیده که اخیراً توسط یک فرد خیر ایوان امامزاده مفروش شده و طبعاً فرش های خریداری شده بلا مصرف گردیده و کنار گذاشته اند، آیا مقام معظم رهبری اجازه می فرمایند فرش های خریداری شده تبدیل به وسایل مورد نیاز دیگری از قبیل دستگاه صوتی برای مجالس فاتحه خوانی شود و یا در مهدیه ای که در جنب امامزاده قرار گرفته و یا مساجدی که در محل موجود است و نیاز به آن فرش ها دارد استفاده شود؟

جواب: فروش فرش امامزاده جائز نیست و اگر در محل موقوفه قابل استفاده نیست به امامزاده دیگر منتقل کنند و اگر به هیچ وجه قابل استفاده نیست می

توانند تبدیل به احسن کنند.

433. شخصی یک تخته فرش به مسجد اهداء نموده و اکنون این فرش در مسجد بلا استفاده مانده است.
آیا می توان آن را فروخت و مبلغ حاصل آن را در موارد دیگر مسجد صرف کرد؟

جواب: اگر استفاده از آن در همان مسجد به هیچ وجه امکان ندارد در مسجد دیگری بهره برداری کنند و اگر آن هم امکان ندارد در مصالح عامه از آن استفاده نمایند و اگر بهره برداری از آن ممکن نیست مگر به فروش آن، می توانند بفروشند و پول آن را به همان نحو و ترتیب که گفته شد مصرف کنند.

تبدیل به احسن دیگ های مسی موقوفه

434. دیگ های بزرگ مسی که وقف عموم و به نام افراد مشخص می باشد که به دلیل مستهلک شدن و هزینه بالای قلع آن قابل استفاده نمی باشد و در انبار موجود می باشد، آیا می شود آنها را تبدیل به احسن نمود و وقف همان افراد کرد؟
آیا ظروف وقف شده که قابل استفاده نیست با اجازه وقف کننده یا وارثین وقف کننده می توان آنها را تبدیل به احسن نمود؟
سماورهایی جهت استفاده عموم از بدو تأسیس حسینیه و مسجد وقف شده است که به دلیل فرسودگی قابل استفاده نیست و مشخص نیست چه کسی وقف نموده است آیا می شود آنها را تبدیل به احسن نمود؟

جواب: اگر امکان استفاده از ظروف، دیگها و سماورهای موقوفه در آن حسینیه و مسجد نیست به حسینیه و مسجد دیگر داده شود و چنانچه به هیچ وجه قابل استفاده نباشند تبدیل آنها به احسن اشکال ندارد.

435. آیا دیگ ها و ظروف مسی که وقف مساجد می باشند می توان آنها را به دلایل بهداشتی یا هزینه سنگین قلع آنها تبدیل به ظروف آلومنیومی (تبدیل به احسن) کرد یا خیر؟

جواب: اگر به هیچ وجه قابل استفاده در جهت وقف ولو در مسجد دیگر نباشد مانع ندارد.

436. حسینیه شهداء با داشتن اموال مختلف از جمله کالاهای اهدائی و دیگ های مسی می باشد که بعضاً وقف حسینیه شهداء گردیده است و در حال حاضر دیگ های مسی با چند مرحله استفاده در پخت غذا و حرارت شعله گاز می بایست با قلع سفید گردد که هر چند وقت هزینه زیادی در برخواهد داشت از آنجائیکه دیگهای آلومنیوم چنین مشکلی را ندارد لذا از نظر بهاء دیگ تبدیل دو یا سه دیگ مسی به یک دیگ آلومنیوم مقدور خواهد بود. خواهشمند است در خصوص تبدیل دیگ حسینیه شهداء را ارشاد فرمائید.

جواب: اگر قابل استفاده هر چند در حسینه های دیگر نیست، تبدیل مانعی ندارد.

437. مقدار زیادی کاسه مسی مربوط به حسینیه روستا است که قابل استفاده نیست و استفاده از آنها معمول نیست تکلیف ما در این مورد چیست؟

جواب: چنانچه آن ظرف ها در آن حسینیه که برای آن وقف شده، قابل استفاده نباشد و در حسینیه های دیگر هم قابل استفاده نباشد ؛ می توانید آن را با ظرف های قابل استفاده مبادله نمایید.

438. عده ای از خیرین ظروفی را جهت اطعام طعام مؤمنین در مجالس عزاداری ائمه معصومین (ع) و استفاده عمومی تقدیم مسجد و حسینیه کرده اند که جزء اموال مسجد و حسینیه به حساب می آید از آنجایی که ظروف مذکور مستهلک شده اند و خبر از نیت اهداء کنندگان نیست که آیا وقف نموده اند یا خیر.
در فرض مذکور آیا می شود از طریق فروش، این ظروف را تبدیل به احسن نموده و ظروف جدید را جایگزین آن بنمایند؟

جواب: در فرض مرقوم اگر استفاده از این ظروف امکان پذیر نیست به طوری که اگر فروخته نشود موجب از بین رفتن آن می شود می توان با فروش، آن را تبدیل به احسن نمود.

حکم اجناس مستهلک مسجد و حسینیه

439. حسینیه شهداء اجناس اسقاطی و از کار افتاده دارد خواهشمند است دستور فرمائید از طرف دفتر محترم نمایندگی، فروش اجناس فوق را به شورای اسلامی و هیئت امنای حسینیه فوق الذکر واگذار کرده تا اجناس اسقاطی فروخته شود و به جای آن اجناس مورد نیاز و قابل استفاده خریداری و جایگزین گردد، خداوند به مقام معظم رهبری طول عمر با برکت عنایت فرماید.

جواب: اگر به هیچ وجهی اجناس مذکور در خود آن حسینیه قابل استفاده نیست، و حسینیه های دیگر هم با مراعات الاقرب فالاقرب نیاز ندارد در این صورت متولی شرعی حسینیه با در نظر گرفتن مصلحت وقف می تواند بفروشد و به مصرف حسینیه برساند.

440. آیا اجناس مستهلک مسجد را می توان فروخت از درآمد حاصله آن در خرید اجناس مورد نیاز و یا ساخت بناء مسجد هزینه نمود؟

جواب: اگر در خود آن مسجد و مساجد دیگر به هیچ وجهی قابل استفاده نباشد فروش آن مانع ندارد.

حکم قرآن یا کتب وقفی غیر قابل استفاده

441. اینجانب متولی قرآنی هستم که بیش از یکصد سال قبل با دست نوشته شده، حال بیم آن می رود که از بین برود اگر اجازه می فرمائید آن را بفروشم وپولش را قرآن و مفاتیح برای استفاده مردم خریداری نموده در مسجد بگذارم.

جواب: فروش وقف جائز نیست مگر آنکه استفاده از آن به هیچ وجه ممکن نباشد که در آن صورت می توانند طبق نظر متولی و مصلحت وقف تبدیل به احسن

نمائید.

442. این کتابخانه دارای کتاب هایی می باشد که کاربرد ندارد اعم از اینکه بسیار فرسوده، دارای محتوای قدیمی و بدون متقاضی است. محل تأمین کتاب های فوق وقف، هدیه یا خریداری شده است. بر اساس دو فرض فوق مبادله این کتاب ها با کتاب یا اهداء به مناطق محروم یا فروش به تشخیص مسئول کتابخانه چه حکمی دارد؟

جواب: اگر وقف بودن کتاب های مورد سؤال، محرز باشد، در صورت عدم امکان استفاده از آن ولو در کتابخانه های دیگر تبدیل به کتاب های دیگر با نظر متولی شرعی مانعی ندارد، ولی اگر هدیه یا خریداری شده باشد و وقف برای کتابخانه نشده باشد فروش و تبدیل آن به کتاب های دیگر مانعی ندارد.

خرید زمین مشکوک به وقف

443. سه سهم از آب نهر را از پدرم به ارث بردم و اکنون متوجه شده ام که این سه سهمی که پدرم خریداری کرده جزء صد سهمی است که پانزده سهم آن موقوفه است و الآن مشخص نیست که این سه سهم داخل در کدامیک است، آیا جزء وقف است یا ملک فروشنده؟ تکلیف من در این رابطه چیست؟ آیا خرید این سه سهم باطل بوده و من حق مطالبه پول آنها را از فروشنده اوّل که هنوز زنده است دارم؟

جواب: اگر فروشنده هنگام فروش، مالک شرعی آن مقدار از آب مشترک که فروخته است بوده و معلوم نباشد که آیا آن مقداری را که مالک آن است فروخته یا سهم مشاع بین وقف و ملک را به فروش رسانده است، در این صورت بیع محکوم به صحت است و حکم به مالکیّت مشتری نسبت به مبیع و انتقال آن از طریق ارث به ورثه او می شود.

444. شخصی زمینی را هشتاد سال پیش خریده و بعد از وفات او، ورثه اش چندین معامله روی آن انجام داده اند و خریدارانی که این زمین را از مشتری اول خریده اند همگی فوت کرده اند و در نتیجه زمین در اختیار ورثه آنان قرار گرفته است و گروه اخیر حدود چهل سال است که زمین را بطور رسمی به نام خود کرده اند و بعد از گرفتن سند رسمی مالکیت، خانه های مسکونی برای خود در آن ساخته اند و اکنون یکی از افراد ادّعا می کند که این زمین وقف بر اولاد مالک بوده و آنان حق فروش آن را نداشته اند، حال با توجّه به اینکه در طول هشتاد سال کسی چنین ادعایی نکرده و سند مکتوبی که دلالت بر وقفیّت بکند هم وجود ندارد و کسی هم شهادت به آن نداده است، مالکان فعلی چه تکلیفی دارند؟

جواب: تا زمانی که مدّعی وقفیّت و مدّعی عدم جواز بیع، ادعای خود را به طریق معتبری ثابت نکرده، حکم به صحت معاملاتی که روی زمین واقع شده است و همچنین حکم به ملکیت آن برای افرادی که فعلا نسبت به زمین ذوالید و متصرّف در آن هستند، می شود .

ج) جواز فروش موقوفه در موارد استثنایی

445. زمین موقوفه ای که اجاره آن باید در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان خرج شود قسمتی از آن در مسیر جاده قرار گرفته و بقیه هم در حال تخریب و از بین رفتن است سؤال ما این است که آیا می توانیم ما بقی زمین را بفروشیم یا خیر در صورتی که اجاره آن سرجای خودش باشد و اگر می توانیم بفروشیم، از پول آن زمین دیگر بخریم وقف نمائیم یا خرج مسجد نیمه کاره نمائیم. خواهشمندیم دستورات لازم را جهت حفظ نمودن موقوفه مرقوم فرمائید.

جواب: با امکان استفاده از وقف در جهت وقف فروش آن جائز نیست و اگر استفاده از آن ممکن نیست مواردی مسوغ فروش وقف هست که در کتب مربوطه از جمله تحریرالوسیله حضرت امام خمینی (ره) با شرائط آن ذکر شده است، و در هر صورت باید زیر نظر متولی شرعی و با نبود شخص خاص حاکم شرع باشد.

446. آیا فروش زمین هایی که وقف خاص بوده و واقف بر اثر اجرای قانون اصلاحات ارضی آنها را بدست آورده، جایز است؟

جواب: اگر واقف در هنگام وقف، مالک شرعی چیزی باشد که وقف کرده است و وقف هم بر وجه شرعی توسط او محقق شده باشد، خرید و فروش و تغییر و تبدیل آن توسط او یا دیگری صحیح نیست هر چند وقف خاص باشد، مگر در موارد خاص استثنایی که شرعا در آن موارد فروش و تبدیل آن جایز است .

447. آب ملک وقف اولاد ذکور را فروختن چه صورت دارد حکم را بیان فرمائید.

جواب: فروش وقف جایز نیست، مگر در موارد خاصی که در کتب مربوطه ذکر شده است.

448. زمینی در این محل وقف بر حوزه علمیه گردیده، اکنون شهرداری برای تعریض خیابان می خواهد مقداری از این زمین را بخرد، مستدعی است حکم الله را بیان فرمائید.

جواب: خرید و فروش وقف جایز نیست مگر در موارد خاصی که در کتب مربوطه مذکور است.

449. مجلس شورای اسلامی در تاریخ 1371/11/25 با بقاء بر نظر سابق (عدم ذکر موقوفات خاص) مصوبه 1371/02/20 را مجدداً تصویب نموده است. با عنایت به مراتب معروضه بالا مستدعی است به منظور تعیین تکلیف شرعی جواهر نظر عالی را در مورد تطابق یا عدم تطابق مصوبه اخیر با موازین شرع انوار محمدی (ص) امر به ابلاغ فرمائید.

جواب: در حکم شرعی بطلان بیع وقف مگر در موارد بخصوصی که استثناء شده است فرقی بین اوقاف عامه و بین وقف خاص نیست، و اظهار نظر در مورد مصوبه مجلس شورای اسلامی با شورای نگهبان است.

د) فروش موقوفه درصورت شرط ضمن وقف

450. شخصی در حدود صد سال است که ملک خود را بر اولاد ذکورش وقف کرده و در وقفنامه ذکر نموده که اگر یکی از اولاد ذکور او فقیر شود، شرعا حق دارد سهم خود را به ورثه دیگر بفروشد و بعضی از فرزندان او چند سال پیش مبادرت به فروش سهم خود به بعضی از موقوف علیهم نمودند و اخیرا گفته می شود که چون کلمه وقف درمیان است، بنابر این شروطی که واقف ذکر کرده صحیح نبوده و خرید و فروش آن ملک هم باطل است، حال با توجّه به اینکه، این زمین وقف خاص است نه وقف عام، آیا خرید و فروش آن بر طبق آنچه که واقف در ضمن وقفنامه ذکر کرده، جایز است؟

جواب: اگر ثابت شود که واقف در ضمن عقد وقف شرط کرده که اگر یکی از موقوف علیهم فقیر و نیازمند شد، بتواند سهم خود را به یکی دیگر از موقوف علیهم بفروشد، بیع کسی که سهم خود از وقف را بر اثر فقر و احتیاج فروخته اشکال ندارد و بیع او در این صورت محکوم به صحّت است .

الف) عدم جواز تغییر وقف پس از قبض در اغلب موارد

تبدیل مدرسه علمیه به مسجد، کانون قرآن و کتابخانه

451. ساختمانی از طرف شخصی وقف تحصیل طلاب حوزه علمیه شده است و برای آن متولی خاص انتخاب کرده است اما از آن جا که مدارس شهرستانی برای رسمیت یافتن می بایست زیر نظر حوزه عملیه قم باشند و شرایط تعیین شده از طرف مدیریت حوزه علمیه قم با شرایط متولی مدرسه تطبیق نمی کند، در حال حاضر ساختمان مذکور بلا تکلیف مانده است و امکان تأسیس حوزه و تربیت طلاب وجود ندارد، در چنین شرایطی اداره آموزش و پرورش شهرستان به منظور حفظ کاربری ساختمان، پیشنهاد استفاده از آن به منظور آموزش قرآن دانش آموزان با عنوان «کانون قرآن» را داده است و بر این پیشنهاد اصرار زیاد دارد، مستدعی است ضمن تعیین تکلیف، ما را از وضعیت پیش آمده رهایی دهید.

جواب: اگر ساختمان وقف مدرسه علمیه شده و تحویل متولی شرعی شده تبدیل آن به چیز دیگر جائز نیست و اگر وقف تمام نشده اختیار آن با مالک می باشد.

452. در سال های پیش یکی از علمای منطقه با جمع آوری وجوهات شرعیه و کمک مردمی یک دستگاه ساختمان به عنوان مدرسه علوم دینی، خریداری نموده بود، مدتی در ساختمان فوق طلاب علوم دینی مشغول به تحصیل بودند ولی فعلاً ساختمان مذکور تخریب گردیده و مکان آن به محل جمع آوری زباله شهری درآمده است و از طرفی دیگر در جای مناسب و فضای وسیع حوزه علمیه با ساختمان بهتری تهیه گردیده است و اینک زمین مخروبه ساختمان قبلی بلا استفاده مانده است.
آیا جایز است زمین فوق را جهت استفاده و تکمیل ساختمان فعلی بفروش برسانند یا نه؟
آیا جایز است یک دستگاه ساختمان جهت ایجاد کتابخانه عمومی با اشتراک بعضی از نهادها و ادارات در مکان مذکور ایجاد نمود یا نه؟ و اگر غیر از ساخت حوزه علمیه در مکان مزبور، استفاده دیگری از آن ممکن است مرقوم فرمائید.

جواب: اگر زمین وقف مدرسه علمیه باشد تغییر و تبدیل آن به چیز دیگر جایز نیست.

453. کتابخانه ای را که در راه پله فوقانی حجره های مدرسه جامع و آشپزخانه و حسینیه آن که وصل به مسجد جامع می باشد، بدون اجازه متولی خاص خراب کردند و جزء مسجد قرار دادند آیا نماز خواندن در آن مکان جائز است یا خیر؟

جواب: اگر وقف بودن محلی به عنوان خاص ثابت باشد تبدیل آن جائز نیست، ولی اگر وضعیت وقف معلوم نباشد باید عمل افراد صالح و متدین، حمل بر صحت شود.

تبدیل دارالتعلیم به پایگاه ورزشی

454. آیا زمینی که وقف بر دارالتعلیم قرآن بوده است و ساختمان شده به نام دارالتعلیم قرآن، می شود نام او را عوض کرد و به نام پایگاه آموزشی قرار داد و برای کارهای دیگری مورد استفاده قرار داد از قبیل ورزش؟

جواب: در فرض سؤال جایز نیست.

دبیرستان به خانه معلم و تغییر مدرسه

455. اگر کسی زمینی را جهت ساخت دبیرستان دخترانه وقف نماید آیا می توان در آنجا چیزی دیگری مثلاً خانه معلم یا مدرسه دیگر درست نمایند؟

جواب: اگر زمین موقوفه را تحویل داده باشد باید بر طبق وقف عمل شود و نباید تغییر داده شود.

456. فرد خیری زمین خود را با شرط احداث مدرسه و زمین ورزش فقط برای دانش آموزان مدارس وقف می نماید. مستدعی است اعلام فرمایید:
آیا از زمین صدرالذکر می توان غیر آنچه که مد نظر واقف بوده است بهره برداری نمود یا خیر؟
آیا با نظر مسئولین مافوق در وزارت آموزش و پرورش می توان در ازاء گرفتن امکاناتی به سازمان دیگری واگذار نمود یا خیر؟

جواب: الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها (هر شرط یا خصوصیتی که توسط واقف در وقف مطرح شده، باید رعایت شود) و هیچگونه تغییر و تبدیل در وقف جایز نیست.

تغییر مکان مغازه وقفی

457. بالای آب انبار یک باب مغازه درست کرده بودند جهت خدام مسجد که همه کارهای مسجد را انجام دهد و هم در مغازه کاسبی کند با توجه به بزرگ تر کردن فضا با مغازه لازم است که تغییر مکان شود بفرمائید چه حکمی دارد؟

جواب: تغییر وقف جایز نیست.

احداث درب بین دو مغازه وقفی بدون اذن متولی

458. دو مغازه مجاور هم وجود دارند که هر یک موقوفه مستقلی از حیث واقف و مصرف هستند و هر کدام مفروز و منفصل از دیگری است، آیا مستأجر آن دو مغازه حق دارد از یکی از آن دو دربی به دیگری و یا به محل عبور خاص آن باز کند؟

جواب: انتفاع از وقف و تصرّف در آن هر چند به مصلحت وقف دیگر باشد واجب است طبق شرایط وقف و با اجازه متولی صورت بگیرد و مستأجر هر یک از آن دو مغازه وقفی مجاور هم، حق ندارد به عنوان اینکه مغازه دیگر هم وقف است با بازکردن درب از یکی به دیگری و قراردادن راه از آن به مغازه دیگر، در وقف تصرّف کند .

تبدیل حمام وقفی به منزل مسکونی

459. حدود 45 سال قبل مردم روستا تصمیم به ساخت حمام گرفتند و شخصی مکان آن را داد و در آن حمام ساختند و سال ها مورد استفاده اهالی محل قرار گرفت ولی حالا بر اثر عدم استفاده و هزینه زیادی که دارد تبدیل به منزل مسکونی شده است حال سؤالهای زیر پیش آمده:
آیا زمین وقف است یا خیر؟
در صورتی که وقف است این نفری که آن را تبدیل کرده باید چه کند؟
اگر باید با اجازه حاکم شرع خریداری نماید با بهای امروز و یا روز تصرف؟
در هر حال تکلیف این سرمایه گذاری 15 میلیون تومان در آن زمین 150 متری چیست؟

جواب: اگر زمین را به قصد ساختن حمام برای اهالی روستا در اختیار قرار داده در مفروض سؤال وقف است و تغییر و تبدیل آن جائز نیست و موضوع خاص نیاز به رسیدگی دارد که موکول است به مسئولین مربوطه در اداره اوقاف.

460. یک باب حمام قدیمی وجود دارد چندین سال است بر اثر سهل انگاری مسئولین مربوطه و اهالی محل به صورت خرابه ای درآمده است کانون فرهنگی و ورزشی جوانان مساجد قصد دارد این حمام را تعمیر کند و با توجه به سخنان بسیار مهم و ارزشمند اخیر مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان از این محل به عنوان خانه جوان استفاده نماید تا اولا از این محل تاریخی حفظ و نگهداری شود و ثانیا استفاده بهینه از این محل برای فعالیت های جوانان کانون نماید، لذا خواهشمند است دستورات لازم را در این زمینه مبذول فرمائید.

جواب: زمین حمام اگر وقف باشد و بتوان از آن درجهت وقف ولو با تعمیر استفاده نمود تبدیل آن به چیز دیگر جائز نیست و اگر وقف یا ملک شخصی نباشد اختیار آن با مسئولین مربوطه است.

تبدیل قسمتی از قبرستان به حسینیه

461. در روستائی قبرستان قدیمی وجود دارد که محل دفن مردگان مؤمنین از گذشته تا کنون است، در گوشه ای از آن حسینیه ای قرار دارد که در عزای حضرت سید الشهداء (ع) استفاده می شود، آیا افزایش مساحت حسینیه از حیث تصرف در زمین قبرستان ممنوعیت شرعی خواهد داشت؟ البته با توجه به این که وقفنامه ای در ارتباط با این قبرستان و حسینیه در دست نیست، لذا خواهشمندیم وظیفه شرعی ما را در ارتباط با توسعه حسینیه بیان فرمایید.

جواب: در حکم به وقفیت، داشتن وقفنامه لازم نیست اگر در محل معروف به وقف است به نحوی که موجب اطمینان باشد حکم به وقف بودن آنها می شود بنابراین از قبرستان نمی توانند جزء حسینیه قرار دهند.

تبدیل حسینیه و موقوفات منفعتی به مسجد و کتابخانه

462. زمینی وقف مؤبد شده است برای سوگواری حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) اداره اراضی شهری قطعه ای از آن را جهت احداث بنا برای مسجد در اختیار چند نفر خیر گذاشته و عمل احداث نیز در آن انجام شده، به منظور رفع محظور شرعی و دانستن تکلیف اداره در قبال موقوفه استدعا دارد پاسخ سوالات ذیل را مرقوم و به مهر شریف مزین فرموده و اجازه فرمائید به این اداره ابلاغ فرمایند. آیا در زمین موقوفه موصوف می شود مسجد ساخت یا خیر؟

جواب: زمین موقوفه مسجد نمی شود.

463. در یک محله زمینی برای حسینیه وقف شده و حسینیه در آن تأسیس گردیده است، چند سال بعد شخص خیری حسینیه را خراب و در همان زمین با کمی توسعه و ارتفاع از سطح زمین ساختمان جدیدی را به نام مسجد ساخته است، آیا این محل و نماز خواندن در آن چه حکمی دارد، حکم مسجد را دارد یا حسینیه؟

جواب: حسینیه مسجد نمی شود، و از زمین باید استفاده حسینیه بشود. نماز خواندن در آن مانع ندارد ولی مسجد نیست.

464. شخصی قطعه ای از زمین های خود را برای ساخت حسینیه وقف کرده و ساخت حسینیه مذکور در آنها به پایان رسیده است، ولی بعضی از اهالی قسمتی از حسینیه را تبدیل به مسجد کرده اند و درحال حاضر در آن به عنوان مسجد، نماز جماعت می خوانند، آیا تبدیل حسینیه به مسجد توسط آنان صحیح است؟ و آیا احکام مسجد بر آن قسمت مترتّب می شود؟

جواب: واقف و غیر او حق تبدیل حسینیه ای را که به عنوان حسینیه وقف شده به مسجد ندارند و با این کار، تبدیل به مسجد نمی شود و احکام و آثار مسجد هم بر آن مترتب نمی گردد، ولی برپایی نماز جماعت در آن اشکال ندارد .

465. اهالی روستایی به خاطر تخریب حسینیه محل، قصد دارند این مکان را که وقف حسینیه می باشد بنایی احداث نمایند که طبقه اول آن حسینیه و طبقه دوم آن مسجد باشد. آیا احداث یک طبقه به نام مسجد جایز است یا خیر؟

جواب: تغییر وقف جایز نیست.

466. کلیه اراضی روستا موقوفه می باشد که از زمان های قدیم و سال های گذشته قبل از انقلاب اسلامی مردم این روستا به کشاورزی سنتی به روی اراضی مشغول بوده اند اکنون بیشتر اراضی به منازل مسکونی تبدیل گردیده است، لازم به توضیح است که نصف اراضی موقوفه سید الشهداء (ع) و نصف دیگر آن

موقوفه فقراء و شب های جمعه و طلاب می باشد.
اهالی روستا فاقد مسجد می باشند و تکلیف اهالی در زمینه احداث مسجد در زمین وقفی را مشخص نمائید تا در صورت داشتن مجوز شرعی بتوانیم مسجدی را در این روستا احداث نمائیم.

جواب: باید موقوفه در همان مواردی که واقف تعیین کرده صرف شود.

467. حسینیه ای است که ساختمان آن با هزینه شخصی اینجانب و جمعی دیگر تجدید بنا گردیده است و دارای وقفنامه ای است که فتوکپی آن به پیوست تقدیم می گردد.
آیا استفاده از حسینیه مذکور باید طبق وقفنامه باشد یا مجازیم از وقفنامه عدول نموده و کارهای عام المنفعه مثل کتابخانه عمومی و کارهای فرهنگی دیگر در آن اجرا نمائیم. خواهشمندیم نظر مبارکتان را بفرمائید مطیع و فرمانبرداریم.

جواب: با صرف نظر از خصوصیات وقف مزبور حکم کلی این است که الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها. از وقف باید در همان جهتی که برای آن وقف شده استفاده شود و تغییر وقف جایز نیست و باید طبق وقف عمل شود.

ساخت مغازه روی سقف حسینیه

468. هیئت امناء سالن قدیمی حسینیه که یک طبقه بود با مجوز شرعی تخریب و در زیر زمین آن دستشویی و توالت برای حسینیه و عموم ساخته و استفاده می نماید و طبقه همکف به صورت حسینیه بهره برداری می شود حال هیئت امناء با هزینه شخصی در طبقه فوقانی چند باب اطاق احداث نمودند تا به اجاره واگذار گردد و درآمد آن هزینه های جاری حسینیه را پرداخت نماید واگذاری آن جایز است یا خیر؟

جواب: تغییر و تبدیل وقف جائز نیست.

ساخت پایگاه بسیج در قسمتی از حسینیه

469. یک حسینیه قدیمی که هر ساله در آن تقریباً یک ماه روضه خوانی می شود، اخیراً از طرف بسیج سپاه می خواهند در حسینیه پایگاه مقاومت بسازند که قهراً تصرفاتی در آن می شود و تغییر شکل می دهد، حقیر متولی حسینیه هستم بفرمائید آیا این تصرفات جائز است یا خیر و تکلیف حقیر متولی چیست؟

جواب: تبدیل و تغییر وقف جائز نیست و متولی موقوفه باید مطابق نظر واقف و صلاح وقف عمل نماید.

470. زمینی در مجاور مسجد جامع وجود داشته که به حسینیه شهرت داشته با تلاش و همکاری افراد خیر روستا حصارهای آن انجام و طبقه همکف آن تقریباً در حد سفت کاری بود و به علت اینکه امام جماعت وقت اقامه نماز و برگزاری مراسم را در آن اشکال دانستند ادامه ساختمان متوقف شد تا پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و تشکیل بسیج مستضعفین محل مذکور را به عنوان پایگاه مقاومت بسیج برگزیدند و با تلاش شبانه روزی و پرداخت وجوه ماهیانه ساختمان را قابل استفاده و فعالیت خود را در آن شروع نمودند، لذا این ساختمان هم اکنون محل فعالیت بسیج، صندوق قرض الحسنه چهارده معصوم، محل برگزاری کلاس های آموزش قرآن و مراسم سوگواری اهل بیت عصمت و طهارت و در یک کلام مرکز ثقل فعالیت های مذهبی، فرهنگی و آموزشی جوانان مؤمن و متعهد محل بوده و خانواده معظم شهداء و ایثارگران روستا نیز به این مکان وابستگی فراوان داشته و تداعی بخش یاد و خاطره شهدای عزیزشان می باشد. خواهشمند است مرحمت فرموده نظر مبارکتان را در خصوص ادامه فعالیتهای مذکور به خصوص اقامه نماز در این مکان را امر به ابلاغ فرمایید.

جواب: چنانچه وقف بودن زمین مذکور به عنوان حسینیه شرعاً ثابت شود همانطور که به اسم حسینیه شهرت یافته باید از تصرفاتی که منافی و مزاحم حسینیه بودن آن است اجتناب شود.

تغییر موقوفه با ملاحظه حفظ نیت واقف

471. در ادوار مختلف موقوفاتی با توجه به شرایط زمان و مکان توسط مؤمنین انشاء و به مرحله اجراء درآمده است لکن در حال حاضر کاربرد برخی از آنها با شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی، اقتصادی جامعه هماهنگی نداشته و بعضاً متداول نمی باشد. سؤالاتی که در این زمینه مطرح است عبارتند از:
آیا می توان با توجه به شرائط روز و در جهت مصالح دولت و امت اسلامی و با ملحوظ نگه‌داشتن نیت اصلی واقف و در جهت هماهنگی با سایر برنامه های مدون و جاری دولت در کاربرد نظرات واقف تغییراتی به عمل آورد؟

جواب: الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها. عواید وقف باید زیر نظر متولی شرعی و با نبود متولی خاص زیر نظر حاکم شرعی در جهت وقف صرف شود و زمان و مکان و مصالح دولت و ملت در آن اثر ندارد و نباید تغییر داده شود.

ب) موارد جواز تغییر وقف به دلیل عدم امکان استفاده در جهت وقف

نگهداری کودکان بی سرپرست در محل نگهداری کودکان کارمندان

472. احدی از خیرین شهرستان واحد مسکونی جهت راه اندازی مهد کودک در یکی از محله های آن شهرستان به این سازمان وقف نموده است. لذا از آنجائی که تعداد زیادی مهد کودک خصوصی در شهرستان راه اندازی گردیده و امکان ادامه کار مهد کودک به صورت دولتی وجود ندارد و از طرفی واحدهای اداری در حال واگذاری به بخش غیر دولتی می باشند و به لحاظ اینکه تعدادی کودک بی سرپرست در آن شهرستان در یک مجتمع غیر قابل سکونت در حال نگهداری می باشند آیا این سازمان اجازه دارد از واحد موقوفه مذکور جهت نگهداری کودکان بی سرپرست فوق الذکر استفاده نماید. ضمناً دسترسی به شخص وقف کننده وجود ندارد.

جواب: اگر استفاده از مکان مذکور در رابطه با مهد کودک امکان ندارد بهره برداری از آن در مطلق کار خیر از جمله منظور مذکور مانعی ندارد.

تخریب آب انبار متروکه مسجد

473. در مسیر مسجد جامع آب انبار متروکه و مخروبه ای که ظاهراً وقفی می باشد (ولیکن واقف و وقف نامه آن مشخص و موجود نیست) وجود دارد، حال در نظر است جهت باز شدن فضای مسجد آب انبار مذکور تخریب گردد، حضرتعالی بفرمائید هیأت امناء مسجد مجاز به تخریب آن هستند یا نه؟

جواب: تخریب جایز نیست، بلی با فرض اینکه قابل انتفاع نیست می توانند از آن در کارهای خیر استفاده کنند و از جمله در ارتباط با مسجد.

474. زمینی وقف آب انبار شده بود و مورد بهره بردرای قرار می گرفت و طبقه همکف آن گوشه ای بنای مسجد و قسمت اعظم آن حسینیه می باشد، و این آب انبار برای تقریباً 30 سال بدون استفاده افتاده و قابل بهره برداری برای مورد وقف نمی باشد، آیا با توجه به نیاز مبرم و اساسی جوانان و کتاب دوستان و عدم وجود یک فضای فرهنگی برای رفع نیازمندی های اعتقادی و فرهنگی، اجازه می فرمائید که این مکان را به کتابخانه تبدیل نموده و از فضای همکف کما فی السابق به عنوان مسجد و حسینیه استفاده شود؟

جواب: امر وقف با متولی شرعی آن است که با وجود متولی خاص او دخالت می کند و با نبود او حاکم شرع متولی است و اگر به هیچ نحو استفاده از وقف در جهت وقف ممکن نیست، می توانند با نظر متولی شرعی در مطلق خیرات از جمله کتابخانه از آن استفاده کنند.

فروش آب انبار و حمام مخروبه وقفی

475. شخص خیری آب انباری در یکی از محلات بنا کرد و آن را با مقدار زمین کمی در اطرافش که در حدود دویست متر مربع می باشد وقف در راه خدا برای استفاده مردم از آب باران مجتمع در آن نمود اینک که محل دارای لوله کشی آب گردیده و آب انبار مخروبه گردیده است فعلاً حقیر که مسئول آن آب انبار و زمین اطرافش از طرف واقف بوده ام تکلیف این آب انبار چیست و در چه راه خیری باید به کار برده شود آیا می شود آن را فروخت و پولش مصرف مسجد و حسینیه یا مدرسه علمیه گردد، مستدعی است حقیر را راهنمایی و ارشاد فرمائید مزید تشکر است در خاتمه دوام عمر و سلامتی جنابعالی از ایزدمنان تمنا دارد.

جواب: بنابراحتیاط قابل فروش نیست و اگر امکان استفاده در جهت وقف دارد باید همان استفاده از آن بشود و چنانچه ممکن نیست استفاده در مطلق امور خیر از آن مانع ندارد، و چنانچه اقرب به نظر واقف هست احتیاطاً مراعات شود.

476. یک قطعه زمین چندین سال پیش برای حمام عمومی محل وقف گردیده در مدت چند سالی حمام در آن مکان بوده و استفاده می شده اکنون دیگر در آن زمین حمامی وجود ندارد، انجمن و شورا و معتمدین محل تصمیم گرفتند که آن را به همسایگان آن زمین بفروشند و بهاء آن را برای امورات خیریه (مسجد و پل) و سایر طرح های عمرانی محل استفاده نمایند، خواهشمند است ما اهالی را در این خصوص راهنمائی فرمائید ما چه کاری می توانیم بکنیم که شرعاً جائز باشد؟

جواب: فروش آن بنابراحتیاط جائز نیست، و اگر امکان استفاده از آن در حمام نیست می توانند در امورعام المنفعه، از آن استفاده کنند.

477. یک باب حمام عمومی حدود 23 سال پیش در روستائی بنا گردیده است که زمین آن را عده ای از افراد خیر محل اهداء نموده اند و دقیقاً مشخص نیست که آیا صیغه وقف جهت این زمین اجرا گردیده یا خیر، به هر صورت این حمام به مدت 1 سال مورد استفاده قرار گرفته و پس از آن به علت نداشتن مکانی برای فاضلاب تعطیل گردیده است و تقریباً حدود 21 الی 22 سال متروکه مانده و وسائل آن از بین رفته و ساختمان آن نیز فرسوده گردیده است، حدود 5 سال پیش بعضی از برادران بسیجی و حزب اللهی چون مکانی برای کارهای فرهنگی در روستا نداشته اند این محل را با اجازه شورای اسلامی محل تحویل گرفته و کارهای فرهنگی را در آن محل انجام می داده اند، و فعلاً با تصمیمی که از طرف مجتمع پیشنهاد شده و با موافقت شورای اسلامی و دهداری منطقه روبرو گردیده قرار شد که این مکان به صورت مداوم به مجتمع فرهنگی اختصاص یابد و واگذار به مسئولین مجتمع شود، با توجه به اینکه ممکن است زمین آن وقف باشد لازم است اجازه شرعی آن نیز از طرف حاکم شرع ابلاغ گردد، لطفاً نظر مبارکتان را در مورد این مکان بیان فرمائید و ضمناً در صورتی که وقف شرعی نباشد حکم چگونه است؟

جواب: اگر شهرت به وقفیت دارد حکم وقف را دارد ولی اگر امکان استفاده در جهت وقف ندارد می توانند در هر کار خیری از آن استفاده نمایند.

تبدیل حمام مخروبه و متروکه

478. حمامی با همت اهالی روستا روی قطعه زمینی که موقوفه بودن آن زمین مشخص نیست ساخته شده است و اکنون به صورت مخروبه ای بلا استفاده

درآمده است به علاوه جهاد سازندگی حمام دیگری ساخته که مورد استفاده می باشد چون حمام مخروبه قدیمی کنار حسینیه واقع است در نظر است محل حمام به آشپزخانه حسینیه تبدیل گردد با توجه به بررسی و تحقیقی از اهالی و نتیجتاً نامعلوم بودن وضعیت زمین حمام از حیث موقوفه بودن متمنی است نظریه اعلام فرمائید.

جواب: می توانند در مطلق کارهای خیر از آن استفاده کنند که از آن جمله الحاق آن به حسینیه است.

479. حمام قدیمی روستا که توسط بانویی وقف نموده و اکنون مخروبه شده و دیوارهای مخروبه حمام به علت بلا استفاده بودن تخریب گردیده و خاک های اضافه را بیرون برده و محدوده حمام را دیوار کشی نموده اند و مکان آن در کنار مسجد واقع شده است و مسجد روستای مذکور در ماه رمضان و محرم گنجایش جمعیت روستا را ندارد و فضای بهتر از مکان مذکور برای توسعه مسجد وجود ندارد آیا حضرتعالی اجازه می دهید در این زمین وقف شده فضای مسجد را گسترش دهند ضمناً در حال حاضر روستای فوق حمامی را که توسط جهاد سازندگی در اوایل انقلاب احداث شده مورد استفاده عمومی قرار می گیرد ونیاز به مکان وقف شده نمی باشد. والسلام

جواب: اگر حمام قابل استفاده نیست وتعمیر آن و استفاده از آن در جهت وقف ممکن نیست می توانند از آن در مطلق خیرات از جمله توسعه مسجد استفاده کنند ولی حکم مسجد پیدا نمی کند.

ساخت مغازه در قسمتی از زمین حسینیه

480. قطعه زمینی وقف شده تا در آن حسینیه ساخته شود، اما به علت اینکه هیچ گونه درآمدی و هزینه ای برای ساختن آن وجود ندارد یا کم و ناچیز است لذا سال های زیادی (حدود بیست و پنج سال) است که بدون هیچ استفاده ای باقی مانده است و هیچ مقدار از آن ساخته نشده است.
حال سؤال این است که آیا می توان قسمت بر خیابان این زمین را که طبق نقشه آن جزو حیاط حسینیه می باشد، به چند مغازه تبدیل کرد و آنها را اجاره بلند مدت داد تا هزینه ساختن حسینیه از این طریق فراهم شود؟

جواب: اگر وقف زمین برای حسینیه با قبض متولی شرعی تحقق پیدا کرده قابل تغییر و ساختن مغازه در آن نیست بلی در صورتی که امکان ساختن حسینیه در آن نیست می توانند در مطلق خیر از آن استفاده کنند.

فروش غسال‌خانه متروکه و فرش های کهنه مسجد

481. محلی که قبلاً جهت غسالخانه وقف و ساخته شده فعلاً متروکه گردیده آیا فروش آن جایز است یا خیر و یا فرش های مسجد که کهنه شده آیا فروش آنها جایز است یا خیر؟

جواب: اگر غسالخانه وقف است خرید و فروش آن جایز نیست و اگر به هیچ و جه از وجوه برّ قابل استفاده نباشد تبدیل آن به چیزی که نزدیکتر به نظر واقف باشد بلامانع است و فرش مسجد اگر قابل استفاده در آن مسجد یا مساجد دیگر نباشد فروش آن مانع ندارد.

ساخت حسینیه در زمین بایر

482. یک باب مسجد قدیمی وجود دارد که در حریم آن مقداری زمین به صورت بایر و بلا استفاده می باشد حدود 30 سال گذشته چند تا جنازه کودک دفن گردیده و هیچگونه مدرکی مبنی بر وقفیت آن وجود ندارد، لذا یک هیئت محبان چهارده معصوم (علیهم السلام) با رضایت اهالی محل تصمیم گرفتند که دور این زمین حصار کشی و بنای حسینیه احداث کنند و آن مسجد قدیمی که در حال تخریب است را بازسازی و توسعه نمایند، لذا با توجه به تصمیم گرفته شده خواهشمند است از نظر شرعی نظر مبارک حضرتعالی و راهنمائی لازم را مبذول فرمائید.

جواب: زمین مذکور اگر از مرافق عمومی روستا نباشد و وقفیت آن برای جهت بخصوصی محرز نباشد احداث حسینیه در آن جهت استفاده اهالی مانع ندارد.

483. زمین موقوفه ای در مجاورت حسینیه قرار دارد که به علت کثرت جمعیت حسینیه کوچک است و ظرفیت تمام جمعیت را ندارد لذا اهالی حاضر شدند زمینی مرغوب در جای دیگر با همان قیمت تحویل اوقاف نمایند و آن زمین را به حسینیه اضافه نمایند ولی اوقاف قبول این نقل و انتقال را موکول به اجازه و نظر یکی از مراجع داشته و گفته در صورت اجازه این نقل انتقال می گیرد لذا از آن مراجع عظیم الشأن در این خصوص خواستاریم تا این مشکل کمبود جا برای ایام عزاداری حل شود.

جواب: اگر زمین قابل استفاده در جهت وقف هست ولو با اجاره دادن آن و صرف مال الاجاره در جهت وقف تبدیل آن جایز نیست، و در غیر اینصورت با نظر متولی شرعی و مراعات جهت وقف مانع ندارد.

الحاق حسینیه و تکایا به مسجد

484. زمین پشت مسجد فعلی جهت احداث ساختمان جدید مسجد خریداری شده است حالیه جهت رفع مشکل شرعی بانوان آیا می توان مقدار زمین خریداری شده را به عنوان حسینیه در داخل ساختمان مسجد قرار داد و مسجد و حسینیه را لحاظ نمود یا اینکه هر کدام را جداگانه باید احداث نمود؟

جواب: احداث جداگانه لازم نیست اما مشخص کردن محدوده حسینیه و مسجد لازم است.

485. مسجدی در حال خراب شدن است این مسجد دارای ایوان نیز می باشد که در آن مجلس عزاداری برپا می شده است و به همین عنوان نیز تأسیس و بنا گردیده است اکنون که مسجد و ایوان آن در حال خراب شدن است. مردم قریه پول و اموال جمع آوری نموده اند جهت تعمیر آن بعداً اختلاف در نحوه تعمیر به وجود آمده است عده ای می گویند که ایوان را باید ضمیمه مسجد نمود و دیگر در آنجا عزاداری هم برپا نشود و گروه دیگر قائل به تعمیر مسجد به همان نحو اولیه آن شده اند و این نحو تعمیر مطابق با قصد اولیه بنا کنندگان مسجد و ایوان است در اینجا چند مسئله موجود می باشد اولاً آیا می توان مسجد مذکور را از

شکل اولیه تغییر داد و با فرض عدم جواز پول و اموال را که جمع آوری شده است و رد آن هم به صاحبانش غیر ممکن است آیا می توان این پول و اموال را در جای دیگر هزینه نمود همانند مکتب دینی؟

جواب: صرف ضمیمه کردن ایوان به مسجد اشکال ندارد ولی چنانچه ظاهر حال چنین بوده که ایوان وقف عزاداری شده است نمی توان آن را جزء مسجد قرار داد و باید به صورتی ساخته شود که غرض واقف حاصل گردد و اموال اهدائی باید در جهتی که اهداء شده صرف گردد و تغییر جهت آن منوط به علم به رضایت اهداء کنندگان می باشد و درغیر اینصورت و فرض عدم دسترسی به صاحبانش باید از طرف آنها صدقه داده شود.

486. اولا:یک باب آب انبار قدیمی جنب مسجد محل ما وجود دارد که قدیم ها از زیر آن برای آب آشامیدنی و از بالای آن به عنوان حسینیه برای مراسمات و بعضی وقتها نماز جماعت استفاده می شد، از زمان به وجود آمدن لوله کشی و آب بهداشتی آب انبار کم کم مخروبه و بلا استفاده گردید و حتی مقداری از سقف آن فرو ریخت که همین باعث شد هنگام مراسمات و عزاداری زن ها در کوچه بنشینند که خود موجب مشکلات می شده است از طرفی مسجد محل کوچک است و گنجایش جمعیت امروز را ندارد به همین دلیل خراب شدن قسمتی از سقف آب انبار ناچار شدیم سقف آب انبار را خراب کنیم تا از نو سقف بزنیم چون همین باعث می شود محل عزاداری بزرگ تر و بیشتر شود و در مواقع ضروری از کوچه و محل عابرین برای جمع شدن خانم ها استفاده نشود و باعث مشکلات دیگری شود لذا خواهشمند است بفرمائید که:
درست کردن سقف آب انبار چه حکمی دارد؟
ثانیا: بعد از درست کردن آن به دلیل هم‌دیوار بودن با مسجد قصد داریم دیوار طرف آب انبار و مسجد را خراب کنیم و فضا را بیشتر کنیم البته طوری که مسجد و حسینیه مشخص باشد لطف بفرمائید چه حکمی دارد؟

جواب: اولا: مانع ندارد.
ثانیا: با نظر متولی شرعی و با نبود شخص خاص حاکم شرع و مراعات مصلحت وقف مانع ندارد.

ج) موارد جواز تغییر وقف منفعت، به دلیل عدم امکان استفاده در جهت وقف

ساخت کارخانه در اراضی وقفی

487. کارشناسان ادارات کل ذیربط پس از بررسی های همه جانبه، اراضی موقوفه شهر را مکان مناسب جهت نصب کارخانجات انتخاب و معرفی نموده اند. آیا نصب کارخانه در اراضی وقفی موصوف مجاز می باشد یا خیر؟

جواب: در صورتی که متولی وقف صلاح بداند، در جهت وقف می تواند زمین را اجاره داده و درآمد آن را صرف در جهت وقف نماید.

ساخت زینبیه در زمین حمام مخروبه و متروکه وقفی

488. یک باب گرمابه عمومی در سال 1366 از طرف صاحبش وقف و تولیت آن و همچنین درآمد مربوطه به کمیته امداد امام خمینی (ره) محول گردیده ولی گرمابه مزبور به علت پوسیده بودن ساختمان و تأسیسات و مخارج بیش از حد پس از سه سال فعالیت بلا استفاده مانده به طوریکه کسی حاضر نیست به راه اندازی آن اقدام نماید و از نظر اقتصادی نیز مقرون به صرفه نمی باشد و چنانچه بازسازی هم گردد زیاد مورد استفاده نخواهد بود. هم اکنون حمام مزبور به صورت مخروبه و محل فساد و فسق درآمده که همسایگان گرمابه را متأذی کرده به طوری که غالباً زبان به شکایت گشوده اند و از سوئی فرد خیری آمادگی خود را اعلام داشته که حمام مزبور را تخریب و ساختمانی مجهز جهت زینبیه در آن محل احداث و تعداد چهار دوش حمام نیز به منظور عمل به وقف در محل تعبیه نماید، لذا از حضرتعالی استدعا دارد نظر مبارک خود را در این خصوص اعلام فرمائید.

جواب: اگر قابل استفاده در جهت حمام حتی با تعمیر و ترمیم بنا نباشد تبدیل ساختمان حمام به ساختمانی که قابل تولید درآمد جهت صرف در جهت وقف باشد ولو به اینکه با اجاره دادن قابل استحصال درآمد از آن باشد مانع ندارد.

2- تخریب، تعمیر و نوسازی موقوفه

تخریب آب انبار قابل استفاده

489. جهت ذخیره سازی آب برای حسینیه محلی ساخته شد و هم اکنون منبع آب دیگری نیز جهت ذخیره سازی آب احداث گردید و منبع آب قبلی تقریباً در وسط حیاط حسینیه قرار گرفته و هیچگونه استفاده ای از آن نمی گردد.
الف: آیا تخریب آن از نظر شرعی دارای اشکال بوده و تخریب کننده آن ضامن احداث مجدد آن یا پرداخت خسارت به بانیان احداث منبع می باشد؟
ب: آیا کسی که چیزی را با پول ثلث میتی برای احداث بنائی در اماکن عمومی مثل مسجد یا حسینیه و... هزینه می نماید شخصاً می توان در آن اعمال نظر نماید و یا اینکه اداره آن به عهده هیأت امناء یا متولی آن محل می باشد؟

جواب: الف- مادامی که از مال موقوفه می توان در جهت وقف استفاده کرد تبدیل و تخریب آن جایز نیست.
ب- اگر واقف شخص خاصی را متولی موقوفه قرار داده او متولی شرعی محسوب می شود.

تخریب حسینیه برای نوسازی

490. ساکنین روستا جهت اقامه مجالس عزا و انجام مراسم سوگواری خامس آل عبا (ع) قصد احداث یک حسینیه بزرگ در کنار حسینیه صغیر قدیمی را دارند و با بناء حسینیه جدید ضرورت دارد که حسینیه فوق الذکر تخریب تا جزء حیاط و فضای حسینیه جدید درآید تا هیأت و عزاداران بتوانند به نحو احسن اقامه عزا کنند.
لذا تخریب حسینیه فوق الذکر و الحاق آن به فضا و حیاط حسینیه جدید جایز می باشد یا خیر؟

جواب: تخریب حسینیه قدیم برای تجدید بنا و الحاق آن به شبستان حسینیه جدید مانع ندارد ولی قرار دادن آن جزء حیاط خلاف وقف بوده و جایز نیست.

تخریب موقوفه به دلیل طرحهای عمرانی

491. در مواردی که اراضی موقوفه در طرح جاده های عمومی و خیابان قرار می گیرد پرداخت مال الاجاره موقوفه شرعاً به عهده چه کسی است؟ آیا مجری طرح که متصدی مسیر است مدیون به وقف است؟ یا عابرین که در حقیقت بهره گیران از موارد تصرف وقف هستند؟
با علم به عدم پرداخت حق وقف، و عدم رضایت متولی شرعی موقوفه، در صورت عبور از این مسیرهای وقفی نحوه برائت ذمه چگونه محاسبه می شود؟

جواب: کسی که تخریب موقوفه و غیر قابل استفاده شدن موقوفه و در نتیجه اتلاف موقوفه حکماً به او انتساب و استناد پیدا می کند شرعاً ضامن است که یا موقوفه را در صورت امکان به حال سابق برگرداند و یا وجه اجاره آن را بپردازد و یا در صورتی که موقوفه را حکماً به صورت تالف درآورده باشد عوض آن را تسلیم نماید، و چنانچه موقوفه با تبدیل به خیابان در حکم تالف باشد بر عابرین چیزی در این باره نیست.

492. گاهی بعضی از مؤسسات دولتی و غیر دولتی به سبب مسائل فنی و طراحی از قبیل ساختن سدها و نیروگاه های برق و پارک های عمومی و مانند آن، مجبور به تصرّف در زمین های وقفی می شوند، آیا مجری این طرح ها از نظر شرعی ملزم به پرداخت عوض یا اجرت وقف است؟

جواب: در اوقاف خاص باید برای تعین تکلیف وقف به موقوف علیهم مراجعه کرد و در وقف بر عناوین عمومی که به نحو وقف منفعت وقف شده اند تا منافع آنها در جهت وقف مصرف شود برای تصرّف در آن باید از متولی شرعی آن اجاره شوند و مال الاجاره هم باید به او پرداخت شود تا آن را در جهت وقف مصرف کند، و اگر تصرّفات در این قبیل وقف ها در حکم تلف کردن عین باشد موجب ضمان است و بر متصرّف واجب است که عوض عین موقوفه را به متولی وقف بدهد تا با آن ملک دیگری بخرد و آن را بجای وقف اوّل وقف نماید تا درآمدهای آن در جهت وقف به مصرف برسد .

493. زمینی برای تعزیه خوانی و طلاب علوم دینی وقف شده است، این زمین در کنار راه اصلی روستا قرار دارد، در حال حاضر بعضی از اهالی روستا قصد دارند راه دیگری را در آن بسازند که در طرف دیگر زمین مزبور واقع می شود، اگر فرض کنیم که کشیدن این راه در افزایش قیمت زمین مؤثر باشد، آیا انجام این کارجایز است؟

جواب: مجرّد افزایش قیمت زمین موقوفه بر اثر کشیدن جاده در قسمتی از آن، مجوّز شرعی تصرّف در زمین وقفی یا تبدیل آن به راه نیست .

494. منزلی حدود یک قرن پیش یک گوشه آن به حد 6 متر به صورت یک اتاق کوچک به عنوان نمازخانه وقف شده است اولاً مکان مورد نظر سال ها است بلا استفاده و به صورت یک مخروبه می باشد، دوماً چون واقف آن را برای اهالی مخصوصاً آنهائیکه از حمام قدیمی ده استفاده می کردند وقف نموده و آن حمام هم به صورت قدیمی و غیر بهداشتی درآمده و خلق الله نماز را خیلی راحت در جوار حمام و داخل مسجد جامع که نزدیک است اقامه می کنند. سوماً به علت تغییرات در بافت کوچه و معابر روستا از ناحیه ساکنین و اهالی محل کوچه ها پهن تر گشته است، مکان فوق اصلاً مورد استفاده قرار نمی گیرد و به صورت سدی جلوی راه و گذر قرار گرفته است لذا خواهشمند است نظر معظم له را اعلام فرمائید، آیا می توانیم به عنوان باز شدن راه مردم آن مکان را تخریب نمائیم و به کوچه اضافه کنیم؟

جواب: تغییر وقف جایز نیست مگر اینکه ضرورت غیرقابل چشم پوشی در میان باشد.

495. ساختمانی به نام سقاخانه در زمین وقفی و حسینیه ای در کنارحسینیه از قدیم بنا شده است. خیابان عمومی مردم که در کنار این سقاخانه قرار دارد هم اکنون موجب ضیقی این خیابان شده و اهالی می خواهند این سقاخانه را خراب کنند و چند قدم آن طرفتر داخل زمین وقفی حسینیه بسازند یا زیرش را تیرآهن بگذارند و سقاخانه را بالای تیرآهن بسازند تا عبور ومرور از زیر سقاخانه انجام گیرد و سقاخانه از جایش انتقال نیابد لذا از مقام ولایت عظمی استفتاء می شود

که آیا اجازه می فرمائید یا نه؟

جواب: تغییر وقف جایز نیست مگر آنکه ضرورت لازم الرعایه ای در بین باشد.

496. شهرداری تصمیم به تعریض کوچه تنگ و باریکی دارد که محله ای را به خیابان ارتباط می دهد و باعث تسهیل رفت و آمد مردم آن محله می گردد و تعریض کوچه فوق از نظر کارشناسی به مصلحت محل است. در کنار کوچه فوق ساختمانی قدیمی در حدود 30 مترمربع است که در دفتر نمره گذاری اداره ثبت به نام مسجد نمره گذاری شده ولی پیش نماز محل که فردی موثق و مسن و صادق است اظهار می دارد که ساختمان فوق مشکوک است که مسجد بوده یا غریب خانه. لطفاً بفرمائید در هر صورت اعم از آنکه ساختمان فوق مسجد باشد یا غریب خانه، آیا جائز است شهرداری مقداری از آن ساختمان را که در طرح تعریض قرار می گیرد و از نظر کارشناسی به مصلحت محل است تخریب نماید و طبق مقررات با اداره اوقاف از عهده غرامت آن برآید یا نه؟

جواب: تغییر و تبدیل وقف و جزء خیابان قراردادن آن جائز نیست مگر آنکه ضرورت لازم الرعایه ای در بین باشد.

497. زمین موقوفه ای وجود دارد که دارای راهی است که فقط برای عبور چارپایان مناسب است و در حال حاضر به سبب ساخت و ساز خانه در کنار آن باید راه مزبور توسعه پیدا کند، آیا توسعه آن از دو طرف بطوری که به مقدار مساوی از زمین وقفی و املاک شخصی را در بر بگیرد جایز است؟ و بر فرض عدم جواز، آیا جایز است برای توسعه راه، آن مقدار از زمین وقفی از متولّی آن اجاره شود؟

جواب: تغییر وقف به محل عبور و جاده جایز نیست، مگر آنکه ضرورت الزام آوری آن را اقتضا کند و یا خود موقوفه برای انتفاع از آن نیاز به آن راه داشته باشد، ولی اجاره زمینی که وقف منفعت است برای توسعه راه عبور و مرور با رعایت مصلحت وقف اشکال ندارد .

498. گاهی اراضی و یا املاک موقوفه در طرح مسیر عمومی (جاده یا خیابان) قرار می گیرد، تصرف در ملک وقف دارای چه حکمی است؟ و آیا دستگاه های دولتی جهت استیفای حق موقوفه شرعاً موظف به پرداخت مال الاجاره و یا اعطای زمین معوض می باشند؟

جواب: موارد تصرف در املاک موقوفه مختلف است در بعضی موارد موجب ضمان عوض یا اجرت المثل است.

499. قطعه زمین موقوفه ای را شهرداری بدون اینکه خریداری نماید در مسیر خیابان قرار داده و اکنون تسطیح و محل رفت و آمد وسیله نقلیه است اجازه می فرمائید متولی موقوفه زمین را به قیمت روز کارشناسی فروخته و وجه آن را تبدیل به احسن نماید؟

جواب: اگر استفاده از زمین موقوفه در جهت وقف امکان دارد تبدیل آن جائز نیست و در غیر اینصورت مانع ندارد.

500. بعضی از زمین های وقفی در مسیر طرح های توسعه و احداث خیابان ها و پارک های ملّی و ساختمان های دولتی قرار می گیرند و بدون اجازه متولّی شرعی و بدون پرداخت اجاره و پول آنها، توسط بعضی از مؤسسات و اداره های دولتی مصادره می شوند، آیا انجام این کار برای آنان جایز است؟ آیا کسی که در این زمین های موقوفه تصرف می کند باید عوض یا قیمت آنها را بپردازد؟ و آیا باید اجرت المثل تصرفاتش را از هنگام تصرف بپردازد؟ و آیا در پرداخت قیمت موقوفه و یا دادن عین دیگری به جای آن توسط مؤسسات و ادارات، اذن گرفتن از حاکم شرع واجب است یا این که جایز است اداره اوقاف یا متولّی وقف با رعایت مصلحت و نفع وقف با آنان در مورد عوض یا قیمت آن توافق نماید؟

جواب: جایز نیست کسی بدون اذن و اجازه متولّی شرعی در وقف تصرّف کند، همانگونه که اگر وقف از قبیل وقف منفعت باشد، تصرّف در آن هم فقط بعد از اجاره کردن آن از متولی جایز است همچنین فروش و تبدیل وقفی که قابلیت انتفاع در جهت وقف را دارد، جایز نیست و اگر شخصی آن را تلف کند ضامن آن است و اگر بدون اجازه متولی شرعی، در آن تصرّف نماید، ضامن اجرت المثل آن است و باید آن را به متولی شرعی وقف بپردازد تا در جهت وقف مصرف نماید و در این رابطه فرقی بین اشخاص و مؤسسات و اداره های دولتی نیست و جایز است متولی وقف، بدون مراجعه به حاکم با متصرّف یا تلف کننده با رعایت مصلحت وقف، در مورد اجرت یا عوض آن توافق نماید .

501. ملکی وجود دارد که در مسیر نهر آب واقع شده و صد سال پیش وقف عام شده است و بنابر قانون ابطال بیع زمین های موقوفه، سند رسمی برای آن به عنوان وقف صادر شده است، ولی در حال حاضر این ملک برای استخراج سنگهای معدنی مورداستفاده دولت است، آیا الآن جزء انفال محسوب می شود یا آنکه وقف است؟

جواب: اگر اصل وقف بودن آن بر وجه شرعی ثابت شود جایز نیست شخص یا دولت آن را به مالکیّت خود در آورد، بلکه بر وقفیّت باقی می ماند و همه احکام وقف بر آن مترتب می شود .

502. در فتوای شماره 7116 فرموده اید: «مسئول شرعی اداره امور موقوفه موظف است در صورت نیاز، به هر طریق قانونی اقدام به حفظ و احیاء و احقاق تمام حقوق موقوفه نماید».
و در فتوای شماره 7859 فرموده اید: «تصرفات در املاک موقوفه موقوف بر اذن و اجازه متولی شرعی موقوفه است».
و در فتوای شماره 8270 فرموده اید «متولی شرعی و مسئول اداره امور موقوفه در اجاره دادن موقوفه و تعیین مبلغ اجاره بهاء باید لزوماً غبطه و مصلحت وقف را رعایت نماید».
و در فتوای 8271 فرموده اید: «تکلیف متولی شرعی یا اداره اوقاف بر وصول عواید موقوفات جهت صرف عواید در جهت وقف است».
و در فتوای شماره 13121 فرموده اید : «عواید وقف باید زیر نظر متولی شرعی و با نبودن متولی خاص زیر نظر حاکم شرعی درجهت وقف صرف شود و زمان و مکان و مصالح دولت و ملت در آن اثر ندارد و نباید تغییر داده شود».
با وجود این فتاوای مبارک و مطاع قسمتی از املاک و اراضی موقوفه در شهرستان... بدون اخذ مجوز شرعی از اوقاف یا متولی توسط (یکی از نهادهای انقلابی) مورد تصرف قرار گرفته و هیچگونه وجهی نیز تاکنون در این رابطه پرداخت نگردیده.
اوقاف و متولی موقوفه کراراً درخواست تخلیه ملک مزبور را نموده است. بلحاظ حفظ غبطه وقف مسئولین محترم نهاد مزبور رسماً اعلام فرموده اند که به امر

مبارک رهبری طی دستورالعمل... مجاز به تصرف و نگهداری مکان تحت تصرف خود می باشند ولو بدون اذن متولی شرعی.
علی‌هذا این اداره و متولی موقوفه در وظیفه شرعی خود مردد است که آیا بر اساس فتاوای مبارک باید مبادرت به حفظ غبطه موقوفه و تخلیه مکان مذکور به نحو مقتضی از طریق قانونی نماید یا با توجه به اظهارات موصوف در این رابطه تکلیف اداره و متولی ساقط است؟ لهذا موضوع از محضر مبارک استفتاء تا به هر نحو که مقتضی باشد امر به ابلاغ فرمایند.

جواب: حکم شرعی موقوفه و تصرفات متصرفین موقوفه و تکالیف متولی شرعی موقوفه در اداره امور موقوفه و استحصال عواید و صرف آن در جهت وقف همان است که در بالا بدان اشاره شده است، و هیچ شخص یا نهادی در این باره مستثنی نیست و از مدعی دستورالعمل سریعاً مطالبه ارائه مدرک نمائید تا چگونگی آن بررسی شود.

503. در قسمتی از اراضی موقوفه اطراف امامزاده شهرداری بدون هماهنگی با اداره اوقاف و هیئت امناء مبادرت به تصرف و ایجاد فضای سبز نموده است، آیا شرعاً این تصرفات در زمین موقوفه بقعه مذکور جایز است؟

جواب: حکم کلی مسئله این است که تصرف در موقوفه بدون اجازه از متولی شرعی و قانونی آن جایز نیست، لکن مورد خاص نیاز به رسیدگی دارد که موکول است به مسئولین مربوطه.

504. بعضی از رقبات موقوفه نظیر باغ، زمین، خانه، مسجد و غیره در سال های قبل و بعد از انقلاب در طرح توسعه و تعریض و احداث خیابان ها– جاده ها فضای سبز و نظایر اینها قرار گرفته است و یا توسط ارگان ها و نهادها و سازمان های دولتی تصرف گردیده است بدون اینکه موافقت متولی موقوفه جلب شده باشد و یا بابت عرصه و اعیان آنها معوض داده شود مستدعی است جهت روشن شدن وظیفه شرعی متولیان (اعم از اشخاص و اوقاف) و متصرفین، حکم شرعی مسائل ذیل را بیان فرمائید.
1) آیا نهادها و سازمان های مذکور ضامن پرداخت معوض و یا قیمت رقبه موقوفه بر اساس نرخ روز و همچنین ضامن اجرت المثل تصرفات خود از ابتداء تصرف می باشند یا خیر؟
2) در فرض عدم پرداخت اجاره یا معوض وضعیت تصرفات آنان از نظر شرعی چگونه است؟
3) برای پرداخت قیمت رقبه موقوفه یا دادن زمین معوض از طرف سازمان ها و نهادها به موقوفه، آیا اذن حاکم شرع لازم است یا اینکه اداره اوقاف و متولی می توانند با توجه به غبطه موقوفه خود رأساً در مورد معوض و یا قیمت به آنها به توافق برسند؟

جواب: موقوفه ای که قابل استفاده در جهت وقف باشد قابل تعویض و فروش نیست لیکن اگر کسی آن را اتلاف کرده باشد ضامن است، و چنانچه بدون اجاره کردن از متولی شرعاً آن را مورد تصرف و استفاده قرار داده باشد، ضامن اجرت المثل است که باید به متولی شرعی بپردازد تا جهت وقف مصرف نماید.

3- استفاده ضمنی از موقوفه در کنار اجرای نیت واقف

استفاده از انبار تکیه جهت آموزش ورزشهای رزمی

505. محلی فاقد هر گونه امکانات ورزشی برای جوانان می باشد، شورای اسلامی محل، انبار زیر تکیه (موقوفه) را به جوانانی که اکثراً از اعضای بسیج می باشند اجازه داده اند تا در اوقات فراغت جهت آموزش ورزشهای رزمی استفاده کنند، آیا خلاف شرع بوده یا خیر؟

جواب: شورای اسلامی چنین اختیاری ندارد و امر وقف با متولی شرعی آن است و باید با نظر او در جهت وقف از آن استفاده شود و تغییر داده نشود.

دفن میت در حسینیه

506. شخصی زمین شخصی خود را جهت ساخت حسینیه وقف نموده در وصیت نامه خود قید کرده که او را در حسینیه مذکور دفن نمایند آیا عمل به وصیت فوق الذکر واجب است یا خیر؟

جواب: اگر واقف در وقف زمین برای حسینیه مکان قبر برای خود استثناء کرده باشد عمل به وصیت وی در این باره واجب است.

507. در حیاط حسینیه مزار عده ای از افراد بوده و می باشد و بر حسب وصیت بعضی افراد را در آنجا دفن می نمایند که در حال حاضر بدلیل مخارج جانبی مبلغی را به عنوان حق دفن دریافت می کنند، نظر حضرتعالی را در این زمینه مرقوم بفرمائید.

جواب: اگر حیاط برای دفن اموات یا مطلق کارهای خیر در نظر گرفته شده باشد مانعی ندارد ولی اگر برای حیاط حسینیه در نظر گرفته شده باشد جائز نیست.

508. شخصی مغازه ای داشته نزدیک حسینیه و هیئت امنای حسینیه می خواسته حسینیه را رسمی تر کند مغازه این شخص را گرفته و جزء حسینیه کرده و داخل حسینیه میت دفن می کند یعنی قبر می فروشند حال این شخص صاحب مغازه می گوید من هم به مقدار زمین که جزء حسینیه شده می خواهم میت از خانواده خودم دفن کنم؟

جواب: اگر مغازه مذکور وقف حسینیه شده باشد و دفن میت در آنجا خلاف وقف باشد برای هیچ کس دفن جائز نیست.

استفاده از حسینیه برای فعالیت های بسیج

509. نظر به اینکه فعالیت های فرهنگی- ورزشی مهمترین راه مبارزه با تهاجم فرهنگی است و این مهم همواره مورد تأکید مقام معظم رهبری بوده و می باشد مسئولین کانون فرهنگی- تربیتی، و بسیج روستا تصمیماتی مبنی بر ایجاد پایگاه های ورزشی و فرهنگی اتخاذ کردند ولی متأسفانه با کمبود فضای مورد نیاز مواجه شدند و پس از مشورتهای مفصل به این نتیجه رسیدند که از بیوت عزاداری حضرت سیدالشهداء (ع) در این مورد استفاده کنند، لازم به ذکر است بیوت فوق الذکر توسط افراد خیر و اعضای هیأت محترم ساخته شده است که در طول سال فقط 20 روز (دهه اول محرم و دهه آخر صفر) مورد استفاده قرار می گیرد و بقیه سال بدون استفاده می باشد.
تصمیم فوق الذکر به اطلاع هیأت امنای هیأت سه گانه رسید و ایشان اعلام داشتند که اگر برای فعالیتهای ذکر شده مورد استفاده قرار گیرد از لحاظ شرعی دارای اشکال می باشد لذا از حضرتعالی خواهشمندیم نظر مبارک را در این زمینه به صورت کتبی و در اسرع وقت اعلام بفرمائید.

جواب: بلی استفاده حسینیه برای امور ذکر شده جایز نیست.

510. اعضاء پایگاه شهداء مسجد به منظور گردآوری بسیجیان و جوانان عزیز محل و حفظ آمادگی فیزیکی لازم برای مقابله با تحرکات ضد انقلاب داخلی و تهاجم فرهنگی در صدد ایجاد کلاسهای رزمی و آموزشی می باشند و در این راستا از حسینیه مجاور آن مسجد که در طول سال به جز ایام سوگواری ابا عبدالله الحسین (ع) تعطیل می باشد، قصد استفاده دارند لذا استدعا می شود در خصوص نحوه استفاده از محل مذکور اعلام فرمائید، آیا می توان بدون اذن متولی جهت این اهداف از محل استفاده نمود؟ و در صورتی که ایشان از این اقدام بسیجیان ممانعت نماید، آیا استمرار کلاسها شرعاً جایز است یا خیر؟

جواب: هر گونه استفاده و بهره برداری از وقف باید زیر نظر متولی شرعی آن و در جهت وقف باشد.

برگزاری جشن میلاد ائمه در حسینیه

511. از قدیم الایام این مکان به نام حسینیه وقف گردیده و جهت مراسم تعزیه داری اهلبیت (ع) مورد استفاده بوده است.
سؤال این است که آیا می شود در این حسینیه مراسم مذهبی غیر تعزیه داری از قبیل جشن میلاد در روزهای ولادت چهارده معصومین (ع) و اهل بیت (ع) برپا کرد؟

جواب: اگر قرینه ای دال بر اختصاص موقوفه به مورد خاصی نباشد انجام مراسم مذهبی یاد شده در آنجا بلامانع است.

برگزاری جشن عروسی در حسینیه

512. در روستای ما چند مسجد و حسینیه و یک تکیه به نام هیئت است که در ایام و لیالی عزا در آن عزاداری می کنیم و اطعام می کنیم همان طور که عرف زمان ما شده که در همه شهرها و قصبات در مساجد و تکایا مجالس ترحیم برگزار می کنند ما هم در مساجد مجالس ترحیم و در هیئت اطعام برگزار می کنیم بعضی از مجالس ازدواج هم در هیئت طعامی پخت می کنیم و در همان ظروف وقفی و در همان بناء به جمعیت می خورانیم آیا استفاده از بناء و فرش و ظروف وقفی که خودهمین مردم پول جمع آوری کرده اند و ساخته اند و خریده اند جایز است یا خیر؟توضیح اینکه بنای هیئت و ظروف و فرش وقف سیده الشهداء

(ع) است.

جواب: برای هر چه ساختمان و ظروف تهیه و اختصاص داده شده باید همان استفاده شود و تغییر ندهند.

قرار دادن ماکت ضریح امام حسین (ع) در حسینیه

513. با استفاده از وجوهات افراد نیکوکار ماکت ضریح مطهر حضرت امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) و حضرت رقیه (ع) را به طریق زیبایی تهیه نموده و در حسینیه نصب نموده اند و این حرکت صرفاً به نیت یادبود این بزرگواران و جذب و هدایت مردم در مسیر اهل بیت (ع) و استفاده معنوی از حضور آنان و تبلیغ فرهنگ اصیل اسلام صورت گرفته است. آیا این عمل از نظر شرع مقدس اسلام اشکال دارد؟

جواب: اگر مزاحمت در جهت استفاده از حسینیه ایجاد نکند اشکال ندارد.

4- تبدیل موقوفه منفعتی به انتفاعی و بالعکس

تبدیل وقف انتفاع به منفعت

514. اولا: قسمتی از مدرسه علمیه که وقف بوده تخریب گردیده و جهت احداث ساختمان تجاری واگذار گردید که قسمت اعظمی از آن بعللی به وقف برگشته و بخش کمتری در ملکیت اشخاص باقی مانده آن قسمت که به وقف برگشته به وسیله متولیان و یا اداره اوقاف اجاره بندی و اکنون هم در تصرف مستأجرین متصرف قرار دارد.
سؤال: آن قسمت که به وقف برگشته که در اجاره متصرفین فعلی می باشد را می شود تجدید اجاره نمود و متصرفین همانند گذشته استیفای منافع نمایند یا باید خلع ید نمود و مغازه ها را تخریب و عرصه آن را ضمیمه مدرسه مذکور نمود؟
ثانیا: آیا می توان مدرسه علمیه را به صورت مدرسه دولتی درآورد یا اینکه باید رفع تصرف شده و به صورت مدرسه علمیه آنچنان که وقفنامه اشاره دارد درآید؟

جواب: اولا: مدرسه موقوفه و عرصه آن که وقف انتفاع بوده و هست تبدیل آن به وقف منفعت به صورت مغازه و غیره شرعاجایز نیست، بلکه باید آن را به حالت سابق برگردانند و ابقاء مساحتهای تصرف شده به صورت مغازه و غیره و دریافت اجاره بهاء از متصرفین صورت شرعی ندارد و شرعاً جایز نیست.
ثانیا: تغییر مدرسه علوم دینی و تبدیل آن به مدرسه علوم جدیده و اجاره دادن برای این کار جایز نیست، باید از مدرسه موقوفه در خصوص همان جهت وقف استفاده شود.

تبدیل کاروان‌سرا به حسینیه

515. ساختمان کاروانسرایی که برای استراحت کاروان ها اجاره داده می شود، وقف است و تولیت آن با امام راتب فعلی مسجدی است که در مقابل آن مکان قرار دارد و به علت اینکه مسئله بطور دقیق نزد مراجع بیان نشده، ساختمان کاروانسرا خراب شده و بجای آن حسینیه ای ساخته شده است، آیا منافع این مکان به همان صورت قبل از تغییر باقی می ماند؟

جواب: تبدیل کاروانسرایی که وقف منفعت است به حسینیّه که وقف انتفاع است، جایز نیست، بلکه ساختمان کاروانسرا باید به همان صورت قبلی خود برگشت داده شود تا به کاروان ها و مسافران اجاره داده شود و در آمد اجاره آن در همان جهتی که واقف تعیین کرده به مصرف برسد، ولی اگر متولی شرعی تشخیص دهد که مصلحت کوتاه مدّت و دراز مدّت وقف اقتضا می کند که آن مکان به همین صورت فعلی برای برپایی شعائر دینی اجاره داده شود و اجاره آن در جهت وقف به مصرف برسد، جایز است این کار را انجام دهد .

5- غصب موقوفه

غصب و تصرف موقوفه و استفاده در غیر جهت وقف

516. آیا غصب وقف و تصرّف در آن در غیر جهت وقف موجب ضمان اجرت المثل است؟ و آیا تلف کردن وقف مثل اینکه ساختمان آن تخریب گردد و یا زمین موقوفه تبدیل به خیابان شود، موجب ضمان مثل یا قیمت آن می گردد؟

جواب: در وقف خاص مانند وقف بر اولاد و همچنین در وقف عامّی که به صورت وقف منفعت است، غصب و تصرّف در غیر جهت وقف یا بدون اذن موقوف علیهم در اوّلی و بدون اذن متولی شرعی در دوّمی، موجب ضمان عین و منفعت است و ردّ عوض منافع استیفا شده و استیفا نشده هم واجب است و همچنین ردّ عین در صورتی که موجود باشد و ردّ عوض آن در صورتی که در دست او یا بر اثر فعل او تلف شده باشد واجب است و عوض منافع باید در جهت وقف و عوض عین موقوفه در بدل وقفی که تلف شده مصرف شود و در وقف عامی که بصورت وقف انتفاع است مثل مساجد و مدارس و کاروانسراها و پلها و مقبره ها و مانند آنهاکه وقف بر جهات یا عناوین عمومی هستند تا موقوف علیهم از آنها انتفاع ببرند در صورتی که توسط غاصب غصب شوند و آنها را در جهتی غیر از منافعی که برای آنها وقف شده اند بکار ببرد باید اجرت المثل تصرفاتش در چیزهایی از قبیل مدارس و کاروانسراها و حمام ها را بپردازد بر خلاف مساجد و مقبره ها و زیارتگاه ها و پلها که ضامن اجرت المثل تصرفاتش در آنها نیست و اگر عین این موقوفات را تلف کند باید عوض مثلی یا قیمی آنها را بدهند که آن هم در بدل وقف تلف شده مصرف می شود .

تصرف در موقوفه بدون اذن متولی شرعی

517. موقوفه ای است دارای 2 باب مغازه که متأسفانه مستأجرین اجاره قانونی را طبق نظر کارشناس پرداخت نمی نمایند و متولی شرعی هم رضایت ندارد، این در حالی است که یکی از مغازه ها نانوائی است، خواهشمند است فتوای شرعی جهت خرید نان از مغازه فوق الذکر را و همچنین حکم کسب و کار مستأجرین را بفرمائید.

جواب: اگر بدون اجاره از متولی شرعی یا اجازه او در مغازه تصرف می کنند تصرفاتشان جایز نیست و حکم غصب را دارد.

518. یک رقبه از موقوفه بدون گرفتن سرقفلی به اجاره داده شده، مستأجر بعد از پایان مدت اجاره فوت می نماید، آیا وارث مستأجر می تواند ملک مذکور را همچنان در اختیار خود داشته و از آن بهره ببرد، یا اینکه ملک مورد بحث بعد از پایان مدت اجاره باید به موقوفه برگردد؟

جواب: پس از انقضاء مدت اجاره مورد اجاره را باید به متولی شرعی تحویل دهند و تصرف در آن بدون اجازه او و صلاح وقف حکم غصب دارد.

519. مالکی املاک خود را وقف نمود که عایدات آن به شانزده ماده برای رفاه حال رعیت خود از قبیل مدارس و دارالایتام و حمام و مساجد و کمک به مستضعفین رعیت با تعیین سه نفر از معتمدین محل و با نظریه رئیس بانک ملی وقت و با انتخاب آراء در دست ایشان اداره و عملی گردد. مدتی به این منوال عمل شده بعد از آن اداره اوقاف مدعی آن وقف گردید. مستدعی است مسئله را واضحاً بیان فرمائید که به وقفنامه باید عمل شود یا خیر؟

جواب: چنانچه در وقف از طرف واقف متولی خاص تعیین شده باشد واجب است تصرف در موقوفه طبق وقفنامه زیر نظر متولی شرعی و اذن او انجام شود و بدون نظر و اذن متولی شرعی تصرف جایز نیست و حکم غصب را دارد.

520. املاک و مزارع ششدانگ موقوفه ای وجود دارد که کشاورزان به استناد داشتن سندهای اصلاحات ارضی قبل از انقلاب تاکنون حاضر به پرداخت مال الاجاره شرعی به متولی و اوقاف نشده اند، لذا برای متشرعین و مبلغین مذهبی این سؤال مطرح است که با علم به موقوفه بودن آب و ملک و احراز عدم پرداخت حقوق وقف تکلیف شرعی آنها در استفاده از ملزومات املاک و منازل مذکور چیست؟

جواب: تصرفات در املاک موقوفه موقوف بر اذن و اجازه متولی شرعی موقوفه است.

521. آیا تصرف در اموال موقوفه بدون اجازه متولی صحیح است یا خیر؟

جواب: باید تصرف در وقف به نظر متولی شرعی باشد.

522. منزل مسکونی اینجانب در مسیر توسعه خیابان واقع شده است و شهرداری منطقه قطعه معوضی را به اینجانب داده است و بعد از احداث نیمه کاره معلوم شده که زمین معوض اوقافی می باشد اوقاف و متولیان وقف اجازه تصرف و مالکیت شرعی و قانونی نمی دهند استدعا دارم با فرض مذکور بفرمائید اولاً احداث بناء و تصرف جایز بوده یا خیر؟ ثانیاً نماز خواندن و سایر اعمال عبادی در آن مکان صحیح می باشد یا خیر؟ ثالثاً آیا موجب ضمان هم می شود یا خیر؟

جواب: امر وقف با متولی شرعی آن است که باید با مراعات مصلحت و جهت وقف عمل کند، و بدون نظر او تصرف جایز نیست، و حکم غصب را دارد و موجب ضمان هم هست.

523. منزل مسکونی حقیر در طرح توسعه خیابان واقع شده بود به همین جهت شهرداری منطقه قطعه زمین معوض در اختیار ما قرار داد که بعد از احداث معلوم شد که زمین مورد معوض وقفی است که در عین حال اوقاف اجازه تصرف و مالکیت نه به شهرداری و نه به شخص نمی دهد حال استدعا دارد بفرمائید: 1- زمینی که ما در آن احداث بنا کرده ایم آیا اجازه تصرف با فرض مذکور داریم یا نه؟ 2- آیا موجب ضمان هم شده یا می شود؟ 3- نماز و روزه و اعمال عبادی دیگر در آن مکان چه حکمی دارند؟

جواب: حکم کلی مسئله روشن است که هرگونه تصرف در زمین وقفی باید با اجازه متولی موقوفه و به صلاح وقف باشد ولی موضوع خاص نیاز به رسیدگی دارد

که موکول است به مسئولین مربوطه.

524. چندین سال قبل زمین موقوفه ای را به اینجانبان توسط واقفین به اجاره واگذار گردیده به جهت نداشتن آب زمین مورد بهره برداری قرار نگرفته و زمین بازدهی نداشته، اکنون می خواهند زمین را از ما گرفته و به دیگری واگذار نمایند، حال از آن مرجع معظم سؤال ما این است که با توجه به اینکه تعدادی از وقف کنندگان از دنیا رفته و ورثه دارند و تعدادی هم اندک متقاضی این هستند که پس از وقف و امضاء آن را پس بگیرند تکلیف ما از نظر شرعی نسبت به انجام کار کشاورزی و احیاء زمین فوق چیست؟

جواب: هرگونه تصرف در زمین موقوفه باید با اذن و اجازه متولی شرعی موقوفه و به صلاح وقف باشد و پس از اینکه وقف محقق شد، پس گرفتن آن شرعاً و قانوناً جائز نیست.

525. آیا اداره اوقاف می تواند موقوفه ای که متولی دارد محصولات موقوفه را از طریق مزایده اجاره بدهد؟

جواب: هر گونه تصرف در وقف باید زیر نظر متولی شرعی موقوفه و به صلاح وقف باشد.

526. شهرستانی طبق مدارک موجوده جزء موقوفات است و تمامی اراضی وقف می باشد ولی جز عده قلیلی بقیه حق موقوفه را پرداخت نمی کنند در این صورت کسب در مغازه های موقوفه و نماز و عبادت در منازل موقوفه و استفاده های دیگر چه حکمی دارد؟ جایز است یا خیر؟

جواب: از وقف باید زیر نظر متولی شرعی و با مراعات جهت وقف استفاده شود و در غیر اینصورت تصرف در آن حکم تصرف در ملک غصبی را دارد و در مورد سؤال به متولی شرعی مراجعه نمائید.

527. زمین موقوفه ای است که از روی ناآگاهی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی تصرف و در آن یک حسینیه و تعداد شش باب دکان ساخته شده است، چند دستگاه ساختمان شامل 1- شرکت تعاونی آبادی 2- دفتر پست و تلگراف 3- کمیته امداد امام خمینی (ره) 4- نانوائی آبادی ساخته شده است. آیا اینها باید ماهانه اجاره به موقوفه پرداخت نمایند و یا ساختمان ها و دکانها و نانوایی را تخریب و زمین موقوفه را به حال اول برگردانند و یا اینکه آزادند کما اینکه تا به حال به نحو مالک در املاک خود متصرف و بهره برداری نموده اند، این تصرفات شرعاً جایز می باشد یا متصرفین غاصب هستند؟ مسئله را واضح و روشن بیان فرمائید.

جواب: وقفیت زمین مذکور اگر محرز باشد باید آن را از متولی شرعی موقوفه اجاره کنند، و اگر متولی شرعی اجاره دادن را صلاح وقف نداند و یا تصرفات انجام شده مغایر جهت وقف بداند و درخواست تخلیه کند باید تخلیه نمایند.

احداث اعیان غیر مجاز در زمین وقفی

528. برخی از اشخاص متصرف در املاک موقوفه بدون موافقت متولی شرعی موقوفه، اقدام به ساخت و ساز و سرمایه گذاری بر روی املاک موقوفه نموده اند، در حالیکه اصل تصرف و انجام عملیات موصوف به جهت اینکه بدون اجازه و رضایت متولی انجام یافته ظاهراً عاری از وجاهت شرعی به نظر می رسد. مستدعی است تکلیف شرعی و الهی هر یک از طرفین متولی و متصرف را در فرض مرقوم بیان فرمایند.

جواب: در فرض مرقوم متصرف باید وقف را تخلیه کند و تحویل دهد و موقوفه ضامن مخارج و خسارات وارده نیست، بلی اگر اعیانی در موقوفه احداث کرده مالک اعیانی است و می تواند آن را مطالبه کند و در این فرض نیاز به معامله یا مصالحه هست.

نماز متصرفین غیر مجاز در مال وقفی

529. آیا اشخاصی که بدون مجوز اداره اوقاف و متولیان موقوفات اراضی وقفی را در تصرف دارند و متولی و اداره اوقاف به تصرفات آنها راضی نیستند فرایض دینی آنها که در این رقبات انجام می دهند از نظر شرعی اشکال دارد یا خیر؟

جواب: در صورت اطلاع و آگاهی اعمالشان باطل است.

530. در دبیرستانی که زمین آن وقف بوده است و سالیان درازی ساختمان مدرسه در آن بنا شده است می توان با دانش آموزان اقامه نماز جماعت کرد؟

جواب: با نظر متولی شرعی با مراعات جهت وقف مانع ندارد.

وظیفه عموم مسلمین در مورد غصب موقوفه

531. اگر اداره اوقاف و متولی از موقوفه دفاع نکند و موقوفه را افراد خدانشناس تصرف و در حال خارج کردن از وقف باشند وظیفه شورای اسلامی و اهالی محل نسبت به این موقوفه چیست؟

جواب: امر به معروف و نهی از منکر وظیفه عمومی مسلمین است.

532. جمعی پیدا شده اند به نام گروه... و قسمتی از قبرستان مسلمین را علناً تصاحب کرده اند و حصارکشی می کنند و ایجاد اختلاف می نمایند. آیا تکلیف ما سکوت و مشاهده است؟

جواب: تصاحب قبرستان و تغییر آن جایز نیست، و مؤمنین از وقوع هرگونه اختلاف و درگیری باید بپرهیزند.

تصرف غیر مجاز در موقوفه

533. در مواردی که دستگاه های دولتی بدون اذن متولی شرعی موقوفات و بدون پرداخت حقوق وقف مبادرت به حفر چاه و ایجاد شبکه لوله گذاری در اراضی و املاک موقوفه می نمایند آیا ضمانت شرعی پرداخت حقوق وقف متوجه مصرف کنندگان و مشترکین است یا دستگاه مجری طرح؟ با علم به عدم پرداخت حقوق وقف انجام وضو و غسل با چنین آبی به چه صورت است؟

جواب: مصرف کننده ضامن آبی است که مصرف کرده است و بدون نظر متولی شرعی وقف نمی تواند در آب تصرف کند و غسل و وضوء اشکال پیدا می کند.

534. الف) حدود 24 سال قبل حمامی به انضمام 8 باب مغازه از موقوفات به اجاره داده می شود که مستأجر با هزینه شخصی خود مورد اجاره را بازسازی و تا خاتمه مدت اجاره (ده سال) منافع متعلق به وی باشد و فقط مبلغ مندرج در سند را به عنوان مال الاجاره به موقوفه بپردازد.
در انتهای ملک موقوفه منزلی با مساحتی در حدود 120 متر مربع موجود بوده که مستأجر منزل مذکور را خریداری و بدون اطلاع موقوفه با تجمیع عرصه رقبه موصوف و اراضی استیجاری موقوفه مبادرت به احداث بنا می نماید.
ج) مستأجر از همان ابتدای کار سرقفلی حجرات، مغازه ها را واگذار و همچنین اجاره بهای آنها را دریافت می نماید.
د) مستأجر در هنگام تجمیع بلا مجوز عرصه منزل خریداری و اراضی موقوفه و احداث بنا، قسمتی از اراضی موقوفه را بدون جلب موافقت موقوفه برای راه عبور ملک خریداری شده خود اختصاص داده است.
مستأجر با آنکه در تمام مدت اجاره و حتی بعد از آن مال الاجاره به موقوفه پرداخت ننموده است، مدعی است حق فروش سرقفلی مغازه های خالی باقیمانده نیز متعلق به وی می باشد. با عرض مراتب استدعا دارد پاسخ فرمایند:
اولاً : جواهر نظر عالی را در خصوص موضوع سرقفلی مغازه های خالی موجود و آن تعداد که مستأجر بعد از پایان مدت اجاره نامه رسمی واگذار نموده.
ثانیاً : تکلیف شرعی موقوفه را در قبال اشاعه غیر قابل پیش بینی که مستأجر بدون جلب رضایت و موافقت موقوفه به وجود آورده است، تعیین و امر به ابلاغ فرمایند.

جواب: هر گونه تصرفاتی که مستأجر بر خلاف شروط در ضمن قرارداد اجاره و بدون اذن و اجازه متولی شرعی موقوفه در زمین استیجاری انجام داده است اعم از احداث اعیانی یا باز کردن راه عبور از داخل زمین موقوفه جهت ورود به ملک شخصی خود در حکم غصب است که در صورت عدم موافقت متولی موقوفه در این باره باید با قلع بنا و رفع موانع از زمین موقوفه آن را به متولی شرعی موقوفه تحویل دهد، به علاوه خسارات وارده از این بابت بر زمین موقوفه را نیز ضامن است، و هر گونه قرار دادی که در مورد اعیانی احداثی در زمین موقوفه بر خلاف قرارداد اجاره و بر خلاف شروط ضمنی آن و بدون کسب اجازه از متولی موقوفه با دیگران منعقد ساخته است حکم معاملات فضولی را دارد که صحت و نفوذ و اعتبار آن موقوف بر تنفیذ و اجازه متولی شرعی موقوفه با مراعات مصلحت وقف است.

535. در جنب مسجد جامع کاروانسرا و قبرستانی در زمان سابق بوده است که شخصی آن قبرستان را اجاره طویل المدت نموده است و مغازه هائی ساخته و به افراد اجاره داده است و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران اداره اوقاف تعدادی از مغازه ها را در تصرف خود درآورده است و با ساکنین تجدید اجاره نمود و به دلیل عدم تشخیص تولیت مدتی امام جماعت مدعی تولیت بوده است و در آن وقفنامه تصریح شده به تولیت آن و راجع به تولیت امام مسجد در آن وقفنامه ذکری نشده است و اکنون امام مسجد مدعی است که باید اجاره به امام مسجد داده شود با اینکه در وقفنامه تصریح و تنصیص به تولیت آن شده فعلاً سؤال این است که صاحبان مغازه ها که افراد متدین و صالحی هستند آیا می توانند اجاره را به امام مسجد بدهند و یا شرعاً باید اجاره را به متولی منصوص بدهند و بر فرض عدم جواز پرداخت آن به امام جماعت مسجد آیا نسبت به مال الاجاره سال های گذشته چه باید کرد آیا صاحبان مغازه ها برائت ذمه پیدا کرده اند و یا مدیون هستند یا آن کس که اجاره گرفته مدیون است باید استرداد شود و به متولی اصلی آن پرداخت شود آنچه رأی مبارک است مرقوم فرمائید چون خیلی مورد احتیاج می باشد، در ضمن توضیحاً آیا می شود اجاره را به اداره اوقاف پرداخت نمود و اگر آن اداره از ساکنین مغازه ها اجاره دریافت کرد مستأجرین بریءالذمه می شوند یا خیر؟

جواب: اصل وقفیت و تولیت خاص موقوفه اگر محرز باشد باید تصرفات در موقوفه با اجازه متولی شرعی باشد و وجه اجاره نیز به او پرداخت شود و نسبت به تصرفات گذشته هم وجه اجاره را باید به او بپردازند، و جهت تحقیق در این باره خوب است به علماء محترم شهر و مسئولین ذیربط مراجعه نمائید.

536. اینجانب زمینی را از شخصی بدون اطلاع از وقف بودن خریداری نمودم و بعداً که متوجه وقف بودن شدم به اتفاق آقای خریدار به نزد صاحب اولیه زمین رفته و از ایشان خواستار تحویل سند شدیم و بعد از آوردن سند اصلی مشخص گردید که زمین ذکر شده موقوفه بوده است. سؤال حقیر این می باشد که با توجه به اینکه 16 سال زمین در دست خریدار بوده و هیچکدام نمی دانسته ایم زمین وقفی می باشد:
آیا این زمین در مدت 16 سال اجاره وقفی دارد یا خیر؟
در صورت داشتن اجاره کدام یک باید بپردازیم؟
در مورد این زمین تکلیفمان چه می باشد؟ لطفاً جواب را مرقوم فرمائید.

جواب: 1- پرداخت اجرت وقف در تمام مدتی که زمین وقفی در اختیار غیر متولی شرعی بوده واجب است.
2- اجرت بر عهده کسی است که از زمین وقفی استفاده کرده و یا در تصرف او بوده ولی چنانچه تدلیس و فریب دادن کسی سبب این خسارت شده می تواند کسی که خسارت را متحمل شده به فریب دهنده مراجعه نماید.
3- کسی که زمین در اختیار اوست مکلف است به متولی شرعی مراجعه و چنانچه توافق شود زمین را اجاره نموده و استفاده نماید.

537. زمین موقوفه ای است که از روی ناآگاهی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی تصرف و در آن یک حسینیه و تعداد شش باب دکان ساخته شده است، چند دستگاه ساختمان شامل 1- شرکت تعاونی آبادی 2- دفتر پست و تلگراف 3- کمیته امداد امام خمینی (ره) 4- نانوائی آبادی ساخته شده است. آیا اینها باید ماهانه اجاره به موقوفه پرداخت نمایند و یا ساختمانها و دکان ها و نانوا را تخریب و زمین موقوفه را به حال اول برگردانند و یا اینکه آزادند کما اینکه تا به حال به نحو مالک در املاک خود متصرف و بهره برداری نموده اند، این تصرفات شرعاً جایز می باشد یا متصرفین غاصب هستند مسئله را واضح و روشن بیان فرمائید.

جواب: وقفیت زمین مذکور اگر محرز باشد باید آنرا از متولی شرعی موقوفه اجاره کنند، و اگر متولی شرعی اجاره دادن را صلاح وقف نداند و یا تصرفات انجام شده را مغایر جهت وقف بداند و درخواست تخلیه کند باید تخلیه نمایند.

538. در زمان رژیم گذشته تعداد زیادی از رقبات موقوفه اعم از عرصه و اعیان طبق قوانین آن زمان بدون اخذ مجوز شرعی جهت احداث خیابان و جاده و غیره تخریب و تصرف شده و عموماً هیچگونه وجهی بابت عرصه و اعیان و سرقفلی و منافع و اجرت المثل سالیان تصرفپرداخت نشده و یا معوضی به موقوفه داده نشده است اکنون که اداره اوقاف و یا متولی جهت دریافت خسارات و اجرت المثل و یا معوض رقبات موقوفه مراجعه می نمایند آنها اظهار می دارند که شما باید همان مبالغ 20- 30 سال قبل را بدون کم و زیاد دریافت نمائید.
1) آیا قانون خلاف شرع زمان گذشته مبنی بر عدم پرداخت خسارت، مجوز عدم پرداخت حقوق موقوفه در حال حاضر می شود؟
2) تکلیف تصرفات غیر شرعی ادارات در موقوفات بدون اخذ مجوز شرعی تبدیل به احسن چیست؟
3) آیا ادارات موظف به پرداخت همان مبالغ توافق شده یا تعیین شده توسط دادگاه ها یا نهادهای زمان طاغوت هستند و یا باید قیمت عادلانه و یوم الاداء را بپردازند.
4) به فرض پرداخت عادله روز با توجه به از بین رفتن کلیه آثار موقوفه قیمت فعلی آنها چگونه باید ارزیابی شود؟

جواب: 1) غصب و اتلاف موقوفه موجب ضمان است، و هر گونه دخل و تصرف در موقوفه بدون اذن و اجازه متولی شرعی و بدون مجوز شرعی در حکم غصب است، و در موارد ثبوت ضمان تصرفات و اتلاف موقوفه، قانون مغایر با ضوابط شرعی فاقد اعتبار و غیر قابل عمل است.
2) تصرفات غیر مجاز در موقوفات علاوه بر حرمت شرعی موجب ضمان اجرت المثل و نسبت به اتلاف و تخریب موقوفه نیز موجب ضمان خسارات وارده است.
3) تقویم اگر از سوی مقام مجاز شرعی و بر وفق ضوابط و مقررات لازم المراعات انجام نگرفته باشد فاقد اعتبار شرعی است و فعلاً باید بر طبق ضوابط شرعی از عهده ضمان اجرت المثل و خسارات وارده برآیند.
4) در صورت تخریب و اتلاف موقوفه باید قیمت یوم التلف را بپردازند.

اخذ سند مالکیت بر روی قبرستان عمومی

539. اخذ سند مالکیت بر روی قبرستان عمومی مسلمین و احداث ساختمانهای شخصی و اختصاصی در زمان طاغوت شرعاً چه حکمی دارد؟ و آیا قبرستان عمومی مسلمین وقف است یا خیر؟
آیا ید متصرفین غاصبانه بوده و نسبت به اجرت المثل تصرفات خود ضامن هستند یا خیر؟
در فرض ضمانت وجوه مذکور باید به چه مصرفی برسد؟ و تکلیف ساختمان های احداثی چیست؟

جواب: مجرد اخذ سند مالکیت در مورد قبرستان عمومی مسلمین حجت شرعی بر ملکیت نیست، کما اینکه مجرد قبرستان عمومی بودن و سابقه دفن اموات حجت شرعی بر وقفیت زمین قبرستان برای دفن اموات نیست، اگر قرائن و شواهد مفید یقین به وقفیت و یا شیاع مفید علم به وقفیت و یا سابقه معامله وقفیت از سوی مؤمنین محل و مطلعین و یا مدارک و اسناد معتبر شرعی دال بر وقفیت در مورد مذکور در بین باشد، باید حکم به وقفیت زمین مذکور نمایند، و در اینصورت ایدی متصرفین فعلی در آن زمین غصب شناخته می شود و تصرفات آنان غصب و حرام است، و در آن صورت با توجه به چگونگی وقفیت موقوفه موجب ضمان اجرت المثل نیست، فقط شرعاً مکلفند از زمین وقفی رفع ید نمایند و آن را به حال سابق برگردانند، و لازم است جهت جلوگیری از اختلاف و نزاع رسیدگی و احقاق در این باره را به دادگاه صالح ارجاع نمائید.

540. به مالکیت در آوردن قبرستان عمومی مسلمانان و ساختن ساختمان های شخصی در آن و ثبت آن بعنوان ملک به نام اشخاص چه حکمی دارد؟ و آیا قبرستان عمومی مسلمانان وقف محسوب می شود؟ و آیا تصرّف شخصی در آن غصب است؟ و آیا تصرّف کنندگان در آن باید اجرت المثل تصرّفات خود را بپردازند؟ و بر فرض ضمان اجرت المثل، آن اموال در چه موردی باید مصرف شوند؟ و ساختمان هایی که در آن ساخته شده اند چه حکمی دارند؟

جواب: مجرّد گرفتن سند مالکیّت قبرستان عمومی مسلمین، حجّت شرعی بر مالکیّت و یا دلیل بر غصب کردن آن نیستهمان‌گونه که دفن اموات درقبرستان عمومی هم حجّت شرعی بر وقف بودن آن نیست بلکه اگر قبرستان از نظر عرف از توابع شهر برای استفاده اهالی جهت دفن اموات و غیره شمرده شود و یا دلیل شرعی وجود داشته باشد که برای دفن اموات مسلمانان وقف شده است، تصرّفات شخصی که متصرّفین فعلی در آن برای خودشان انجام می دهند غصب و حرام است و باید از زمین قبرستان رفع ید کنند و ساختمان و هر چیزی که در آن ایجاد کرده اند خراب نموده و آن را به حالت قبلی اش برگردانند، ولی ضمان اجرت المثل تصرّفات ثابت نیست .

541. با متروکه اعلام نمودن قبرستان شهرداری روی آن سند مالکیت گرفته است و سپس به اشخاص حقیقی و حقوقی فروخته شده و با خاکبرداری و تخریب قبور مسلمین ساختمان سازی گردیده است. با توجه به اینکه زمین مذکور بیش از سی سال تحت تصرف غاصبین بوده و بر روی آن حدود 2000 باب مغازه احداث گردیده و کل سرقفلی و اجاره آن در طول این سالیان توسط خریداران دریافت شده است مرقوم فرمائید:
الف) آیا غاصبین زمین ضامن اجرت المثل منافع فوت شده آن از زمان تصرف هستند یا از زمان صدور حکم وقفیت؟
ب) با توجه به اینکه سرقفلی ماخوذه توسط آنان به مجموع عرصه و اعیان مغازه ها تعلق می گیرد و با دریافت سرقفلی متصرفین اجاره ناچیزی می پردازند و حقوق برای آنان ایجاد می شود. آیا غاصبین ضامن پرداخت بخشی از سرقفلی ماخوذه به نسبت سهم زمین موقوفه هستند یا خیر؟
در فرض پرداخت آیا باید قیمت یوم الاداء سرقفلی را بپردازند یا یوم الاخذ؟
ج) با لحاظ این امر که تاکنون استفاده از زمین جهت دفن اموات ممکن نیست تکلیف اعیانی احداثی بر روی زمین چیست؟
د) منافع زمین در چه طریقی باید به مصرف برسد؟

جواب: غصب و تصرفات غاصبانه مقابر موقوفه موجب ضمان اجرت المثل و منافع و درآمدهای استحصالی از آن نیست بلکه با فرض وقفیت عرصه برای دفن اموات، باید مالکین بنا با قلع بنای احداثی در مقابر موقوفه عرصه را به حال سابق برگردانند و تحویل جهت وقف و متولی شرعی دهند و آنچه بابت فروش مستغلات و سرقفلی که بابت زمین مقابر گرفته اند به پرداخت کنندگان از مستأجرین و غیر هم باید برگردانند، و عرصه مقابر اگر فعلاً به جهتی قابل برای دفن

اموات نباشد، استفاده از آن در سایر خیرات زیر نظر متولی شرعی مانع ندارد.

استفاده از موقوفه در طرحهای عمرانی

542. گاهی برخی از دستگاه های دولتی و یا غیر دولتی، به خاطر مسائل فنی و برنامه ریزی مجبور می شوند که در اراضی موقوفه تصرف کنند و مانند ایجاد سد، خاکریزی، ایستگاه های برق و ستون های انتقال دهنده کابل ها و یا عبور لوله های بزرگ انتقال نفت و گاز و ایجاد فضای سبز و سایر برنامه های خدماتی، در اینگونه موارد هم باز مجری مربوطه شرعاً مکلف به پرداخت حقوق موقوفه به حسب قیمت واقعی آن می باشد یا خیر؟

جواب: اگر تصرفات انتفاعی باشد، در موقوفاتی که به صورت وقف منفعت وقف گردیده تا عواید آن صرف جهت وقف شود، باید آن را از متولی شرعی اجاره نمایند و اجاره بهاء بپردازند تا در جهت وقف مصرف شود، و اگر تصرفات در اینگونه موقوفات در حکم اتلاف عین باشد موجب ضمان است، باید متصرف عوض آن را به متولی موقوفه تسلیم نماید.

عدم مصرف درآمد موقوفه

543. اگر درآمد موقوفه ای گندم باشد و به صورت نان پخته در ماه محرم خرج سوگواری امام حسین (ع) باید بشود چندین سال این خرج داده نشده باشد حال باید این فرد گندم چندین ساله را پرداخت کند یا پول آن به نرخ هر سالی بوده پرداخت نماید؟

جواب: شخصی که چندین سال زمین موقوفه را عدواناً تصرف کرده اجرت المثل زمین را بدهکار است و در فرض مرقوم گندم باید بپردازد.

استفاده از امکانات موقوفه

544. به عنوان سرباز در بیمه درمانی حوزه علمیه قم مشغول خدمت سربازی شدم در این مدت اینجانب از امکانات حوزه علمیه مثل غذا (یک وعده در روز) و حمام استفاده می کردم آیا این استفاده ام از حجره اشکال داشت یا خیر؟ اگر اشکال داشت الان چه باید بکنم آیا کرایه حجره و پول غذا و حمام را باید بپردازم یا خیر؟

جواب: چنانچه با نظر متولی شرعی و مراعات، جهت وقف عمل کرده اید ضامن نیستید و الا باید قیمت آنچه را استفاده کرده اید به همان محل بدهید.

6- احکام مرتبط با تغییر و تبدیل

تغییر و تبدیل وقف قبل از قبض

545. شخصی طی وقفنامه رسمی قطعه زمینی در یکی از محلات را وقف مسجد نموده زمین موصوف به جهت ابعاد محدود و به جهت عدم سکونت شیعه در آن منطقه تا به حال در این راستا مورد استفاده قرار نگرفته مضافاً اینکه در فاصله 100 متری مکان مزبور، مسجد با شکوهی ساخته شده و در آن به انجام فرائض دینی پرداخته می شود با عنایت به وضعیت، این مکان استدعا داریم کیفیت استفاده از زمین مزبور را بیان نمائید.

جواب: با فرض تمامیت وقف با قبض معتبر در آن باید بر طبق وقف عمل شود و قابل تغییر نیست.

546. ساختمان مختصری در تاریخ 1349 ساخته شده به نام حسینیه امام حسین (ع) و صیغه وقف هم واقف خوانده آیا می شود خراب کرد و ساختمان شخصی یا دولتی بسازیم یا خیر؟ جواب مرقوم فرمائید.

جواب: اگر وقفیت به عنوان حسینیه به انشاء وقف و خواندن صیغه وقف و حصول قبض و اقباض تکمیل شده باشد تغییر و تبدیل موقوفه جایز نیست.

547. اینجانب وارث واقف قطعه زمینی که قبرستان متروکه می باشد و به صورت زباله دانی درآمده است که آثار قبور آن هم از بین رفته، لذا از آن آیت الله العظمی تقاضا دارم که آیا می توان آن را در اختیار نهضت سوادآموزی جهت ساختمان کردن آن بگذارم که آن را ساختمان نماید که به صورت زباله دانی بیرون رود و خدمت به قبور مؤمنین گردد.

جواب: واگذار کردن زمین موقوفه و تبدیل و تغییر آن به هیچ وجه جایز نیست و پس از تمامیت وقف وراث واقف و غیر او نسبت به عدم جواز تصرف فرقی ندارند.

دخالت و تصرف در موقوفه بدون رضایت واقف

548. اینجانب به عنوان واقف اصلی و متولی دو باب واحد مسکونی به منظور تأسیس مرکز فرهنگی وقف عام نموده ام، ولی متأسفانه اداره کل اوقاف و امور خیریه بر خلاف نظر واقف نخست سند را به نام واقف دیگر تنظیم و سپس به شخص دیگری به منظور استفاده مسکونی وی به طور قطعی انتقال داده اند. با توجه به اینکه اینجانب به این عمل رضایت ندارم نظر مبارکتان را در مورد دخالت و تصرف در موقوفه بدون رضایت واقف را مرقوم فرمائید.

جواب: از وقف باید در جهت وقف استفاده شود و تغییر آن جایز نیست، ولی در خصوص مورد سؤال چنانچه اختلافی هست باید رسیدگی شود و مرجع حل آن دادگاه های ذیربط است.

549. در شهرستان موقوفه ایست بی نظیر و نسبتاً وسیع با وقفنامه ای روشن و محکم و متولی شرعی که قسمتی از تصویر وقفنامه به ضمیمه تقدیم می گردد، اخیراً برخی ادارات محل برای احداث ساختمان اداری از اداره اوقاف شهرستان درخواست دارند بخشی از اراضی موقوفه که مشجر و مزروعی است به صورت اجاره در اختیار آنها قرار داده شود تا با قطع درختان ثمری جهت تأسیس ساختمان اداری و ورزشی و نظائر آن استفاده نمایند با توجه به موارد مذکور و شرایط اجاره در وقفنامه استدعا دارد نظر مبارک در این خصوص بیان فرمایید که:
آیا اداره اوقاف می تواند بخشی از زمین های مشجر و یا مزروعی موقوفه با وجود متولی شرعی به اجاره ادارات مورد بحث دهد؟
آیا شهرداری محل می تواند بخشی از این اراضی به عنوان احداث خیابان یا حق تفکیک متصرف شود؟
اگر بخشی از اراضی موقوفه در گذشته متصرف، و به صورت منازل مسکونی و یا باغ درآورده باشند آیا به جهت تصرفات گذشته متصرفین مالک می شوند؟ و آیا متولیان شرعی و اداره اوقاف تکلیف در بازگرداندن آنها به اصل وقف دارند؟

جواب: از وقف باید زیر نظر متولی شرعی در همان جهت وقف استفاده شود و تغییر و تصرف بر خلاف وقف جایز نیست و باید برگردانده شود رسیدگی به موضوع موکول است به مسئولین محترم ذیربط.

550. شخصی ملکی را وقف روضه خوانی حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) نموده و متولی برای آن تعیین کرده و به متولی اختیار واگذاری تولیت به غیر را داده است چنانچه متولی شرعی ملک موقوفه را به شخصی به عنوان اجاره داده باشد و در اجاره نامه قید گردیده که مستأجر رأس خرمن را به موجر که متولی شرعی است پرداخت نماید و رسید دریافت دارد آیا اداره اوقاف می تواند مال الاجاره را بدون اطلاع متولی شرعی از مستأجر دریافت دارد یا نه؟ و اگر متولی شرعی عشر مال الاجاره را که اوقاف مدعی است به اداره اوقاف پرداخت نماید آیا ضامن واقف نمی باشد؟

جواب: حکم کلی مسئله معلوم است که عواید وقف باید با نظر متولی شرعی در جهت وقف صرف شود و اما قضیه شخصیه و دخالت اداره اوقاف نیاز به رسیدگی دارد که موکول است به مسئولین محترم ذیربط در جمهوری اسلامی.

تعمیر قرآن وقفی

551. یک نسخه خطی قرآن مربوط به سنه 1263 هـ. ش وقف یک مسجد شده و در حال حاضر در معرض از بین رفتن است. آیا جلد کردن و نگهداری این اثر مقدس و ارزشمند نیاز به اجازه شرعی دارد؟

جواب: اقدام به جلد کردن و اصلاح جلد و ورق های قرآن مجید و نگهداری آن در همان مسجد، احتیاج به اجازه خاصّی از طرف حاکم شرع ندارد.

خارج کردن کتب وقفی از حوزهٔ علمیه

552. کتاب هائی که وقف طلاب مدرسه ای است آیا می شود آنها را از کتابخانه بیرون برد؟ (چه بیرون بردن از حجره های همان مدرسه و یا کلاً بیرون بردن از مدرسه) با توجه به اینکه مسئول مدرسه هم اجازه بیرون بردن کتاب ها را نداده است و آیا بین کتاب هایی که بعد از مدتی طولانی مورد استفاده طلاب واقع می شود با کتاب هایی که مدت زمان کمتری می خواهد تا مورد استفاده قرار گیرد فرق می کند یا خیر؟

جواب: فرقی در کار نیست و بدون اجازه متولی شرعی جایز نیست.

نحوه استفاده از قرآن خطی قدیمی

553. یک نسخه قرآن خطی 200 سال در اختیار مرحوم پدرمان بوده که از روی نوشته صفحه اول وقف گردیده و متولی هم داشته، اکنون در اختیار هست با آنکه بسیار خوش خط و نفیس است ولی چون بسیاری از صفحات آن از پایین کنده شده است، به صورت فعلی نمی توان از آن استفاده کرد. ضمناً هزینه اصلاح و مرمت آن هم بسیار بالا است و نمی توانیم آن را بپردازیم. وظیفه شرعی ما با این مجلد شریف چیست؟
ضمناً نسخه ای دیگر ولی چاپی و معمولی که بسیار قدیمی و کهنه بود، از مرحوم پدرمان به ما رسید که به مسجد محل بردیم و پشت قفسه کتاب ها در مسجد گذاشتیم.

جواب: تا جایی که امکان داشته باشد باید در همان جهتی که وقف شده استفاده شود و لازم نیست همه اوراق آن موجود باشد و نسخه دیگر اگر وقف بوده باید به مصرف همان جهت برسد و اگر وقف نبوده با اجازه سایر ورثه به هر جائی که منتقل شود بلامانع است مگر آنکه حبوه باشد که در اینصورت امر آن موکول به نظر ولد اکبر ذکور است.

554. حدود 90 سال پیش قرآنی در 60 تکه که دارای حاشیه ای مزین به آب طلا و زعفران بوده است برای مجالس ترحیم وقف گردیده است. هم اکنون به واسطه ویژگی های منحصر به فرد و جلوگیری از مفقود شدن آن بدون استفاده نزد شخصی به صورت امانت نگهداری می شود. از آنجائی که این قرآن وقف است و مورد استفاده هم قرار نمی گیرد، وظیفه و تکلیف ما را در این امر مشخص کنید.

جواب: با امکان استفاده از آن باید در جهت وقف از آن استفاده شود.

انتقال کتب کتابخانه به کتابخانه دیگر

555. کتابخانه ای است جنب حسینیه محل که متعلق به آن و دارای کتاب های موقوفه می باشد حال با توجه با افتتاح کتابخانه ای با امکانات وسیع تر (از طرف فرهنگ و ارشاد اسلامی) در آن محل، این کتابخانه متروکه مانده است. در ضمن این مرکز به کتاب های مذکور نیاز دارد. آیا انتقال این کتب وقفی به کتابخانه جدیدالتأسیس که دولتی است، جایز است نظر مبارک را مرقوم فرمائید.

جواب: اگر وقف برای خصوص کتابخانه اولی نباشد، نقل آن به جای دیگر با مراعات جهت وقف مانع ندارد.

موارد مصرف اموال مجهول المالک

556. عده ای از اهالی با تشکیل هیأت عزاداری حضرت ابوالفضل (ع) به فکر احداث زائر سرائی جهت زائرین حضرت امام رضا (ع) در مشهد مقدس به عنوان تکیه حضرت ابوالفضل (ع) افتاده اند و مبلغ حدود یکصد هزار تومان اعضاء هیئت پرداخت نموده و مبلغ یک میلیون و چهارصد هزار تومان هم از محل فروش اراضی بایر مجهول المالک صحرای محلشان تهیه و سهم از 9 سهم خانه ای در مشهد خریداری می کنند و 2 سهم دیگر ان هم احد از شرکاء به منظور فوق وقف می نماید حال بر سر مسئله تولیت 7 سهم بین اهالی محل اختلاف شده است که چرا نمایندگی هیئت بدون رضایت اهالی محل خود را متولی آن قرار داده اند با عنایت به مراتب فوق و حل مشکل اهالی محل که اراضی مذکور را برای احداث خانه خریده و فعلاً ساکن آن می باشند، از محضر مبارک تقاضا دارد در خصوص حل معظله تولیت ملک مذکور و ساکنین خانه هائی که بر روی اراضی فوق الذکر اقدام به خانه سازی نموده اند ارائه طریق فرمائید تا مشکل غصبی بودن خانه های آنان مرتفع و امر تولیت خانه مذکور را هم روشن فرمائید تا تصرفات زائرین حضرت امام رضا (ع) هم بلامانع گردد.

جواب: حاکم شرع می تواند معامله زمین را اجازه کند و در این صورت خریداران می توانند در آن تصرف کنند، ولی باید پول آن با فرض اینکه مجهول المالک است از طرف صاحب آن به فقراء تصدق شود و پول زائر سرا بعهده کسانی است که آن را خریده اند و برای تعیین متولی به نظر حاکم شرع عمل کنند.

تبدیل حمام به مسجد یا حسینیه

557. در روستایی یک مسجد جامع وجود دارد، عده ای بنام هیئت امام رضا (ع) بر اساس اختلافی که مابین آنها و هیئت مقابل «هیئت ابوالفضل (ع) » به وجود آمد شروع به ساخت مسجد دیگری در محل حمام عمومی که دیگر مورد استفاده نبوده و خرابه به حساب می آمد کردند، حال با توجه به مطالب فوق:
نماز خواندن در این مسجد چگونه است؟
کمک کردن برای ساختمان این مسجد چه حکمی دارد؟
آیا برای برقراری اتحاد در روستا می توان در آنجا به عنوان امام جماعت نماز خواند؟ برای اتحاد در روستا چه توصیه ای می فرمائید؟

جواب: هرگونه رفتاری که موجب اختلاف و تفرقه بین مسلمین باشد جایز نیست و اگر زمین وقف حمام نباشد ساختن مسجد در آن مانع ندارد.

558. زمینی است که قبلاً جزء حمام عمومی شهر بوده است و سال هاست که آن حمام خراب شده و بایر افتاده است و کسی از اهالی شهر نمی داند که آیا این زمین وقف حمام بوده است یا نه و متولی مشخص و معین هم نداشته و حمام به واسطه عموم مردم اداره می شده است و از طرفی بیت العباس گنجایش جمعیت عزادار و هیئت های مذهبی را ندارد و نیاز به توسعه دارد. آیا اجازه می فرمائید این زمین درطرح توسعه حسینیه جزء بیت العباس قرار گیرد؟

جواب: اگر وقف بودن آن محرز نیست و مشهور به وقف هم نمی باشد اشکال ندارد.

1- تولیت مسجد

تولیت موقوفات مسجد

559. بر طبق نظر امام راحل «قدس سره» که مسجد متولی ندارد، آیا این حکم شامل املاکی که برای مسجد وقف شده اند مثل املاکی که برای اقامه مجالس وعظ و ارشاد و تبلیغ احکام در مسجد وقف شده اند هم می شود؟ و بر فرض شمول، با توجه به اینکه بسیاری از مساجد، املاک موقوفه ای دارند که متولی قانونی و شرعی دائمی دارند و اداره اوقاف هم با آنان به عنوان متولی رفتار می کند، آیا جایز است متولیان این اوقاف از تولیت آنها دست بردارند و از انجام وظائف خود نسبت به اداره آنها خودداری کنند با آنکه در استفتائی از حضرت امام «رضوان الله علیه» نقل شده که متولی حق اعراض از تولیت وقف را ندارد بلکه واجب است طبق آنچه واقف مقرر کرده عمل کند و دراین باره کوتاهی ننماید؟

جواب: حکم به این که مسجد، تولیت بردار نیست شامل موقوفه هایی که برای مسجد وقف شده اند نمی شود در نتیجه به طریق اولی شامل موقوفه هایی که برای اموری از قبیل تبلیغ احکام و موعظه و ارشاد و مانند آن در مسجد وقف شده اند، نمی شود، بنابراین تعیین متولی برای اوقاف خاص و عام، حتّی در مثل وقف ملک برای رفع نیازهای مسجد از قبیل لوازم و روشنایی و آب و نظافت مسجد و غیره، بدون اشکال است و متولی منصوب، بنا بر احتیاط واجب حق اعراض از تولیت این قبیل اوقاف را ندارد بلکه واجب است مبادرت به اداره امور وقف همانگونه که واقف در صیغه آن مقرر کرده بنماید هر چند با گرفتن نایب برای این کار باشد و کسی حق ندارد برای او در اداره وقف ایجاد مزاحمت و مشکل کند .

عزل و نصب امام جماعت مسجد، توسط متولی

560. در وقفنامه ای واقف مرحوم قید نموده است که عزل و نصب امام جماعت به دست متولی است و هرگاه امام جماعت خلاف نظر متولی اقدام کند، حق عزل امام جماعت را دارد آیا چنین شرطی در وقفنامه مشروع است یا خیر؟

جواب: در امام جماعت مسجد، امر نصب آن به دست متولی نیست، تا چه رسد به عزل آن، و در این جهت متولی اختیاری ندارد.

تصرف در اموال مسجد

561. مرحوم پدرم در زمان حیاتش مسجدی بنا نموده چون قبل از تنظیم وقفنامه پدرم فوت می نماید دو برادر و یک خواهرم وقفنامه در محضر نوشته اند و در حدود یکصدمتر از ارثیه ملکی خود را به مسجد اضافه نموده اند و در وقفنامه نوشته شده است، آیا من که پسر اصلی مرحوم پدرم می باشم حق دخالت و رسیدگی به امور مسجد را نباید داشته باشم؟ و الساعه کلیه کاشی های سردری مسجد و پلاک نام مرحوم پدرم را بانضمام کتیبه خراب کرده اند.

جواب: حکم کلی روشن است که تصرف در اموال موقوفه مسجد باید زیر نظر متولی شرعی و مصلحت وقف باشد و موضوع نیاز به رسیدگی دارد که موکول است به مسئولین مربوطه.

2- لوازم و امکانات مسجد

خارج کردن وسایل مسجد

562. اهالی محل مقداری پول جهت خریدن ظروف برای مسجد و عده ای هم به این نیت که هم برای مسجد و هم جهت کرایه دادن خارج از مسجد جمع آوری کرده اند و امروزه آن ظروف برای مراسم عروسی، ختم و... از مسجد خارج شده و مورد استفاده قرار می گیرد.
آیا می توان ظروف مسجد را جهت مصارف عروسی بیرون برد ولو کرایه آن را پرداخت نمایند؟
و یا به طور کلی لوازمات مسجد (اعم از بلندگو، فرش، ظروف، جزوات قرآن و...) را می توان از مسجد بیرون برد؟ و یا آنکه می توان این ظروف را فقط کرایه داد و برای مسجد ظروف دیگر تهیه کرد؟

جواب: آنچه را برای مسجد وقف کرده اند حتی حق بیرون بردن از مسجد را ندارند و غیر آن بستگی به نحوه وقف دارد.

563. اجناسی که برای مسجد خریداری و یا به صورت هدیه و نذر و وقف داده می شود، آیا می توان در مناسبتهایی که در خارج از مکان و محدوده مسجد برگزار می شود (نماز عید فطر، نماز ظهر عاشورا و...) استفاده کرد؟

جواب: جایز نیست مگر در صورتی که احراز شود که وقف یا اهداء برای استفاده اعم از داخل و خارج است.

564. آیا می شود از اموال مسجد در خارج از مسجد برای برنامه ها و مسائل مذهبی استفاده نمود؟ مثلاً فرش مسجد را در ایام عزاداری به مدت یک هفته در حسینیه جهت عزاداری استفاده کرد و مسجد خالی از فرش بماند؟

جواب: از اموال و موقوفات مسجد نمی توانند در خارج مسجد استفاده کنند مگر اینکه در ضمن وقف تصریح شده باشد.

565. خارج کردن اموال مسجد اعم از اموال موقوفه و اموال اهداء شده آیا دارای اشکال شرعی می باشد؟

جواب: جایز نیست مگر در صورتی که احراز شود که وقف یا اهداء برای استفاده اعم از داخل و خارج است.

566. آیا می توان وسائل وقف مسجد را از قبیل تریبون، پایه میکروفون، موتور برق، برای سوگواری سیدالشهداء حسین بن علی (ع) جهت دسته آرائی و راهپیمائی به بیرون از مسجد برد،در صورتی که هیئت برای خودش مستقل باشد، و اگر از مسجد خارج شود چه حکمی دارد دستور فرمائید تا از امر حضرتعالی اطاعت شود.

جواب: اگر وقف شده که در مسجد از آن استفاده شود بیرون نبرند و از وقف باید به همان راهی که وقف برای آن شده بهره برداری نمایند.

567. مکان مسجد نسبت به جمعیت کنونی این روستا کوچک است، حال سؤال این است که آیا تغییر مصالح و ابزار و امکانات و مکان این مسجد به مکان نزدیک به همان مسجد که حدوداً 50 الی 100 متر فاصله دارد اشکالی ندارد در حالیکه مکان اصلی این مسجد به همین صورت وقف باقی می ماند و صاحب وقف و افراد دیگر استفاده شخصی از این مکان نخواهند کرد و در صورت امکان چند درخت میوه جهت استفاده عموم مردم کاشته شود که استفاده آن به عموم افراد آن روستا برسد و آیا این زمین تا ابد به همین صورت باید باقی بماند و یا می شود تبدیل به کارهای دیگر کرد که سود آن به خرج مسجد جدید گردد؟

جواب: تغییر وقف جایز نیست بلی اگر امکاناتی دارد که به هیچ عنوان در آنجا قابل استفاده نیست می توانند به مسجد دیگر منتقل کنند.

استفاده از آب و برق مسجد

568. آیا کسی می تواند از آب مسجد به صورت خصوصی مصرف کند یا نه مثلاً همسایه مسجد از مسجد آب لوله کشی کند؟

جواب: جایز نیست.

569. آیا جایز است همسایگان مسجد از برق آن برای جوشکاری آهن ساختمان های خود استفاده کنند و پول مصرف برق و حتی بیشتر از آن را به مسئولین اداره امور مسجد بپردازند؟ و آیا جایز است مسئولین مسجد، اجازه استفاده از برق آن را بدهند؟

جواب: استفاده از برق مسجد برای کارهای شخصی جایز نیست و مسئولین مسجد هم جایز نیست چنین اجازه ای را بدهند .

استفاده خادم از امکانات مسجد

570. آیا خادم مسجد می تواند از وسائل مسجد مانند تلفن، رادیو ضبط و... هنگامی که در مسجد است استفاده کند یا خیر؟

جواب: تابع نظر متولی و هیأت امناء مسجد است.

571. آیا خادم مسجد می تواند از سوخت مسجد (نفت) با توجه به اینکه مبلغی هم دریافت می دارد استفاده نماید؟

جواب: اگر سوخت مخصوص استفاده در مسجد است باید برای همان مصرف شود و به غیر آن نمی رسد هر چند خادم باشد.

تغییر شکل منبر وقفی

572. منبری برای مسجد وقف شده است ولی به علت ارتفاع زیاد عملاً قابل استفاده نیست، آیا تبدیل آن به منبر مناسب دیگری جایز است؟

جواب: اگر با شکل خاص فعلی آن در این مسجد و یا مساجد دیگر قابل استفاده نیست، تغییر شکل آن اشکال ندارد .

صیغه وقف برای وسایل مسجد

573. احتراماً، مستدعی هستم به این چند مسئله شرعی پاسخ فرمایید تا راه گشای مؤمنین شود.
اجناسی را به مسجد می دهند تا در آن مکان مورد استفاده قرار گیرد و نیت وقف هم دارند.
الف: آیا برای وقف آنها خواندن صیغه وقف نیاز است یا نه؟
ب: آیا می توان این اجناس را کرایه داد و پول کرایه را صرف مسجد نمود؟

جواب: الف: نیاز نیست.
ب: اگر وقف شده که در مسجد از آن استفاده شود جایز نیست.

استفاده از فرش مسجد در مسجد دیگر

574. اگر مسجد نیازی به چیز وقف شده نداشته باشد، به عنوان مثال آن مسجد در حد کافی فرش دارد و آن مورد وقف شده نیز فرش است، در این صورت آیا می توان مورد وقف شده را فروخت و صرف دیگر مخارج مسجد کرد؟

جواب: مسجد اگر به هیچ وجهی به آن نیاز نداشته باشد می توانند به مسجدی که نیاز دارد منتقل کنند.

575. چند زیلو اضافی که در مسجد جامع روستا داریم با اجازه هیئت امنای مسجد می توان آن را وارد مسجد دیگری نمود؟

جواب: تا خود آن مسجد به زیلو نیاز دارد جایز نیست به مسجد دیگری انتقال دهند.

انتقال زیلو و مهر مسجد

576. مستدعی است نظر مبارک را راجع به استفاده از زیلوهایی که در مسجد جامع وقف بوده و در حال حاضر بلا استفاده است در زیر موکت های کتابخانه مسجد که جزو مسجد نیز می باشد به قسمی که هر زمان که لازم باشد جهت نماز و... استفاه گردد، با عنایت به آنکه استفاده از آنها در کتابخانه وسیله ای جهت جذب جوانان و نوجوانان به معنویت و نماز و مبارزه ای پیرامون شبیخون فرهنگی است اعلام فرمائید ضمن عرض پوزش از تصدیع وقت عزیزتان.

جواب: تابع چگونگی وقف است، چنانچه جهت استفاده نمازگزاران در شبستان مسجد یا در صحن مسجد وقف شده باشد انتقال آن به کتابخانه و استفاده از آن برای غیر اقامه نماز جایز نیست ولی اگر وقف جهت استفاده در مطلق موارد در محدوده مسجد باشد اشکال ندارد.

577. اگر مهر نماز متعلق به مسجد در جیب کسی بماند تکلیف چیست؟

جواب: اگر برای خصوص آن مسجد وقف شده باشد باید به آنجا برگرداند و در صورت شک نیز حکم همین است.

3- ملحقات مسجد

ملحقات زمین مسجد در حکم مسجد

578. اگر شخصی زمینی را برای ساختن مسجد وقف نماید و ذکر نکرده که این زمین برای لوازم مسجد مثل دستشوئی و حمام و کفش کن هم باشد یعنی این وقف خود را تفضیلاً بیان نکرده است اگر قسمتی از این زمین را به عنوان صحن مسجد بنا نماید آیا حکم مسجد دارد؟ آیا دیوارهای مسجد نیز حکم مسجد را دارند؟

جواب: اگر زمین برای ساختن مسجد وقف شده و واقف خودش یا با اجازه او شخصی در آن زمین به قصد مسجدیت نماز خوانده تمام زمین حکم مسجد دارد.

تبدیل اتاقهای متعلق به مسجد به مغازه

579. در جلو مسجدی دو اتاق ساخته اند که می تواند استفاده های گوناگونی، داشته باشد، استفاده از این دو اتاق به عنوان مغازه جهت مخارج مسجد، دفتر بسیج، دفتر شورای اسلامی چه حکمی دارد؟

جواب: اگر برای نماز یا منظور خاص وقف نشده استفاده از آن در موارد مذکور اشکال ندارد.

تصرف در زمین وقفی

580. معروض بر اینکه اینجانبان از اهالی قریه همجوار مسجد جامع بودیم. لیکن مهاجرت نموده و به منظور توسعه مسجد زمین مسکونی خود را وقف مسجد نموده ایم، آیا می شود دیگران به آن زمین ها دخل و تصرف کنند یا خیر؟

جواب: به همان نحوی که زمین وقف شده ا ست باید عمل شود و اختیار دخل و تصرف در زمین موقوفه با متولی شرعی موقوفه است که باید با مراعات مصلحت وقف و در جهت وقف مورد استفاده قرار گیرد.

الحاق رقبۀ مسجد به مسجد دیگر

581. مسجدی در روستا واقع شده که گنجایش جمعیت فعلی محل را مخصوصاً در ماه مبارک رمضان و ایام محرم و صفر ندارد آقایی در صدد توسعه مسجد برآمده، در جوار مسجد زمینی است که متصرف آن می گوید مقداری از زمین وقف روشنائی مسجد دیگری است یعنی در قدیم عصارخانه بوده و روغن چراغ مسجد را تأمین می کرده است و فعلاً اثری از عصارخانه نمی باشد، مستدعی است بیان فرمائید با توجه به ضرورت آیا می توانیم زمین مذکور را ضمیمه مسجد نموده و از مسجد مورد توسعه روشنائی دیگر را تأمین نمائیم تا هم جهت وقفیت حفظ شده و هم از مضیقه مکانی خلاص شویم، حکم الله را بیان فرمائید.

جواب: اگر با نظر متولی شرعی و مراعات حفظ جهت وقف این کار بشود مانع ندارد ولی زمین وقف را اگر جزء مسجد نمایند حکم مسجد پیدا نمی کند.

582. منزلی است حدود دویست مترمربع که چند سال گذشته وقف بر یکی از مساجد شهر شده است این منزل متصل به مسجدی می باشد، که اکنون هم به تمامی معنی مخروب و بی فایده است به گونه ای که قابل تعمیر و استفاده نمی باشد، احداث جدید ساختمان در این زمین مقرون به صرفه نیست و منافع این ملک می بایست به تولیت آن که به عهده امام جماعت مسجد واگذار گردد و مابقی صرف تعمیر منزل و افطاری ماه مبارک رمضان و روضه خوانی در شبهای جمعه در این مسجد شود با توجه به مطالب فوق متمنی است نظر به صلاح و نیاز مبرم مسجد به توسعه آن، حضرت اجازه ولایی بفرمائید زمین مذکور به مسجد ملحق گردد طول عمر و سلامت حضرتعالی را خواهانم.

جواب: تغییروقف جایز نیستںو با اجاره طولانی مدت قابل الحاق به مسجداست واجاره آن بایدصرف جهت وقف شود.

انتقال سرویس بهداشتی مسجد

583. آیا می توان سرویس بهداشتی مسجد را به زیرزمین حیاط مسجد انتقال داد؟

جواب: اگر موجب تغییر وقف یعنی از بین رفتن حیاط مسجد نباشد و منافات با جهت وقف نیز نداشته باشد اشکال ندارد.

ساخت مغازه در زمین مسجد

584. زمینی برای مسجد واگذار شده و ساخت مسجد شروع شد اما چون مردم محل قدرت مالی ندارند که به مسجد کمک کنند لذا تقاضا دارند اضافه زمینی که متعلق به مسجد است ولی صیغه مسجد به آن خوانده نشده و در حقیقت مسجد مالک آن زمین است آیا اجازه می فرمائید از زمین باقی مانده به نفع مسجد استفاده شود، مثلاً چند عدد مغازه ساخته شود و منافع آن مغازه ها در مسجد مصرف شود تا انشاءالله بتوانیم بنای مسجد را به اتمام برسانیم.

جواب: اگر صیغه وقف به عنوان مسجد نسبت به آن زمین خوانده نشده و یا با اذن واقف نماز در آن زمین خوانده نشده باشد اشکال ندارد.

4- رقبات مسجد

حکم زمین اهدایی به مسجد

585. فرد خیری قطعه زمین حدود 20 متری به مسجد بخشیده است ولی آن قطعه زمین با مسجد فاصله دارد، یک خانه مسکونی مابین مسجد و زمین فاصله افتاده است. این زمین بخشیده شده به مسجد در حال حاضر کاربری ندارد جهت مسجد با توضیحات فوق خواهشمند است به سؤالات زیر پاسخ دهید :
الف) آیا صیغه وقف بر آن زمین اطلاق می شود؟
ب) خرید و فروش و تبدیل به احسن کردن آن جایز است یا خیر؟
ج) لازم به ذکر است فردی که منزل مسکونی ایشان مابین مسجد و قطعه زمین واقع شده است مقداری جهت مسجد داده و قصد دارد قطعه زمین مسجد را خریداری نمایند.

جواب: الف: اگر به مسجد بخشیده شده ملک مسجد است ولی وقف نیست.
ب: با نظر متولی شرعی مانع ندارد.
ج: اگر متولی شرعی صلاح مسجد بداند می تواند زمین را تبدیل کند.

تبدیل خانه وقفی

586. واقفی وقفی نموده اند تا درآمد این وقف از طریق اجاره یا غیره صرف مسجد شود آیا می شود این منزل مسکونی در این زمین را تبدیل به چیز دیگری نمود که درآمد آن باز هم صرف مسجد شود؟ علاوه بر اینکه در صورت تبدیل شدن درآمد بیشتر هم می شود.

جواب: اگر زمین و منزل مسکونی قابل استفاده در جهت وقف است نباید تبدیل شود.

الحاق خانه امام جماعت به مسجد

587. در جنب مسجد خانه ای توسط فردی وقف گردیده که بعداً توسط هیئت امناء ترمیم گردید و در وقف شرط نموده است که روحانی مسجد از آن استفاده نماید یا اینکه از عایدات آن صرف روحانی که در قم مشغول تحصیل است و ایام رمضان و محرم و تابستان به محل می آید به وی پرداخت گردد، با توجه به هزینه های جانبی ساختمان مذکور تکلیف چیست؟ آیا می شود به خاطر گسترش مسجد آن ساختمان تخریب و جزء مسجد گردد؟

جواب: در فرض مرقوم جائز نیست.

فروش، اجاره یا معاوضه رقبه مسجد

588. زمین موقوفه دیگری در فاصله تقریباً سیصد متری مسجد یک قطعه زمین متعلق به موقوفه وجود دارد که نظر به نیاز شدید محل که بنده به عنوان متولی بنا دارم چنانکه اجازه فرمائید یکی از تصرفات ذیل را که در طریق منافع مسجد فعلی است به عنوان متولی انجام دهم و شرعاً مجاز هستم یا خیر؟
الف) آیا فروش این زمین موقوفه و صرف قسمتی از آن در تکمیل بنای مسجد فعلی و متعلقات آن جایز است یا خیر؟
ب) آیا فروش این زمین موقوفه و خرید منزل مسکونی مناسب در محل جهت اسکان امام جماعت مسجد فعلی با قیمت آن زمین جایز است یا خیر؟
ج) اجاره دادن زمین مزبور و صرف مال الاجاره آن در منافع مسجد فعلی حکمش چیست؟
د) شهرداری بنا دارد زمین موقوفه فوق را با زمین دیگری معاوضه کند آیا چنین کاری جایز است و می توانم به عنوان متولی این امر را قبول نمایم؟
هـ) ساختن مجتمع تجاری در این زمین در صورت امکان و صرف منافع آن در امور مسجد فعلی یا ساختن مجتمع فرهنگی نظیر کتابخانه یا احیاناً ساختن بنائی برای ایجاد حوزه علمیه در محل یا انجام این امور در زمین دیگری که شهرداری به عوض این زمین بدهد چه حکمی دارد؟

جواب: الف: جایز نیست.
ب: جایز نیست.
ج: جایز نیست.
د: جایز نیست.
ه: از زمینی که برای مسجد وقف شده باید در همان جهت مسجد که برای آن وقف شده است استفاده شود.

تبدیل صندوق قرض الحسنه مسجد

589. فردی مغازه خود را برای ایجاد صندوق قرض الحسنه وابسته به مسجد وقف کرده و از دنیا رفته است و چندین سال است که آن مکان بسته مانده و در حال حاضر در معرض خرابی است، آیا استفاده از آن برای کارهای دیگر جایز است؟

جواب: اگر وقف مغازه برای ایجاد صندوق قرض الحسنه در آن، محقق شده باشد، و فعلا نیازی به ایجاد صندوق قرض الحسنه در آن مسجد نباشد، استفاده از آن برای صندوقهای قرض الحسنه ای که وابسته به مساجد دیگر باشد، اشکال ندارد و اگر این هم ممکن نباشد استفاده از آن در هر کار خیری جایز است .

تبدیل رقبه مسجد به مغازه و سرویس بهداشتی

590. در همسایگی مسجد خانه کلنگی وجود دارد که صاحبان خانه قسمتی از آن را بخشیده و مقداری را هم مردم خریده اند و جزو صحن مسجد (حیاط) می

شود، از آنجائیکه زمین و مسجد لب خیابان واقع شده ساختن مغازه یا مکانی شبیه آن برای مخارج مسجد یا ساختن کتابخانه چه حکمی دارد، البته حیاط مسجد هم لطمه ای وارد نمی شود؟

جواب: اگر برای صحن مسجد بخشیده و خریده اند جایز نیست به مغازه تبدیل کنند مگر این که هنوز وقف نشده و صاحبان پول به آن راضی باشند.

591. قطعه زمینی از متعلقات و مستقلات مسجد که تا این زمان با درآمد ناچیز و بدون هیچگونه وقفنامه و متولی خاص، به عنوان انبار گچ و آهک و غیره اجاره داده می شد با توجه به نیاز مساجد به منافع مالی جهت صرف در امور فرهنگی و مذهبی، در حال حاضر قصد داریم در همان زمین چند باب مغازه و درمانگاه وساختمان مسکونی احداث نموده و عایدات حاصله را کماکان به مسجد صرف نمائیم. به نظر حضرتعالی تنظیم وقفنامه و تعیین متولی برای بنای جدید چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض مرقوم تولیت با حاکم شرع است به هر نحو صلاح وقف بداند می تواند نسبت به تنظیم و تعیین مذکور عمل کند.

592. ابوی اینجانب زمینی را که در آن منزل مسکونی هم قرار دارد وقف نموده اند برای اینکه درآمد آن صرف امورات مسجد شود که در جنب آن زمین قرار دارد بنابر مقدمه بالا دو سؤال دارم.
هیئت امناء مسجد از جهت نداشتن زمین برای بنا نمودن سرویس بهداشتی خواهران و برادران در مضیقه اند آیا می توانیم مقداری از همین زمین مذکور را که در جنب مسجد است ضمیمه مسجد نمائیم جهت مورد مذکور؟

جواب: در فرض سؤال با نظر متولی شرعی مانع ندارد.

نماز خواندن در رقبات مسجد

593. تکلیف نماز خواندن در زمین های موقوفه ایکه فعلاً تبدیل به واحدهای تجاری شده چیست؟ لازم به ذکر است که زمین های مذکور جزء موقوفات یک مسجد می باشد که درآمدهای آن صرف امورات مسجد می شود.

جواب: اگر وقف منفعت باشد و در آنجا ساختمان ساخته شده تا منافع آن خرج مسجد شود، نماز خواندن در آنجا اشکال ندارد.

5- عواید مسجد

متولی عواید مسجد

594. آیا برای امام جماعت می شود از پول سرقفلی مغازه که مربوط به مسجد است و وجه آن خرج مسجد می شود منزل ساخت؟

جواب: پول مسجد باید زیر نظر متولی شرعی و در جهت وقف مصرف شود.

595. آیا از پول سرقفلی مغازه که مربوط به مسجد است می شود امام جماعت منزل رهن کند یا نه؟

جواب: حکم آن گذشت.

596. آیا امام جماعت می تواند نسبت به مسائل داخلی و تمام امورات مسجد اعم از برگزاری جلسات و مسائل فرهنگی و اموال مسجد دخالت داشته باشد یا نه؟ اگر عضو هیئت امناء باشد چطور؟

جواب: از هر کاری که موجب تفرقه و اختلاف بین مسلمین است اجتناب شود و اموال اگر منافع وقف باشد باید زیر نظر متولی موقوفه مطابق نظر واقف در مورد آن صرف شود.

597. مؤمنین ده یک قطعه اراضی را در کشمیر برای مسجد شریف صاحب الزمان (عج) وقف نمودند اوقاف شیعه بالعموم منقسم بین گروه های مختلف می باشد- رئیس یک گروه به زور وقف مذکوره را در تحویل خود قرار داد- نزد من مقداری پول این وقف می باشد. پس از جنابعالی خواستارم که حکم فرمائید که بااین پول چه کنم؟ 1- آیا می شود این پول را به یک اداره دینی تحویل داد و نیز 2- آیا به زور کسی می تواند وقف مؤمنین را به تحویل خود قرار دهد؟

جواب: ١. پول اگر از منافع وقف است باید مطابق نظر واقف و زیر نظر متولی شرعی وقف و به صلاح وقف صرف شود و تحویل آن به جای دیگر جایز نیست.
٢. هر گونه تصرف در وقف باید زیر نظر متولی شرعی وقف باشد.

598. ملکی است موقوفه خاص مسجد جامع که از قدیم الایام تا کنون در اختیار مؤذن بوده است آیا اداره اوقاف مجاز به اجاره دادن ملک موقوفه مورد نظر می باشد و آیا اداره اوقاف می تواند درآمد آن را در غیر مورد وقف صرف نماید نظر مبارک را امر به تحریر فرمایید.

جواب: عواید وقف باید زیر نظر متولی شرعی و با نبود متولی منصوب حاکم شرع در جهت وقف صرف شود و تخلف و تغییر جایز نیست و رسیدگی به قضیه شخصیه موکول است به مسئولین محترم در جمهوری اسلامی.

599. در کنار مسجد چند باب دکان ساخته شده که کرایه آن دکانها را به فقراء بدهند و اگر چیزی باقی بماند برای ذخیره خود مسجد باشد اگر احتیاج به تعمیر داشته یا سایر چیزهای دیگر که مربوط به خود مسجد است نیاز پیدا کند حالیه در آن جا دو رأی پیدا شده یک رأی می گوید که عایدات این دکانها به همان حالت سابق بماند که الوقوف حسب ما یوقفها، یک رأی دیگر می گوید باید عایدات دکانها به امام جماعت بدهند که با مردم نماز جماعت می خواند، بفرمائید که نماز جماعت واجب تر است و یا کما فی السابق رفع نیاز فقراء؟

جواب: به هر حال عایدات مغازه به همان نحوی که وقف شده باید مصرف شود و تغییر آن جائز نیست و مواردی که ذکر شده مجوز تغییر نمی شود.

مصرف اموال مسجد در جهت آبادانی محل

600. آیا هیأت امنای مسجد حق دارند اموال و سرمایه مسجد را در عمران آبادانی محل از جمله راه سازی و مدرسه سازی و... مصرف کنند یا نه؟ و در صورت آگاه نبودن به مسئله (که هیأت امناء به خاطر عمران و آبادانی مبالغی از پول مسجد را جهت عمران و آبادنی مصرف کرده اند) چه دستوری می فرمایید؟

جواب: حق ندارند اموال مسجد را در غیر مخارج مسجد صرف کنند و اگر خرج کرده اند ضامن هستند.

6- استفاده از مسجد برای کارهای دیگر غیر از نماز

استفاده از مسجد برای مجلس ختم

601. قسمتی از مسجد را جهت برگزاری همزمان مجالس ختم برای خانم ها و آقایان اختصاص می دهند. آیا برای متولیان مساجد اختصاص قسمتی از مسجد برای اینگونه مجالس که برای سهولت در امور مراسمهای ختم و یا جهت درآمد زائی بیشتر برای عمران مساجد انجام می شود شرعاً مسئله ای متوجه می گردد یا نه؟

جواب: برپائی مجالس و مناسبات اگر مزاحم نمازگزاران نباشد اشکالی ندارد ولی احکام شرعیه ورود به مسجد را لازم است مراعات کنند و در هر صورت تغییر وقف جایز نیست.

دفن میت در مسجد

602. در حیاط مسجد در دوران دفاع مقدس و با اجازه وقف کننده پیکر مطهر 13 شهید دفن گردیده است در حال حاضر با توجه به محدودیت مکانی مسجد آیا می توان بستگان درجه یک شهداء را بر حسب وصیت یا سفارش دفن نمود؟

جواب: اگر به عنوان حیاط مسجد وقف شده باشد جائز نیست.

603. آیا می توان در محوطه مساجد (حیاط، کفش کن، صحن مسجد) میت را دفن نمود؟

جواب: دفن اموات در مسجد حتی در صحن و کفش کن آن جایز نیست.

604. چنانچه میت قبل از فوت حاضر به خرید مکانی در محوطه مسجد برای دفن خود باشد چه حکمی دارد، آیا فروش قبر جایز است یا خیر؟

جواب: مسجد قابل خرید و فروش نیست و گفته شد که دفن اموات در مسجد جایز نیست.

605. برادران بسیج پایگاه بسیج مسجد در راستای ترویج فرهنگ شهادت و ایثار تصمیم به دفن شهدای گمنام دفاع مقدس در حیاط مسجد گرفته اند. آیا دفن کردن پیکر مطهر شهید در حیاط مسجد که صیغه مسجد در آن جاری نشده است جائز است؟

جواب: اگر حیاط وقف نباشد مانعی ندارد.

7- تخریب، تعمیر و نوسازی مسجد

تخریب مسجد درصورت ضرورت

606. جهت بازگشائی و توسعه معابر دستگاه های دولتی گاهی ناچار به تخریب مساجد می شوند. و از طرفی بر اساس مبانی فقهی و استفتائات موجود مراجع عظام شدیداً این عمل را قبیح و مرتکب را مستحق توبیخ می دانند و اداره اوقاف از طرفی متولی حفظ مساجد و از طرفی مؤید گسترش معابر در جهت هماهنگی با مسئولین می باشد (لذا) بعضاً اداره مردد در نوع تعیین تکلیف خود می گردد به ویژه در موردی که تخریب مسجد راه منحصر به فرد و اقرب به صلاح اجتماعی و شهری است. انشاءالله استرشاد به محضر مبارک حضرتعالی مشخص جهت دهی تصمیم نهائی این اداره و سایر دستگاه های مشابه در این گونه موارد باشد.

جواب: تخریب مساجد جهت احداث و توسعه خیابان شرعاً جایز نیست، مگر آنکه ضرورت اجتماعی غیر قابل تبدیل و یا چشم پوشی بر حسب نظر کارشناسان امین ایجاب نماید.

607. در تعریض یکی از خیابان ها چند مسجد در مسیر قرار گرفته که بعضی از آنها کلاً تخریب و برخی قسمتی باید خراب شود تا رفت و آمد وسائل نقلیه مردم آسان تر گردد خواهشمند است نظر شریفتان را حسب المورد مرقوم فرمائید.

جواب: تخریب مسجد یا قسمتی از آن جایز نیست مگر در صورتی که مصلحتی غیر قابل چشم پوشی از آن باشد.

608. مسجدی دارای حیاطی است بیش از 700 متر مربع (منهای بناء ساختمان آن) ، سمت جنوب حیات مسجد مشرف شده است به خیابانی 30 متری که طرح توسعه آن از قبل از انقلاب انجام یافته است. به مرور زمان قسمت جنوب شرقی و جنوی غربی در اثر عقب نشینی متصل به دیوار این مسجد شده است که در اثر تنگی و ضیقی مسیر تاکنون چندین تصادف شده که بعضی منجر به قتل و اکثر از آن مصادف به ضرر مالی و نقص عضو گردیده است. زیرا تردد وسایل نقلیه مواجه است با تردد محصلین مراحل گوناگون که مدرسه های آنان متصل به طول همین مسیر می باشد. این کثرت ضایعات و تصادفات مسئولین شهری و مهندسین و اولیاء امر را بر آن داشته است که اینجانب و هیئت امناء مسجد و وراث مرحوم واقف را بر آن وا دارد تا نسبت به واگذاری 513 متر از حیاط مسجد فوق با متعلقاتش از قبیل 4 درب توالت قدیمی و سه در انباری کوچک 4×3 غیر بهداشتی و غیر مکفی و عدم رعایت موازین شرعی نسبت به بانوان و نیاز آنان (از قدیم انجام گرفته است) موافقت نمائیم و مرحوم واقف نیز از قبل کاملاً مطلع به عقب نشینی حیاط مسجد نسبت به خیابان بوده اند، لهذا بنا و ساختمان مسجد را در ضلع شمالی زمین مستقر نموده اند که عند التخریب مقرون به 200 متر مربع دیگر به عنوان حیاط باقی خواهد ماند. ولی طوری است که جوابگوی خواسته های ضروری مسجد نیست، لازم به ذکر است:
اولاً: شهرداری و دست اندرکاران زمینی را به مساحت مقرون به 700 متر مربع با ابعاد بسیار مناسب با فاصله ای بسیار نزدیک در قسمت جنوب غربی مسجد در تصرف ما قرار داده اند که از هر حیث تأمین کننده کلیه خواسته ها و نیازمندیهایی که در مسجد و محل حتی نیاز فرهنگی این منطقه محروم را به نحو احسن می باشد. در ضمن هیچگونه خسارتی بالفعل یا بالقوه به چهار دیوار ساختمان و بنای مسجد نمی رساند و حضوراً به نظر شریف بعضی از اعضای شورای محترم ائمه جماعات شهرستان قم رسیده و کاملاً در جریان این امر قرار گرفته اند و کاملاً مشرف و مؤید این تبدیل شده اند.
ثانیاً : از مرحوم واقف دال بر وقف این ملک موجود نیست و سندی که باقی مانده است ملکی است لکن اینجانب به عنوان امام جماعت چندین ساله واکثر از مؤمنین به وقف شرعی بودنش اطلاع دارم.
با در نظر گرفتن موارد فوق و جلوگیری بیشتر ضرر و زیان مالی و عضوی، تبدیل آن منوط است به حکم شرعی و ولائی آن ولی عالی‌قدر مسلمین و رهبر بزرگوار انقلاب و مرجع شایسته شیعیان، امید است مورد عنایت و موافقت قرار گیرد.

جواب: در فرض ثبوت شرعی وقفیت حیاط مذکور، تبدیل آن و قراردادن قسمتی از آن جزء کوچه و خیابان جایز نیست مگر آنکه مصلحت مهمی از قبیل تهدید جان مردم و امثال آن در میان باشد.

609. معروض می دارد، مسجد جامع این محل از دیر زمان محل اقامه جماعت اعاظم شیعه بوده که اخیراً به بهانه تقاطع چهار راه و میدان تخریب گردیده در حالی که از نظر نقشه مصوب اداره مسکن و شهرسازی این مسجد در مسیر قرار نمی گرفته است پس از مراجعات مکرر اعتراف به اشتباه و خلاف خود کردند و قول دادند زمین مسجد را تحویل مؤمنین داده تا تجدید بنا شود. اما با تغییر رئیس مجدداً از تحویل زمین مسجد خودداری می کنند مستدعی است حکم آن را بیان فرمائید.

جواب: تخریب مسجد و تصرف زمین آن بدون مجوز شرعی حرام است باید زمین مسجد را جهت تجدید بنای مسجد در آن برگردانند، بعلاوه کسی که عمداً یا اشتباهاً مسجد را خراب کرده، ضامن خسارت ساختمان مسجد نیز هست.

تخریب مسجد برای توسعه

610. در صورت مجاز بودن آیا تخریب مسجد جائز است یا خیر؟ در صورت بدون استفاده ماندن مسجد قبلی (به علت عدم تکافوی جمعیت) مسجد چه حکمی خواهد داشت؟

جواب: تخریب مسجد جائز نیست مگر برای توسعه.

تخریب مسجد و جابجایی آن با ملحقات مسجد

611. مسجدی نسبت به جمعیت محل خیلی کوچک و قدیمی است و بزرگ کردن آن ضرورت دارد عده ای می گویند مسجد مذکور را خراب نمایند و مقدار لازم

هم از حیاط مسجد به او اضافه کنند همان جای مسجد اول باز هم مسجد بشود حیاطی هم برای وضوخانه و دستشوئی باقی بماند و عده ای نظرشان این است مسجد قدیمی بماند حیاط مسجد را مسجد درست کنند در این صورت حیاطی برای مسجد باقی نمی ماند از محضر حضرتعالی تقاضا می نمائیم از جهت شرع و مصلحت کدام یک از نظریه را انتخاب کنیم که اشکالی نداشته باشد؟

جواب: باید طوری عمل کنند که تغییر وقف صدق نکند بنابراین اگر قسمت مربوط به حیاط مسجد را مسجد و قسمت مسجد را حیاط نمایند خلاف احتیاط است.

612. ما اهالی روستا مسجد کوچکی داشتیم چون جایش ضیق بود جلو آن مسجد جدیدی ساخته ایم و مسجد قدیم جلو مسجد جدید را گرفته و مانع دید مسجد شده حالا ما می توانیم این مسجد قدیم را تخریب و از حیاط آن مسجد جدید قرار دهیم؟

جواب: تغییر وقف جایز نیست،

613. مسجدی داریم که کفشداری و چایخانه آن بر اثر بهسازی روستا تخریب شده و جزو خیابان قرار گرفته است و به دلیل کوچک و فرسوده بودن مسجد تصمیم بر این است که مسجد قبلی تخریب و بازسازی گردد و به جهت نزدیک بودن به خیابان و جهت رعایت حریم خیابان و عبور و مرور مردم به داخل مسجد نظر هیئت امناء و معتمدین بر این است که از سمت شرقی عقب نشینی نموده و از قسمت میانی ورودی ایجاد گردد و به نحوی که ورودی مسجد جدید کفشداری در داخل مسجد قبلی قرار گیرد حکم شرعی چگونه است؟

جواب: تغییر وقف است و جایز نیست.

8- توسعه مسجد

تبدیل مسجد به آبدارخانه درهنگام توسعه

614. اخیراً با توجه به افزایش جمعیت و کوچک بودن فضای مسجد مقداری به مساحت قبلی مسجد اضافه و ساخت و ساز جدیدی وصل به بنای قبلی احداث و مساحت مسجد را وسعت بیشتری داده شده است، مضافاً مقداری از اصل بنای قبلی مسجد را که از بدو تأسیس به عنوان مسجد استفاده می شد از حالت مسجد خارج و به عنوان آبدارخانه جدا گردیده و هزینه زیادی انجام شد و فعلاً به عنوان آبدارخانه یا چایخانه استفاده می شود و این امر در زمان تغییر و تحول مسجد مورد اعتراض چند تن از اعضای هیئت امناء قرار گرفته، در این رابطه ما را ارشاد فرمائید و بفرمایید که حکم چیست؟

جواب: تغییر و تبدیل وقف جایز نیست و مقداری از مسجد که آبدارخانه شده باید تغییر کند و به صورت مسجد برگردد و احکام مسجد بر آن مترتب است.

احداث پی مسجد جدید در مسجد قدیمی

615. جهت احداث مسجد جدید آیا می توان پی مسجد را در داخل مسجد قبلی قرار دارد و در نتیجه دیوار مسجد قبلی بیرون از مسجد جدید قرار گیرد؟

جواب: تغییر و تبدیل وقف جایز نیست.

تخریب کتابخانه برای توسعهٔ مسجد

616. عدّه ای از افراد بدون اجازه متولی خاص، اقدام به تخریب کتابخانه واقع بین اتاق مدرسه مسجد جامع و آشپزخانه حسینیه که متصل به مسجد است نموده اند و آن را جزء مسجد کرده اند، آیا این کار آنان صحیح است؟ و آیا نماز خواندن در آن مکان جایز است؟

جواب: اگر ثابت شود که زمین کتابخانه، فقط برای کتابخانه وقف شده است، کسی حق تغییر و تبدیل آن به مسجد را ندارد و نماز خواندن در آن جایز نیست و هر کسی که ساختمان آن را خراب کرده، واجب است آن را به حالت اولیه اش برگرداند، ولی اگر وقف آن برای خصوص کتابخانه ثابت نشود، نماز خواندن در آن اشکال ندارد .

9- تغییر و تبدیل مسجد و ملحقات آن

تغییر مسجد و ملحقات آن

617. عده ای از اهالی به علت نیاز محل به حسینیه و مسجد اقدام بخرید قطعه زمین نموده و به نیت ساخت حسینیه و مسجد وقف نموده و در اختیار اداره اوقاف و امور خیریه قرار دادند، قسمتی از زمین ساخته و اکنون مورد استفاده مردم محل می باشد و قسمتی از زمین که به نام مسجد وقف شده به صورت زمین باقی مانده است آیا شرعاً می توان با تغییر کاربری در زمین مذکور ساختمان دیگری غیر از مسجد بنا کرد؟

جواب: پس از انشاء وقف و تحویل موقوفه به متولی آن هیچ گونه تغییری در آن جایز نیست.

618. خواهشمند است جواب شرعی سؤالات ذیل را کتباً در این ورقه مرقوم فرمائید:
آیا در صورت عدم امکان گسترش ساختمان مسجد، می توان مسجد را در محل دیگری غیر از مکان مسجد فعلی بنا نهاد یا خیر؟

جواب: بنا کردن مسجد در محل دیگری منع شرعی ندارد ولی مسجد بنا شده از مسجد بودن خارج نمی شود و تبدیل آن به چیز دیگر جائز نیست.

619. قطعه زمینی وقفی در مجاورت مسجد قرار دارد که سال ها است بلااستفاده مانده است و هیچگونه دخل و تصرف معقول و منقول و یا حتی عرفی در آن نمی گردد، خواهشمند است نظر خویش را در مورد تبدیل این زمین موقوفه یا حداقل زیر زمین آن را برای استفاده بهتر از قبیل حوزه علمیه، حسینیه، کتابخانه، محل انجام فعالیت های فرهنگی- ورزشی- و یا منبع درآمد اقتصادی برای مسجد بیان فرمایید.

جواب: با فرض اینکه آن قطعه زمین به عنوان مسجد وقف شده و با نماز خواندن اهالی محل در آنجا به عنوان مسجد به قبض مسجد درآمده و عنوان مسجدیت تحقق پیدا کرده، حکم مسجد بر آن مترتب است، و استفاده های دیگر از آن شرعاًجایز نیست ولی وصل کردن آن به مسجد جنب آن جهت توسعه ی مسجد مانع ندارد.

620. زمینی است موقوفه مسجد در زمان جنگ برای حفظ و نظم محل مقداری از آن زمین موقوفه در اختیار پایگاه مقاومت بسیج قرار گرفت که یک اتاق احداث شد و بعداً بدون اجازه تولیت موقوفه در دو طبقه درست شد و در حال حاضر همان زمین برای منفعت مسجد احتیاج است از طرف تولیت تقاضای استرداد زمین مذکور به مسجد می شود، اما پایگاه امتناع می کند لطفاً حکم شرعی و تصرف در آن را مرقوم فرمائید.

جواب: از وقف باید زیر نظر متولی شرعی در جهت وقف استفاده شود، و هرگونه تصرف دیگر جایز نیست و حکم غصب را دارد که موجب ضمان نیز هست.

621. خانه ای به مساحت 140 مترمربع جنب مسجد نو، برای الحاق به مسجد در هنگام تجدید خریداری گردید. حال بعد از گذشت 14 سال از زمان خرید خانه، مسئولین مسجد تصمیم به بازسازی مسجد گرفته اند، و همچنین می خواهند در جنب مسجد مؤسسات دیگری از قبیل مهد قرآن و پارکینگ عمومی و غیره... احداث نمایند. آیا احداث بناء غیر از مسجد توسط غیر واقف در این خانه که از طرف واقف برای مسجد خریداری گردیده جایز است یا خیر؟
و آیا ثبت خانه ای که برای مسجد خریداری گردیده توسط غیر واقف به عنوان مؤسسه دیگری غیر از مسجد جایز می باشد یا خیر؟

جواب: اگر خانه برای مسجد خریداری شده و وقف شده باید آن را مسجد نمایند، و اگر وقف هم نشده رضایت صاحبان پولی که با آن خانه را خریده اند باید مراعات شود.

تغییر مسجد به پایگاه بسیج و حسینیه

622. در مسجدی می توان اتاقی برای پایگاه مقاومت ساخت که از آن برادران عزیز حزب الله در امور پایگاه استفاده کنند؟

جواب: تغییر وقف است و جایز نیست.

623. زمینی را مالک وقف مسجد کرده است بعد از خودش وراث، این قطعه زمین را وقف حسینیه کرده اند آیا حکم مسجد را دارد و یا حکم حسینیه؟

جواب: مسجد حسینیه نمی شود، و اگر وقف سابق که بعنوان مسجد شده صحیح و تمام باشد وقف دوم باطل است.

624. در جنب مسجد جدید الاحداث مکانی به مساحت حدود 60 متر مربع قرار داشته است که قبل از ساختمان مسجد جدید به عنوان مسجد قدیم محل استفاده قرار داشته است اینک پس از ساخت مسجد جدید که به حمدالله دارای سالنی به مساحت حدود 400 متر مربع به نحو خوبی ساخته شده و مورد بهره برداری قرار می گیرد و دیگر نیازی به محل مسجد قدیمی که در گوشه حیاط این مسجد قرار گرفته و به علت قدمت در حال فرسودگی می باشد، نیست و از طرفی دیگر گروه فرهنگی این مسجد جهت فعالیت های فرهنگی از قبیل ایجاد کتابخانه و محل پایگاه مقاومت نیاز به مکان مزبور دارد با توجه به اهمیت فعالیت عزیزان بسیجی و برادران گروه فرهنگی تقاضا دارد اجازه فرمائید که محل مسجد قبلی پس از تخریب از حالت مسجدیت خارج و به عنوان کانون فرهنگی مسجد و پایگاه مقاومت بازسازی و مورد استفاه قرار گیرد.

جواب: تغییر وقف جایز نیست.

تغییر زیر زمین مسجد به امور فرهنگی و کتابخانه

625. زمینی جهت ساخت مسجد وقف شده در طراحی جهت ساخت، قسمت زیر زمینی آن جهت امور فرهنگی ـ ورزشی مسجد در نظر گرفته شده است. (این قسمت از شبستان مسجد کاملاً مجزا است) آیا این امر اشکالی دارد؟

جواب: از ابتدا واقف می تواند یک قسمت زمین خود را برای غیر مسجد وقف کند، اما پس از وقف برای مسجد نمی تواند آن را تغییر دهد.

626. زیرزمین مسجدی است بزرگ و الآن بلااستفاده، موقتاً استفاده از این زیرزمین به عنوان کتابخانه جهت استفاده دانش آموزان چه حکمی دارد؟

جواب: تبدیل مسجد به کتابخانه جایز نیست ولی می توانند در مسجد مطالعه کنند.

تغییر قسمتی از زمین مسجد به مغازه

627. اگر فرد خیری بر روی قسمتی از زمین مسجدی هزینه ساخت چند باب مغازه را تقبل نماید و به منظور طرح خودکفائی به مسجد اهداء نماید، آیا می تواند با توجه به اینکه زمین ملک مسجد است فقط یک باب از مغازه ها به خود فرد خیر واگذار نمود؟

جواب: تبدیل مسجد به مغازه جایز نیست و باید به مسجد برگرداند و واگذار کردن آن به هیچکس جایز نیست و اگر زمین وقف است که منافع آن خرج مسجد کنند، هرگونه تصرف در آن باید زیر نظر متولی شرعی موقوفه باشد با مراعات مصلحت وقف.

628. یک قطعه زمین از سوی فرد خیری به عنوان مسجد وقف نموده و در همان ابتدا صیغه زمین به نام مسجد خوانده شد که در محرم سال جاری به همت و همیاری مردم مبلغ قابل توجه پول جهت احداث آن جمع آوری گردید که هم اکنون در ضلع جنوبی این زمین که موقعیت تجاری دارد به عمق چهار متر یک باب مغازه در آن افتتاح نمودند دست اندرکاران احداث این مسجد اعلام داشتند که تمام درآمد این مغازه ها وقف مسجد می گردد آیا احداث مغازه در این زمین مسجد از لحاظ شرعی جایز است یا خیر؟

جواب: اگر زمین وقف شده که در آن مسجد بسازند و وقف تمام شده مغازه کردن آن جایز نیست.

629. اگر فرد خیر شرط بگذارد که بنده کلیه هزینه چند باب مغازه که زمین آن ملک مسجد است متقبل می شود به شرطی که یک باب از مغازه ها به خودم اهداء شود، شرع مقدس چه حکمی می نماید؟

جواب: با فرض اینکه زمین وقف باشد که منافع آن را صرف مسجد کنند هرگونه تصرف در آن باید زیر نظر متولی شرعی و به مصلحت وقف باشد.

630. آیا مؤسس مسجد که با همت والای همین فرد خیر توانسته است مسجدی را با کیفیتی عالی پایه ریزی نماید، می تواند به منظور جذب وجوهات خیریه آتی آن فرد در راه پیاده کردن اهداف و پیشبرد کارهای مسجد یک باب از چند مغازه هائی که آن فرد خیر تقبل ساخت آنرا می نماید، تا زمانیکه نامبرده در قید حیات است بدون پرداخت مال الاجاره به وی واگذار و پس از رحمت ایزدی آن این ملک را به خود اراضی مسجد برگرداند؟

جواب: گفته شد که زمین اگر وقف منفعت برای مسجد باشد هرگونه تصرف متوقف بر اذن و اجازه متولی شرعی و صلاح وقف است و بدون اجازه و اذن برای هیچ کس جایز نیست.

تغییر مسجد مخروبه یا حسینیه یا وضوخانه به درمانگاه

631. وضوخانه یا حسینیه یا مسجد که خراب شده ولی استفاده کردن آن منتفی نشده است می شود آن را تبدیل به درمانگاه کرد یا خیر؟

جواب: در فرض مرقوم جایز نیست.

احداث درب جدید در مسجد

632. اینجانبان بنائی به نام فاطمیه مجاور مسجدی احداث نموده ایم که ساختمان آن در حال اتمام می باشد از آنجائیکه فاطمیه مذکور علاوه بر درب ورودی از کوچه اصلی، دیوار به دیوار حیاط مسجد فوق الذکر است و می تواند خدماتی مشترک به مسجد داده شود مانند روضه خوانی مجالس زنانه، آشپزخانه فاطمیه، استفاده بانوانی که با عذر شرعی برای ورود به مسجد مواجه هستند (که بالاجبار باید از حیاط بدون سقف استفاده نمایند) و هر مجلسی که در مسجد با کمبود جا مواجه هستند، لذا بر آن شدیم تا بین حیاط و ساختمان فاطمیه درب ورودی احداث نمائیم. علی الحال چون احداث درب ورودی به حیاط مقدار حدود شش مترمربع از حیاط مسجد را اشغال می نماید، مضافاً به اینکه حیاط مسجد طبق نظر واقف آن شامل مسائل شرعی اصل مسجد نمی باشد. استدعا داریم با عنایت به مراتب فوق ساخت راه پله و باز نمودن درب به حیاط مسجد از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: اگر درب مذکور حیاط مسجد را اشغال می کند و احداث آن تغییر وقف است جایز نیست.

633. فرد خیری زمینی را که در جوار زمین مسجد قرار داشت خرید و وقف مسجد کرد، پس از مدتی که شروع به ساختمان مسجد می کنند امین مسجد به صلاح مسجد دیده که زمین مذکور را برای مسیر دستشوئی های و آشپزخانه مسجد راه قرار دهد و پس از آن همسایه همجوار مسجد زمینی را خریده و تصرف کرده بود و ساخته به جهت باز کردن درب آن زمین به کوچه مسجدی که مسیر بهتری بوده به امین مسجد مراجعه می کند و با اصرار زیاد استجازه می کند و امین مسجد هم غافل از اینکه حق تسلط دیگران بر وقف ندارد اجازه می دهد و درب باز می شود، سؤال این است که اولاً آیا امین مسجد حق چنین اجازه ای را داشته یا خیر؟
و ثانیاً آیا چنین اجازه ای حقی برای همسایه مسجد ثابت می کند؟ به این معنی که آیا این همسایه نسبت به کوچه مسجد ذی حق حساب می شود؟ با توجه به اینکه باز بودن این درب تسلطی است از او بر وقف آیا برای او بازگذاشتن این درب جایز است؟

جواب: از موقوفه باید در جهت وقف استفاده شود و غیر آن جائز نیست و اجازه مذکور اثری ندارد.

قرار دادن مقداری از مسجد برای معبر

634. مسجدی در لب کوچه واقع شده، جهت توسعه کوچه که محل عبور عده ای از اهالی می باشد می خواهیم مقدار 5/1 متر در طول خود مسجد که 12 متر می باشد را عقب نشینی کنیم جهت توسعه معبر، آقایان گلپایگانی و اراکی قدس سره آن را جایز ندانسته اند و حال جهت روشن شدن بیشتر مسئله خواهشمند است سریعاً نظر مبارک حضرت آیت الله العظمی خامنه ای را مرقوم فرمائید تا رفع اشکال و اشتباهات گردد.

جواب: قراردادن مقداری از مسجد را جزء معبر خلاف شرع و حرام است، مگر ضرورت لازم الرعایه ای باشد.

تغییر وضوخانه قدیمی به مغازه یا باشگاه ورزشی

635. مسجدی است در مرکز شهر که قسمت وضوخانه قدیمی آنکه حدود 8 مترمربع است به نقطه دیگری منتقل و بلااستفاده در کنار حیاط مسجد مانده است، عده ای از مؤمنین تصمیم دارند با توجه به موقعیت خوب آن، آن را به صورت مغازه به عنوان متعلقات همان مسجد ساخته و عواید آن را در جهت حقوق خادم و سایر هزینه های همان مسجد مصرف کنند. مستدعی است وجه شرعی آن را اعلام تا در صورت جواز اقدام و باعث رونق و بقاء مسجد گردد.

جواب: تبدیل و تغییر وقف جایز نیست، بلی اگر احراز شود که وضوخانه وقف نبوده یا برای مطلق مصارف مسجد وقف شده بی اشکال است.

636. به خاطر نبود امکانات فرهنگی و ورزشی، آبدارخانه قدیمی مسجد را که دیگر از آن استفاده نمی شود به محل باشگاه بدن سازی تبدیل کرده ایم چون که آبدارخانه وصل به مسجد است و تعدادی از جوانان ضمن اینکه مسائل دینی خود را انجام می دهند در باشگاه هم شرکت می کنند آیا از نظر شرعی ورزش کردن در این محل اشکال دارد یا خیر؟

جواب: تبدیل آبدارخانه مسجد به باشگاه جایز نیست.

ساخت کانون فرهنگی روی سقف دستشویی مسجد

637. مسجدی ساخته شده است با این خصوصیت که زمین این مسجد توسط بانی خیری موقوفه وقف گردیده، اکنون جهت امور فرهنگی و کمبود مکان تصمیم بر آن شده که در قسمت پشت بام دستشوییهای مسجد ساخت و سازی صورت گیرد که با مخالفت بانی محترم روبرو شده است. سؤال از محضر مبارک این است که آیا اجازه بانی جهت این امر شرط می باشد یا خیر؟

جواب: اگر تغییر وقف باشد جائز نیست.

10- احکام مرتبط با مسجد

ساخت مسجد در زمین وقفی با اجارۀ طولانی مدت

638. مسجد حضرت ابوالفضل (ع) در زمین های موقوفه توسط اهالی محل بناء گردیده و با توجه به اینکه زمین های فوق از قبل ساخت مسجد مذکور خود موقوفه بوده است و اهالی جهت ساختن خانه های مسکونی از موقوفه به عنوان اجاره در اختیار گرفته اند و به علت نیاز اهالی مسجد فوق ساخته شده است حال که این مسجد فاقد وقف نامه می باشد و از نظر کارهای اداری و مسائل شرعی به اشکال مواجه می گردد علیهذا استدعا دارد که آن دفتر محترم ما را راهنمائی فرمایند.

جواب: به متولی شرعی زمین موقوفه که در آن مسجد مزبور را ساخته اند مراجعه کنند و با نبود شخص خاص به حاکم شرع مراجعه نمایند و زمین را برای بقاء ساختمان در آن اجاره طولانی مدت کنند و مال الاجاره صرف در جهت وقف شود، و در اینصورت نماز در آن اشکال ندارد.

639. زمین هائی وقف بر حمام یا مسجد بوده که از عواید آن برای مخارج حمام یا مسجد استفاده می گردید و فعلاً روی زمینی که قسمتی از حمام و قسمتی از مسجد، مسجدی بنا گردیده، نهایتاً برای زمین اجاره بها طبق نظر افراد خیر برآورد گردیده است اولاً آیا اصل این کار شرعاً جائز بوده یا خیر؟ و ثانیاً با توجه به اینکه زمین وقف است آیا حکم مسجد پیدا می کند یا خیر و وقوف افراد جنب و... در این مسجد چگونه است؟

جواب: وقف قابل خرید و فروش و تغییر و تبدیل نیست و از موقوفه باید در همان جهت وقف استفاده شود، بله زمینی که وقف منفعت باشد می توان به صورت بلند مدت برای ساخت مسجد در آن اجاره کرد و درآمد حاصله را در جهت وقف صرف نمود و در این صورت در این مدت حکم مسجد را خواهد داشت.

640. ملکی است ششدانگ وقف عام است در آن ملک ساکنین خواستند مسجد بسازند سؤال کردند از مراجع تقلید جواب داده اند وقف در وقف معنی ندارد شما می توانید از متولی منصوص و یا مراجع تقلید جامع الشرایط اجاره کنید آن ملک فعلاً متولی ندارد و بدون اجازه گرفتن از مراجع بنائی به نام مسجد ساخته اند، در آن مسجد نماز خواندن چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض سؤال ساختن مسجد و نماز خواندن در آن جایز نیست مگر آنکه متولی و یا مجتهد جامع الشرایط اجازه کند و از او اجاره طولانی نمایند.

عدم اختصاص مسجد به طائفه ای خاص

641. اهالی منطقه ای بعد از ساخت یک مسجد در قطعه زمینی که از سازمان زمین شهری گرفته بودند، در مورد کیفیت وقف آن که عام باشد یا خاص، اختلاف پیدا کردند، عدّه ای از آنان معتقد بودند که باید به عنوان وقف خاص ثبت شود، تعدادی هم اعتقاد داشتند که چون همه اهالی در ساختن آن مشارکت داشته اند باید وقف عام باشد، حکم این مسأله چیست؟

جواب: مسجد جزء وقف های عام است و نمی توان آن را برای گروه یا طائفه خاصّی، وقف نمود، ولی در نامگذاری، نسبت دادن آن به یک مناسبتی به شخص یا اشخاصی اشکال ندارد، ولی شایسته نیست مؤمنینی که در ساخت مسجد مشارکت داشته اند، در این رابطه نزاع کنند .

اجازه همسایگان در ساخت مسجد

642. آیا برای ساختن مسجد رضایت همسایگان شرط می باشد یا خیر؟

جواب: اصل احداث و تأسیس مسجد در ملک شخصی و یا در ملک ابتیاعی یا اهدائی برای بناء مسجد مشروط به اجازه و موافقت همسایگان نیست.

تغییر نام مسجد

643. آیا تغییر نام مسجد که احتمالاً از زمان واقف نامگذاری شده است جایز است یا نه؟

جواب: اگر به هنگام وقف شرط خاصی نگذاشته اند و مخالفت با نظر واقف نداشته باشد فی نفسه مانعی ندارد.

حکم نمازخانه

644. آیا مکان هائی که در دانشگاه ها برای اقامه نماز انفرادی یا جماعت تأسیس می شود و اختصاص به آن دارد ولی عنوان نمازخانه به آن داده می شود احکام مسجد را دارد یا با اتاق معمولی از نظر احکام یکی است؟

جواب: در فرض سؤال احکام مسجد ندارد مگر اینکه به قصد مسجدیت وقف شود.

الحاق کوچه و خیابان به مسجد

645. چندین سال قبل پس از احداث خیابان چند متر از شارع عام در جلو مسجد باقی مانده که امام جماعت مسجد آن را به نفع مسجد تصاحب می نماید و نمی گذارد شهرداری و ثبت آن را تصرف و به فروش برساند و یک قسمت از آن زمین را برای وضوخانه مسجد ساختمان می نماید که تاکنون مورد استفاده مؤمنین می باشد و یک قسمت دیگر با اجازه امام جماعت مسجد و با اطلاع اداره اوقاف شهرستان به منظور تأمین هزینه آب و برق و دیگر نیازهای مسجد به صورت مغازه درآمد که با نظارت کامل اداره اوقاف به اجاره داده شود و مال الاجاره آن به نفع مسجد هزینه گردد، ضمناً تصرف در شارع عام و تبدیل آن با اجازه مراجع تقلید در آن زمان بوده متمنی است نظر مبارک را در مورد ساختمان مغازه مذکور مرقوم فرمائید.

جواب: چنانچه با اجازه مراجع بزرگ و زیر نظر اداره اوقاف و حاکم شرع انجام شده ممضی است و مانع ندارد.

ساخت مغازه در مسجد

646. شخصی به موجب وقفنامه رسمی ششدانگ یک قطعه زمین را جهت احداث مسجد وقف و تولیت آن را مادام الحیات با شخص خود و پس از فوت با عالم مسجد قرارداده است.
واقف شخصاً مسجد را احداث و به هنگام احداث مسجد کف آن را تبدیل به زیر زمین نموده و سه باب مغازه نیز در جنب مسجد و از همان زمین احداث و درآمد و اجاره بهاء آن را جهت احسان شب وفات خویش تعیین نموده است و بنا به اظهار عالم محل واقف از اول وقف قصد احداث زیر زمین و مغازه ها را داشته است.
واقف مجدداً (سه سال بعد) طی اقرارنامه رسمی فرزند خود را ناظر بر متولی تعیین نموده و در همان تاریخ به موجب اقرارنامه دیگری فرزند مورد نظر را متولی تعیین و از متولی تعیین شده قبلی (عالم مسجد) درخواست می نماید که فرزند خود را در این امر یاری نماید. حال با عرض مراتب فوق خواهشمند است نظر مبارک را در مورد سؤالات مطروحه ذیل که مورد ابتلا است اعلام فرمائید.
الف) آیا واقف در احداث زیرزمین و دکاکین پس از وقف زمین جهت احداث مسجد و وصیت درآمد آنها بعنوان احسان شب وفات شرعاً مجاز بوده یا خیر؟ و در صورت دوم تکلیف بناهای احداثی چیست؟
ب) در صورت تأیید جواز احداث ساختمان و تنفیذ وصیت نامه آیا اجاره بهاء عرصه زیرزمین و دکاکین متعلق به مسجد خواهد بود یا خیر؟
ج) نصب ناظر متولی دیگر علاوه بر متولی تعیین شده قبلی در وقفنامه اولیه وجه شرعی داشته یا خیر؟ و در صورت صحت عمل نحوه اقدام و رفتار متولیان نسبت به یکدیگر چگونه خوهد بود؟

جواب: در تاریخ وقف زمین برای احداث مسجد اگر قبض و اقباض وقف متحقق نشده و هنگام احداث ساختمان مسجد، زیر زمین و مغازه ها را برای خود منظور نموده و فقط مسجد احداثی را به عنوان مسجد ساخته و در اختیار نمازگزاران قرار داده است زیر زمین و مغازه ها در این صورت جزء وقف نیست، و بر این فرض وصیت او راجع به درآمد زیر زمین و مغازه ها برای خودش بی اشکال است، و راجع به تولیت و ناظر، اگر بعد از تمامیت وقف و بدون اینکه قبلاً تجدید نظر در ناظر و متولی موقوفه را برای خودش شرط کرده باشد، اقدام بر تغییر تولیت کرده باشد اقدام مذکور باطل و لغو است.

تبدیل مصلی به مسجد

647. مسجد نمودن تمام یا بخشی از مصلی های ساخته شده چه حکمی دارد؟

جواب: اگر وقف باشد برای نماز و مسجد نشده باشد ثانیاً وقف مسجد نمی شود.

-1 قبرستانهای متروکه

تخریب قبور قدیمی و انتقال اجساد مکشوفه

648. وزارت نیرو در نظر دارد چند سد آبی و تولید کننده برق بسازد که از جمله آنها سدّی در مسیر رود کارون برای ایجاد نیروگاه برق است، تأسیسات اولیه طرح، ایجاد شده و هزینه های آن هم تأمین شده است ولی در مرکز منطقه طرح، یک قبرستان قدیمی وجود دارد که قبرهای نسبتا قدیمی و قبرهای جدید در آن وجود دارد و اجرای طرح هم متوقف بر تخریب این قبور است، حکم این مسئله چیست؟

جواب: تخریب قبور قدیمی که جسدهای موجود در آنها تبدیل به خاک شده اند اشکال ندارد، ولی تخریب و نبش قبور غیر مندرس و آشکار کردن جسدهایی که هنوز تبدیل به خاک نشده اند، جایز نیست، البته اگر اجرای طرح های تولید برق در آن مکان ضرورت اقتصادی و اجتماعی داشته باشد بطوری که چاره ای جز اجرای آنها نباشد و انتقال از آن مکان به مکان دیگر یا انحراف از قبرستان، کار سخت و مشکل و یا طاقت فرسایی باشد، ایجاد سدّ در آن مکان اشکال ندارد، ولی واجب است قبرهایی که تبدیل به خاک نشده اند با پرهیز از تحقق نبش قبر به مکان دیگری انتقال داده شوند هر چند با کندن خاک موجود در اطراف قبر و انتقال آن به مکان دیگر بدون تحقق نبش قبر باشد و اگر در اثناء کار، جسدی آشکار شود واجب است به مکان دیگری انتقال یابد و در آنجا دفن شود .

تبدیل قبرستان متروکه به اماکن عمومی یا فضاهای ورزشی

649. شخصی زمینی به مساحت 1200 متر مربع جهت دفن اموات وقف نمود تا کنون در مساحت 200 متر دفن اموات شده است با توجه به اینکه در بقیه این زمین از طرف بهداشت دفن ممنوع گردید و این زمین به صورت مخروبه و بلا انتفاع درآمد آیا در زمین مذکور (قسمت دفن نشده) احداث یک دستگاه ساختمان جایز است یا خیر؟

جواب: اگر وقف با شرائط آن محقق و تمام شده است در صورتی که انتفاع به وقف در جهت وقف که دفن اموات است ممکن نباشد، می توانند با نظر متولی شرعی از زمین در امور خیریه استفاده کنند.

650. یک قبرستان قدیمی داریم که نزدیک به 60 سال است که متروکه مانده و در آن هیچ دفنی صورت نگرفته آیا از نظر شرعی مجاز به ایجاد اماکن عمومی یا فضاهای ورزشی یا اینکه فروش و استفاده از بهای آن در هزینه های عمومی و خیریه روستا هستیم،نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: امر وقف با متولی شرعی آن است و با نبود شخص خاص حاکم شرع تولیت دارد و در هر صورت با امکان انتفاع به وقف در جهت وقف، فروش و استفاده در غیر جهت وقف جایز نیست و با عدم امکان می توانند در مطلق خیرات با صلاح دید متولی از آن استفاده کنند.

تبدیل قبرستان متروکه به امور عام المنفعه و خیریه

651. قبرستانی است که 40 سال می باشد متروک شده بسیاری از سنگهای قبور از بین رفته است. مؤسسه خیریه سید الساجدین از مسئولین شهرستان قسمتی را جهت کارهای عام المنفعه درخواست نموده است خواهشمند است حضرتعالی نظرتان را در این خصوص بیان فرمائید.

جواب: اگراستفاده درجهت وقف به هیچ وجه امکان نداشته باشد،بانظرمتولی شرعی میتوانندرمطلق خیرات ازآن استفاده کنند.

تبدیل قبرستان متروکه به مدرسه

652. دو سؤال از محضر مبارک دارم : 1) مدرسه ای در سال 1340 در قبرستان قدیمی ساخته شد چون تعداد دانش آموزان کم بود قسمتی از قبرستان جهت مدرسه دیوار کشی شد اکنون با زیاد شدن تعداد دانش آموزان و افتتاح مدرسه راهنمائی در همان محل فضای مدرسه برای دانش آموزان کم است آیا اجازه می فرمائید قسمتی از قبرستان که جزء مدرسه نیست اکنون به مدرسه اضافه شود یا خیر؟
2) کاروانسرایی توسط ارباب، وقف و به شخصی واگذار شده است پس از چند سال آن شخص اقدام به دایر نمودن آسیاب کرده و چون مردم از داخل کاروانسرا رفت و آمد می کردند برای رفع مزاحمت از زن و بچه مردم پیشنهاد نمودند برای آسیاب دربی فرعی در این زمین باز کنند و این درب مخصوص آسیاب و تا زمانی که آسیاب دایر است باشد اکنون آسیاب تعطیل شده و صاحب آسیاب به تهران مهاجرت کرده ولی عموهای آن شخص در قسمت دیگر کاروانسرا زندگی می کنند و درب کوچک را بزرگ کرده اند و ادعای حق راه می کنند در صورتی که درب اصلی کاروانسرا یکی بوده و در میدان عمومی ده می باشد. آیا حق راه برای او ثابت است یا مردم حق دارند قبرستان آباء و اجدادی خود را به مدرسه واگذار نمایند؟

جواب: اگر قبرستان عمومی و وقف است نباید به مدرسه تغییر داده شود بلی اگر استفاده از آن در جهت وقف امکان نداشته باشد با نظر متولی شرعی (حاکم شرع یا اداره اوقاف) می توانند در مطلق خیرات از آن استفاده شود و در مورد کاروانسرا اگر مالک شرعی دارد باید رضایت او تحصیل شود، و چنانچه اختلافی باشد به دادگاه مراجعه نمایند.

تبدیل قبرستان متروکه به پارک و معبر عمومی

653. زمینی است موقوفه که وقف خاص برای دفن مؤمنین و مؤمنات شده است و وقفنامه زمین با مشخص کردن کامل حدود در سنگ نوشته ای در درب ورودی مسجد محل موجود می باشد. سؤال بنده به عنوان یک طلبه و به نمایندگی از طرف تمام مردم محل این است که: آیا این زمین موقوفه می تواند تبدیل به چیزی دیگری غیر از قبرستان گردد یا خیر؟ با توجه به اینکه شهردار محترم آن شهر به قصد انتقال قبرستان به خارج می خواهند قبرستان را تبدیل به پارک کنند.

جواب: اگر عمل به وقف امکان دارد باید به آن عمل شود و تغییر جایز نیست بلی اگر ممکن نیست، استفاده از موقوفه در سبل خیر اشکال ندارد.

654. قبرستان قدیمی شهر سال ها است متروکه گردیده و حدود 40 سال است، هیچ دفنی در آن صورت نگرفته و آثار ظاهری قبور قدیمی هم از بین رفته و به طور کلی از حیز انتفاع خارج گشته است، در حال حاضر شهرداری بنا دارد بخشی از آن را جهت ایجاد فضای سبز تسطیح نموده و بخش دیگر آن را در معرض تعویض جاده شهر به قبور مطهر شهداء و قبرستان فعلی قرار دهد.
لذا با توجه به رفاه حال مردم بخصوص خانواده های معظم شهداء مستدعی است نظر مبارک خود را در خصوص این مسئله ذیلاً مرقوم فرمائید که آیا شرعاً این عمل جائز است یا خیر؟

جواب: اگر از قبرستان مزبور در جهت دفن اموات استفاده نمی شود، جایز است از آن در مطلق کارهای خیر استفاده شود ولی باید با اجازه حاکم شرع باشد.

الحاق قبرستان متروکه به مسجد

655. اهالی متدین این روستا قصد بازسازی و گسترش مسجد قدیمی محل را دارند، این در حالی است که شمال و شرق این مسجد که بازسازی در همان قسمت قرار دارد قبرستان عمومی محله هست که سابقه وقفیت آن معلوم نیست (بزرگان می فرمایند وقف نیست و یا وقف خاص نیست) و هم اکنون چند قبر در آن قرار دارد که جزء مسجد خواهد شد، البته صاحبان قبر اظهار رضایت نموده اند، استدعا داریم حکم شرعی مسئله را مکتوباً مرقوم بفرمائید.

جواب: اگر قبرستان قابل استفاده است و از آن در دفن اموات استفاده می شود نمی توانند آن را جزء مسجد نمایند، بلی در صورتی که استفاده از آن در دفن اموات امکان ندارد می توانند آن را جزء مسجد کنند، ولی احکام مسجد پیدا نمی کند.

656. مسجدی در کنار گورستانی واقع شده که این گورستان بایر افتاده و مدتی است که میتی در آن دفن نمی کنند و شهرداری این شهر نیز درصدد تصاحب این گورستان می باشد. این کار با مخالفت بعضی از مردم شهر روبرو شده است (شهرداری می خواهد آن را به فضای سبز تبدیل نماید) و این گورستان مکانی است برای تجمع افراد ناپاک آیا حضرتعالی اجازه می فرمائید قسمتی از این گورستان را جهت حیاط مسجد تصاحب نمایند در ضمن اضافه می کنم ورثه اکثر امواتی که در این گورستان دفن هستند راضی به این کار می باشند و حتی تعدادی زیادی از آنها مبلغی قابل توجه جهت این امر اختصاص داده اند اضافه می کنم که در این گورستان مقبره چند شهید نیز می باشد که خانواده شهداء نیز به این امر راضی می باشند، والسلام.

جواب: اگر به هیچ وجه استفاده گورستان از آن نمی شود با اجازه حاکم شرع و مراعات مقررات جمهوری اسلامی مانع ندارد.

657. آیا جایز است قسمتی از قبرستان که هنوز مرده ای در آن دفن نشده و خود قبرستان هم وسیع است و کیفیت وقف آن هم بطور دقیق معلوم نیست، برای استفاده در مصالح عمومی مانند ساخت مسجد یا مراکز بهداشتی برای فرزندان منطقه اجاره داده شود. به این شرط که پول اجاره به نفع خود قبرستان استفاده شود؟ (قابل ذکر است که این منطقه به علت عدم وجود زمین خالی برای ساخت مراکز خدماتی در آن، نیاز به این قبیل خدمات دارد.)

جواب: اگر زمین به صورت وقف انتفاع برای خصوص دفن اموات در آن وقف شده باشد، اجاره دادن و استفاده از آن برای ساخت مسجد یامرکز بهداشتی یا غیره در آن جایز نیست، ولی اگر از قرائن ثابت نشود که آن زمین برای دفن اموات وقف شده و از مکان های عمومی و مورد نیاز منطقه برای استفاده اهالی جهت دفن اموات و مانند آن نباشد و خالی از قبر هم باشد و مالک خاصی هم برای آن شناخته نشود، در این صورت انتفاع از آن در مصلحتی از مصالح عمومی اهالی منطقه اشکال ندارد.

2- استفاده در غیر جهت وقف از قبرستانهای وقفی دایر

ساخت مسجد در قبرستان

658. در دوران تاریک طاغوت مرحوم پدرم با مشورت و تشویق مرحوم حضرت آیت الله اقدام به احداث بنای مسجد در صحن امام‌زاده نمودند.
اکنون پس از گذشت 20 سال که از احداث این مکان مقدس و معنوی می گذرد سازمان حج و اوقاف استان به عللی می خواهد ساختمان این مسجد را تخریب نماید و از زمین موقوفه مسجد استفاده دیگری بنماید.
از محضر آن مجتهد والامقام سؤال و استفتاء می نمائیم آیا جایز است شرعاً بنای این مسجد تخریب گردد؟

جواب: اگر قسمتی که مسجد شده وقف بوده ولو برای صحن امامزاده یا قبرستان یا غیر آن بنای مسجد در آن جایز نبوده است در هر صورت رسیدگی موکول است به مسئولین محترم ذیربط در جمهوری اسلامی واحتیاط آن است که تا ممکن است بدون تخریب بنا به وقف عمل نمایند.

659. قبرستان متروکی در وسط شهر وجود دارد که وقفیت آن معلوم نیست، آیا ساخت مسجد در آن جایز است؟

جواب: اگر قبرستان مذکور زمین وقفی و ملک خصوصی کسی نبوده و همچنین از مکان های عمومی و مورد نیاز و استفاده اهالی در مناسبتها نیز نباشد و ساخت مسجد هم در آن موجب هتک یا نبش قبرهای مسلمانان نشود، اشکال ندارد .

660. به استحضار می رساند قطعه زمینی حدود صد سال پیش جهت دفن اموات مسلمین تعیین وعملی می شود. بیش از پنجاه سال است که میت دفن نمی شود حال از محضر عالی استعلام می شود با توجه به اینکه گورستان موقوفه متروکه گردیده است و آثار قبور از بین رفته است و با عنایت به نیاز اهالی به مسجد جهت انجام فرایض الهی، آیا اهالی می توانند در گورستان مذکور یک باب مسجد احداث نمایند یا خیر؟
در صورت عدم امکان احداث مسجد در گورستان موقوفه، آیا اهالی می توانند با پرداخت بهاء متناسب به عرصه گورستان اقدام به احداث مسجد نمایند یا خیر؟ ضمناً هیچگونه نبش قبری به عمل نخواهد آمد.

جواب: اگر قبرستان وقف است مسجد نمی شود و تغییر آن هم جایز نیست.

661. در محله ما مسجد کوچکی است که مدتی پیش ساخته شده است الان اهل محل به خاطر جمعیت زیاد و برای اقامه نماز جماعت می خواهند جای آن مسجد، مسجد دیگری بسازند ولی برای توسعه مسجد با مشکلی روبرو شدیم و آن این است که طرف مسجد قبرستان مؤمنین است که مدت ها پیش دفن شده اند و اگرچه هیچ نشانی از آنها نمانده است حتی روی قبرهایشان هیچ علامتی از قبیل سنگ قبر و دیگر دیده نمی شود، البته احتمال می رودذر صورت کندن زمین در آنجا ممکن است استخوان های پوسیده بیرون بیایند البته طرف های دیگر این قبرستان هنوز هم اموات دفن می کنند. از محضر مبارک حضرتعالی استدعا می کنیم آیا ما می توانیم آنجا مسجد بسازیم تا مشکلات ما رفع شوند و آیا می شود دستشویی و حمام هم در آن مسجد ساخت، آیا این امر موجب بی حرمتی مرده ها نمی شود؟

جواب: قبرستان مؤمنین را نمی توانید تغییر دهید و تبدیل به مسجد کنید و تجدید بناء مسجد مانع ندارد بدون تصرف قبرستان.

662. مسجد قبلی به دلیل خیلی کوچک بودن کفاف جماعت را نمی نماید و کلیه اطراف مسجد قبلی قبرستان قدیمی است آیا می شود جهت گسترش مسجد از قبرستان قدیمی استفاده نمود؟

جواب: تبدیل قبرستان وقفی به مسجد جایز نیست.

663. آیا احداث سرویس دستشوئی در انتهای مسجد که قبرستان قدیمی می باشد اشکال شرعی دارد یا نه؟ اگر به صورت زیرزمین و پائین تر از قبرها سرویس احداث گردد چه حکمی دارد؟
توضیح اینکه هیچگونه امکان جهت احداث سرویس بهداشتی در محل دیگر وجود ندارد.

جواب: گذشت که تغییر وقف است و جایز نیست.

664. امامزاده ای است معروف به امامزاده احمد و جنب آن مسجدی است قدیمی و جنب این مسجد قبرستانی بوده متعلق به عموم مؤمنین که وقف بودن آن مسلم نیست حدود شانزده سال قبل بعضی از اهالی به منظور ساختن مسجدی جدید و وصل آن به مسجد قدیم این قبرستان را که بعضی از قبور آن جدید بوده نبش نموده و بقایای آن را به جای دیگر منتقل می نمایند و عملیات ساختن مسجد را در جای آن قبرستان شروع می کنند که بعضی از مؤمنین با استفتائی که از بعضی مراجع عظام نموده بودند با ساختن این مسجد مخالفت می نمایند که در نتیجه عملیات ساخت این مسجد متوقف می شود تا دو سه سال قبل که مجدداً عده ای از مؤمنین اقدام به ساختن مسجد می نمایند که چند ماه است آن را تکمیل و افتتاح نموده و در آن نماز می خوانند اکنون با همه این اوصاف بفرمائید نماز خواندن در این مسجد جدید و استفاده های دیگر از آن چه حکمی دارد؟

جواب: اگر وقفیت قبرستان نزد اهل محل معروف و مشهور نیست نماز خواندن در آن مسجد مانع ندارد.

665. زمینی محل دفن اموات بوده و به عللی بعد از چند سال متروکه می شود تا اینکه اهالی در چند سال قبل برای دفن مجدد و احیاء قبرستان قدیمی اقدام می کنند متوجه می شوند شخصی از کارمندان سازمان مراتع و جنگلداری زمین مذکور را به شخصی جهت بناء منزل و پرورش طیور فروخته اند.
آیا اصل خرید و فروش قبرستان به اشخاص خصوصی جایز است؟
آیا با گذشت چند سال و فرسوده شدن اجساد به طوریکه قسمتی از استخوان های پوسیده موجود باشد آیا می شود قبرستان را خرید و فروش کرد؟

آیا در قبرستان بعد از چند سال می شود تغییر و تحول به صورت پارک و شهربازی کودکان و درخت کاری نمود؟
ساختن مسجد و حسینیه و مصلی نماز و یا گسترش بقعه امامزادگان که موجب تصرف و تخریب در قبرستان می شود چگونه است؟
افرادی که به صورت عدوانی یا ابتیاع قبرستانی را تصرف و در آن بنای خصوصی ایجاد می کنند یا ایجاد کرده اند خانه ها و بناهای آنها چه حکمی دارد؟ و چه باید بکنند؟
وظیفه شرعی مؤمنین و مسلمین یا متصرفین چه می باشد؟

جواب: حکم کلی مسئله روشن است که خرید و فروش قبرستان و تبدیل و تغییر آن به چیز دیگر جائز نیست ولی موضوع خاص و مسائل اختلافی نیاز به رسیدگی دارد و موکول است به مسئولین محترم ذیربط.

ساخت شهربازی و پارک در قبرستان

666. شهرداری چند تا از گورستان ها را به پارک تبدیل نموده است، با توجه به اینکه در اداره اوقاف سند موجود هست که تمام این گورستان ها موقوفه می باشند و از تاریخ آخرین دفن در بعضی از آنها فقط حدود 20 سال نمی گذرد، آیا عمل شهرداری مطابق شرع است یا نه؟ لطفاً حکم شرع مقدس را اعلام فرمائید.

جواب: تصرف در موقوفه در فرض ثبوت وقف شرعاً در خلاف جهت وقف فی نفسه جایز نیست.

667. قطعه زمینی که قبلاً گورستان بوده و اکنون بیش از 40 سال از این قبرستان می گذرد و هیچ نوع آثاری از قبر مشاهده نمی گردد و زمین مسطح می باشد، اما در حین خاکبرداری به استخوان و در بعضی نقاط جسد مدفون شده مشاهده گردیده است. لذا استدعا می گردد به سؤالات زیر پاسخ داده شود تا اقدام مقتضی به عمل آید:
1-آیا در چنین زمینی که قبلاً گورستان بوده و بیش از 40 سال از آن گذشته است می توان ساختمان بنا نمود؟
2-آیا با خاکبرداری زمین می توان ساخت و ساز نمود؟
3-آیا ایجاد پارک و یا فضای سبز بر روی چنین زمینی امکان پذیر است یا خیر؟

جواب: 2-1 نبش قبر مسلمان به هیچ وجه جایز نیست اگر چه چهل سال از دفن گذشته باشد.
3- تبدیل گورستان موقوفه جایز نیست و غیر موقوفه اگر نبش قبر نباشد بلامانع است.

668. مقبره ای وجود دارد که عمر قبرهای آن تقریبا به سی و پنج سال می رسد و شهرداری آن را تبدیل به پارک عمومی کرده و در دوران حکومت سابق ساختمان هایی در قسمت هایی از آن ساخته است، آیا نهاد مربوطه می تواند ساختمان های مورد نیاز خود را مجددا در این زمین بسازد؟

جواب: اگر زمین قبرستان برای دفن اموات مسلمانان وقف شده باشد و یا احداث بنا در آن موجب نبش یا هتک حرمت قبور علما و صلحا و مؤمنین شود و یا زمین از مکان های عمومی و مورد نیاز شهر جهت استفاده اهالی باشد، ساخت تأسیسات و همچنین تصرّفات خصوصی در آن و تغییر و تبدیل آن جایز نیست و در غیر این صورت آن کار فی نفسه اشکال ندارد، لکن قوانین مربوطه در این زمینه باید مراعات گردد.

ساخت مهدیه، حسینیه، مدرسه در قبرستان

669. ساختن مهدیه و حسینیه در قبرستانی که قسمتی از آن به حالت تعطیل درآمده چه صورتی دارد؟

جواب: در صورتی که وقف به عنوان قبرستان نباشد و نیز نبش قبر صدق نکند با اجازه مراجع قانونی ذی ربط اشکال ندارد.

670. وزارت آموزش و پرورش قسمتی از یک قبرستان نسبتا قدیمی را بدون کسب موافقت اهالی، برای ساخت مدرسه، تصرّف کرده و مدرسه ای را در آن ساخته است که دانش آموزان در آن نماز می خوانند، این کار چه حکمی دارد؟

جواب: تا زمانی که دلیل معتبری بر اینکه زمین مدرسه برای دفن اموات وقف شده، اقامه نشده است و از مکان های عمومی و مورد نیاز شهر برای دفن اموات و غیره و همچنین ملک خصوصی کسی نباشد، استفاده از آن برای مدرسه و خواندن نماز در آن با مراعات ضوابط و مقرّرات قانونی اشکال ندارد .

احداث خیابان، فلکه، مغازه و معبر عمومی در قبرستان

671. قبرستانی است جنب جاده اصلی (ورود شهر) دارای سند رسمی و جزء موقوفات هست و در این وادی مؤمنین دفن شده و بعضی از صلحاء نیز در این قبرستان مدفونند، شهرداری قصد دارد در این مکان برای جلوگیری از تصادفات عدیده احداث فلکه (میدان) نموده و دکاکینی نیز به طور رایگان برای صاحبان دکانهای تخریب شده در زمین مذکور بنا نماید و آنها را اسکان دهد و پیاده کردن این نقشه و طرح مصادف است با نابودی تمام آثار این قبرها و خود قبرستان، آیا این حرکت شهرداری مطابق با شرع مقدس اسلام هست یا خیر؟ مستدعی است نظر مبارک حضرتعالی را در زیر این ورقه مرقوم فرمائید.

جواب: تغییر و تبدیل قبرستان که وقف برای دفن اموات مسلمین است جایز نیست.

672. اگر ایجاد پیاده رو در یکی از خیابانها متوقف بر تخریب تعدادی از قبور مؤمنینی باشد که قبل از بیست سال پیش در قبرستان مجاور خیابان عمومی دفن شده اند، آیا این کار جایز است؟

جواب: اگر قبرستان مذکور وقف نباشد تبدیل قبور به عنوان محل عبور افراد پیاده تا زمانی که مستلزم نبش قبور مسلمانان و هتک حرمت آنها نباشد، اشکال ندارد .

673. شورای اسلامی و شهرداری شهر به جهت تقاضای مکرر جمعی از شهروندان تصمیم به احداث جاده از وسط آرامگاه جهت تردد و رفاه حال عده ای از

شهروندان این شهر دارد لازم به ذکر است که هیچ قبری در وسط جاده واقع نشده فقط دو مورد در حدود بیست الی سی سانتی متری گوشه آن در کنار جاده افتاده است که به صورت پل مانند بازسازی شده لذا به جهت محترم شمردن آرامگاه دو طرف جاده دروازه مناسبی نصب و با نرده های آهنی محصور شده است لذا خواهشمند است نظر شرعی آن را مرقوم و ارائه طریق فرمایند.

جواب: احداث جاده در قبرستان جایز نیست، بلی ضوابط و مقررات جمهوری اسلامی لازم المراعات است.

674. جهت حفظ احترام اموات در نظر است قبرستان محل و گلزار شهداء را حصار نمایند، و تعدادی می خواهند وسط قبرستان خیابان کشی کنند، که اگر این کار اجرا شود قبرستان عملاً به دو قسمت تقسیم می شود.
از محضر حضرتعالی تقاضا داریم که حکم شرعی را مرقوم فرمائید که آیا می توانیم کل قبرستان را به عنوان یک مجموعه خیابان کشی نموده و حصار نمائیم، حکم شرعی چیست؟

جواب: اگر قبرستان وقف است، احداث خیابان در آن جائز نیست و اگر جزء زمین های عمومی دیگر است، تابع قانون مربوطه است و دیوارکشی اگر خلاف وقف یا مقررات دولتی نباشد به اختیار مردم است و باید از هرگونه عملی که موجب اختلاف می گردد پرهیز شود.

احداث واحدهای مسکونی، تجاری و... در قبرستان

675. در مجاورت روستا قطعه زمینی است نسبتاً وسیع که قبرستان و به اصطلاح اهل محل خرمن گاه بوده و رفت و آمدهای مختلف صورت می گرفته است، طبق اظهارات بزرگان اهل روستا حدود سی سال است که بخشی ازاین زمین یاد شده تبدیل به اماکن مسکونی اعم از شخصی و عمومی از قبیل مدرسه، شرکت تعاونی ودر چند سال اخیر نانوائی شده است، به گونه ای که قسمت مرکزی قبرستان در وسط مجموعه قرار گرفته ضمناً در بخشی از مجموعه یاد شده طبق اظهارات افراد مسن و قدیمی در قرن اخیر حداقل از بیست و پنج سال قبل گذشته جنازه ای دفن نشده است.
با عنایت به مسائل یاد شده و ضرورتهای پیش آمده، استدعا دارد نظر شریف را نسبت به تکلیف مردم در مورد استفاده از نانوائی برای پخت و خرید نان و رفت آمد به مدرسه و منازل شخصی و شرکت تعاونی و نماز خواندن در هر یک از اماکن با توجه به ناگزیر بودن از تردد از روی قبرستان و قبور مسلمین مشروحاً بیان فرموده تا وظیفه اهل محل اعم از مالکین و شاغلین و سایر افراد روشن گردد.

جواب: زمین اگر وقف برای دفن اموات مسلمین یا از مرافق عمومی روستا جهت استفاده عمومی اهالی باشد، استملاک و تصرف آن و احداث ساختمان در آن جایز نیست.

676. زمینی در کنار یکی از قبرستان ها وجود دارد که هیچ اثری از قبر در آن دیده نمی شود و احتمال دارد که یک قبرستان قدیمی باشد، آیا تصرّف در این زمین و ساختمان سازی در آن برای فعالیتهای اجتماعی جایز است؟

جواب: اگر احراز شود آن زمین، جزئی از قبرستان عمومی موقوفه برای دفن اموات است و یا از نظر عرف حریم آن محسوب شود حکم قبرستان را دارد و تصرّف در آن جایز نیست .

677. یک نفر مالک شرعی و قانونی، یک قطعه زمین را جهت دفن اموات واگذار نموده است که مورد گواهی معتمدین محل و مورد تأیید می باشد و در قسمت زیادی از آن اموات دفن گردیده و قسمتی نیز برای آینده باقی مانده است و چگونگی واگذاری، که آیا وقف است یا غیر وقف برای اهالی و ورثه معلوم نمی باشد آیا:
احداث ساختمان شخصی در قسمت اموات دفن شده یا نشده جایز است یا خیر؟
احداث ساختمان عام المنفعه از قبیل بهداری و مدرسه و غیره در قسمت های اموات دفن شده یا نشده جایز است یا خیر؟
با گذشت زمان به طوری که ظاهر قبور از بین برود و با توجه به اینکه زمین جهت دفن اموات واگذار گردیده احداث ساختمان شخصی یا عام المنفعه جایز است یا خیر؟

جواب: با فرض اینکه زمین برای دفن اموات واگذار شده است و اموات هم در آن دفن شده اند حکم وقف بر زمین مزبور مترتب است، و ساختمان سازی در آن به هیچ یک از وجوه ذکر شده جایز نیست.

ساخت اماکن عمومی یا فضاهای ورزشی در قبرستان

678. قبرستانی که قبلاً در آن اموات را دفن می کردند و فعلاً دفن اموات در آن متوقف گردیده و تاریخ اکثر به اتفاق قبور بیش از سی سال است. آیا می توان با خاک ریزی روی قبور قبرها را زیر خاک برده و در آن کتابخانه، زمین فوتبال و فضای سبز برای جوانان و مردم احداث نمود یا خیر؟ لطفاً نظر شرعی را بیان فرمائید.

جواب: اگراستفاده درجهت وقف به هیچ وجه امکان نداشته باشد،با نظر متولی شرعی میتوانند در مطلق خیرات ازآن استفاده کنند.

679. واقفی قطعه زمینی را جهت احداث گورستان وقف کرده و عده ای اقدام به تصرف این قطعه زمین نموده و آن را به زمین فوتبال تبدیل نموده اند از آن مرجع معظم تقاضا داریم حکم شرعی مسئله را بیان فرمایند.

جواب: اگر زمین ملک شرعی واقف بوده و آن را وقف قبرستان کرده و تحویل متولی برای دفن اموات داده حکم وقف بر آن مترتب می شود و تبدیل آن و تغییر آن به زمین ورزش جایز نیست.

ساخت مرکز مخابرات یا آزمایشگاه در قبرستان

680. در ساختمان یک مرکز آموزشی اطاقی وجود دارد که در حال حاضر از آن به عنوان آزمایشگاه آموزشی استفاده می شود و زمین آن جزء قبرستان مجاور

است که در سال های قبل از قبرستان جدا شده است، باتوجّه به اینکه قبرستان مجاور هنوز مورد استفاده قرار می گیرد، معلمان و دانش آموزانی که در آن آزمایشگاه نماز می خوانند چه تکلیفی دارند؟

جواب: تا زمانی که ثابت نشود که زمین آزمایشگاه برای دفن اموات وقف شده، نماز خواندن و سایر تصرّفات در آن اشکال ندارد، ولی اگر با دلیل معتبری ثابت شود که فقط برای دفن اموات در آن، وقف شده، واجب است به حالت قبلی خود برگشت داده شده و برای دفن اموات تخلیه شود و تأسیسات ساخته شده در آن محکوم به غصب می باشد.

681. ما قصد داریم مرکز مخابراتی در یکی از روستاها ایجاد کنیم و به همین دلیل از اهالی روستا خواسته ایم زمینی را برای ساخت مرکز مخابرات در اختیار ما بگذارند، با توجّه به عدم وجود زمینی در وسط روستا برای این کار، آیا جایز است این مرکز در قسمت متروکه قبرستان قدیمی ساخته شود؟

جواب: اگراستفاده درجهت وقف به هیچ وجه امکان نداشته باشد،با نظر متولی شرعی میتوانند در مطلق خیرات از آن استفاده کنند.

682. ما قصد داریم که یک مرکز بهداشتی در قسمتی از زمین بائری که در جوار یکی از قبرستان هاست بسازیم، ولی بعضی از اهالی ادّعا می کنند که این مکان جزئی از قبرستان است و برای مسئولین تشخیص اینکه زمین مذکور قبرستان هست یا خیر مشکل شده و بعضی از سالمندان آن منطقه شهادت می دهند که در آن زمینی که عدّه ای مدعی وجود قبر در آن هستند، قبری وجود نداشته است، البته هر دو گروه شهادت می دهند که در اطراف زمینی که برای ساخت مرکز بهداشتی در نظر گرفته شده قبر وجود دارد، تکلیف ما چیست؟

جواب: تا زمانی که احراز نشود آن زمین وقف برای دفن اموات مسلمانان است و زمین مزبور از مکان های عمومی مورد نیاز اهالی در مناسبت ها نباشد و ساخت مرکز بهداشتی در آن هم مستلزم نبش قبر و هتک حرمت قبور مؤمنین نباشد، ایجاد آن مرکز در زمین مزبور اشکال ندارد و در غیر این صورت جایز نیست.

683. زمینی در مجاورت روستا می باشد که طبق اظهارات بزرگان اهل محل وقف بر قبرستان بوده است در مکان یاد شده بیش از پنجاه سال است که جنازه دفن نگردیده است. با عنایت به اینکه مردم روستا نیاز مبرم به حدود صد متر زمین جهت تأسیس مکان مخابرات دارند که از نظر تناسب و ضعف اقتصادی اهالی منحصر به تصرف بخشی از کنار قبرستان یاد شده است، ضمناً مکان یاد شده سال هاست که عملاً تبدیل به مکان توقف وسائل نقلیه و یا ریختن بار و ابزار و ادوات شده است. مستدعی است حکم مورد مزبور را بیان فرموده و در صورت مقدور راه حلی برای رفع معضل اهل محل مبذول فرمائید.

جواب: زمین اگر وقف برای دفن اموات مسلمین است احداث ساختمان مخابرات یا چیزی دیگر در آن جایز نیست.

اجرای طرحهای عمرانی در قبرستان

684. در اجرای طرح عظیم سد البرز رقباتی از موقوفات و اماکن متبرکه ازجمله قبور مطهر پنج تن از امامزاده های مورد اکرام و احترام خاص اهالی منطقه به زیر آب سد خواهد رفت. سؤال این است در این رابطه تکلیف شرعی و قانونی اداره اوقاف چیست و نحوه عمل و برخورد با مسئولین اجرای طرح سد چگونه باید باشد؟

جواب: این کار شرعاً جایز نیست، مگر در صورتی که در این باره قانون جمهوری اسلامی اقتضا نماید.

685. با احترام به استحضار حضرتعالی می رساند شهرداری به منظور ساخت و عمران یکی از خیابان های محلات شهر با مشکلی مواجه است که نیاز به حکم کتبی شرعی دارد تا بتواند بدون دغدغه نسبت به اجراء و آسفالت آن اقدام نماید، صورت مسئله بدینگونه است:
قبرستان حصارکشی شده در بر این خیابان واقع است تعدادی قبور خارج از حصارکشی با قدمتی بیش از سی سال در مسیر تعریض و بازگشائی قرار دارند که در معرض ریخت و پاش زباله می باشد و چهره ای نامناسب و ناهنجار را به وجود آورده است ضرورت ایجاب می نماید که هرچه سریع تر نسبت به عمران و آبادانی اقدام شود تا یکی از قدیمی ترین محلات شهر به شبکه آسفالت شهری بپیوندد، حال با عنایت به این مسئله راهی جز نبش قبر وجود ندارد لذا بنا به ضرورت و نیاز شدید و ایجاد تسهیلات در امر عبور و مرور و ایاب و ذهاب عمومی و نزدیک بودن فصل زمستان و بارندگی و نیاز شدید اهالی، متمنی است حکم لازم شرعی اعلام فرمایند و قبلاً در جهت جلب رضایت بازماندگان متوفیات مذاکرات لازم حضوراً صورت پذیرفته است.

جواب: نبش قبر مسلمان جایز نیست، و تصرف در قبرستان بر خلاف جهت قبرستان جایز نیست و چنانچه در جمهوری اسلامی قانونی باشد، لازم المراعات است.

686. قبرستانی هست دایر که سال گذشته میتی در آن مدفون گردیده است و فرزندان و بستگان متوفیان نیز در قید حیات می باشند، همچنین در این قبرستان مرقد مطهر دو شهید بزرگوار قرار گرفته است.
1) آیا بنیاد مسکن جهت اجرای طرح هادی و خیابان کشی می تواند نسبت به تخریب قبور و کشیدن خیابان از داخل قبرستان اقدام نماید، با توجه به اینکه یکی از قبور که در خیابان و پیاده رو قرار می گیرد مربوط به 22 سال پیش و قبر دیگر مربوط به 35 سال پیش و صاحبان این قبور نیز در قید حیات می باشند.
2) آیا اصلاً تخریب و کشیدن خیابان بر روی قبری که 22 سال از مدفون شدن میت در آن نگذشته است از نظر شرعی جایز است، قبوری که بیشتر از 30 سال از دفن میت در آن می گذرد چطور؟

جواب: در فرض مرقوم تخریب قبرستان و قبور جایز نیست. بلی چنانچه مقررات و ضوابط قانونی جمهوری اسلامی اقتضائی داشته باشد مقدم است.

انجام زراعت در قبرستان

687. قبرستانی در کنار زمین کشاورزی قرار دارد به گفته شاهدان محل به قدمت 150 سال. الان متروکه شده و میتی در آن دفن نمی شود و جایگاه حیوانات چون مار و عقرب و موش گردیده که موجب آزار و اذیت کشاورزان محل شده است آیا می شود این قبرستان را به زمین کشاورزی تبدیل کرد و استخوان های مردگان به صورت پودر درآمده است؟

جواب: اگر به هیچ نحو قابل استفاده برای دفن مردگان نیست می توانند از آن در کارهای خیر استفاده کنند.

ساخت مکان ورزش و بازی جوانان در قبرستان

688. زمینی برای دفن اموات وقف شده است و در وسط آن ضریح یکی از فرزندان ائمه (علیهم السلام) قرار دارد و در این اواخر اجساد تعدادی از شهدای عزیز در آن قبرستان دفن شده است، با توجّه به نبود زمین مناسبی برای بازی های ورزشی جوانان، آیا جایز است با مراعات آداب اسلامی، در داخل قبرستان بازی کنند؟

جواب: تبدیل قبرستان به مکان بازی های ورزشی و تصرّف در زمین موقوفه در غیر جهت وقف جایز نیست و همچنین هتک حرمت قبور مسلمانان و شهدای عزیز هم جایزنیست.

3- ملحقات قبرستان

ساخت سرویس بهداشتی در قبرستان

689. اولا: زمینی وقف قبرستانی شده با نظر به اینکه قبرستان احتیاج به دستشوئی و امثال آن دارد آیا می شود تصرف نمود و احداث امثالهم نمود؟
ثانیاً: بر فرض مشمول اگر شرط شده باشد فقط قبر در آن احداث شود، آیا چنین وقفی به عنوان وقف خاص صحیح است یا نه؟ توضیح بفرمائید.
ثالثا: اگر چاه دستشوئی مذکور در کنار قبری احداث شده باشد وارثین قبر راضی نباشند چه حکمی دارد؟

جواب: اولا: اگر از مرافق مورد نیاز قبرستان برای رفع حاجت زائرین اهل قبور باشد مانع ندارد.
ثانیا: اگر واقف در وقف تصریح کرده باشد غیر از دفن اموات در آن زمین استفاده دیگری نشود احداث توالت در این صورت جایز نیست و باید تخریب شود.
ثالثا: رضایت بستگان میت در این باره شرط نیست.

690. اولا: آیا ساختن دستشوئی و وضوخانه در شش یا هفت متری قبر تعدادی از شهداء (حدود شش قبر) در امامزاده یا قبرستانی که متعلق به عموم مردم و محل زیارتگاه مردم بوده و احداث آن از ضروریات محل است و نیز تنها مکان بکر امامزاده و قبلاً هم دستشوئی بوده است، شرعاً بی احترامی به قبر شهداء است؟
ثانیا: آیا بعضی از این خانواده ها شرعاً حق ممانعت از احداث این ساختمان را دارند؟

جواب: احداث ساختمان دستشوئی در محلی که وقف دستشوئی بوده مانع ندارد به شرطی که هتک حرمت محسوب نشود و تشخیص هتک احترام و عدم آن با عرف است.

ساخت سالن سوگواری در قبرستان

691. مقرر گردید در قبرستان مکانی جهت انجام مراسمات احداث شود که تعدادی قبر در داخل ساختمان قرار می گیرد در صورتی که بی احترامی به مکان قبور نشود آیا جایز است یا خیر؟

جواب: فرض مرقوم اگر منافات با جهت وقف نداشته باشد و بی احترامی به قبور هم نباشد اشکالی ندارد وگرنه جائز نیست.

ساخت غسال‌خانه در قبرستان

692. زمینی وجود دارد که از زمان های طولانی محل دفن اموات اهالی بوده و یکی از اولاد ائمه«علیهم السلام»نیز در آن مدفون است و قبل از سی سال پیش مکانی را برای غسل دادن اموات در آن ساخته اند، ولی معلوم نیست که این زمین وقف برای دفن اموات شده یا آنکه وقف برای امامزاده مدفون در آن است. همچنین نمی دانیم ساخت غسّال‌خانه در آن برای غسل اموات مشروع است یا خیر؟ بنابراین آیا جایز است اهالی آنجا اموات خود را در آن مکان غسل بدهن

جواب: جایز است همانند گذشته، اموات را در آن غسّال‌خانه، غسل داده و در آن زمین که از توابع صحن امامزاده است، دفن کنند مگر این که علم به مغایرت آن، با جهت وقف زمین، پیدا کنند.

693. زمینی که در السنه مردم مشهور به وقف است در حالیکه وقف نامه کتبی و رسمی ندارد اگر بخواهند در این زمین غسال‌خانه احداث نمایند درباره احداث این غسال‌خانه نظر شریفتان بیان فرمائید.

جواب: شهرت به وقفت کفایت می کند، و نباید تغییر داده شود بنابراین در فرض مرقوم نباید مرده شورخانه بسازند.

694. به استحضار رسانده می شود، یک قبرستان قدیمی داریم که وقف بودن یا نبودن آن معلوم نبوده ولکن جای خالی ندارد و آثار ظاهری قبرها نیز معلوم نیست آیا می شود غسال‌خانه در آن قبرستان قدیمی ساخت؟

جواب: قبرستان اگر مشهور به وقفیت برای دفن اموات است به چیزی دیگر تبدیل نکنند.

695. روستایی دارای قبرستانی می باشد که سالیان سال در آن مرده دفن کرده اند. حال می خواهند در همان مکان یک غسال‌خانه بنا کنند، مشخص نیست که در آن مکان مرده دفن هست یا نه.
سؤال : آیا بنا کردن آن غسال‌خانه اشکال دارد یا نه؟

جواب: اگر آن مکان وقف است برای دفن اموات نمی توانند در آن غسال‌خانه بسازند.

696. در قبرستانی چندین سال پیش اقدام به احداث حمام نمودند و با گذشت مدت زمانی حمام کهنه و تخریب گردید، و حالیه بلااستفاده مانده است، آیا شرعاً می توان از آن به عنوان «غسال‌خانه» استفاده کرد یا خیر؟

جواب: زمین ساختمان اگر وقف برای دفن اموات مسلمین نباشد استفاده از بنای موجود در آن به عنوان غسال‌خانه اشکال ندارد.

697. به استحضار رسانده می شود زمینی که الان قبرستان روستای ما می باشد نصف آن را یک نفر و نصف دیگر را اهالی خریداری نموده و وقف گذاشتن میت کرده اند آیا شرعاً جایز می باشد در این قبرستان در یک محل خالی آن غسال‌خانه ساخت؟

جواب: زمین اگر وقف دفن اموات باشد تبدیل به غسال‌خانه نکنند و اگر وقف برای اعم شده بی اشکال است.

استفاده از قبرستان برای پارک خودرو

698. آیا جایز است زائران یکی از فرزندان ائمه«علیهم السلام» وسایل نقلیه خود را داخل یک قبرستان قدیمی که در حدود صد سال از عمر آن می گذرد پارک کنند؟ با علم به اینکه قبرستان مزبور در گذشته محل دفن اموات اهالی قریه و غیره بوده و در حال حاضر مکان دیگری را برای دفن اموات خود برگزیده اند؟

جواب: تا زمانی که این کار از نظر عرف، هتک قبور و مسلمانان محسوب نشود و مزاحمتی هم برای زائران مرقد آن امام زاده«علیه السلام»ایجاد نکند، اشکال ندارد.

4- فروش قبر

گرفتن پول برای دفن میت در قبرستان

699. شخصی زمینی را وقف قبرستان نموده و چندین سال از تاریخ وقف می گذرد اما در محل مزبور به جهت دوری از آبادی مرده ای را دفن ننموده اند و شاید تا صد سال دیگر به زمین وقف که دور از آبادی است مرده ای را نبرند، آیا می توانند زمین مزبور را فروخته و پولش را در مسجدهائی که خیلی ضرورت هم دارد خرج نمایند؟

جواب: فروش زمین وقف برای دفن جائز نیست بلی اگر وقف تحقق پیدا نکرده یعنی قبض و اقباض معتبر صورت نپذیرفته اختیار آن با واقف است.

700. شخصی زمینی را برای دفن اموات وقف کرده و آن را قبرستان عمومی مسلمانان قرار داده است، آیا جایز است هیئت امناء آن پول را از کسانی که اموات خود را دفن می کنند، بگیرند؟

جواب: آنان حق مطالبه چیزی در برابر دفن اموات در قبرستان عمومی موقوفه را ندارند ولی اگر خدمات دیگری را به قبرستان یا صاحبان اموات برای دفن مرده های خود ارائه می کنند، گرفتن مبلغی به عنوان اجرت در برابر آن خدمات اشکال ندارد .

701. روستائی دارای قبرستانی به مساحت تقریبی 5000 متر می باشد که توسط چند نفر از اهالی وقف گردید که بعضی از آنها دارفانی را وداع کرده و بعضی در قید حیات می باشند آیا می شود به خاطر هزینه های جانبی مانند دیوارکشی و هزینه نگهداری مبلغی را به عنوان حق دفن دریافت نمود؟

جواب: برای دفن اموات مؤمنین در قبرستان وقفی جائز نیست، چیزی دریافت شود ولی برای ارائه خدمات اشکال ندارد.

فروش قبر

702. زمینی است موقوفه جهت قبرستان که اخیراً هیئت امناء مسجد محل، زمین مزبور را به سه قسم تقسیم کردند و اقدام به آماده سازی قبر می کنند و به تناسب موقعیت آن به قیمت های 10-15-20 هزار تومان به مردم می فروشند شایان ذکر است هزینه ساخت هر قبر پنج هزار تومان می باشد الباقی مبلغ را جهت ساخت مسجد و بقعه آنجا به مصرف می رسانند در صورتی که مردم راضی به این مسئله نباشند مرقوم فرمائید شرعاً چه حکمی دارد و کسانی که قبلا این مبلغ پرداخت نمودند چه صورتی دارد؟

جواب: زمین اگر وقف عام جهت دفن اموات مسلمین باشد فروش قبر در آن زمین به متقاضیان صورت شرعی ندارد، و دریافت هزینه حفر و ساختمان قبر موکول به توافق طرفین است و ربطی به فروش قبر ندارد.

703. آیا هیئت امناء مساجد اجازه فروش زمین قبرستان به منظور دفن افراد را دارند یا خیر؟
فروش زمین قبرستان چه حکمی دارد؟

جواب: زمین اگر وقف قبرستان باشد قابل خرید و فروش نیست.

704. قبرستانی است در محله سادات که بسیار مورد توجه است، با توجه به اینکه آن محل از نداشتن فضای مناسب و حسینیه جهت عزاداری ماه محرم و صفر دارای مشکل اساسی است، آیا می شود از محل فروش قبر پول آن را جهت ساخت حسینیه محل مصرف کرد؟

جواب: اگر مردم با رضایت پول برای این کار بدهند مانع ندارد ولی قبر را نفروشند و برای آن پول نگیرند.

واگذاری قبر

705. در جوار امامزاده قبرستان قدیمی شهر می باشد که بجهت احترام و اعتقاد فوق العاده ای که مردم برای این مکان شریف و مقدس قائل می باشند مایل به دفن اموات خود در این مکان مقدس و شریف می باشند لذا تعداد بی شماری در زمان حیات خود مبادرت به تهیه قبر می نمایند از آنجا که دفن اموات از لحاظ شرعی و بهداشتی کاملاً مد نظر قرار می گیرد خواهشمند است پاسخ استفتائات ذیل را مرقوم فرمائید:
1- آیا واگذاری قبر در زمان حیات به متقاضی جایز است؟
2- دفن کردن در صحن امامزاده هایی که در شهر واقع شده اند مثل امامزاده ابراهیم و امامزاده احمدبن قاسم و دهها امامزاده دیگر در قم و امثال آن در شهرستانها چه حکمی دارد؟
3- دفن کردن در قبری که میت آن متلاشی شده و پوسیده است بعد از چه مدتی جایز است؟
4- چنانچه حیاط قبرستان و زیارتگاه بر اثر تعمیرات و کف سازی، یک متر از کف حیاط سابق بالاتر بیاید، الف: آیا در این یک متر می توان قبر جدید ساخت؟ ب: ملکیت این قبرهای جدیدالاحداث که روی قبرهای زمین است به چه کسی تعلق دارد؟ ج: آیا تولیت زیارتگاه حق تصرف در این قبور جدیدالاحداث را دارد؟ د: آیا صاحبان قبور زیرین حق در این قبور جدیدالاحداث دارند یا خیر؟

جواب: 2-1- اگر زمین وقف دفن اموات مؤمنین است هر شخصی فوت کند می توانند در آن زمین دفن نمایند و پیش از آنکه شخص بمیرد حق واگذاری قبر به او اگر خلاف وقف و نظر واقف باشد جائز نیست، بلی اگر در مورد دفن اموات در شهر مقررات خاصی وجود دارد لازم الاتباع است.
3- نبش قبر میت مسلمان درصورت هتک اگر چه متلاشی شده باشد جائز نیست و همانطور اگر محل دفن میت ملک شخصی باشد بدون اذن مالک شرعی آن تصرف در آن جائز نیست اگرچه نبش قبر نشود.

4- حکم مسأله از جواب سؤالهای 1و2و3 معلوم گردید و هرگونه تصرف در وقف متوقف بر اذن متولی موقوفه و صلاح وقف است و اگر میت مسلمانی را در زمین وقف برای دفن اموات دفن نموده اند، زمین از وقف بودن خارج نمی شود ولی نبش قبر به هیچ وجهی جائز نیست و زمین متعلق به وقف است و دفن میتی در زمین وقف حقی ایجاد نمی کند.

تعلق قبور طبقاتی به صاحب حق الدفن

706. پدر بزرگ اینجانب در حدود 8 سال قبل قبری از اداره اوقاف خریداری نموده است در حالیکه در آن زمان قبرها به صورت مطلق و بدون در نظر گرفتن طبقه خاصی بوده است ولی اکنون بخشی از این قبرها دو طبقه و توسط اوقاف تصاحب شده، خواهشمند است با توجه به شرایط موقع خرید مقدار حق شرعی این ملکیت را در خصوص این مورد مرقوم فرمائید.

جواب: اگر مورد معامله زمین مشخص و عرض و طول معینی بوده زمین و طبقات متعارف آن، ملک خریدار است و بعد از او به عنوان ارث منتقل به ورثه او می شود ولی اگر زمین فروخته نشده (خصوصاً در صورت وقف بودن زمین و عدم جواز فروش آن) بلکه حق دفن به خریدار واگذار شده در این صورت خریدار حق بیش از یک قبر را ندارد و چنانچه زمین تحمل قبرهای متعدد داشته باشد اختیار سایر قبرها مربوط به مالک یا متولی شرعی در وقف است.

پیش فروش قبور

707. آیا جایز است انسان در دوران حیات خود قبری را به قصد تملک بخرد؟

جواب: اگر مکان قبر، ملک شرعی دیگری باشد خریدن آن اشکال ندارد ولی اگر جزئی از زمینی باشد که وقف برای دفن اموات مؤمنین است، خرید و نگهداری آن برای خود انسان، چون بطور قهری مستلزم منع دیگران از تصرّف در آن برای دفن اموات است، صحیح نیست .

708. برخی از بقاع متبرکه و امامزادگان کشور از دیر زمان مورد توجه مسلمانان بوده و مزار شیعیان و علماء و صلحا می باشد، مؤمنین و علاقه مندان به این بقاع متبرکه به قصد تیمن و تبرک وصیت می نموده اند که جنازه آنان در جوار این اماکن متبرکه مدفون گردد و به همین منظور افرادی حتی املاک مجاور این دو بقعه را خریداری و جهت دفن اموات خود و دیگران اختصاص داده اند و یا با پرداخت حق الدفن به متصدیان امر محل دفن پیش خرید نموده اند. با عرض مراتب فوق مستدعی است نظر مبارک را در مورد سؤال ذیل امر به اعلام فرمایند: «آیا اوقاف و یا شهرداری و یا هیئت امناء اینگونه بقاع به هر دلیل شرعاً حق جلوگیری از دفن اموات را در اینگونه املاک که به همین منظور خریداری و تخصیص یافته است دارند یا خیر؟»

جواب: حق جلوگیری ندارند مگر در مواردی که شرعاً استثناء شده است.

5- احکام مرتبط با قبرستان

ایجاد مانع و مزاحمت برای دفن در قبرستان عمومی

710. اشخاصی در قبرستان های عمومی از دفن اموات در کنار بعضی از قبور جلوگیری می کنند، آیا مانع شرعی برای دفن اموات در آنجا وجود دارد؟ و آیا آنها حق دارند از این کار جلوگیری کنند؟

جواب: اگر قبرستان وقف باشد و یا دفن میّت برای هر فردی در آن مباح باشد، کسی حق ندارد حریمی در اطراف قبر میّت خود در قبرستان عمومی ایجاد کند و از دفن اموات مؤمنین در آن جلوگیری نماید.

711. ما تصمیم گرفته ایم که در کنار قبور شهدای مدفون در روستا سنگ هایی بعنوان یادبود دیگر شهدای روستا که در مناطق دیگر دفن شده اند، گذاشته شود تا در آینده مزار آنها باشد، آیا این کار جایز است؟

جواب: ساخت صورت های نمادین قبر به نام شهدای عزیز اشکال ندارد، ولی در صورتی که آن مکان وقف برای دفن اموات باشد، ایجاد مزاحمت برای دیگران در دفن امواتشان جایز نیست .

712. حریم یک امامزاده متبرکه محل قبرستان عموم مسلمین است و اهالی دو روستا که در جوار هم قرار دارند به صورت مشترک از سالیان متمادی دور تاکنون برای دفن اموات خود از آن استفاده می کردند بدین منظور چند نفر افراد خیر زمین هایی را خریداری و وقف قبرستان برای عموم مسلمین کرده اند.
سؤال از آن مقام محترم این است با عنایت به موارد فوق آیا یکی از روستاها مجاز است مانع استفاده روستای دیگر از این قبرستان عمومی گردد؟ لطفا نظر و فتوای شریف را مرقوم فرمایید.

جواب: باید به همان طور که قبلاً استفاده می شده فعلاً هم استفاده شود و جلوگیری از آن جایز نیست.

تغییر و تبدیل غیر مجاز قبرستان

713. موقع احداث مسجد فعلی، به علت کمبود زمین و عدم آگاهی مقداری از زمین وقفی قبرستان به مسجد الحاق گردید حال به جهت تجدید بنای مسجد جدید به علت اضافه شدن زمین خریداری شده از پشت مسجد، از زمین وقفی الحاقی قبرستان بی نیاز شده ایم و قصد داریم زمین الحاقی قبلی وقفی را به قبرستان سابق، ملحق نمائیم آیا این الحاق جایز است؟

جواب: جایز بلکه واجب است.

ساخت نمازخانه در قبرستان

714. اداره آموزش و پرورش یک قطعه زمین موقوفه را با نظارت اداره اوقاف جهت احداث نمازخانه برای یکی از مدارس راهنمائی دخترانه از متولی اجاره کرده است در هنگام عملیات ساختمانی به چند قبر برخورد کرده اند که از زمان های قدیم بوده و آثاری از آن بر سطح زمین وجود نداشته است.
مستدعی است بیان فرمائید که آیا جایز است بدون نبش قبر و بدون هتک حرمت آنها ساختمان نمازخانه مزبور ادامه پیدا کند یا نه؟

جواب: اگر قبرستان بودن آن معلوم نیست و از متولی شرعی اجاره شده با مراعات عدم نبش قبر و عدم هتک اشکال ندارد، والا جایز نیست.

تغییر سنگ قبور

715. در این محل رسم است که اگر کسی بخواهد سنگ قبری از سیاه به سفید تبدیل کند مطالبه یکصد تا یکصد و پنجاه هزار تومان، صرفاً فقط برای مجوز نصب می گیرند، با سادگی و دشمنی می خواهند مردم را از حکومت اسلامی بدبین نمایند که فاصله طبقاتی در مزار مسلمین هم مشهود باشد خواهشمند است دستور فرمائید چنانچه این امر خلاف است یا مجاز در هر صورت دستور شرعی آن را ذیلاً مرقوم فرمائید که اهالی وظیفه اسلامی خود را بدانند.

جواب: در قبرستان عمومی که وقف برای دفن اموات مسلمین باشد، کسی حق مزاحمت مسلمین ندارد، مگر آنکه شهرداری محل جهت مصالح عمومی مقرراتی داشته باشد.

دفن میت در زمین های وقفی

716. چند ماه قبل یکی از علما در زمین موقوفه ای با اجازه وقف کنندگان آن دفن شده است و در حال حاضر عدّه ای به این کار اعتراض دارند و ادعا می کنند که دفن در زمین موقوفه جایز نیست، این مسأله چه حکمی دارد؟ و برفرض عدم جواز، آیا اشکال با پرداخت مبلغی به عنوان عوض زمین موقوفه ای که آن عالم در آن دفن شده، برطرف می شود؟

جواب: اگر دفن میت در زمین موقوفه منافی با جهت وقف نباشد، اشکال ندارد، ولی اگر دفن او منافی با جهت وقف باشد جایز نیست و اگر شخصی در چنین زمین موقوفه ای دفن شود، باید تا بدن او متلاشی نشده نبش قبر شود و در مکان دیگر دفن گردد، مگر آنکه نبش قبر، حرجی بوده و یا موجب اهانت و هتک مؤمن شود و به هر حال، حکم با پرداخت مال یا زمین به عنوان عوض زمین موقوفه بر طرف نمی شود .

717. 22 سال قبل شخصی دارای علم و فضل بوده فوت نموده او را در زمین موقوفه دفن نموده اند، حال بعد از گذشت 22 سال عده ای می گویند: که دفن در زمین موقوفه جایز نبوده لطفاً جواز و عدم جواز دفن مزبور را مشخص فرمایید. آیا در صورت عدم جواز می توان در عوض زمین موقوفه پول پرداخت نمود؟

جواب: در صورتی که دفن میت در زمین موقوفه منافات با جهت وقف موقوفه نداشته اشکال ندارد، ولی اگر دفن میت در زمین موقوفه منافات با جهت وقف داشته باشد جایز نیست، و چنانچه احیاناً میتی را در چنین زمین موقوفه ای دفن کرده باشند، باید جنازه را در صورتی که تا به حال خاک نشده باشد از آنجا نبش و در جای دیگر دفن کنند مگر آنکه نبش قبر حرجی و یا موجب اهانت و هتک مؤمن باشد و در هر صورت با پرداخت پول یا زمین حکم مسأله حل نمی گردد.

718. در کنار مقبره ای که ظرفیت قبرهای آن تکمیل شده، زمینی وجود دارد که توسط دادگاه قضائی از شخص زمین داری مصادره شده و در حال حاضر به شخص دیگری واگذار شده است، آیا استفاده از آن زمین برای دفن اموات با کسب اجازه از صاحب فعلی آن جایز است؟

جواب: اگر صاحب فعلی آن کسی است که مالک شرعی آن محسوب می شود، تصرّف در آن با رضایت و اذن او اشکال ندارد.

719. پدرم زمینی را از برادر مرحومش به ارث برده و در قید حیات بوده که این زمین را وقف دارالقرآن کرده شواهد هم بر این وقف موجود است به دلیل اینکه زمین در جنب امامزاده بوده است متولی و متصدیان امامزاده بر خلاف غبطه وقف قطعه زمین را بابت اموات و قبر بفروش می رسانند، خواهشمند است نظر مبارک را در این خصوص بفرمائید آیا چنین چیزی جائز است؟

جواب: اگر وقف است تغییر آن جایز نیست و امر آن با متولی شرعی آن با مراعات جهت وقف است.

720. زمین موقوفه ای در کنار قبرستانی که برای دفن اموات اهالی کافی نیست، وجود دارد و موقعیت آن برای تبدیل به قبرستان مناسب است، آیا تبدیل آن به قبرستان جایز است؟

جواب: تبدیل زمینی که برای جهتی غیر از دفن اموات وقف شده، به قبرستان به طور رایگان جایز نیست، ولی اگر وقف آن از قبیل وقف منفعت باشد، متولی شرعی آن می تواند در صورتی که به مصلحت و نفع وقف بداند آن را برای دفن اموات اجاره دهد .

نبش قبر مسلمان

721. آیا این درست است که از یک قبر بعد از گذشت چند سال می توان مجدداً استفاده کرد؟ لطف کنید مدت سال را ذکر کنید.

جواب: نبش قبر مسلمان جائز نیست مگر اینکه علم داشته باشیم که جسد از بین رفته و خاک شده باشد و سال معتبر نیست.

722. قبرستان کهنه شده به واسطه کمی زمین آن قبرستان را می کنند استخوان کهنه پیدا می شود گوشت و پوست یا مو در آنجا نیست استخوان خشک و خالی است اگر دست بزنی خاک می شود آیا دفن اموات جدید در آن محل جایز است؟

جواب: اگر علم داشته باشند هیچ اثری از میت قبل در قبر نمانده باشد و بدن او خاک شده باشد نبش قبر و دفن میت جدید در آن مانعی ندارد.

انتقال قبر بدون نبش قبر

723. پیکر مطهر شهیدی به عنوان شهید گمنام در سال های گذشته در یکی از شهرهای مرزی کشور مدفون گردیده است اکنون پس از گذشت 20 سال مشخص گردیده که شهید متعلق به خانواده محترمی است که مصراً تقاضای انتقال پیکر مطهر شهید به گلزار شهدای این شهر را دارند مقتضی است نظر معظم له در خصوص انتقال پیکر شهید و یا انتقال قبر بگونه ای که نبش قبر بر آن صدق ننماید امر به ابلاغ فرمائید.

جواب: در فرض مرقوم نبش قبر جایز نیست و نقل اگر بدون نبش قبر محقق شود اشکال ندارد.

خاک برداری از قبرستان

724. عده ای از اهالی یک روستا محلی را جهت قبرستان عمومی وقف نموده اند و قبرستان محل منحصر به همان است. در این صورت آیا جائز است که از گوشه و کنار همان زمین های وقفی که فعلاً دفن اموات با آن نقطه نرسیده خاکبرداری نموده و به جای دیگر مانند جاده سازی و غیره مصرف نمایند (به ادعای اینکه خاک آنجا با شن مخلوط است و جهت راه سازی خوب است) در صورتی که این کار موجب تغییر یافتن زمین وقفی از صورت اصلی بوده و بسیار ناهموار و نامرغوب شده و هموار نمودن آن هزینه زیادی خواهد داشت به علاوه واقفین زمین هم هیچ وقت به این عمل راضی نخواهند بود.

جواب: با فرض اینکه واقفین مالک زمین بوده و آن را وقف کرده اند تصرف مزبور جایز نیست، و موجب ضمان است.

احداث ضریح و بقعه برای امام زادگان

725. برای شخصی که حدود چهارصد سال قبل فوت کرده و مدفن وی معلوم نیست بنا به خواب دیدن یک تکه استخوان برایش قبر و ضریح ایجاد نموده اند لذا نظر مبارک را در این خصوص عنایت فرمائید.

جواب: بدون اطلاع از خصوصیات و محل و عقیده مردم نظری نمی شود اظهار کرد.

726. بقعه ای به نام امامزاده عباس مورد توجه و احترام خاص اهالی می باشد ولی فاقد بقعه و بارگاه است و اهالی بر این عقیده اند قبر امامزاده زیر درخت آزاد قرار دارد و به همین جهت دور درخت را با نرده های چوبی محصور و با نصب صندوق نذور مورد زیارت حاجتمندان می باشد. اخیراً هیئت امناء آستانه با توصیه اداره اوقاف قصد قطع درخت مورد نظر و احداث بقعه و بارگاه در همان مکان را دارند. لذا استدعا دارد نظر شرعی حضرتعالی را در خصوص مورد به ویژه قطع نمودن درخت خشکیده مرقوم فرمایند.

جواب: احداث بقعه و قطع درخت مانع ندارد.

1- الفاظ مربوط به موقوف علیه

مرجع تشخیص مفاهیم و معانی الفاظ وقفنامه

727. آیا شرکت کنندگان در مجالس عزاداری و اهالی منطقه ای که حسینیه برای آنان تأسیس شده، حق دخالت در تفسیر فقرات و قفنامه را دارند؟

جواب: برای فهم مفاد وقف نامه، در صورتی که اجمال یا ابهام داشته باشد، باید به شواهد و قرائن حالیه و مقالیه و یا به عرف مراجعه کرد و کسی حق ندارد آنها را از طرف خودش تفسیر به رأی کند .

728. هیئتی ملکی را جهت حسینیه خریداری و وقف نموده اند، و ضمن صیغه وقف خود را متولی تعیین نموده اند فعلاً در تفسیر فقرات وقفنامه اختلافی پیش آمده، حق تفسیر با کیست؟

جواب: در مقام استظهار برای رفع اختلاف باید به عرف مراجعه شود و آنچه متفاهم عرف از عبارت است باید عمل شود.

موقوف علیه اولاد ذکور نسلاً بعد نسل

729. در یک موقوفه خاص اولاد ذکور، نسلاً بعد نسل، و فاقد متصدی و متولی که به صورت موقوف علیهم اداره می گردد، و با توجه به نظر اکثریت علمای اعلام و آیات عظام و مشایخ زمان مبنی بر اینکه موقوف علیهم مستحق عواید زمان می باشند، و یک موقوفه خاص که همیشه به صورت موقوف علیهم اداره می گردیده است یکی از موقوف علیهم فوت می نماید. چنانچه منافعی از موقوفه حاصل گردد، با عنایت به نظریه مشهور علماء:
اولاً: مربوط به افراد ذکور می تواند باشد یا خیر؟
ثانیا: این منافع مربوط به بطون لاحقه می باشد یا بطون سابقه؟
ثالثاً: آیا اداره موقوفه خاص بایستی توسط افراد صالح، با تقوی، اورع، پرهیزگار، دارای شهرت علمی، متعهد، متدین و... اداره شود یا اینکه هر کسی بدون داشتن صفات (فوق الذکر) می تواند اداره کننده یا متصدی و متولی این موقوفه باشد؟

جواب: اولا: موقوف علیهم کسانی هستند که در وقف نامه ذکر شده است یعنی اولاد ذکور نسلاً بعد نسل.
ثانیا: منافع فعلی مربوط به بطن فعلی است.
ثالثا: تولیت اوقاف بدون متولی با حاکم شرع است.

موقوف علیه اولاد واقف

730. در وقفنامه پیوستی، تولیت موقوفه بر عهده اولاد ذکور نسلاً بعد نسل قرار داده شده است ولی عواید موقوفه پس از کسر عشر روشنائی مرقد منور امیرالمؤمنین علی (ع) باید سرف اولاد واقف در هر طبقه بشود، حال سؤال این است که با توجه به اینکه صرف عواید را مرحوم واقف بر اولاد هر طبقه وقف منظور کرده است آیا با وجود طبقات اول عواید موقوفه به طبقات بعدی هم می رسد یا خیر؟

جواب: کلمه هر طبقه در وقفنامه نیست، و موقوف علیهم را اولاد فرزند سعادتمند ذکر کرده است که بر طبقه قبل و بعد صادق است، بخصوص که در متولی که اولاد ذکور کرده قید نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن آورده، و در موقوف علیهم قید نکرده است، بنابر این عوائد به طبقه بعد هم می رسد.

موقوف علیه مطلق خیرات

731. مصرف موقوفه ای جهت مسجد و حمام و خیرات روستا است، مستدعی است نظر مبارک را در این خصوص که با توجه به مخروبه شدن حمام قبلی روستا حمامی در محلی جدید احداث شده است. آیا می توان منافع موقوفه مارالذکر را در حمام جدید الاحداث صرف کرد یا خیر؟
لازم به ذکر است که خیرات محل نیز مخروب و معدوم گردیده لیکن مسجد محل پابرجا و معمور است و نیاز به تعمیر نیز دارد.

جواب: اگر منظور واقف از مصرف خیرات، خیرات خاصی است در فرض سؤال جایز نیست عواید را در غیر سه مورد مذکور در وقف صرف نمایند و اگر مطلق کارهای خیر است و قرینه و دلیلی نیست که منظور خیرات خاصی باشد حمام جدید هم از خیرات محسوب است و متولی شرعی می تواند طبق وقف با مراعات همه جهات وقف عواید را در آن هم صرف نماید.

732. اولا: مکانی بوده که واقف وقف خیرات نموده برای استفاده فقراء و کسانی که مسافر هستند و از روستا عبور می کنند و چون مکان از زمان سابق بود و متولی هم نداشت مخروبه شد وافرادی هم از این مکان در راه های نامشروع استفاده می کردند لذا عده ای از مردم روستادر این مکان حسینیه ساختند تصرف در مکان خیرات و تبدیل آن به حسینیه از نظر شرعی چه حکمی دارد؟
تصرف دیگران در این مکان که فعلاً به عنوان حسینیه است از قبیل نماز خواندن مراسم تعزیه و... چه صورت دارد جایز است یا خیر؟
ثانیا:چون حسینیه در مکان خیرات ساخته شده است و دگر نمی شود کاری در جهت وقف انجام داد، از نظر شرعی چه راهی وجود دارد که هم تصرف دیگران در این حسینیه جائز باشد و هم جهتی را که واقف وقف کرده است برآورده شود با توجه به اینکه متولی هم ندارد؟

جواب: اولا: در صورتی که وقف برای مطلق خیرات باشد این نحو از تصرفات هم که از امور خیر است جایز است.
ثانیا: اگر وقف تخصیص به خیر خاصی داده نشده بلکه برای مطلق امور خیریه است تصرف در آن برای هر امر خیری با اذن حاکم شرع که در این موارد شرعاً متولی عام است مانع ندارد.

733. پدر من قطعه زمینی را وقف نمودند تا در صورتی که احتیاج به بنای مسجد و حسینیه باشد زمین واگذار گردد، از آنجائی که پدرم بی سواد بودند در توضیح شفاهی خود مکان را برای کارهای عام المنفعه وقف نمودند، این در حالی است که محل ما حدود سیصد خانورا می باشد تا چندین سال آینده به مسجد و حسینیه نیاز ندارد اما به مدرسه شدیداً نیازمند است. لذا مستدعی است با توجه به مطالب فوق نظر حضرتعالی را مرقوم فرمائید.

جواب: اگر پدرتان زمین را برای کارهای عام المنفعه وقف نمودند می توانید آن را برای مدرسه واگذار نمائید.

734. زمینی از کسانی تبرعاً اخذ و وقف گردیده است به این منظور که وقفش وقف عام باشد که شامل ساختن مدرسه و یا مسجد و یا مقبره شود. زمینی که برقرار فوق وقف عام شده باشد آیا می شود درآن مسجد بنا کرد یا خیر؟

جواب: اگر وقف شامل آن هست جایز است.

موقوف علیه تدریس قرآن و بیان احکام شرعی

735. شخصی ششدانگ عرصه و اعیان یک باب منزلش را به قرار شفاهی شهود وقف بر محل تدریس قرآن و بیان احکام شرع و تشکیل جلسات عزاداری ائمه (ع) و دیگر استفاده های مشروع نموده اما در تنظیم وقفنامه محضری موجود در سوابق مورد استفاده از موقوفه را « بر زینبیه که محل تدریس نسوان و مسائل و احکام شرع و ذکر مصائب آل اطهار قرار گیرد» قید کرده با عنایت به اینکه موقوفه مذکور متولی داشته و به علت بلااستفاده بودن وضع موجود ساختمان به کمک مؤمنین و خیرین تخریب و در طرح بازسازی علاوه بر ساخت سالن اجتماعات و مستحدثات لازم تعدادی دکاکین نیز ساخته شد و دارای عواید می باشد.
اولاً: با توجه به قید استفاده نسوان در وقفنامه محضری آیا امکان مزبور مختص استفاده زنان می باشد و یا اینکه استفاده عموم مجاز است؟
ثانیاً: عواید حاصله از رقبات در چه مواردی مصرف شود؟

جواب: اگر محرز است که واقف منزل مذکور را برای محل تدریس قرآن و بیان احکام شرع و تشکیل جلسات عزاداری وقف نموده است باید مطابق نظر واقف عمل شود بلی امور ذکر شده به مرد یا زن اختصاص ندارد هر گروه می توانند مطابق نظر واقف استفاده نمایند و در هر صورت تصرف موقوفه باید زیر نظر متولی شرعی و به صلاح وقف باشد و تبدیل وقف به چیز دیگر جائز نیست و شخصی که تغییر داده لازم است به صورت اولیه برگرداند.

موقوف علیه طلاب علوم دینی و دارالعلم معیّن

736. ملکی وقف طلاب علوم دینی و دارالعلم آیت الله العظمی نبوی گردیده، به نظر حضرت مستطاب عالی این وقف، وقف عام است یا وقف خاص؟ نظر مبارکتان را مرقوم فرمائید.

جواب: در فرض مذکور وقف عام است.

سیادت از مادر در موقوف علیه سادات

737. آیا اشخاصی که فقط مادرشان سیده بوده باشند مشمول سهم سادات مقرره در وقفنامه می باشند یا خیر؟ همچنین در وقفنامه گفته شده: « قسم چهارم به جهت خصوص مؤنه اولاد ذکور است نسلاً بعد از نسل از اینکه ثلث از منافع این موقوفه را اخراج نموده انفاق نمایند فی سبیل الله در صله ارحام از ذریه علویه». آیا در فرض مرقوم اشخاص اناث یا ذکوری که از طریق مادر منسوب به واقف باشند جزء موقوف علیهم از ارحام قرار می گیرند یا خیر؟

جواب: سید کسی است که از طرف پدر منتسب باشد و انتساب از طرف مادر کافی نیست ولی اولاد و ذریه و نحو آن شامل منتسب از طرف مادر هم می شود.

سیادت از مادر در موقوف علیه ذریهٔ علویه

738. آیا اشخاصی که فقط مادرشان سیده بوده باشند مشمول سهم سادات مقرره در وقفنامه می باشند یا خیر؟ همچنین در وقفنامه گفته شده: « قسم چهارم به جهت خصوص مؤنه اولاد ذکور است نسلاً بعد از نسل از اینکه ثلث از منافع این موقوفه را اخراج نموده انفاق نمایند فی سبیل الله در صله ارحام از ذریه علویه». آیا در فرض مرقوم اشخاص اناث یا ذکوری که از طریق مادر منسوب به واقف باشند جزء موقوف علیهم از ارحام قرار می گیرند یا خیر؟

جواب: سید کسی است که از طرف پدر منتسب باشد و انتساب از طرف مادر کافی نیست ولی اولاد و ذریه و نحو آن شامل منتسب از طرف مادر هم می شود.

موقوف علیه آموزش و پرورش

739. شخصی اردوگاهی را وقف آموزش و پرورش بیرجند نموده است پس از منفک شدن سربیشه از بیرجند و مستقل شدن این شهرستان، اردوگاه در محدوده سربیشه واقع شده است و جزء این شهرستان می باشد. اکنون با توجه به اینکه اردوگاه در روستایی واقع است که کلیه مدارس آن زیر نظر آموزش و پرورش سربیشه می باشد این اردوگاه چه حکمی دارد؟ آیا به آموزش و پروش بیرجند تعلق دارد یا آموزش و پرورش سربیشه؟

جواب: متعلق به آموزش و پرورش بیرجند است.

موقوف علیه اولاد ذکور سادات یک روستا

740. روستائی است که شهرت به وقفیت دارد ولی وقفنامه ای در دست نیست، شایع و معروف است که قریب ششصد سال قبل حاکم محل آن را وقف بر اولاد ذکور سادات آن روستا کرده است بی آنکه نحوه مالکیت حاکمیت مذکور و چگونگی خریداری ولی از مالک یا مالکین روستای مزبور به اختیار یا به اجبار معلوم و روشن باشد و نظر به اینکه بعضی از سادات موقوف علیهم مجهول المکان و بعضی مجهول الهویه و تعداد آنها هم زیاد و دسترسی به همه ممکن نیست و بر فرض امکان در شرائط فعلی که سال ها عمل به وقف نشده اگر مال الاجاره متعارف محل، در نظر گرفته شود اختلاف و درگیری شدید به وجود خواهد آمد چه بسا احتمال غائله ای بزرگ و موجب سفک دماء و دفع فاسد به افسد گردد هر چند بعضی از مستأجرینی که سال هاست بدون اجاره در اینجا کشت و زرع دارند،

حاضرند رضایت موجرین را بعمل آورند ولی مالک و موجر واقعی را نمی شناسند.

جواب: در مفروض سؤال که روستای مذکور مشهور به وقفیت است احکام وقف بر آن جاری است و در صورت عدم متولی خاص باید به حاکم شرع مراجعه و با اجازه او درآمد حاصله صرف سادات مذکور شود و بسط به جمیع واجب نیست.

2- الفاظ مربوط به متولی و ناظر

741. اگر واقف، تولیت وقف را بعد از خودش برای مطلق علما و مجتهدین قرار دهد، آیا یکی از علمایی که مجتهد نیست حق دارد امور تولیت را در اختیار بگیرد؟

جواب: تا زمانی که احراز نشود که مقصود واقف از علما خصوص مجتهدین است، تولیت وقف توسط عالم دینی اشکال ندارد هر چند حائز رتبه اجتهاد نباشد .

اطلاق اعلمیت بر اعلم در فقه

742. در وقفنامه مرحوم آقای حاج آقا رضا رقباتی وقف بر تعزیه داری حضرت سید الشهداء (ع) گردیده، واقف محترم تولیت بعد از خود را نسلاً بعد از نسل به اولاد ارشد خود با قید صفات اعلم و اورع ذکر فرموده و در صورت انقراض اولاد به مجتهد اعلم و اورع قصبه واگذار فرموده. اینک سؤال از محضر مبارک این است که با توجه به مراتب فوق آیا اهل علم به معنای مصطلح کلمه (روحانی و معمم بودن) و تحصیلات حوزوی داشتن برای اولاد ارشد متقاضی تولیت شرط است یا خیر؟
مضافاً آیا احراز تقوی و عدالت در مدعی تولیت مذکور لازم است یا خیر؟

جواب: میزان بر حسب ظاهر عبارت اعلم و اورع، اعلمیت در علم فقه است.

مرجع تشخیص (اصلح و اتقی و اورع)

743. واقف امر تولیت بعد از خود را در دو وقفنامه و در رقبات متعدد به دو صورت ذکر نموده، در وقفنامه اول امر تولیت به اینجانب و در وقفنامه دوم امر تولیت به اصلح و اورع و اتقی اولاد واقف نسلاً بعد نسل ذکر گردیده. حال با توجه به شرح بالا، آیا اینجانب حق انتخاب متولی بعد از خود را دارم یا خیر؟ و با توجه به صفاتی که برای متولی ذکر گردیده، چه کسی توانایی شناخت و انتخاب اصلح، اورع و اتقی اولاد را از بین چند نفر فرزند دارد؟ متولی یا اداره اوقاف و امور خیریه؟ این شناخت برای کدام یک میسر است؟

جواب: اگر طبق نظر واقف حق تعیین متولی به شما واگذار شده می توانید برای موقوفه متولی تعیین نمائید و شناخت اصلح و اورع و اتقی با کسانی است که به احوال آنان آشنائی دارند و در صورت اختلاف آنان باید به حاکم شرع مراجعه شود.

دلالت استعمال ارشد و اتقی

744. در شرایط وقفنامه قید گردیده که تولیت آن مادام حیات با خود واقفه و بعد از ایشان با اولاد ذکور واقفه می باشد، نسل بعد از نسل بطناً بعد بطن و طبقه بعد از طبقه و در صورت انقراض اولاد ذکور با اولاد اناث واقفه بوده باشد، آن هم با تقدم ارشد و اتقی در هر طبقه. هم اکنون تولیت موقوفه با اینجانب ولد ذکور و ارشد می باشد که دارای پنج اولاد می باشم، پسر ارشد معلول ذهنی و جسمی می باشد که خوب و بد را از هم تمیز نمی دهد، دومین پسر از نظر جسمانی سالم ولی متأسفانه تدین و تقوای لازمه را برای تولیت موقوفه ندارد. اما سومین پسرم اگر چه ارشدیت سنی ندارد ولی از لحاظ تدین و تقوا لیاقت تولیت موقوفه را از جمیع جهات دارد و مطمئن هستم که مفاد وقفنامه را دقیقاً اجرا می نماید.
با عنایت به مراتب فوق و اطمینان اینکه بعد از اینجانب مفاد وقفنامه از لحاظ منافع همه ساله به نحو احسن صرف روضه خوانی و تعزیه داری حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) سیدالشهداء و حضرت ابوالفضل العباس (ع) گردد، خواهشمند است ضمن راهنمایی دستور لازم را صادر فرمائید.

جواب: آن طور که از وقفنامه نقل کرده اید که ارشد واتقی بودن در متولی شرط شده در فرض سؤال احتیاط مراجعه به حاکم شرع برای تعیین متولی است.

745. در شرایط وقف نامه قید گردیده که تولیت آن مادام الحیات با خود واقفه و بعد از نسل، بطناً بعد بطن و طبقه بعد طبقه و در صورت انقراض اولاد ذکور با اولاد اناث واقفه بوده باشد، آنهم با تقدم ارشد واتقی در هر طبقه. پسر ارشد اول بیمار و معلول ذهنی و جسمی می باشد، دومین پسر از نظر جسمانی و روانی سالم ولی تدین و تقوای لازمه را ندارد، سومین پسر اگر چه شرایط ارشدیت را ندارد ولی دیانت، تقوا و لیاقت تولیت موقوفه را از جمیع جهات دارد، با عنایت به مراتب فوق تکلیف تولیت موقوفه چیست؟

جواب: در مورد سؤال، تولیت وقف بعد از جنابعالی بر عهده پسر سوم است و در فرض مرقوم، او ارشد واتقی می باشد زیرا ارشد به معنای درک عقلی بهتر می باشد نه داشتن سن و سال زیادتر، و برای رفع شبهه اگر پسر سوم از ناحیه حاکم شرع هم احتیاطاً منصوب شود خوب است.

746. در شرائط تولیت موقوفه فرموده: اولاً به نفس نفیس و ذات شریف خود مادام الحیات بارک الله تعالی فی عمره و بعد از آن بأسن ارشد ذکور اولاد نسلاً بعد نسل و عقباً بعد عقب واگر در طبقه عالی رشید نباشد در هر طبقه از نسل او که رشید باشد تولیت از آن او باشد.
الف) مستدعی است بیان فرمائید که منظور واقف از ارشدیه چیست آیا ارشدیت سنی است و یا ارشدیت کفایتی و درایتی است؟
ب) آیا ملاک تولیت اسنیت است یا ارشدیت؟
ج) اگر امر دائر باشد بین أسنیت و ارشدیت کدام یک مقدم می باشد؟

جواب: الف) مفاد ظاهر عبارت فوق الاشاره اعتبار وصف اسن بعد از وصف ارشد است که باید علاوه بر دارا بودن تدبیر و درایت و کفایت بیشتر از بقیه بزرگتر و أسن از بین رشیدها باشد.
ب) ملاک هر دو صفت است که باید علاوه بر ارشدیت أسن از بین رشیدها باشد.
ج) اگر أسن اولاد ارشد اولاد نباشد نوبت تولیت به فالأسن ارشد اولاد می رسد بدین معنی که پس از ملاحظه ارشدیت نوبت رعایت أسنیت می رسد، و اگر دو نفر از نظر رشد و سن متساوی با هم و بالاتر و برتر از بقیه باشند تولیت به هر دو نفرشان می رسد، و اگر غیر أسن، ارشد و أسن از بقیه باشد تولیت با او خواهد بود.

مراد از ارشد اولاد

747. منظور از ارشد اولاد، اکبر اولاد است یا خیر توضیح بفرمائید.
بعد از فوت ارشد عین موقوفه مثل مال میت تقسیم می شود بین ورثه یا خیر؟ و آیا به ارشد می رسد در صورت تقسیم نشدن یا خیر و به چه کسی می رسد؟

جواب: چنانچه از نظر تدبیر و درایت فرقی ندارد اکبر اولاد ارشد آنها است.
عین موقوفه به ارث نمی رسد تا تقسیم شود و باید از آن در جهت وقف استفاده شود، و متولی وقف همان است که در وقفنامه ذکر شده است.

مدیر غیر متولی

748. واقف در وقفنامه تولیت را مخصوص خودش قرارداده با حق التولیه که نصف عایدات باشد.
الف) آیا در مقدار زائد از اجرت المثل، وقف صحیح است و وقف به نفس محسوب نیست؟
ب) بعد از فوت خود مدیریت عمل در موقوفات را برای سه نفر از اهالی قرار داده آیا عنوان مدیر همان معنی متولی را دارد؟
ج) محل مصرف عایدات را عمران و فقراء و حمامات که در وقفنامه نامبرده شده قرار داده آیا طبق همین تعیین باید عمل شود یا صرف در جاهای دیگر هم مجاز می باشد؟

جواب: الف) فرض مزبور وقف بر نفس نیست.
ب) احتیاط آن است که به حاکم شرع مراجعه کنند مگر در صورتی که احراز شود که منظور واقف از مدیر جعل تولیت است.
ج) عوائد وقف باید در همان جهت وقف که تعیین شده صرف شود.

مراد از نسلاً بعد نسل

749. اولا : چند قطعه زمین به شرح سند که پیوست است توسط شخصی وقف شده که عواید آن در مراسم حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) مصرف گردد، تولیت وقف ادامه پیدا کرد تا بعد از 3 نسل در حال حاضر بر تولیت آن ایجاد مشکل شده است و سؤالات زیر مطرح است، مستدعی است حکم خداوند منان را بیان فرمایید:
آخرین متولی وقف که اخیرا فوت شده است دارای 3 فرزند ذکور می باشد و دارای 2 برادر و برادرزاده و پسر عمو با وجود چنین افراد تولیت با کیست؟
ثانیا: آیا جمله نسلاً بعد از نسل و همچنین طبقه بعد طبقه که در وقفنامه قید شده بیانگر انتقال تولیت فقط از پدر به پسر و با اینکه به دیگران از فامیلان ذکور خانوار (برادر- برادرزاده- پسر عمو) نیز قابل انتقال می باشد؟ ترتیب اولویت با کیست؟
ثالثا: اگر تولیت این زمین ها بر عهده فرزندان میت می باشد، آیا تولیت بر فرزند بزرگتر می باشد (با توجه به سند) یا بر همه اولاد ذکور می باشد؟ اگر عهده همه می باشد اگر یکی از فرزندان در غیاب دو نفر دیگر زمین ها را به شخصی اجاره دهد آیا تولیت با این عمل او برگردن او حتمی می شود و از دیگر برادران خارج می شود یا خیر با هم بر عهده همه برادران می باشد؟

جواب: اولا: ظاهر این است که با وجود اولاد ذکور در نسل متقدم نوبت به نسل متأخر نمی رسد بنابر این با وجود برادران متولی که اولاد مشارالیها هستند نوبت به فرزندان متولی نمی رسد.
ثانیا: از مسئله قبل معلوم شد.
ثالثا: ظاهر این است که بین فرزندان در تولیت فرقی نیست.

750. آیا اگر از بین برادران یکی به نیابت از دیگران تولیت را اداره کند بعد از فوت او به فرزند او می رسد یا به برادران دیگر او؟

جواب: با وجود یک نفر در نسل متقدم نوبت به نسل متأخر نمی رسد

751. طبق وقفنامه متولی موقوفه بعد از فوت واقف، مربوط به اولاد ذکور واقف و بعد از انقراض اولاد ذکور واقف به اولاد ذکور اناث واقف منتقل می شود، واقف یک پسری داشت که متولی موقوفه بعد از فوت واقف شد و بعد از فوت پسر واقف پسری نداشت و فقط یک دختر صغیره از پسر واقف باقی مانده ولی دختر ارشد واقف پسری داشت که به حکم مرحوم آیت الله شیخ کبیر پسر دختر واقف متولی موقوفه شد نسلاً بعد نسل پس از زمان طولانی آن دختر پسر واقف شوهر کرد و دارای پسری شد حال بعد از گذشت حدود هشتاد سال پسر این دختر یعنی نوه پسری واقف مدعی است که من متولی زمین موقوفه هستم و حکم مرحوم آیت الله شیخ کبیر بلا اثر است تقاضا می شود که حکم شرعی را بیان فرمائید که مورد نیاز است، والسلام.

جواب: وقف نامه صراحت دارد که تولیت با اولاد مزبور است نسلاً بعد از نسل و بطناً بعد بطن، پس با وجود فرزند ذکور از اناث در نسل متقدم نوبت به فرزند ذکور از اناث در نسل بعدی نمی رسد.

752. در وقفنامه ای امر تولیت برای نسلهای بعدی به صورت نسلاً بعد از نسل و بطناً بعد از بطن تصریح شده است اینک سؤال شرعی از محضرتان این است: آیا با وجود متقاضی تولیت در نسل قبلی نسل بعدی می تواند مدعی تولیت باشد یا خیر؟

جواب: با وجود فرد صالح برای تولیت در نسل قبلی نوبت به نسل بعدی نمی رسد.

مانعیت طبقه اقرب نسبت به ابعد

753. در وقفنامه ای شرایط متولی را چنین ذکر فرموده است: « امر تولیت مفوض است بنص جناب (واقف) بسوی اکبر و اصلح و ارشد واورع ذکور از صلب واقف، و مراد از ارشد کسی که قوه استمناء و انتفاع او از موقوفه بیشتر از سایرین باشد و هکذا ارشد و اصلح و اورع اولاد، اولاد ذکور هلم جرا، و طبقه اقرب به واقف منع ابعد می نماید و در صورت انقراض اولاد، اولاد ذکور مفوض است امر تولیت با اولاد اوناث از صلب واقف».

سؤال: آیا اگر در طبقه اقرب به واقف فرد جامع الشرایط فوق الذکر نبود اگر چه اکبر بود و یا لااقل ارشدیت نداشت آیا امر تولیت موقوفه مذکور به طبقه قریب از اولاد ذکور با داشتن همه شرایط در وقف نامه می رسد یا خیر؟

جواب: ظاهر عبارت این است که در هر طبقه اکبر و ارشد و اصلح و اورع در همان طبقه تولیت دارد بنابراین اگر واجد صفات در طبقه متقدم موجود است تولیت با او است هر چند در طبقه بعد ارشد بلکه اکبر ارشد از او موجود باشد.

متولی بودن بزرگترین پسرخانواده ازهرنسل

754. اگر در وقف نامه، تولیت وقف بر عهده بزرگترین فرزند پسر خانواده از هر نسل گذارده شده باشد، آیا این بدان معناست که بعد از فوت پدر، با وجود عمو، نوبت به پسر آن مرحوم می رسد یا عموی او متولی است؟

جواب: ظاهر تعیین تولیت وقف به نحو مزبور در فوق انتقال تولیت از ولد اکبر به فرزند اکبر وی است.

3- الفاظ مربوط به اجاره

755. در وصیتنامه ای 1/3 مورد وصیت جهت حسینیه و 2/3 آن جهت آموزش و پرورش اختصاص داده شده است و در متن نامه آمده است (تعیین اجاره بهاء برای مستأجرین با رضایت خود آنها انجام گیرد تا اجحافی به آنها نشود و راضی باشند) همین مطلب دست آویز شده است برای بعضی از مستأجرین و متصرفین مغازه های مورد ثلث که از پرداخت حقوق طبق عرف معمول و یا نظریه کارشناس استنکاف ورزند و تنها رضایت خود را ملاک تعیین اجاره بدانند و مساعی و تلاش امام جماعت مسجد نیز جهت دریافت حقوق عامه مثمر ثمر واقع نشده است و معظم له به این اداره اعلام فرموده اند که از طریق قانونی اقدام جدی شود لذا نظر به مراتب فوق حضرتعالی مرقوم بفرمائید که:
آیا مستأجرین که مدت اجاره آنها نیز به پایان رسیده می توانند با توسل به جمله مذکور در وصیتنامه از پرداخت حقوق عامه عرف معمول و نظریه کارشناس رسمی یا کارشناس محلی استنکاف نمایند یا خیر، رضایت و میل خود آنها در پرداخت اجرت المثل معوقه ملاک خواهد بود؟ در صورت موظف بودن آنان به پرداخت حقوق ثلث، آیا این اداره می تواند از طریق مقامات قضائی نسبت به وصول حقوق حسینیه و آموزش و پرورش اقدام نماید؟

جواب: تعیین مقدار اجاره موقوفه بستگی به توافق متولی و مستأجر دارد البته از عبارت وصیت نامه استظهار می شود که اجاره نباید بیش از اجرت المثل باشد که موجب اجحاف بر مستأجر است.

1- حبس

انقضاء مدت حبس و برگشت عین محبوسه به ملک حابس

756. اگر فردی زمین خود را برای مدّت معینی بر چیزی که وقف بر آن صحیح است حبس کند به این امید که بعد از انقضاء مدّت حبس به او برگردد، آیا زمین بعد از پایان مدّت به او بر می گردد و او حق انتفاع از آن را مانند سایر املاکش دارد؟

جواب: اگر زمین، ملک شرعی حبس کننده باشد و او آن را طبق موازین شرعی حبس کرده باشد، حبس محکوم به صحت است و آثار شرعی آن بر زمین مترتب می شود و ملک بعد از انقضاء مدّت حبس به حبس کننده برمی گردد و مانند سایر املاک اوست بنابر این منافع و نمائات آن برای اوست.

حکم فروش و تقسیم مال محبوسه ابدی و یا ثلث میت

757. اگر ملکی که توسط مالک، حبس دائم بر چیزی که وقف بر آن صحیح است شده و یا ثلث میّتی که وصیت به حفظ عین آن برای ابد نموده تا درآمدهای آن در جهتی که معین کرده مصرف شود، توسط ورثه بین خودشان به عنوان ارث تقسیم شود و آن را در سند رسمی به نام خودشان ثبت کنند و یا آن را بدون مجوز شرعی به دیگری بفروشند، آیا حرمت تملک و بیع املاک و آبها و زمین های وقفی شامل آن هم می شود؟

جواب: ملک و ثلثی که حبس دائم شده اند، در عدم جواز تملک و بیع، در حکم وقف هستند و تقسیم آنها بین ورثه به عنوان ارث و همچنین بیع آنها باطل است .

وقف مال محبوسه

758. اینجانب قطعه زمینی را وقف کردم به مدت 5 سال هنوز مدت 5 سال تمام نشده بود روی همین زمین وقف دائمی نوشتم. آیا حالا که هنوز وقف حبس آن به اتمام نرسیده و وقف دائم نوشته شده باید به وقف دائم عمل کرد در صورتی که از دائم بودنش منصرفم آیا مجازم بعد از اتمام مدت حبس شخصاً تصرف کنم؟

جواب: در وقف مزبور اشکالی نیست و بر فرض صحت حبس بعد از اتمام شدن مدت حبس تأثیر می کند، البته شرط است در صحت وقف قبض. و اگر قبض محقق نشود وقف تمام نیست و اختیار در این صورت با مالک است.

2- وصیت

وصیت به عدم فروش ثلث املاک و خرج درآمد آن برای حسینیه

759. مرحوم پدرم در وصیت نامه نوشته ثلث املاک را در حسینیه خرج نمایند و حق فروش اصل را ندارند و اوصیای پدرم به مفاد وصیت پدرم با نظارت اوقاف وقت عمل نمودند و 2/3 حق الارث باقی مانده را من که وارث منحصر بودم بهره برداری کردم، درختان و مرکبات مورد ثلث از اثر آفت سراسری منطقه به مرور زمان خشک شده اند و املاک وقفی مورد وصیت فاقد درآمد شده اند، حال اداره اوقاف و اوصیا همه ساله از من طبق سند و سوابق تقاضای درآمد ثلث دارند در فرض مذکور آیا من مدیون پرداخت ثلث هستم یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال اگر اتلاف مورد وقف مستند به شما نباشد و در نگهداری آن از ناحیه شما افراط و تفریطی صورت نگرفته باشد ضامن پرداخت ثلث نیستید و اگر نزاعی در بین باشد باید در محاکم قضائی حل و فصل شود.

وصیت به وقف ثلث اموال

760. همسر اینجانب به موجب وصیتنامه وصیت می کند که خانه مسکونی خود و عیالم را بعد از فوت وقف مسجد شهداء نمودم و پس از تنظیم به من گفت امضاء کن من هم که سواد ندارم و متوجه نشدم که سهم اینجانب را که سند مالکیت دارم نیز وقف می کند لذا ذیل وصیتنامه را انگشت زدم. اکنون بفرمائید آیا وقف محقق شده با اینکه خانه محل سکونت اینجانب است و تصرف مسجد نداده امدوم اینکه آیا شوهرم حق داشته است که وصیت کند: سهم خانه عیالم را نیز وقف کردم، سوم اینکه برادر آن مرحوم می گویند این وصیت است و چون زائد برثلث است من قبول ندارم و سهم خود را می خواهم و در این بین برادر شوهرم نیز فوت می شود که او دارای زن و بچه است و من و شوهرم بچه نداریم.
تقاضا دارم حکم شرعی را ذیلاً بنویسید که وقف صحیح است یا نه؟ مسجد شهداء هم حقی دارد یا اینکه ثلث را باید به نماز و روزه اختصاص دهم برای خدا حکم شرعی را بیان کنید تا به وظیفه عمل کنم.

جواب: در فرض مرقوم تمام خانه مذکور حکم وقف ندارد ولی بر وصی واجب است تمام سهم میت از خانه را با فرض اینکه کسی با او در این خانه شریک است مطابق وصیت وقف مسجد نماید، مگر اینکه سهم میت از این خانه از ثلث ترکه او زیادتر باشد که در این صورت به مقدار ثلث ترکه باید وقف نماید مگر اینکه همه ورثه اجازه بدهند و مابقی ترکه علی ما فرض الله میان ورثه او تقسیم می شود و در صورتی که یکی از ورثه بعد از مورث فوت کرده باشد سهم الارث او به ورثه می رسد و تا به وصیت عمل نشود تقسیم ترکه جایز نیست واگر به نماز و روزه قضا وصیت نکرده باشد واجب نیست برای او نماز و روزه قضا انجام دهید.

وصیت به وقف سود اموال

761. شخصی وصیت نموده اموالش در دست فرزندانش باشد و سود حاصل آن را وقف روضه خوانی سید الشهداء نموده آیا این مورد شامل تمام اموال نامبرده می شود یا فقط ثلث مال حق وقف و وصیت را داشته؟ ضمناً وارثین وقفنامه و وصیتنامه پدرشان را امضاء نموده اند.

جواب: وقف مزبور صحیح نیست، و حکم وصیت را دارد که در ثلث ترکه نافذ است و در زائد بر ثلث موقوف است با اجازه ورثه، و چنانچه اجازه کرده باشند باید بر طبق آن عمل کنند و نمی توانند از اجازه خود برگردند.

وصیت به ملک وقفی

762. آیا ملک وقف به ارث داده می شود یا خیر؟
ظاهراً شخصی وصیت نموده و در ضمن وصیت خود ملک وقفی را به ارث داده است حال سؤال اینجاست که آیا این وصیت نامه صحیح است یا باطل و بر فرض بطلان آیا تمام وصیت نامه باطل است یا همان مقدار که ملک وقف را وصیت نموده است؟

جواب: وقف به ارث نمی رسد و وصیت نسبت به وقف صحیح نیست و نسبت به غیر وقف مانع ندارد و باید عمل شود.

وقف معلق به موت، در حکم وصیت

763. شخصی املاک خویش را در زمان حیات وقف نموده در خیرات و مبرات صرف شود و بعد از یکسال قبل از قبض و تحویل و تحول در مرض موت شفاهاً گفته اگر خواستید بفروشید مانعی ندارد، اولاً آیا وقف صحیح است یا نه و ثانیاً اینکه در مرض موت گفته بفروشید و در مورد فوق مصرف شود آیا نافذ است یا نه؟

جواب: در فرض سؤال وقف محقق نشده چنانچه مواردی را تعیین نموده حکم وصیت دارد.

وصیت برای حبس

764. احتراماً، چون در باره نحوه اجرای تکالیف مربوط به محبوسات و اثلاث باقیه اشکالات شرعی و عملی به شرح زیر موجود است لذا سؤال مورد نظر را در نهایت اختصار به عرض می رساند:
الف: با عنایت به اینکه رهبر کبیر انقلاب رضوان الله تعالی علیه در استفتائیه مورخ 1366 درباره محبوسات مرقوم فرموده اند: «حبس ابد در احکام با وقف شریک است... ».
اینک از محضرتان تقاضای پاسخ شرعی در موارد زیر را دارد.

چنانچه در وصیت نامه ای موصی ثلث دارائی خود را به صورت حبس مؤید یا ثلث باقی جهت امور خیریه منظور کرده باشد ولی وصی فوت شده و یا در دسترس نباشد، از نظر شرعی تکلیف اموال محبوسه یا ثلث دائم چیست؟ و چه مرجعی بایستی به این امر رسیدگی نماید؟
اگر وصی مشخص و موجود باشد تکالیف او در مورد حبس ابد و یا ثلث دائم آیا قبول مفاد بند الف و ب فوق الذکر و موقوفه دانستن مورد وصیت و رعایت قوانین و مقررات اوقافی می باشد یا نه؟
چنانچه وصی در اجرای نظر موصی و حفظ منافع عمومی به موقع اقدام لازم به عمل نیاورد، چه شخص یا مقامی بایستی در این امر مداخله و تکلیف مورد ثلث را روشن و به جریان بگذارد.

جواب: ۱) لازم است طبق حبس و وصیت عمل شود و اگر وصی در دسترس نیست حاکم شرع اقدام می کند.
۲) حکم همان است که در بند (الف) و بند (ب) نقل کرده اند. و اگر وصیت به حبس به نحو فعل باشد به این نحو که وصیت شده که حبس نمایند یا وصیت به نحو نتیجه باشد لکن منقطع الاول به این نحو که وصیت کرده که بعد از مردنش حبس باشد، وصی مورد وصیت را حبس می کند و اگر اقدام نکرده حاکم شرع عمل می کند.

وصیت به تبدیل به احسن نمودن ثلث

765. شخصی ثلث خود را زمین قرار داد. گفته باید باقیات صالحات بماند. نسل اول طبق وصیت عمل کرد، اما نسل بعدی بر اثر اختلاف سلیقه و تعدد متولی طبق وصیت نمی تواند انجام وظیفه کنند آیا حضرتعالی اجازه می فرمائید که زمین مزبور را تبدیل به احسن برای مراکز علمی و یا مؤسسات دینی از مسجد و غیره مصرف کنند جواب شرعی را مرقوم فرمائید. و السلام

جواب: تغییر و تبدیل آن جایز نیست.

3- نذر

نذر برای امام زاده و مقبره

766. آیا با پول موقوفات و نذورات امامزاده ها می توان ماشین به نام وقف و یا امامزاده خرید و آن را در اختیار اداره اوقاف قرار داد تا استفاده نماید؟ آیا می توان کارمند و کارگر امامزاده و یا موقوفات که حقوق بگیر وقف و امامزاده می باشد به صورت تمام وقت در اختیار اداره اوقاف باشد؟

جواب: در مصرف عوائد موقوفات باید طبق نظر واقف عمل شود و نذورات نیز در هر راه مشروعی که نذر شده مصرف شود و نذر بر امامزاده باید صَرف مصالح آن امامزاده شود، و از آن جمله است اجرت کسانی که برای آن امامزاده زحمت می کشند.

767. سه نفر از سادات روستا که مورد احترام مردم منطقه بوده فوت کرده اند و مقبره ای برای آنها ساخته شده و مردم در ایام مختلف به زیارت آن بزرگواران می روند و نذوراتی نیز به داخل صندوق که در محل تعبیه گردیده واریز می نمایند. آیا نذورات واریزی به صندوق متعلق به وراث آنها می باشد یا اینکه مقبره یاد شده جزء اماکن مذهبی اسلامی بود و باید از طرف اداره اوقاف و امور خیریه اشخاصی را به عنوان هیئت امناء انتخاب تا ضمن اداره نمودن مکان مزبور نذورات متعلق به آن را به تعمیرات و سایر احتیاجات ضروری مکان یاد شده برسانند؟

جواب: اموال مذکور به ورثه نمی رسد بلکه اگر متولی دارد زیر نظر آنها و الا زیر نظر اوقاف در جهت نذر مصرف شود.

عمل به نذر

768. شخصی از دنیا رفته است که چند مورد نذر داشته است آیا ورثه با توجه به مشکلات اقتصادی پیش آمده (در اثر فوت) باید نذرها را ادا نمایند یا خیر؟
الف) این شخص مذکور یک فقره نیز وقف کرده است آیا به وقف نیز عمل شود؟
ب) خانم این شخص نیز نذر هر ساله داشته است و الان میسور نیست چگونه باید عمل بکند؟
ج) همین خانم نیز یک فقره وقف نموده است با توجه به وضع فعلی معیشتی خانواده آیا می تواند به وقف عمل نکند یا خیر؟

جواب: نذر اگر بدون صیغه شرعیه مخصوص به نذر باشد صحیح نیست و عمل به آن لازم نیست و بر دیگران از جمله ورثه لازم نیست به نذر شخص عمل کنند و اگر آنچه وقف شده تحویل هم داده شده است باید به آن عمل شود و اگر قبض معتبر در وقف محقق نشده باقی بر ملک است و به ورثه می رسد.

نذر شمع

769. عده ای از زائرین محترم بقاع متبرکه طبق معمول قبل که برق نبوده، بر اثر ناآگاهی مبادرت به نذر و روشن کردن شمع در اینگونه اماکن می کنند که این کار نه تنها نفعی برای امامزاده ندارد بلکه چربی و دود آن باعث از بین بردن کاشیکاری و آینه کاری و در نتیجه ضرر و زیان به امامزاده و آلوده کردن محیط امامزاده و مزاحمت برای زائرین می شود.
لذا مستدعی است در نامه ای وجه شرعی آن را بیان نمایید تا انشاءالله مفید به حال امامزادگان علیهم السلام باشد و آیا اصل نذر چه وجهی دارد؟

جواب: در حال حاضر که روشنائی اماکن مذهبی با برق تأمین می شود نذر شمع وجهی ندارد و شرعاً صحیح نیست و اختیار مصرف وجوه با شخص نذر کننده است.

مصرف نذورات مسجد و حسینیه

770. مردم بابت نذورات شخصی خود وجوهاتی را در داخل صندوق ضریح های مستقر در این حسینیه واریز می نمایند. آیا استفاده از وجوهات نذری با نظارت هیئت امناء برای مصارف حسینیه اشکال دارد؟

جواب: اگر برای احتیاجات حسینیه اهداء می کنند اشکالی ندارد.

771. پولی که نمازگزاران مسجد به متصدیان مسجد (یا صندوق ها) به عنوان کمک و نذر پرداخت می کنند و نیت مصرف آن را مشخص نمی کنند، آیا امام جماعت و هیئت امناء می توانند بنابر صلاحدید علاوه بر مخارج جاری مسجد، صرف امور فرهنگی (دعای ندبه، هزینه بسیج و...) نمایند؟

جواب: چنانچه صاحبان پول اختیار آن را به متصدیان واگذار کرده اند اشکال ندارد .

جمع آوری نذورات، برای عمل به خواب و رؤیا

772. اخیراً برخی از افراد خیر به عنوان اینکه فردی خواب دیده اقدام به جمع آوری پول و نذورات به منظور احداث مهدیه و مسجد و بناهای خیریه در اراضی کشاورزی متعلق به تعدادی از کشاورزان نموده اند تا نیت خود را عملی نمایند. حالیه سؤال اینجاست:
آیا صرف عنوان کردن خواب بر مؤمنین و متدینین صحت شرعی و عقلی برای احداث بنای مسجد را ایجاد می کند؟
آیا با عنوان کردن خواب، اراضی که متعلق به کشاورزان است در حال حاضر در آن به کشت و زرع مشغول اند بدون اینکه مالکین چنین نیتی را داشته باشند به وقف مبدل می شود آیا رضایت مالکین برای احداث این گونه بناها شرط است یا خیر؟
با وجود نیاز نقاط دیگر شهر که فاقد حسینیه و مسجد هستند و نیاز مبرم به چنین اماکنی دارند آیا ساخت مسجد در این محل صحت شرعی و عقلی دارد یا خیر؟

جواب: 1) خواب اعتبار شرعی ندارد، ولی اگر مؤمنین بخواهند کمک کنند اشکالی ندارد.
2) در وقف رضایت مالک معتبر است و تصرف در ملک غیر باید با رضایت مالک باشد.
3) تشخیص موضوع نیاز به رسیدگی دارد و سزاوار است خود مؤمنین با ملاحظه ضوابط شرعی و عرفی اقدام به اینگونه امور نمایند، و از هرگونه اختلاف بپرهیزند.

استفتائات جدید احکام وقف

محل مصرف ثمن بیع موقوفه

773. بیمارستان موقوفه مفرح که در جنوب تهران احداث شده دارای رقبات متعددی است که درآمد آنها طبق وقفنامه موجود بایستی در بیمارستان مذکور بمصرف برسد و اقشار محروم و مستضعف از خدمات آن استفاده نمایند. نظر به اینکه قطعه زمینی از موقوفه بمساحت 27970 متر مربع در طرح مخزن زمینی آب سازمان آب منطقه ای طهران واقع شده که طبق موازین بفروش رسیده و مورد بهره برداری آن سازمان می باشد و با عنایت به اینکه حسب مقررات بهای زمین مذکور بایستی از سازمان آب و فاضلاب دریافت گردد و بعنوان تبدیل باحسن صرف خرید و وقف مال دیگری شود.
اینک متولی و ناظر موقوفه بیمارستان مفرح که در تکمیل و تجهیز ساختمان جدید بیمارستان مواجه با مشکلات مالی می باشند، درخواست و پیشنهاد کرده اند وجوه دریافتی بجای خرید ملک دیگری برای تکمیل اعیانی بیمارستان بمصرف برسد که با این ترتیب چون اعیانی مذکور نیز به تبع عرصه موقوفه می باشد امر تبدیل به احسن نیز عملاً انجام خواهد گرفت.
علی‌هذا درخواست می گردد با عنایت به اینکه در صورت موافقت با درخواست فوق قسمتی از وقف منفعت به وقف انتفاع تبدیل می شود در مورد تقاضای متولی و ناظر نظریه اعلام فرمایند تا برابر آن اقدام لازم بعمل آید.

جواب: اگر بیمارستانی که با این مبلغ ساخته می شود دارای درآمدی باشد که آن درآمد برای مصارف بخش قدیمی بکار برود علی الظاهر مانعی ندارد.

774. 1- آیا برداشت از ذخایر موجود در زمین یا معادن واقع در موقوفه اعم از شن و ماسه یا خاک رس و سنگ و امثال ذلک (در داخل یا منظر زمین) جایز است یا خیر؟
2- در صورت جواز، مواد استحصالی در حکم عین و تابع احکام تبدیل به احسن می باشد یا در حکم منافع است و می توان از عواید آنها نیات واقف را اجراء نمود؟

جواب: بهره برداری از ذخایر و معادن موجود در زمین موقوفه با رعایت جهت وقف اشکال ندارد، اگر منتهی به افناء عین موقوفه نشود، جزو درآمد موقوفه محسوب و وجه فروش آن پس از کسر هزینه ی استخراج باید در همان جهت وقف مصرف شود ؛ ولی اگر استخراج معادن از زمین موقوفه منتهی به افناء و انحدام زمین موقوفه شود، باید وجوه حاصله از فروش معادن استخراجی صرف خرید مال مشابهی و وقف آن در همان جهت وقف زمینه موقوفه گردد.

جلوگیری از دفن میت درقبرستانها

775. مرقد مطهر محدّث بزرگ شیعه مرحوم شیخ صدوق «ابن باویه» اعلی االله مقامه الشریف و بقعه متبرکه امامزاده عبدااللهّ (ع) واقع در شهر ری از دیر زمان مورد توجه بوده و مزار شیعیان و علماء بزرگ و صلحاء می باشد و بالغ بر چندین قرن است که مؤمنین و علاقه مندان به این دو بزرگوار به قصد تیمّن و تبرک وصیّت نموده اند که جنازه آن در جوار این اماکن متبرکه مدفون گردد و به همین منظور افراد زیادی املاک مجاور این دو بقعه را خریداری و جهت دفن اموات خود و دیگران اختصاص داده اند و یا با پرداخت حقّ الدّفن به متصدیان امر محل دفن پیش خرید نموده اند.
با عرض مراتب فوق مستدعی است نظر مبارک را در مورد سوال ذیل امر به اعلام فرمایند:
«آیا اوقاف و یا شهرداری و یا هیئت امناء اینگونه بقاع به هر دلیل شرعاً حق جلوگیری از دفن اموات را در اینگونه املاک که به همین منظور خریداری و تخصیص یافته است دارند یا خیر؟»

جواب: حق جلوگیری ندارند مگر در مواردی که شرعاً استثناء شده است.

تشخیص صفات متولی

776. در برخی از وقفنامه ها من جمله وقفنامه مرحوم حاج میرزا حسین تولیت موقوفه «با مجتهد اعلم بلده طیّبه قم که مرجع تقلید است در هر زمان از ازمنه» می باشد.
با توجه به اختلاف نظر موجود در خصوص اعلمیّت مراجع فعلی و تقاضای تولیت بعضی از مراجع تقلید قم، اتخاذ تصمیم برای صدور حکم تولیت توسط اداره تحقیق این سازمان که متکفّل تعیین و تشخیص متولی است با مشکل مواجه شده است مستدعی است نظر مبارک را در مورد فوق و موارد مشابه امر به ابلاغ فرمایند.
ضمناً، برابر قانون جاری اوقاف مادام که موقوفه ای واجد متولی نشده باشد بعنوان موقوفه متصرفی توسط سازمان اوقاف و امور خیریه به نیابت از ولی امر مسلمین اداره می گردد.

جواب: اگر اعلمیت یکی از حضرات آقایان بطرق شرعی احراز شده باشد باید موقوفه تسلیم ایشان بشود. و در این زمینه اوقاف مکلّف به تحقیق و کسب احراز شرعی در صورت امکان است. و اگر ممکن نشود، احتیاط این است که آقایان اطراف شبهه، به یک نفر از میان خودشان یا خارج خودشان وکالت دهند.

تبدیل فرش کهنه به نو

777. در مسجد جامع شهرستان نوشهر تعدادی قالی که خبرگان فرش می گویند اگر تبدیل نشود، از ارزش می افتد ولی در حال حاضر قیمت خوبی دارد، آیا اجازه است تبدیل شود؟ لازم به ذکر است این قالی ها دو قسم است:
1- قالی هائیکه مردم خریدند و در مسجد گذاشتند.
2- قالی هائیکه زمان طاغوت از طرف خاندان ننگین پهلوی آوردند.

جواب: اگر در صورت عدم تبدیل از ارزش ساقط می شود تبدیل آن به فرش مناسب مانعی ندارد.

احداث طبقات منفعتی بروی موقوفۀ انتفاعی

778. برخی از موقوفات انتفاعی در سطح کشور (مانند حسینیه، حمام عمومی و...) به مرور زمان تخریب و سالیان متمادی بلا مصرف مانده و بعضاً مشکلاتی برای اهالی محل از قبیل تجمیع معتادان و مانند آن بوجود آورده اند، هیچگونه بودجه و اعتبار دولتی یا بانی شخصی جهت تعمیر و بازسازی ندارند. از طرفی موقوفات مذکور بعضاً دارای موقعیت مناسب تجاری و منفعتی هستند، لذا افرادی اعلام آمادگی می کنند تا ضمن پرداخت پذیره و انعقاد قرارداد اجاره با متولی یا اداره اوقاف، موقوفه انتفاعی مخروبه را بطور کامل بازسازی و تجهیز نمایند و در کنار آن در طبقات دیگر واحدهای تجاری و منفعتی احداث نمایند.
قابل ذکر است که در صورت صدور اجازه از طرف حضرتعالی، ضمن رفع مشکل و عسر و حرج از اهالی محل غبطه و مصلحت موقوفه نیز به احسن وجه تأمین خواهد شد، زیرا اضافه بر احیاء موقوفه هزینه جاری حفظ و نگهداری آن و همچنین هزینه فعالیت های عام المنفعه از محل عواید واحدهای منفعتی نیز تأمین خواهد شد.

جواب: در صورت احیای کامل موقوفه و انتفاع از آن حسب نظر واقف و رعایت کامل غبطه و مصلحت موقوفه، این کار بلا اشکال است مشروط بر اینکه درآمدهای حاصل از بازسازی و مرافق جدید حتی المقدور در موارد مورد نظر واقف هزینه شود .

شرط تولیت مجانی

779. اگر واقف به هنگام وقف شرط کرده باشد که متولی مجاناً موقوفه را اداره کند ومتولی حاضر به قبول نباشد، سازمان اوقـاف که در راستای انجـام وظایف قانـونی خود به نمایندگی از ولی فقیه وحاکم اقدام به اداره آن مینماید آیا میتواند اجرت المثل را از عواید موقوفه بردارد یا همانند متولی باید مجانی و بلاعوض موقوفه را اداره کند؟

جواب: در فرض مرقوم سازمان اوقاف می تواند اجرت المثل را از عواید موقوفه بردارد .

اشتراط تبدیل وقف انتفاعی به منفعتی

780. در مجاورت مسجد حضرت مهدی (عج) واقع در تهران، خیابان ستارخان، منزلی برای سکونت امام جماعت تهیه شده که وقفنامه آن به پیوست تقدیم می شود. امام جماعت مسجد بخاطر وجود مشکلات خانوادگی نمی تواند در منزل مذکور سکونت نماید در حالیکه طبق وقنامه در صورت عدم سکونت امام جماعت، باید از این منزل بهره برداری انتفاعی بشود و در حال حاضر با توجه به شرایط اقتصادی مسجد لازم است از این منزل جهت تأمین بعضی هزینه های مسجد بهره برداری منفعتی شود.
با توجه به موافقت امام جماعت با این مطلب و طبق بند پنج وقفنامه که تغییر شرایط منوط به اذن ولی فقیه است از محضر مقدس حضرتعالی، استدعا می شود در صورتیکه مصلحت می دانید اجازه فرمائید از منزل مذکور فعلاً بهره برداری منفعتی گردد.

جواب: اشکالی ندارد.

اختلاف متولی و منصوبین وی

781. در سال 1358 ملکی را در خیابان ری باغ حاج محمد حسن طبق سند ضمیمه خریداری و بلافاصله بر اساس سند قانونی و رسمی که ضمیمه است جهت نشر فرهنگ اهل بیت و اهداف مختلف دینی وقف شرعی نموده و تولیتش را با خود قرار دادم.
افرادی را با اعتمادی که به آنان نمودم از جانب خود جهت تحقق اهداف موقوفه گماشتم چند سالی است که آنان از اهداف موقوفه تخلف نموده و درد آورتر اینکه آنچه پول کلان و چند خانه و چند قطعه زمین در تهران و مشهد مردم محترم به تدریج به اینجانب جهت توسعه موقوفه و تحقق اهدافش به صورت جهانی واگذار نمودند و من تصور می کردم آنان در محضر ضمیمه موقوفه می کنند بی اطلاع من به نام مؤسسه ای که جدای از موقوفه بنام خودشان ثبت داده اند ثبت رسمی نموده اند در حال حاضر که عدم صلاحیتشان شرعاً و قانوناً ثابت شده حاضر نیستند موقوفه را در اختیار تولیت قرار دهند و ضمائم و نماآت آن را به موقوفه برگردانند فعلاً تولیت شرعی از تصرف و دخالت و تحقق اهداف وقف مرحوم و موقوفه و نماآتش معطل مانده است محبت فرمائید نظر فقهی خود را در بازگشت موقوفه به تولیت و نماآت و ضمائم آن را به موقوفه بیان فرمائید.

جواب: عین موقوفه و ملحقات و عوائد آن باید بر طبق آنچه در وقفنامه مورد وثوق ذکر شده و به وسیله متولی شرعی تصرف و مصرف شود و اگر طرفین در خصوصیات امر اختلاف دارند باید به مرجع قضائی رجوع کنند.

حکم جایزۀ بانکی پول مسجد درحساب اشخاص

782. مبلغ پولی که مربوط به کمک های مردمی برای یکی از مساجد تهران بنام صاحب الزمان (ع) جمع آوری گردیده امام جماعت مسجد وجوه جمع آوری شده را به دو نفر از اعضاء هیئت امناء مسجد تحویل داده تا به بانک برده و بنام مسجد گشایش حساب بنمایند. ولی این دو نفر پول مسجد را بنام خودشان حساب باز کرده و پس از مدتی بانک مربوطه اعلام می نمایند به قید قرعه این شماره حساب برنده یک دستگاه آپارتمان در مشهد مقدس شده است و بنام صاحبان حساب سند صادر گردیده است. در حال حاضر فی مابین مسئولین مسجد و آن دو نفر اختلاف ایجاد شده است.
استدعا دارد نظر مبارک را علام فرمائید که پول مربوط به مسجد ولیکن حساب بنام آن دو نفر، آپارتمان مذکور شرعاً از آن کیست؟

جواب: مال کسی است که پول متعلق به اوست.

واگذاری سرقفلی موقوفه

783. در ماده 32 آئین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب 1385/2/10، از جمله اموری که انجام آنها موکول به اجازه

سرپرست سازمان که مأذون از طرف ولی فقیه است، موضوع: «اعطای حق تملک اعیان به مستأجر» می باشد.
نظر به اینکه در موارد متعددی در رقبات وقفی، موضوع واگذاری سرقفلی به مستأجر در واحدهای تجاری پیش می آید و به نوعی واگذاری سرقفلی، انتقال عمده منافع رقبه در بلند مدت به مستأجر می باشد که تا حدی شبیه حق تملک اعیان می باشد آیا اخذ اجازه از سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه در واگذاری حق سرقفلی الزامی است یا خیر؟

جواب: احتیاط آنست که اجازه بگیرند.

وقف خانقاه

784. در خصوص خانقاه و موقوفات منتسب به فرقه های مختلف دراویش و تبلیغات و اقدامات و مراسم انحرافی آنها در نقاط مختلف کشور، از طرف اشخاص متدین و ادارات اوقاف و امور خیریه سئوالات متعددی مطرح شده و می شود و از این سازمان درخواست تعیین تکلیف نهائی دارند.
آیا وقف املاک بر خانقاه های دراویش بصورت انتفاعی و همچنین املاک و اموالی که عواید آنها کلاً یا جزئاً بمصرف این خانقاه ها و مراسم دراویش می رسد، شرعاً چه حکمی می باشد؟

جواب: احراز جهت حرام در موضوع مورد سئوال، معلوم نیست. بنابراین وقف محکوم به صحت است.

استقراض از یک موقوفه برای موقوفه دیگر

785. گاهی برخی از موقوفات بخصوص امامزاده ها دارای درآمدی بیش از مخارج مورد نیاز آن بقعه و یا بیش از هزینه مورد نیاز اجراء نیت واقف است، و بودجه مازاد در حساب بانکی نگهداری می شـود، تا در سنـوات آتی در موضوع وقف و نیت واقف هزینه گردد از طرفی برخی از موقوفات یا امامزاده ها با کمبود درآمد مواجه می شوند و تامین مخارج مورد نیاز یا تعمیر و نگهداری آنان برای متولی یا اداره اوقاف مقدور نیست.
لذا استدعا دارد در صورت مصلحت مقرر فرمائید:
آیا از محل مازاد درآمد موقوفات و بقاع پس از اجراء نیت واقف، و باقی ماندن مقداری از وجوه، شرعاً می توان بعنوان قرض الحسنه در اختیار موقوفات نیازمند قرارداد یا خیر؟

جواب: قرض گرفتن برای موارد دیگر اشکال ندارد.

بهره برداری ازموقوفات بلا استفاده درامورعام المنفعه

786. بخشی از طرح های گوناگون جهاد سازندگی که از حیّز انتفاع خارج شده، مثل حمام های روستای و... ، آیا می شود از اینگونه بناها در زمینه های دیگر مثل مسجد و حسینیه استفاده نمود؟

جواب: مشروط بر اینکه اهالی محل نیازشان به این طرح ها منتفی شده باشد (حمام و...) استفاده از زمین اینگونه بناها در موارد دیگر که مورد نیاز روستائیان است، بلامانع می باشد.

تعیین متولی با وصف

787. هر گاه در اساسنامه مؤسسه ای که تأسیس می شود قید شود که مثلاً 5 نفر بعنوان هیأت امناء مؤسسه انتخاب می شوند و احیاناً اگر برخی از آنان از عضویت کنار رفت و یا بدلیل برخی عوارض کنار گذاشته شده شخص دیگری را بجای او انتخاب می کنند حال اگر این مؤسسه دارای مالی باشد و آن مال را وقف کنند آیا می توان هیئت امناء را که بعداً انتخاب می شوند و هنگام انشاء وقف وجود ندارند آیا عدم وجود و تعیین آنان مانع صحت جعل تولیت وقف برای آنها نیست؟ همین سوال در موردیکه تولیت وقف را برای شخصی قرار دهند و بعد از مرگ او تولیت را با عالم عادل محل یا شهر و یا روستا قرار دهند جاری است. انشاءالله با جواب کتبی راهنمایی خواهید فرمود.

جواب: اگر در انشاء وقف به این نحو در نظر گرفته شده باشد مانع ندارد ولی اگر بعد از تحقق وقف بخواهند به این نحو عمل کنند صحیح نیست.

محل مصرف عواید مسجد

788. یکی از موارد مصرف عوائد رقبات مساجد، تعمیر مسجد است که در کتاب شریف تحریر الوسیله باب وقف مساله 56 بابه آن تصریح شده است و در صورت اضافه آمدن آن باید به امام جماعت داده شود.
و همچنین در کتاب شریف عروه الوثقی باب وقف فصل الخامس فی بیان مفاد الالفاظ مساله 27، دلیل اعطاء به امام را تعمیر معنوی مسجد بیان می کند.
حال این سئوال مطرح است که آیا مراد از تعمیر در این مساله شامل تعمیر معنوی می شود یا خیر؟ تا در هزینه های برگزاری جلسات قرآن، عزاداری برای اهل بیت و جلسات آموزش احکام و هر آنچه که در عصر حاضر عرف است مثل برگزاری مجالس لیالی قدر و امثال ذلک صرف شود؟ و در صورت شمول آیا شامل هزینه های دارالقرآن متصل به مسجد نیز می شود یا خیر؟

جواب: آنچه برای تعمیر مسجد وقف شده است باید صرف ترمیم و نوسازی و امثال آن شود و آنچه برای مسجد بطور مطلق وقف شده است می تواند از قبیل فرش و روشنائی و آماده سازی برای جلسات قرآن و امثال آن نیز برسد، تأمین مالی امام جماعت نیز از قبیل همین مصارف است.

تبدیل قسمتی از مسجد به معبر عمومی

789. در طرح های تفصیلی شهری که شهرداری ها مجری آن هستند، برای عرض معابر در کوچه ها و خیابان های فرعی و اصلی، استانداردهایی تعریف شده که تسهیل رفت و آمد مردم و در مواردی، فراهم کردن امکان دسترسی خودروهای امداد رسان و در مجموع مناسب سازی فضاهای شهری را به عنوان هدف نهایی

دنبال می کند. آنچه که موجبل تصدیع شده است، استفتاء از ولی امر مسلمین در خصوص مصادیق زیر است:
1- در برخی معابر فرعی یا کوچه و خیابان، بر فرض مورد اشاره، همه یا اغلب منازل مسکونی به میزان حدود یک متر در طول یا عرض عقب نشینی کرده اند اما مسجد با ملاحضات شرعی از عقب نشینی خودداری نموده و لذا عملاً تدابیر انجام شده برای باز شدن معبر بلا اثر مانده است. آیا مسجد مجاز است برای جلب رضایت همسایگان، نسبت به واگذاری فضای مورد نیاز شهرداری، حتی اگر بخشی از شبستان باشد اقدام نماید؟
2- در طرح های نوسازی مساجد که تخریب و احداث بنای وسیع تر و مستحکم تر را در پی دارد، گاهی شهرداری ها آمادگی دارند برای تحقق اهداف مورد اشاره، بخشی از مسجد را در طول یا عرض به معابر شهری ضمیمه کنند و در مقابل، در ضلع متناظر، به همان میزان یا بیشتر با اختصاص زمین منافع مسجد را تأمین نمایند، آیا در چنین مواردی که نظر امام جماعت و امنای مسجد موید است، شرعاً حق مبادله زمین با شهرداری را دارند؟
3- در فرض صدور مجوز شرعی برای موراد اول و دوم، آیا حکم مسجد از زمینی که به فضای شهری و معبر شهروندان ملحق شده، ساقط می گردد؟

جواب: حق عقب نشینی مسجد برای تعریض معبر ولو با گرفتن عوض ندارد، در صورت نیاز به تعریض معبر از ملک مقابل مسجد به مقدار نیاز بخرند و مشکل معبر را از این راه رفع کنند.

کیفیت تحقق وقف

790. خانم مسنی یک باب منزل مسکونی را تصمیم به وقف آن گرفته بود و بعد از مراجعه به اداره اوقاف و نوشتن وقفنامه عادی به عللی از وقف کردن منصرف می گردد حال با توجه به اشکالاتی که در این وقفنامه عادی است که به پیوست خدمتتان تقدیم می گردد می خواستند ببینند که آیا وقف شرعاً تحقق پیدا کرده است که به آن پایبند باشند یا خیر؟
1- صیغه وقف خوانده نشده است.
2- قبض (بعنوان اینکه دو رکعت نماز در آن خوانده شده باشد) تحقق پیدا نکرده است.

جواب: در فرض مرقوم وقف محقق نشده است و منزل مذکور در ملک مالک باقی است.

فروش موقوفه بدلیل وجود معذورات اجرای نیت

791. بعضی از افراد بدون توجه به موقعیت و شرایط ملک و مشکلات اجرای نیت مورد نظر خیّر زمین یا منزل مسکونی خود را جهت احداث مسجد یا موضوع عام المنفعه دیگر وقف می نمایند، و ادارات اوقاف یا متولی را با محذورات شرعی و قانونی مواجه نموده و مستلزم عسرو حرج می شود.
بعنوان مثال: یک بانوی محترم منزل مسکونی 250 متری خود را در یک محل کوچک و کم جمعیت وقف احداث مسجد نموده در حالیکه در فاصله بسیار نزدیک آن مکان مسجد مناسب با ظرفیت کافی برای اهالی محل وجود دارد، در نتیجه نه اهالی محل و نه هیچ فرد خیّر دیگر آمادگی هزینه کردن برای مسجد جدید در آن محل را ندارند.
از طرفی با توجه به وجود خیابان ما بین مسجد کنونی و ملک مذکور، امکان الحاق آن به مسجد وجود ندارد.
طبق فتوای حضرت امام خمینی (ره) ، وقف انتفاع عام المنفعه مانند مسجد به هیچ وجه قابل تبدیل و تغییر نیست، لذا در صورت خراب شدن قابل فروش نیست آل الی ما آل، ولی در مقابل همانگونه که استحضار دارید مرحوم صاحب عروة (ره) و برخی از مراجع عظام کنونی در شرایط فوق الذکر اجازه بیع این مکان و تبدیل آن به محل مناسب دیگر جهت احداث مسجد و اجرای نیت واقف را می دهند.
با توجه به مراتب فوق، استدعا دارد در صورت مصلحت نظر مبارک را مرقوم فرمایید که آیا:
فروش اماکن مذکور با شرایط فوق الذکر، پس از بررسی کارشناسی و اخذ تأیید نماینده ولی فقیه در اوقاف و تبدیل آن به مکان مناسب دیگر جهت احداث مسجد جایز است یا خیر؟

جواب: جایز نیست.

وقف شخص حقوقی

792. تعدادی ملک در اختیار مساجد و حسینیه ها قرار دارد که متولیان آن تقاضای وقف نمودن آنها را از بنیاد دارند موضوع در دو مرحله در هیأت امناء مطرح گردید که در یک مورد واگذاری بلاعوض ملک برای ایجاد مسجد تصویب شد و در مورد دیگر به تنظیم وقفنامه عادی جهت احداث مسجد اتخاذ تصمیم شد ولی به علت سکوت اساسنامه در مورد اختیار تصویب وقف توسط هیأت امناء بحث و تصمیم جمع بر این شد که موضوع را از محضر مقام معظم رهبری سؤال کنند.

جواب: بنظر می رسد که وقف اموال از سوی مالک حقوقی جایز است مثل وقف املاک دولتی بوسیله دولت با لحاظ شرایط لازم، بنابراین بنیاد می تواند در مواردی که لازم است زمین هایی را برای مسجد وقف کند.

ملاک نبش قبر

793. آیا دفن جنازه در قبوری که سی سال تمام از تاریخ دفن آنها گذشته جایزاست؟

جواب: اگر اطمینان به پوسیدن و خاک شدن بدن میّت حاصل نباشد و یا تخریب قبر و شکافتن آن توهین و هتک میّت مسلمان محسوب شود تخریب و نبش قبر مسلمان جایز نیست.

فروش و تجمیع موقوفات خرد

794. همانگونه که استحضار دارید، فروش مال موقوفه جایز نیست الا در موارد معدود و خاص که در شرع مقدس و احکام فقهی ذکر شده است. لکن گاهی خارج از موارد مصرح، نگهداری موقوفه درشرایط و وضعیت موجود به مصلحت نیست و فروش و تبدیل آن به رقبه دیگر اقرب به نیت واقف و به مصلحت وقف

است.
مثـلاً در مـواردی موقـوفات بصورت قطعات پـراکنده در یک منطقه وجود دارد که بدلیل محدود بـودن ملک، درآمد و محصـول قابـل تـوجهی نـدارد و از طرفی سرمایه گذاری نیز مقرون به صرفه نیست و نگهداری آن نیـز مستلزم هزینه و زحمت زیاد وبعضاً موجب وهن موقوفه است، درصورتیکه اگر مجموعه املاک و رقبات مذکور فروخته شده وتبدیل به یک ملک واحد درمنطقه مناسب شـود، درآمد افزایش پیدا کرده و نیت واقف بهتـر اجرا میشود و هـرگـونه سرمایه گذاری برای نگهداری و افزایش تولید نیز توجیه عقلائی و اقتصادی قابل قبولی دارد.
لذا تقاضامند است در صورت مصلحت نظر فقهی و فتوای مبارک را در این خصوص بیان فرمائید و در صورت نیاز به اذن ولائی، بمنظور رعایت مصلحت و غبطه وقف، اجازه فرمائید، رقبات جزئی موقوفه که در وضعیت کنونی بازدهی نداشته ومستلزم ضرر است، با نظر وتایید نماینده ولی فقیه نسبت به تجمیع و تبدیل به احسن آنان اقدام شود.

جواب: علی العجاله فعلاً احتیاط کنید.

بیع اموال بجا مانده دربقاع

795. یکی از مسائل مبتلابه اماکن عمومی موقوفه مانند: مساجد، حسینیه ها، بقاع متبرکه و محلهای مشابه، پیدا شدن اشیاء و اموالی است که از مراجعین بجا مانده یا گم کرده اند که بعضی از آنها قابل تعریف و بـرخی نیـز غیـر قابل تعریف و پس از اعلام و یـاس از پیدا شدن مالک، کلاً مجهـول المـالک محسوب می شوند که باید از طرف صاحبان آنها صدقه داده شود.
بـا توجه به اینکه از بـاب احتیاط اذن حاکـم شـرع شـرط است، لـذا استـدعا دارد در صـورت مصـلحت اجازه فرمائید، کلیه موارد پس از فحص و یاس از پیدا شدن مالک فروخته شده و در اختیار نماینده ولی فقیه قرا رگیرد، تا از طرف صاحبان اموال صدقه داده شود.

جواب: مجازید.